

به نام خدا

گرامر کنکور MBA به سبکی دیگر

این فایل شامل گرامر کامل کنکور MBA با بررسی تمام سؤالات مهم
آزمون‌ها می‌باشد. در واقع تفاوت این فایل با فصل گرامر کتاب اصلی در
این است که اولاً مطالب مهم‌تر پوشش داده شدن و ضمناً اکثر تست‌های
مورد استفاده در متن، همان تست‌های کنکورهای سال‌های قبل هستند.
بنابراین با مطالعه‌ی کامل این فایل داوطلبان می‌توانند مطمئن باشند که
اولاً تمام مطالب مهم را خوانده‌اند و ثانیاً تمام تست‌های سالیان گذشته را
هم مرور کرده‌اند. در واقع این فایل ویژه ۲ ماه آخر نزدیک به آزمون
می‌باشد و می‌تواند اکثر مشکلات گرامری شما را حل کند.



مدرس‌ان شریف

فصل اول

« اسم، ضمیر و فعل »

معمولاً از مباحثی چون اسم، ضمیر و فعل سؤال چندانی در آزمونای سالای اخیر طراحی نشده. این گونه مباحث بیشتر در آزمونای دهه ۸۰ مورد سنجش قرار می‌گرفتند و اکنون طراحان جدید به مباحث مهم‌تری می‌پردازند که در فصلای بعدی به اونا خواهیم پرداخت. در عین حال به منظور کمک هرچه بیشتر به داوطلبان ضعیف‌تر، ذکر این سه مبحث نیز اهمیت زیادی دارند. پس در بخش زیر هریک از این مباحث رو خلاصه‌وار بررسی می‌کنیم.



خب اسم چیه؟ خیلی ساده است. اسم کلمه‌ایه که واسه نامیدن یه شخص، یه حیوون یا یه مفهوم خاص به کار میره. مثلاً کتاب و علی در زبان فارسی و book و Ali در زبان انگلیسی. اسم‌ها میتونن قابل شمارش یا غیرقابل شمارش باشن. اسم قابل شمارش اسمیه که میشه اون رو شمرد؛ مثل book. چون می‌تونیم بگیم one book یا دو کتاب. واژه‌هایی مثل table, boy, cat و... همگی تو این دسته قرار دارن، چون همه اینا رو میشه شمرد. ولی اسم غیرقابل شمارش اسمیه که نمی‌تونیم اون رو بشمریم؛ مثلاً information چون نمی‌تونیم بگیم one information یا دو اطلاعات. معمولاً قانون خاصی برای یادگیری اینکه کدوم اسم‌ها قابل شمارش و کدوم یک غیرقابل شمارش وجود نداره و تکنیک بالا هم همیشه جوابگو نیست و بهترین راه اینه که اونا رو حفظ کنیم. برای همین تو قسمت زیر یه لیست از اسامی غیرقابل شمارش رو واستون گذاشتیم که خیلی می‌تونه کمکتون کنه. یه وقت این اسم‌ها رو حفظ نکنید! فقط اون عنوانای کلی رو حفظ کنید. مثلاً یادتون باشه که مایعات و غذاها همه غیرقابل شمارش.

- **Fluids** (مایعات) : blood, water, oil, coffee, tea, gasoline....
- **Foods** (غذا) : rice, sugar, fruit, milk, bread, butter, cheese
- **Raw materials** (مواد خام) : wood, paper, glass, iron, silver, wool
- **Gases** (گازها) : oxygen, nitrogen, air, pollution, steam....
- **General** (عمومی) : furniture, mail, money, traffic....
- **Academic subjects** (رشته‌های دانشگاهی) : chemistry, mathematics, physics, psychology, linguistics....
- **Languages** (زبان‌ها) : English, Chinese, Japanese, Spanish
- **Abstract things** (مفاهیم انتزاعی) : education, health, beauty, intelligence, knowledge, sleep, hope, music, time....

اسم‌های بالا معمولاً غیرقابل شمارش. اینکه می‌گیم معمولاً، به این دلیل که ممکنه یه اسم مثل beauty یه جا معنای غیرقابل شمارش بده و یه جای دیگه قابل شمارش باشه. ولی نمی‌خوایم بیشتر از این وارد این استثنایا بشیم چون حالت‌های مختلفی داره و مهم‌تر از همه اینکه از این مباحث توی کنکور سؤال چندانی نیومده؛ فقط گفتیم که تا حدی با مبحثش آشنا بشین.



نکته آزمون: یکی از ویژگی‌های اسم قابل شمارش اینست که می‌تونیم قبل از اونا از a/an یا به عدد استفاده کنیم یا اونا رو

a chair $\Rightarrow$ chairs $\Rightarrow$ two chairs

به صورت جمع به کار ببریم. مثلاً:

a boy $\Rightarrow$ boys $\Rightarrow$ four boys

ولی اسم‌های غیرقابل شمارش این طوری نیستند؛ یعنی قبل از اونا نمی‌تونیم از a/an یا عدد استفاده کنیم. همچنین نمی‌تونیم اونا رو به صورت جمع به کار ببریم. مثل:

information $\Rightarrow$ one information $\Rightarrow$ informations

gold $\Rightarrow$ golds $\Rightarrow$ two golds

خب چون گفتیم اسم قابل شمارش رو میشه بهش S جمع اضافه کرد، فک نکنید که هر گردی گردوست. به سری از اسم‌ها مثل mathematics (ریاضی)، physics (فیزیک)، linguistics (زبان‌شناسی)، statistics (آمار)، economics (اقتصاد) و موارد این چنینی با اینکه آخرشون S دارن، ولی این S مال خودشونه، علامت جمع نیست، حواستون باشه. مثال:

Statistics is a branch of mathematics.

آمار شاخه‌ای از ریاضیات است.

To me, physics is a fascinating subject.

از نظر من، فیزیک رشته جالبی است.

اسم‌هایی هم هستن که همیشه جمع‌ان و همیشه هم با فعل جمع میان. مثال:

glasses	عینک	jeans	شلوار جین	stairs	پله‌ها
trousers	شلوار	belongings	متعلقات، وسایل	people	مردم
earnings	عایدات	goods	کالا	scissors	قیچی
pants	شلوار	police	پلیس	clothes	لباس

Several police were injured during the rioting.

چند پلیس طی شورش مصدوم شدند.

At least 40 people were killed.

حداقل ۴۰ نفر کشته شدند.

نکته آخر اینکه اسم میتونه فاعل یا مفعول باشه؛ مثلاً تو جمله "David bought two books"، David فاعله و book مفعول. اسم می‌تونه از چند کلمه هم تشکیل شده باشه که در این صورت بهش عبارت اسمی میگن؛ مثل the source of the money که از چند اسم تشکیل شده که باز هم میتونه فاعل یا مفعول باشه.

Example 1: The people attending the MBA conference in Tehran are not (MBA - سراسری ۹۰ و ۹۳)

1) mathematic's professors

2) mathematics professor

3) mathematics professors

4) mathematic professors

پاسخ: گزینه «۳» افرادی که در کنفرانس MBA در تهران شرکت می‌کنند، پروفیسورهای ریاضیات نیستند.

توضیح گرامری: علم ریاضی رو mathematics می‌گن نه mathematic و چون people جمع، professor هم باید جمع باشه. اینم ببینین:

The boy is a teacher. $\Rightarrow$ The boys are teachers.

ضمایر

دقیقاً مثل زبان فارسی، ضمیر کلمه‌ایه که به جای اسم میاد تا از تکرار اون جلوگیری کنه. مثال زیر و ترجمه‌اش رو ببینید:

The boy is 25 years old. The boy is married. آن پسر ۲۵ سال سن دارد. آن پسر متأهل است.

توضیح: خب! واژه the boy یا اون پسر در اینجا دو بار به کار رفته و چه تو فارسی و چه انگلیسی خیلی صحیح نیست؛ پس بهتره در جایگاه دوم اون رو با ضمیر مناسب جایگزین کنیم. یعنی داریم:

The boy is 25 years old. He is married.

آن پسر ۲۵ سال سن دارد. او متأهل است.

تقسیم‌بندی ضمایر: ضمایر دقیقاً مثل زبان فارسی به انواع زیر تقسیم می‌شوند. حتماً این ضمایر رو همراه با جایگاهشون حفظ کنید که اگه ازشون سؤالی اومد، به راحتی بتونین جواب بدین.

۱- ضمیر فاعلی: این ضمایر همون‌طور که از اسمشون پیداست، به جای فاعل می‌شینن و دقیقاً مثل «من، تو، او، ما و...» فارسی به کار میرن. لیست کاملشون تو جدول زیر اومده، می‌تونین ببینین. مثال‌ها رو هم ببینین تا کامل یادشون بگیرین.

	مفرد	جمع
اول شخص	I	we
دوم شخص	you	you
سوم شخص	he / she / it	they

We live in Tehran.

My wife and I are related.

ما در تهران زندگی می‌کنیم.

همسرم از خویشاوندان من است.

۲- ضمایر مفعولی: این ضمایر یا به جای مفعول میان و یا این‌که بعد از حرف اضافه به کار میرن و مثل ضمایر فاعلی به صورت «من، تو، او، ما و...» ترجمه می‌شن، ولی فرقشون اینه که اینا به جای مفعول میان. لیست کامل این ضمایر هم تو جدول زیر اومده:

	مفرد	جمع
اول شخص	me	us
دوم شخص	you	you
سوم شخص	him / her / it	them

He loves me.

We buried him.

Between you and me (not-I), he is smoking.

Learning English is easy for us.

او من را دوست دارد.

ما او را دفن کردیم.

بین خودمان باشد، او سیگار می‌کشد.

یادگیری انگلیسی برای ما آسان است.

Example 2: Moby Dick is a mythical account of evil and revenge as shown by Captain Ahab's pursuit of the whale that had wounded earlier in life.

1) he

2) his

3) him

4) to him

پاسخ: گزینه «۳» «موبی دیک»، داستانی در مورد شرارت و انتقام است که در قالب ماجرای تعقیب یک نهنگ که وی را قبلاً زخمی نموده توسط ناخدا ایهب بیان گردیده است.

توضیح گرامری: wound به معنی زخمی کردن، فعله و چون جای خالی بعد از فعل قرار گرفته می‌تونیم بگیم جای خالی باید حتماً با مفعول پر بشه. پس به ضمیر مفعولی نیاز داره که فقط him هستش که ضمیر مفعولیه. به عنوان به قانون کلی یادتون باشه که معمولاً ضمایر فاعلی قبل از فعل میان ولی ضمایر مفعولی بعد از فعل.

Example 3: For they, the most rewarding shipwreck found was the HMS Associated.

(MBA- سراسری ۹۲)

1

2

3

4

پاسخ: گزینه «۱» تحسین‌برانگیزترین کشتی به گل نشسته از نظر آنها HMS Associated بود.

توضیح گرامری: they به ضمیر فاعلیه که قبل از فعل میاد. them به ضمیر مفعولیه که بعد از حرف اضافه به عنوان مفعول میاد. پس گزینه (۱) باید به them تبدیل بشه.

۳- ضمایر ملکی: ضمایر ملکی نشون‌دهنده مالکیتان و معمولاً بعد از فعل to be میان و به صورت «مال من، مال تو و ...» ترجمه می‌شن. مثلاً اگه بخوایم بگیم «کتاب مال منه»، می‌گیم «the book is mine» یا اگه بخوایم بگیم «مال تو»، باید بگیم «yours» و ... لیست این ضمایر هم همراه با چند تا مثال تو جدول زیر اومده:

	مفرد	جمع
اول شخص	mine	ours
دوم شخص	yours	yours
سوم شخص	his / hers	theirs



The purse is hers.

این کیف، مال او است.

I couldn't work in Mary's room. Hers is even smaller than yours or mine.

نمی‌توانستم در اتاق مری کار کنم. اتاق او از اتاق تو و من هم کوچک‌تر است.

Whose book is this? This book is mine.

این کتاب مال چه کسی است؟ این کتاب مال من است.

۴- ضمایر انعکاسی: این ضمایر نشون‌دهنده بازتاب دوباره فاعل یا مفعول هستن و به‌صورت «خودم، خودت، خودش و ...» ترجمه میشن و دقیقاً مثل «خودم، خودت و ...» تو زبان فارسی به‌کار میرن. مثلاً اگه بخوایم بگیم «من خودم» می‌گیم «I myself». لیست کاملشون تو جدول زیر اومده و چند تا مثال هم آوردیم تا کاملاً باهاشون آشنا بشین.

	مفرد	جمع
اول شخص	myself	ourselves
دوم شخص	yourself	yourselves
سوم شخص	himself / herself / itself	themselves

You yourself answered the telephone.

تو خودت به تلفن جواب دادی.

You answered the telephone yourself.

خود شما مقصر هستید.

You yourselves are the guilty ones.

او خودش از بچه مراقبت می‌کند.

He himself takes care of the baby.

۵- ضمایر دوطرفه: این ضمایر شامل each other و one another می‌شن که معنی هر دوشون میشه «همدیگر». دقیقاً مثل زبان فارسی، این دو ضمیر معمولاً به‌عنوان فاعل استفاده نمیشن.

They amused each other by telling stories.

آنها با داستان سر همدیگر را گرم کردند.

Many witnesses contradicted one another.

شاهدها با هم مغایرت داشتند.

۶- ضمایر ظاهری: ضمایر ظاهری شامل it و there می‌شن. این دو تا ضمیر جالبان و ازشون هم توی کنکور سؤال اومده. این ضمایر هیچ نقشی رو تو جمله ایفا نمی‌کنن! یعنی درسته که جای فاعل میان ولی فاعل ظاهری‌ان نه فاعل واقعی. از it برای بیان زمان، فاصله و آب‌وهوا استفاده میشه. مثل:

(زمان) It's eleven o'clock.

ساعت ۱۱ است.

(فاصله) It's two miles to the town.

دو مایل به شهر مانده است.

(وضع هوا) It is raining.

هوا بارانی است.

از there قبل از فعل to be استفاده میشه و با هم به‌صورت «وجود دارد، هست» ترجمه میشن. یا می‌تونه قبل از افعال appear و seem استفاده بشه. مثال:

There are two ways to do it.

دو راه برای انجام دادن آن وجود دارد.

There seems to be two reasons for her success.

به نظر می‌رسد دو دلیل برای موفقیت او وجود داشته است.



نکته آزمون: معمولاً توی سؤالاتی که از این بخش میاد، طراحان سؤال به‌جای there از it استفاده میکنن که کاملاً غلطه. به مثال‌های زیر نگاه کنین:

Correct: There's a lot of crime now in the city center.

Incorrect: It's a lot of crime now in the city center.

در حال حاضر جرائم بسیاری در مرکز شهر وجود دارد.

Correct: There isn't much room inside his car.

Incorrect: It isn't much room inside his car.

جای زیادی در ماشین او وجود ندارد.

۷- ضمائر اشاره: این ضمائر شامل **this** و **those** و **that** می‌شن. دوتای اول برای اشاره به نزدیک به کار می‌رن و هردوشون به معنی «این» هستن. از **this** قبل از اسم مفرد و از **these** قبل از اسم جمع استفاده می‌کنیم؛ مثال: **this teacher** (این معلم) و **these teachers** (این معلم‌ها). از دوتای دومی برای اشاره به دور استفاده می‌کنیم؛ برای همین هم هستش که اونا رو به صورت «آن» ترجمه می‌کنیم. از **that** قبل از اسم مفرد و از **those** قبل از اسم جمع استفاده می‌کنیم. مثال: **that teacher** (آن معلم) و **those teachers** (آن معلم‌ها).



نکته آزمون: آخرین مبحث در مورد ضمیرها که خیلی هم مهمه و سؤال زیادی هم ازش میاد اینه که طراحان سؤال میان اسم و ضمیر رو با هم استفاده می‌کنن، که این درست نیست و فقط باید از یکی از اونا استفاده بشه. مثلاً میگویند **the man he arrived** (آن مرد او رسید). خب در این حالت یا باید **the man** یا **he** حذف بشه؛ چون کاربرد اونا با هم نادرسته. خیلی ساده به نظر میاد؛ ولی خیلی مبحث مهمیه. برای این که بهتر متوجه بشین به مثال زیر دقت کنین:

Incorrect : My teacher he said that, "listen to the news on the radio in order to practice listening comprehension".

Correct : My teacher said that "listen to the news on the radio in order to practice listening comprehension".

معلم من گفت برای تمرین درک شنیداری به اخبار رادیو گوش کنید.

Example 4: I was very shocked to see how much my grandmother she had aged since that last time we visited.

1

2

3

4

پاسخ: گزینه «۳» زمانی که متوجه شدم مادربزرگم چقدر از آخرین باری که ما همدیگر را دیده‌ایم، پیرتر شده است، شوکه شدم.

توضیح گرامری: چون **she** و **my grandmother** به یک نفر برمی‌گردد، نباید هر دوشون به عنوان فاعل استفاده بشن. پس گزینه (۳) یعنی **she** باید حذف بشه.

Example 5: The plants that they belong to the family of Ferns are quite varied in their size and structure.

1

2

3

4

پاسخ: گزینه «۱» گیاهانی که به خانواده سرخس تعلق دارند، بنا به اندازه و ساختار با هم تفاوت دارند.

توضیح گرامری: **the plants** و **they** به یک چیز برمی‌گردد. پس **they** باید حذف بشه.

فعل

فعل کلمه‌ای که عملی رو تو زمان گذشته، حال یا آینده نشون میده. معمولاً برعکس زبان فارسی که فعل آخر جمله میاد، تو انگلیسی فعل بعد از فاعل یا فعل کمکی میاد. مثال: **The man died./ He has arrived./ she killed the rat.**

تقسیم‌بندی فعل‌ها: فعل‌ها رو تو زبان انگلیسی به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌کنن ولی ما نمی‌خوایم با دسته‌بندی‌های مختلف سرتونو درد بپاریم، فقط به چند نوع فعل که جلوتر باهاشون سروکار داریم، می‌پردازیم:

۱- فعل ربطی: این فعل‌ها شامل **be, become, appear, look, remain, seem, feel, taste, smell** و **sound** می‌شن.

۲- فعل متعدی و لازم: هر فعلی می‌تونه یا متعدی یا لازم باشه. فعل متعدی چیه؟ فعل متعدی فعلیه که باید بعد از اون مفعول بیاد ولی فعل لازم به هیچ وجه مفعولی نیاز نداره. طبیعتاً تفکیک همه افعال بر اساس متعدی یا لازم بودن نه تنها تو این کتاب، تو هیچ کتاب دیگه‌ای هم ممکن نیست. فقط به نکته ساده وجود داره که میتونه تو این زمینه به شما کمک کنه. تو فارسی واسه اینکه ببینیم یه فعل متعدیه یا نه از تکنیک «چه چیزی را؟ چه کسی را؟» استفاده می‌کنیم. خب هر فعلی که با این تکنیک جواب بده، متعدیه. خیلی از افعالی که تو فارسی متعدیان تو انگلیسی هم متعدی هستن یا برعکس، خیلی از فعل‌هایی که تو فارسی لازم‌ان تو انگلیسی هم لازم‌ان. مثلاً کشتن (**kill**)، خوردن (**eat**)، آوردن (**bring**)، دیدن (**see**) و... تو هر دو زبان متعدیان و افعالی مثل آمدن (**come**)، رسیدن (**arrive**)، رفتن (**go**) و... تو هر دو زبان لازم‌ان.



۳- **فعل دو مفعولی:** این فعل‌ها همونطور که از اسمشون پیداست، به دو تا مفعول نیاز دارن که یه مفعولشون مستقیمه و یکیش غیرمستقیم. تفکیک این دو تا مفعول راحت‌تر از اونیه که فکرشو بکنید. دقت کنید که همیشه اون مفعولی که موجود زنده هستش، مفعول غیرمستقیمه. مثال:

My wife sent me a flower

همسرم برای من گل فرستاد.

توضیح: مثلاً تو این مثال، *me* که موجود زنده هستش مفعول غیرمستقیمه ولی *a flower* مفعول مستقیمه. فعل‌هایی که دو مفعولی هستن تعدادشون زیاد نیست. می‌تونیم اینجا به چندتا شون اشاره کنیم:

1. We gave them a Christmas card.

ما به آنها کارت کریسمس دادیم.

2. He bought his mother some flowers.

او برای مادرش گل خرید.

توضیح: خب تو این دو تا مثال هم، *them* و *his mother* هر دوشون مفعول غیرمستقیم‌ان، چون موجود زنده هستن و *a Christmas card* و *some flowers* هم هر دوشون مفعول مستقیم‌ان. این فعل‌ها یه نکته دیگه هم دارن. اگه دقت کنید می‌بینید که تو این سه تا مثال بالا، ما اول مفعول غیرمستقیم و بعدش مفعول مستقیم رو آوردیم. درست‌ه؟ می‌تونیم جای مفعول مستقیم و غیرمستقیم رو عوض کنیم ولی اگه این کار رو بکنیم، قبل از مفعول غیرمستقیم باید حرف اضافه *for* یا *to* بیاد. یعنی سه تا مثال بالا به این صورت میشن:

My wife sent a flower to me // We gave a Christmas card to them // He bought some flowers for his mother.

زمان‌ها: معمولاً تو زبان انگلیسی ۱۲ تا زمان وجود داره که خب خوشبختانه همشون پرکاربرد نیستن. فقط هفت - هشت زمان خیلی پرکاربردن که ما فقط همون‌ها رو بررسی می‌کنیم. شما هم لازم نیست بقیه زمان‌ها رو بخونید، چون از شون سؤال نمیداد. همون‌طور که می‌دونید، فعل‌ها تو هر زبانی که باشن سه تا زمان رو نشون میدن: گذشته، حال و آینده که هر کدوم از اینا چهار حالت ساده، استمراری، کامل و کامل استمراری دارن. چون حالت کامل استمراری کاربرد زیادی نداره، ما هم بی‌خیال توضیحاتش میشیم. خب اگه حاضرین کمر بندا رو ببندین تا با زمان‌های ساده شروع کنیم:

زمان‌های ساده: فرق «دیدم»، «می‌بینم» و «خواهم دید» چیه؟ تفاوتشون اینه که یکی تو زمان گذشته انجام شده، یکی تو حال و یکی قراره آینده انجام بشه. بنابراین زمان‌های ساده که شامل گذشته ساده، حال ساده و آینده ساده میشه هیچ فرق خاصی با هم ندارن، جز اینکه تغییر زمانی رو نشون میدن. حالا یکی‌یکی این سه زمان رو توضیح می‌دیم تا متوجه بشین. با گذشته ساده شروع می‌کنیم:

۱- **زمان گذشته ساده:** زمان گذشته ساده وقتی به کار میره که ما قراره در مورد یه عادت یا یه رویداد یا کاری صحبت کنیم که تو گذشته انجام شده و تموم شده. فعل‌های این زمان به صورت «رفتم»، «دیدم»، «شنیدم» و ... ترجمه میشه. به مثال‌های زیر و ترجمه‌هاش دقت کنین تا خیلی راحت‌تر از اون چیزی که فکرشو می‌کردین این زمان رو یاد بگیرین. هرجایی که متوجه نشدین به ترجمه‌هاش نگاه کنین، چون این زمان‌ها رو تو فارسی هم داریم:

1. I asked her a lot of questions, but she didn't answer.

من از او سؤالات بسیاری پرسیدم ولی او جواب نداد.

2. He always went to the same park every evening.

او همیشه بعدازظهرها به همان پارک می‌رفت.

3. We won a gold medal last year.

سال گذشته یک مدال طلا برنده شدیم.

فعل‌ها به یکی از دو روش زیر گذشته میشن:

روش اول اینه که «d» یا «ed» رو به انتهای فعل اضافه کنیم. بیشتر فعل‌ها به همین روش گذشته میشن، واسه همین به این فعل‌ها میگن **با قاعده**. مثل *kill* که میشه *killed*، *arrive* که میشه *arrived* و یا همون *ask* مثال ۱ که شده *asked*.

روش دوم اینه که یه سری از فعل‌ها بی‌قاعده‌ان یعنی به روش بالا نمی‌تونیم اونارو تبدیل به گذشته کنیم و به هیچ صراطی مستقیم نیستن. تعداد این فعل‌ها هم تقریباً زیاده ولی خدا رو شکر از ش سؤال نمیداد، فقط محض اطلاعات اونایی که می‌خوان بدونن گفتیم. (مثل فعل‌های مثال ۲: *go* → *went* و ۳: *win* → *won*)

راستی داشت یادمون می‌رفت که بگیم زمان گذشته از الگوی زیر پیروی میکنه:

فعل زمان گذشته + فاعل

۲- **زمان حال ساده:** از زمان حال ساده وقتی استفاده می‌کنیم که می‌خواهیم در مورد یه رویداد یا یه عادت در زمان حال یا یه حقیقت یا گفته علمی صحبت کنیم. خیلی از متن‌های علمی به این زمان نوشته میشن. فعل‌های این زمان به صورت مثلاً «می‌بینم»، «می‌خورم» و این مدلی ترجمه میشن. می‌تونیم الگوی این زمان رو همراه با چند تا مثال تو قسمت زیر ببینیم.

فعل زمان حال + فاعل

1. I see him in the class every day.

هر روز او را در کلاس می‌بینم.

2. The sun rises in the East.

خورشید از شرق طلوع می‌کند.

3. I run every morning.

من هر صبح می‌دوم.

4. The bank opens at 8:00.

بانک ساعت ۸ شروع به کار می‌کند.

5. You have a brother.

تو یک برادر داری.

خواستون به این مورد باشه که فعلی که تو زمان حال بعد از فاعل میاد، یا باید کاملاً ساده باشه یا همراه «s» یا «es» باشه. از حالت ساده وقتی استفاده می‌کنیم که فاعل، اسم جمع یا به صورت ضمیر فاعلی I, you, we یا they باشه (مثل مثال‌های ۱، ۳ و ۵) و حالت همراه با s یا es زمانی استفاده میشه که فاعل ما اسم مفرد یا she, he, it باشه (مثال‌های ۲ و ۴).

۳- زمان آینده ساده: خب! فک کنم بتونیم با تکیه به دو زمان قبلی این زمان رو تعریف کنیم. درست میگم؟ از زمان آینده وقتی استفاده می‌کنیم که می‌خوایم در مورد یه رویداد یا کاری تو آینده صحبت کنیم. این زمان به صورت «خواهم ...، خواهی ...» ترجمه میشه. الگو و مثال‌هاشم تو قسمت زیر اومدن.

شکل ساده فعل + will + فاعل

He will do the job well.

او کار را به خوبی انجام خواهد داد.

We will stay home tomorrow.

ما فردا در خانه خواهیم ماند.

I will eat lunch at 12:00.

من ساعت ۱۲ ناهار خواهم خورد.

You will win the race. I know it.

تو مسابقه را خواهی برد. من می‌دانم.

 **Example 6:** During the two centuries between Herschel and Voyager, relatively little is learned about the Planet

1

2

3

4

Uranus.

(MBA-سراسری ۹۱)

 پاسخ: گزینه «۴» طی دو قرن فاصله میان هرشل و وایجر، چیزهای نسبتاً اندکی درباره سیاره اورانوس آموخته شد.

توضیح گرامری: هرشل و وایجر دو مأموریت فضایی بودن که تو یه زمان خاص تو گذشته رخ دادن و الان دیگه تموم شدن. پس *is learned* باید به صورت *was learned* باشه. به ترجمه جمله هم اگه دقت کنین کاملاً به صورت گذشته هستش.

زمان‌های استمراری: این زمان‌ها نشون‌دهنده استمرار یه عملن و دقیقاً مثل زمان‌های ساده، به سه دسته «گذشته استمراری، حال استمراری و آینده استمراری» تقسیم میشن. در ادامه هر کدوم رو بررسی می‌کنیم:

۱- **زمان گذشته استمراری:** بچه‌ها این جمله رو ببینین: «داشتم تلویزیون می‌دیدم». این جمله چی رو نشون میده؟ نشون میده که یه عملی (تماشای تلویزیون) تو یه زمانی (گذشته، مثلاً دیروز بعد از ظهر) به صورت استمراری انجام شده. خب پس می‌تونیم بگیم زمان گذشته استمراری زمانیه که تو یه زمان خاصی تو گذشته به صورت استمراری انجام شده. این زمان به صورت «داشتم، داشتی و ...» ترجمه میشه. الگو و مثال‌هاش رو هم می‌تونین در زیر ببینین:

ing + فعل + was / were + فاعل

He was watching TV when I went home last night.

وقتی دیشب به خانه رفتم، او داشت تلویزیون تماشا می‌کرد.

I was making many new friends at the Olympic village.

من داشتم با افراد زیادی در دهکده المپیک دوست می‌شدم.

While I was taking a shower, the telephone rang.

موقعی که داشتم دوش می‌گرفتم، تلفن زنگ زد.

While you were speaking, I was not working.

وقتی شما داشتید صحبت می‌کردید، من کار نمی‌کردم.

۲- **زمان حال استمراری:** این زمان مثل زمان گذشته استمراریه. فقط به صورت «دارم، داری ... یا در حال ...» ترجمه میشه و نشون‌دهنده عملیه که به صورت استمراری تو زمان حال داره انجام میشه. الگو و مثال‌هاشم به صورت زیرن:

ing + فعل + am / is / are + فاعل

I am reading a novel right now.

من اکنون در حال خواندن یک رمان هستم.

He is studying English at the present time.

او در حال حاضر در حال مطالعه‌ی انگلیسی است.

They are playing ping-pong now.

آنها اکنون در حال بازی پینگ پونگ هستند.

۳- **زمان آینده استمراری:** زمان آینده استمراری نشون‌دهنده زمانیه که قراره تو آینده به صورت استمراری انجام بشه. مثل این جمله: «هفته بعد در حال تماشای تلویزیون خواهم بود». خب همون‌طور که می‌بینین، این جمله به عملی اشاره داره که قراره یه روزی تو آینده و به صورت استمراری رخ بده. پس با این حساب این زمان به صورت «در حال خواهم / خواهی ... بود» ترجمه میشه. مثال‌هاش و الگویش هم تو قسمت زیر اومده، ببینین و کامل حفظ کنین.

ing + شکل ساده فعل + shall / will + be + فاعل

This time next week I will be studying for the exam.

هفته آینده همین موقع من در حال مطالعه برای امتحان خواهم بود.

They will be bringing up their kid this time next year.

سال آینده در چنین زمانی آنها در حال بزرگ کردن فرزندشان خواهند بود.



قبل از اینکه به زمان‌های کامل بپردازیم، به سؤالی دارم. با بررسی مثال‌های بالا، دیگه الان باید تفاوت زمان‌های ساده با زمان‌های استمراری رو فهمیده باشید. به بار دیگه برای اون‌هایی که متوجه نشدن می‌گم، تفاوت این دو در اینه که یکی استمرار رو نشون میده و یکی عدم استمرار رو. مثلاً شباهت و فرق گذشته ساده با گذشته استمراری اینه که هر دو تو گذشته اتفاق افتادن ولی یکی استمرار داشته و یکی نداشته و این دست نویسنده و گوینده هستش که این استمرار رو نشون بده یا نه. برای همین می‌تونیم جای گذشته ساده رو با گذشته استمراری عوض کنیم، فقط معنی‌ش عوض میشه. مثال:

I watched TV yesterday (گذشته ساده) I was watching TV yesterday. (گذشته استمراری)

هر دو تا مثال بالا صحیح و فقط تفاوت معنایی و شیفت زمانی بینشون وجود داره، چون اولی به صورت «من دیروز تلویزیون تماشا کردم» و دومی به صورت «من دیروز در حال تماشای تلویزیون بودم» ترجمه میشن. اینو گفتم که به وقت فک نکنین توی آزمون به تست بهتون میدن که به گزینۀ اول گذشته ساده باشه و یکیش گذشته استمراری. یا حتی اگه اینطور هم باشه به نشونه چیزی وجود داره که یکیش نادرست باشه و یکیش صحیح. همین وضعیت در مورد حال ساده و حال استمراری و آینده ساده و آینده استمراری هم صحیح.

زمان‌های کامل: زمان‌های کامل هم مثل دو تا زمان قبلی به سه گروه «گذشته کامل، حال کامل و آینده کامل» تقسیم میشه. آینده کامل که تقریباً کاربرد چندانی نداره، پس ما هم در موردش بحث نمی‌کنیم. اما دو تای دیگه مهمان و ازشون هم توی کنکور سؤالاتی اومده. یکی از نشونه‌های زمان‌های کامل، PP یا شکل سوم فعله که تو افعال باقاعده با افزودن «ed» یا «d» به فعل ساخته میشه. دقت کنید که تو افعال باقاعده شکل گذشته و شکل سوم فعل شبیهان و فرقی ندارن. مثلاً killed هم می‌تونه شکل گذشته باشه و هم شکل سوم فعل. یا played هم می‌تونه گذشته باشه. هم شکل سوم و ... افعال بی‌قاعده از این قانون پیروی نمی‌کنن و به طریق مختص خودشون PP میشن. همچنین گفتیم افعال بی‌قاعده به روش خودشون گذشته می‌شن و از قواعد پیروی نمی‌کنن، که از این نکته هم سؤال نمیداد و فقط محض اطلاع گفتم.

۱- **گذشته کامل:** این مثال فارسی رو ببینید، «زمانی که به خانه رسیدم، علی غذایش را خورده بود». این مثال کاملاً گویاست که جمله تو گذشته رخ داده. ولی از بین دو عمل صورت گرفته، به عمل زودتر از اون یکی دیگه رخ داده. اگه گفتین کدوم درسته؟! «خوردن غذا». این عمل رو بهش می‌گیم گذشته کامل یا همون ماضی بعید خودمون. پس از گذشته کامل موقعی استفاده می‌کنیم که به عمل قبل از عمل دیگه‌ای اتفاق افتاده و به صورت «... بودم / بودی و ...» یا به عبارتی ماضی بعید ترجمه میشه. مهمتر از همه اینکه گذشته کامل هیچ وقت به تنهایی به کار نمیره و همیشه باید به یه جمله گذشته ساده بچسبه. خب چند تا جمله انگلیسی زیر رو با ترجمه‌هاش و همچنین الگوی گذشته کامل ببینید تا کاملاً مبحث رو یاد بگیرید:

قسمت سوم فعل + had + فاعل (PP)

When I came, they had eaten lunch.

وقتی که من آمدم، آن‌ها ناهار خورده بودند.

When Sara arrived at the party, Paul had already gone.

زمانی که سارا به مهمانی رسید، پائول رفته بود.

She had just left when I arrived there.

وقتی به آن‌جا رسیدم، او تازه آن‌جا را ترک کرده بود.

توضیح: خب مثال‌ها گویای همه چیز هست ولی همون‌طور که می‌بینید همه مثال‌های گذشته کامل به یه مثال گذشته ساده چسبیدن و به تنهایی به کار نرفتن. همچنین به شکل PP فعل‌ها هم اگر نگاه کنین، همه از نوع بی‌قاعده هستن.

۲- **حال کامل:** از زمان حال کامل وقتی استفاده می‌کنیم که به عملی تو گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه داره. این زمان دقیقاً مثل زمان ماضی نقلی فارسیه و به صورت «رفته‌ام، خورده‌ای و ...» ترجمه میشه. مثال‌ها و الگوها هم به صورت زیر:

قسمت سوم فعل (PP) + have / has + فاعل

1. The city centre has altered beyond recognition.

مرکز شهر چنان تغییر کرده است که قابل شناسایی نیست.

2. He has worked for 5 hours.

او به مدت ۵ ساعت کار کرده است.

3. They have walked since this morning.

آن‌ها از صبح قدم زده‌اند.

تو همی مثال‌های بالا (حالا مثلاً مثال ۲) عمل کار کردن تو به زمان خاص تو گذشته شروع شده و تا الان ادامه داشته. همچنین به شکل PP فعل‌ها دقت کنید، همه از نوع باقاعده هستن.

Example 7: Even though a member has ate too much the night before, the counselors will try to convince

1

2

3

4

him or her to stop eating again.

(MBA-سراسری ۹۳)

✓ پاسخ: گزینه «۱» گرچه یکی از اعضا شب قبل پرخوری کرده است، مشاوران سعی خواهند کرد تا او را متقاعد کنند که پرخوری مجدد را کنار بگذارد.

توضیح گرامری: ate شکل گذشته هستش ولی همون‌طور که گفتیم، بعد از has به PP نیاز داریم، پس eaten درسته.



علائم و نشانه‌های زمانی: دقت کنید که زمان‌ها به سری نشونه دارن. مثلاً نشونه‌های زمان گذشته تو زبان فارسی به سری قید مثل «دیروز، پارسال» یا به سال مثل «۱۳۸۰» و اینا میشن. تو زبان انگلیسی هم همینطوره. مثلاً علامت زمان گذشته «ago, yesterday» و مواردی از این قبیل هستش. این علائم رو الان براتون توضیح می‌دیم. دقت داشته باشید که این علائم اختیاری هستن یعنی هم می‌تونن تو جمله بیان و هم نه:

زمان گذشته ساده: این زمان معمولاً با علائمی مثل ago, last year, yesterday یا به سال مثل ۲۰۰۱, ۱۹۹۰ و موارد این چنینی میاد. مثال:

Mozart was an Austrian musician. He lived from 1756 to 1791.

موزارت یک موسیقیدان اتریشی بود. وی از سال ۱۷۵۶ تا ۱۷۹۱ زندگی می‌کرد.

زمان حال ساده: این زمان با قیده‌های تکرار مثل frequently, always, sometimes, every day و میاد مثال:

It always rains in November.

همیشه در نوامبر باران می‌بارد.

زمان آینده ساده: این زمان با کلماتی چون tomorrow, next year / week, in the future و با سالهایی که هنوز نیومدن مثل ۲۰۵۰, ۲۰۶۰ و میاد. مثال:

We will stay home tomorrow.

ما فردا در خانه خواهیم ماند.

زمان حال استمراری: این زمان با کلماتی مثل now, at the moment, right now و میاد. مثال:

I am looking for a job at the moment.

در حال حاضر به دنبال شغل هستم.

زمان گذشته استمراری: علائم این زمان شامل while و when میشه. مثال:

I was listening to the news while she was reading a book.

وقتی او داشت کتاب می‌خواند، من داشتم اخبار گوش می‌کردم.

When she came back, we were watching TV.

وقتی او برگشت ما داشتیم تلویزیون تماشا کردیم.

زمان حال کامل: این زمان معمولاً با علائمی مثل already, since, for و ... میاد.

I have lived in the United States since 2000.

من از سال ۲۰۰۰ در ایالات متحده زندگی کرده‌ام.

I have lived in the United States for 13 years.

من به مدت ۱۳ سال در ایالات متحده زندگی کرده‌ام.

البته به تفاوتی بین since و for وجود داره. since برای نشون دادن رأس زمان استفاده میشه و معنی «از» داره ولی for برای نشون دادن بازه زمانی و معنی «به مدت» میده.

Example 8: The property was ours. It to us.

(MBA - سراسری ۸۰)

- 1) belongs 2) belonged 3) belonging 4) does not belong

☒ پاسخ: گزینه «۲» دارایی به ما تعلق داشت و مال ما بود.

توضیح گرامری: چون فعل جمله اول گذشته هستش، فعل جمله دوم هم به‌صورت گذشته "belonged" میاد.

Example 9: He was working in the office while I in the library.

(MBA - سراسری ۸۲)

- 1) was 2) am 3) had been 4) have been

☒ پاسخ: گزینه «۱» او در دفتر مشغول انجام کار بود وقتی که من در کتابخانه بودم.

توضیح گرامری: was working فعل گذشته استمراریه که while هم نشونشده. فعلی که تو جمله بعد از while میاد باید گذشته ساده یا گذشته استمراری باشه. فقط گزینه «۱» گذشته هستش.

Example 10: The popularity of game theory has varied..... economics.

(MBA - سراسری ۹۱)

- 1) to be introduced by 2) in order to introduce into
3) since its introduction into 4) from its introduction by

☒ پاسخ: گزینه «۳» محبوبیت «نظریه‌ی بازی» از زمان مطرح شدنش در اقتصاد تغییر کرده است.

توضیح گرامری: has varied تو صورت سؤال به زمان حال کامله. تو گزینه (۳) هم که since نشونه حال کامله، پس همین گزینه رو انتخاب می‌کنیم.



افعال کمکی

مبحث افعال کمکی خیلی مبحث ساده‌ایه و از اون سؤال خاصی هم نمیداد. قطعاً می‌دونید که جایگاه اون معمولاً قبل از فعل اصلی یعنی به صورت زیر:

It may rain tonight. (مفعول) + فعل اصلی + فعل کمکی + فاعل

امشب ممکن است باران ببارد.

خب! جای فعل کمکی که مشخص شد. حالا باید نقشش رو بررسی کنیم. اولین نقششون اینه که به معنی جمله چیزی رو اضافه می‌کنن. مثلاً معادل انگلیسی «فارسی صحبت می‌کنم» میشه I speak Persian. حالا اگه بخوایم بگیم «می‌تونم فارسی صحبت کنیم» می‌گیم I can speak Persian. در واقع فعل کمکی can رو اضافه کردیم پس میشه گفت:

نقش اولشون وقتی که می‌خوان به معنی جمله چیزی رو اضافه کنید. دومین نقششون اینه که فک کنید می‌خوان به معنی جمله رو منفی کنین.

چه کار می‌کنین؟ طبیعتاً از فعل کمکی استفاده می‌کنید. تو زبان فارسی اگه بخوایم به معنی جمله رو منفی کنیم، فقط کافیه فعل اصلی رو به صورت منفی بگیم؛ مثلاً برو، میشه نرو. ولی تو انگلیسی نباید فعل اصلی رو منفی کنیم و به جاش باید فعل کمکی رو منفی کنیم؛ یعنی به اون not اضافه کنیم. مثال:

He can speak English ⇒ He can not speak English

نقش سوم فعل‌های کمکی وقتی هستش که می‌خوان به معنی جمله رو به صورت سؤالی بگین. مثلاً فرض کنین می‌خوان جمله بالا رو به صورت سؤال بگین. چیکار می‌کنیم؟ آفرین! جای فعل کمکی رو با فاعل عوض می‌کنیم، به صورتی که در زیر می‌بینید:

He can speak English ⇒ Can he speak English?

پس نقششون هم مشخص شد.

افعال کمکی رو به سه گروه تقسیم می‌کنن: فعل‌های کمکی نشون‌دهنده زمان، فعل کمکی do و فعل کمکی وجهی. در ادامه هرکدوم رو توضیح می‌دیم.

الف - فعل‌های کمکی نشان‌دهنده زمان: کلاً چهار تا فعل کمکی نشون‌دهنده زمان داریم که اینا هستن:

۱- **be:** یادتونه زمان گذشته استمراری و حال استمراری رو چطوری می‌ساختیم؟ $be + verb + ing$. این be که تو این الگو استفاده شده فعل کمکیه، اونم از نوع نشون‌دهنده زمان و خودش شامل $am, is, are, was, were$ میشه. واسه این بهش می‌گیم فعل کمکی نشون‌دهنده زمان که $am, is, are, was, were$ شامل $am, is, are, was, were$ میشه. واسه این بهش می‌گیم فعل کمکی نشون‌دهنده زمان که $am, is, are, was, were$ شامل $am, is, are, was, were$ میشه. مثال: I was not watching TV. // I am writing a letter

خیلی جالبه که از این فعل کمکی می‌تونیم به عنوان فعل اصلی هم استفاده کنیم. مثال: He is twenty years old. // The book was mine.

۲- **فعل کمکی have:** خب! حالا یادتونه زمان گذشته و حال کامل رو چطور می‌ساختیم؟ بله! درست. با $have + PP$. این have هم اینجا فعل کمکیه و شامل $have, has, had$ میشه. has وقتی استفاده میشه که فاعل، مفرد یا ضمیر سوم شخص مفرد باشه. $have$ دقیقاً عکس has میشه و واسه فاعل مفرد استفاده نمیشه و به جاش با فاعل جمع یا ضمائر $I, you, we, they$ استفاده میشه. had هم که شکل گذشته این دوتا ست. مثال‌های زیر رو ببینید: I have washed the dishes. // Has the boy finished his food? // They had not watched TV.

از این فعل کمکی هم دقیقاً مثل فعل کمکی be می‌تونیم به عنوان فعل اصلی استفاده کنیم. مثل: I have a book. // They have a dog.

۳ و ۴- **فعل کمکی will و shall:** این دوتا فعل کمکی هم که برای زمان آینده به کار می‌رن. مثال:

I will talk to my boss tomorrow. من فردا با رئیس صحبت خواهم کرد.

ب- **فعل کمکی do:** فعل کمکی do خودش شامل $do, does, did$ میشه. از did برای زمان گذشته و از do و $does$ برای زمان حال استفاده میشه. این فعل کمکی رو می‌تونیم بهش بگیم فعل کمکی پنهان چون مثل بقیه فعل‌های کمکی خیلی تابلو نیست. یعنی چی؟ به مثال زیر دقت کنید تا متوجه بشین: آن پسر انگلیسی می‌خواند.

جمله بالا به زمان حال ساده هستش. درست؟ اما فعل کمکی نداریم. حالا اگه بخوایم این جمله رو منفی یا سؤالی کنیم، باید چه کار کنیم؟ مجبوریم از فعل کمکی استفاده کنیم؛ اما چون فعل کمکی مون مشخص نیست باید اونو از فعل اصلی استخراج کنیم. فعل اصلیمون $studies$ هستش و چون به صورت مفرد و زمان حال (در نتیجه فاعلمون هم باید مفرد باشه)، فعل کمکی که می‌تونیم ازش بیرون بکشیم $does$ میشه، به خاطر اینکه مفرد و سوم شخص و زمان حال. پس حالت منفی و سؤالی جمله بالارو می‌تونیم به این صورت بنویسیم:

The boy does not study English. /// Does the boy study English?

اما حواستون باشه اگه فعلمون به صورت جمع و به زمان حال باشه (و در نتیجه فاعلمون به صورت جمع یا ضمایی غیر از she, he, it باشه)، باید از فعل کمکی do استفاده کنیم مثال:

The boys study English. ⇒ The boys do not study English ⇒ Do the boys study English?

دقت کنید اگه فعلمون گذشته باشه، به وقت از این فعلها استفاده نکنید. فعل کمکی مون باید did باشه.

The boy studied English ⇒ the boy did not study English ⇒ Did the boy study English?



نکته آزمون: فعلی که بعد از do, does, did و میاد باید کاملاً ساده باشه؛ یعنی es/s, ed/d و ing نباید بگیره.

Rowling did not write Harry Potter.

رولینگ هری پاتر را ننوشت.

ج - فعل کمکی وجهی: این فعلها رو بهشون modal هم میگن. به نکته که خیلی در مورد این افعال مهمه و آزش سؤال میاد اینه که نه خودشون و نه فعلی که بعد از اینها میاد هیچ کدوم s سوم شخص یا d و ed و مواردی از این قبیل نمیگیرن و ساده‌ی ساده به کار میرن. مثال:

He can sing. ✗
He can sings. ✗
He may can sing. ✗
He can sing. ✓

این فعلها شامل موارد زیرن:

can, could, may, might, should, ought to, must, have to, had to, had better, used to, would ...

فعل‌های کمکی دیگه‌ای هم هستن ولی مهم‌هاشون همین مواردی بود که گفتیم. البته از فعل‌های وجهی زیاد هم سؤال طرح نمی‌شه، پس خلاصه‌وار مهم‌ترین کاربردهشون رو بررسی می‌کنیم. خوشبختانه فعل‌های کمکی زیادی در اثر گرت‌برداری وارد زبان فارسی شدن؛ یعنی تو جمله «می‌توانم صحبت کنم»، «می‌توانم» دقیقاً از «can» گرت‌برداری شده؛ یا تو جمله «ممکنه بارون بیاد»، «ممکنه» از «may» گرت‌برداری شده. پس مبحثش خیلی سخت نیست؛ دقیقاً خیلی از این افعال کمکی رو تو زبان فارسی هم داریم:

۱- can: این فعل کمکی به صورت «تونستن» ترجمه میشه و کاربردش هم مثل تونستن فارسیه. یعنی هم توانایی رو بیان می‌کنه و هم درخواست و اجازه رو:

Can you speak English? // آیا می‌توانی انگلیسی صحبت کنی؟

Can I ask you a question? // می‌توانم سؤالی از شما بپرسم؟

۲- could: اولین کاربرد اون دقیقاً مثل can هستش؛ یعنی توانایی رو نشون میده ولی تو زمان گذشته. واسه همین به صورت «می‌تونستم، می‌تونستی و ...»

ترجمه میشه دومین کاربردهش باز مثل can هستش و اجازه و درخواست رو نشون میده.

Could you speak English 3 years ago? // آیا سه سال پیش می‌توانستی انگلیسی صحبت کنی؟

Could I open the window? // اجازه دارم پنجره را باز کنم؟

۳- may و might: این فعل‌های کمکی به صورت «ممکنه» ترجمه میشن و کاربردشون هم دقیقاً شبیه «ممکنه» فارسی هستش؛ یعنی هم احتمال رو

نشون میدن، هم اجازه رو:

It may / might rain tonight. // امشب ممکن است باران بیارد.

May / might I go out of class? // ممکن است از کلاس بیرون بروم؟

۴- should: این فعل کمکی به معنی «باید» هستش و کاربردش هم مثل «باید» فارسیه. البته should در مورد بایندی که اجبار رو نشون میده کاربرد

نداره و بیشتر برای نصیحت، انتظار و سایر موارد به کار میره. به جمله‌های زیر و ترجمه‌هاش دقت کنین:

You have fever, you should visit your doctor. // تو تب داری، باید دکترت را ببینی.

The train should arrive now. // همین الان باید قطار می‌رسید. (انتظار می‌رود که قطار الان برسد)

Next, you should mix eggs. // سپس باید تخم‌مرغ‌ها را ترکیب کنید.



۵- **have to** و **must**: این دو تا فعل کمکی دقیقاً مثل «باید» فارسی هستند، ولی اون معنی اجباری که گفتیم **should** نداره، این دو تا دارن.

You must obey traffic laws.

شما باید قوانین عبور و مرور را رعایت کنید.

You have to obey the law.

باید قانون را رعایت کنی.

فعل کمکی **had to** هم دقیقاً مثل فعل‌های کمکی **must** و **have to** هستش، ولی در مورد زمان گذشته به کار می‌ره:

I had to get up early.

مجبور بودم که صبح زود بیدار شوم.

۶- **had better** و **ought to**: این دو تا فعل کمکی به صورت «بهتره» ترجمه میشن و کاربردشون هم دقیقاً مثل «بهتره» تو زبان فارسیه. به مثال‌ها و ترجمه‌هاش نگاه کنین متوجه میشین چی میگم:

You ought to study harder.

بهتر است جدی‌تر درس بخوانی.

It might rain. We had better take an umbrella.

ممکن است باران بیارد. بهتر است چتر ببریم.

It is 5 o'clock. We had better leave now before it gets dark.

ساعت ۵ است. بهتر است قبل از اینکه تاریک شود، برویم.

نمی‌دونم متوجه شدین یا نه ولی این دو تا فعل کمکی دقیقاً مثل **should** هستن. واسه همین می‌تونیم جملات بالا رو اینطوری هم بگیم:

You should study harder

It might rain. We should take an umbrella

۷- **used to**: این فعل کمکی به صورت «عادت داشتن» ترجمه میشه و دقیقاً مثل «عادت داشتن» تو زبان فارسی استفاده میشه. ازش برای بیان عادت‌هایی استفاده می‌کنیم که قبلاً داشتیم ولی دیگه نداریم؛ یعنی یه جورایی میشه گفت عادت تو گذشته رو نشون میده. دقت کنین، فعلی که بعدش میاد باید ساده ساده باشه! یعنی این طوری:

فعل ساده + **used to**

When I was a child, I used to ice skate.

وقتی بچه بودم عادت داشتم روی یخ اسکیت کنم (ولی دیگه این کار را انجام نمی‌دهم).

I used to smoke, but now I have stopped.

من عادت داشتم سیگار بکشم، اما حالا ترک کرده‌ام.

اگه بخوایم **used to** رو منفی کنیم، از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

فعل **didn't + use + to**

I didn't use to go to school on foot every day.

من قبلاً عادت نداشتم هر روز پیاده به مدرسه بروم (اکنون این کار را می‌کنم).

خب! گفتیم **used to** برای عادت‌های گذشته استفاده میشه و فعلی که بعد از اون میاد باید ساده باشه. حالا اگه بخوایم در مورد عادت‌های الان یا عادت‌های زمان حال صحبت کنیم، چی کار می‌کنیم؟ درسته! از **be used to** استفاده می‌کنیم. خیلی جالبه که بدونید بعد از **be used to** فعل همیشه به صورت **ing** دار میاد. یعنی این طوری:

فعل **be + used to + ing** دار

I am used to driving in London now, but it was hard at the beginning.

من به رانندگی در لندن عادت کرده‌ام، اما در ابتدا برایم بسیار سخت بود.

۸- **would**: این فعل کمکی تو زبان فارسی معادل دقیقی نداره ولی در کل برای بیان درخواست مؤدبانه استفاده میشه. مثال:

Would you shut the windows please?

لطف می‌کنید پنجره را ببندید؟

دقت کنین **would** که تو ساختار **would rather** هم استفاده میشه و چون ازش سؤال اومده، این مبحث رو هم خلاصه‌وار بررسی می‌کنیم. این عبارت معنی «ترجیح دادن» میده و وقتی تو یه جمله استفاده میشه، یه سری تغییرات تو جمله ایجاد میکنه که ما این تغییرات رو به صورت الگو براتون تو قسمت زیر آوردیم:

(۱) اگه فاعل جمله ترجیح بده خودش یه کاری رو انجام بده یا انجام نده، از الگوی زیر استفاده میشه:

(بدون **to**) شکل ساده فعل + **would rather** + فاعل

I would rather stay home and do my homework.

ترجیح می‌دهم در خانه بمانم و تکالیفم را انجام دهم.

If you don't mind, I'd rather not go.

اگر اشکالی ندارد، ترجیح می‌دهم نروم.

۲) زمانی که فاعل جمله ترجیح می‌دهد به نفر (فاعل) دیگه واسش به کاری رو انجام بده، از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

فعل زمان گذشته + فاعل ۲ + would rather (that) + فاعل ۱

I'd rather that students made appointments instead of dropping by.

ترجیح می‌دهم که دانشجویان هماهنگ کنند تا اینکه سرزده بیایند.

My roommate would rather that I didn't keep the lights on after 10 o'clock.

هم اتاقی‌ام ترجیح می‌دهد که بعد از ساعت ۱۰ چراغ‌ها را روشن نگذارم.

الان دیگه باید کاملاً متوجه شده باشید از اون دو فعلی که بعد از would rather میاد، تو به الگو باید ساده باشه و تو به الگوی دیگه گذشته و اینکه توی الگوی گذشته بعد از would rather ، «that» استفاده می‌شه.



نکته آزمون: آخرین نکته رو راجع به فعل‌های کمکی بگیریم و این مبحث رو خاتمه بدیم. سه تا فعل کمکی could, should و might می‌تونن با PP + have بیان! یعنی به‌صورت زیر:

should / could / might + have + PP

- ساختار اول یعنی PP + have + should وقتی استفاده میشه که به عملی نباید تو گذشته صورت می‌گرفته اما گرفته یا برعکس به عملی باید صورت می‌گرفته اما نگرفته و اینجوری ترجمه میشه مثلاً «ت باید می‌رفتی»، «باید می‌آمدی»، «باید می‌پردی». به مثال‌های زیر و ترجمه‌هاش دقت کنید:

Now it's late. You should have seen the doctor yesterday.

اکنون دیر است، تو باید دکتر را دیروز می‌دید (ولی ندیدی).

I have a stomachache. I shouldn't have eaten too much.

دل درد دارم، نباید زیاد می‌خوردم (ولی خوردم).

- ساختار دوم یعنی PP + have + could وقتی استفاده میشه که می‌خواهیم بگیریم شخصی یا خودمون تو گذشته توانایی انجام به کار رو داشتیم ولی انجام ندادیم. این جوری هم ترجمه میشه مثلاً «می‌توانستم ازدواج کنم»، «می‌توانستم ماشین بخرم» و ... به مثال‌ها و ترجمه‌هاش دقت کنید:

I could have married anybody I wished when I was young.

وقتی جوان بودم با هرکسی که می‌خواستم می‌توانستم ازدواج کنم. (اما نکردم)

I was free last night. I could have gone to cinema.

دیشب بیکار بودم. می‌توانستم به سینما بروم. (ولی نرفتم)

I could have helped her if I wanted to.

اگر می‌خواستم، می‌توانستم به او کمک کنم. (ولی کمک نکردم)

- ساختار سوم یعنی PP + have + might وقتی استفاده میشه که می‌خواهیم بگیریم به چیزی احتمالاً تو گذشته اتفاق افتاده و ما ازش صددرصد اطمینان نداریم. به مثال‌ها و ترجمه‌هاش نگاه کنید:

He might have taken the wrong train.

او ممکن است سوار قطار اشتباهی شده باشد. (یک گمان)

I can't find my keys. I might have left them in the car.

نمی‌توانم کلیدهایم را پیدا کنم. شاید آنها را در ماشین جا گذاشته‌ام.

تو همین ساختار آخری می‌تونیم به جای might از must هم استفاده کنیم، ولی must شدت اطمینانش بیشتره. یعنی مثلاً تو might ما ۵۰ درصد احتمال می‌دیم که به اتفاقی افتاده، ولی تو must این احتمال بیشتره مثلاً ۷۰ درصد. مثال و ترجمه‌اش رو ببینید:

I can't find my keys. I must have left them in the car.

من نمی‌توانم کلیدهایم را پیدا کنم. به احتمال زیاد آنها را در ماشین جا گذاشته‌ام.

معلوم و مجهول

تقریباً همیشه گفت مبحث معلوم و مجهول مهم‌ترین مبحثیه که به فعل مرتبط میشه و سؤال زیادی هم ازش توی کنکور میاد. حالت معلوم، حالتیه که توی اون کننده و پذیرنده عمل مشخص باشه. کاربردش هم خیلی زیاده ولی بیشتر تو گفتار کاربرد داره؛ مثل: (۱) علی رضا را دید. (۲) محمد چراغ را روشن کرد. خب! تو مثال (۱)، علی کننده کاره و رضا هم پذیرنده. به همین ترتیب در مثال (۲)، محمد کننده و چراغ پذیرنده عمله. ولی حالت مجهول حالتیه که توش کننده کار نداریم (یا کننده کار خیلی اهمیت نداره) و پذیرنده عمل نقش نایب فاعل داره. دقت کنید که کاربرد حالت مجهول تو زبان نوشتاری بیشتره و تو آزمون‌ها هم خیلی مهمه؛ مثل: رضا دیده شد. چراغ روشن شد. خب تو این دو تا مثال «رضا» و «چراغ» پذیرنده و «دیده شد» و «روشن شد» عملی هستن که انجام شده. از کننده کار هم که خبری نیست.

خب حالا بیایم دو مثال انگلیسی زیر رو هم بررسی کنیم:

Ali saw Reza. علی رضا را دید.

Reza was seen by Ali. رضا توسط علی دیده شد.

تو مثال اولی Ali کننده کار و Reza هم پذیرنده کاره. ولی توی دومی Reza پذیرنده و was seen هم عملی هستش که انجام شده. خب حالا اگه گفتین کدام مثال معلوم و کدام مثال مجهوله؟ بله! درست‌ه! مثال اولی معلوم و دومی مجهوله. چرا؟ اگه دقت کنید می‌بینید که چون توی ترجمه اولی فعل شدن نداریم ولی تو دومی از فعل شدن استفاده کردیم.



نکته آزمون: از مثال‌های بالا می‌تونیم بفهمیم که اولین نکته برای پاسخگویی به سؤال‌های معلوم و مجهول همینیه که جمله رو ترجمه کنیم. اگه با «شدن» جواب داد، پس باید فعل مجهول رو انتخاب کنیم در غیر این صورت فعل معلوم نیاز داریم.

چه فعل‌هایی مجهول میشن؟

تا حدی می‌دونیم که فقط فعل‌های متعدی مجهول میشن و فعل‌های لازم نمی‌تونن مجهول بشن. حتی یه تکنیک خیلی خوب هم برای تشخیص فعل‌های متعدی و لازم گفتیم. خب! حالا چرا فعل متعدی مجهول میشه اما فعل لازم نمیشه؟ چون فقط فعل متعدی هستش که می‌تونه مفعول بگیره و همین مفعوله که باید جای نایب فاعل بشینه؛ ولی فعل لازم مفعول نداره پس هیچ نایب فاعلی هم نمی‌تونه داشته باشه؛ مثال‌های زیر رو ببینید:

The police arrested the burglar. پلیس سارق را دستگیر کرد.

The burglar was arrested by the police. سارق توسط پلیس دستگیر شد.

فعل arrest متعدیه، پس باید حتماً تو جمله‌های معلوم با مفعول بیاد. بچه‌ها این یه شرط ضروریه‌ها: حتماً فعل متعدی تو جمله‌های معلوم باید مفعول داشته باشه. خب چون مفعول داریم پس نایب فاعل هم داریم، پس می‌تونیم این جمله رو به‌صورتی که در بالا آوردیم، مجهول کنیم. اما در جمله زیر:

He is walking in the park.

فعل walk به‌معنی «قدم زدن» لازمه پس نه مفعول می‌خواهد و نه مجهول میشه.



نکته آزمون: با توجه به اطلاعات بالا می‌تونیم بگیریم روش دوم پاسخگویی به سؤالات این مبحث اینیه که به فعلمون نگاه کنیم. اگه فعلمون متعدی بود بعدش باید حتماً مفعول بیاد (تو جملات معلوم) یا اینکه فعلمون رو به‌صورت مجهول استفاده کنیم. اما اگه فعلمون لازم بود، نباید هیچ مفعولی بیاد.

Example 11: When the technique known as gene-splicing in the early 1970's, it was feared that the scientists might inadvertently create an "Andromeda strain", a microbe never before seen on Earth.

- 1) was invented 2) which invented 3) they invented 4) invented

پاسخ: گزینه «۱» زمانی که فن پیرایش ژن در اوایل دهه ۱۹۷۰ ابداع شد، این ترس وجود داشت که دانشمندان به صورت غیرعمدی آندرومدا را به وجود آورند، یعنی میکروبی که قبلاً هرگز بر روی زمین دیده نشده است.

توضیح گرامری: با تکنیک اول یعنی تکنیک ترجمه صددرصد میتونیم جواب صحیح رو پیدا کنیم. اما این تست با روش دوم هم جواب میده. پس به فعلمون نگاه می‌کنیم. فعل *invent* به معنی ابداع کردن متعدیه؛ یعنی چی؟ یعنی اینکه اگه این فعل تو جمله معلوم بیاد باید حتماً بعدش مفعول استفاده بشه. در غیر این صورت باید فعلمون مجهول باشه. خب حالا اگه جای خالی رو ببینیم، هیچ مفعولی نداریم. پس فعلمون باید مجهول باشه و گزینه (۱) صحیحه.

نشانه‌های ساختار مجهول: معمولاً ساختار مجهول دو نشونه و علامت داره.

۱. حرف اضافه *by* یا *with* بعد از فعل مجهول، که البته این نشونه کاملاً اختیاریه و همیشه تو جمله به کار نمیره.

۲. فعل مجهول همیشه با الگوی زیر ساخته می‌شه:

Be + P.P.

All the new words were looked up (by him).

همون‌طور که می‌بینید، تو این جمله‌ی مجهول، چون حضور *by him* اختیاریه، اون رو داخل پرانتز می‌ذاریم. از طرفی جمله‌مون مجهول هم هست، پس از الگوی *be + looked up* استفاده کردیم.

Example 12: It should not be assume that the lower the price, the happier the buyer. (MBA - سراسری ۹۲)

- 1 2 3 4

پاسخ: گزینه «۱» نباید چنین تصور شود که هرچه قیمت پایین‌تر باشد، خریدار راضی‌تر خواهد بود.

توضیح گرامری: ساختار مجهول مدنظر هستش پس *be assumed* صحیحه.

شیوه ساختن فعل مجهول: همون‌طور که گفتیم فقط فعل‌های متعدی مجهول میشن. فعل‌های لازم و فعل‌های ربطی هیچ کدوم نمی‌تونن مجهول بشن. پس می‌دونیم اولین کار برای مجهول کردن فعل اینه که ببینیم فعلمون متعدیه هست یا نه. اگه نبود که هیچی اما اگه بود، بایستی بعدش مفعول اومده باشه. بعد از اون میایم فاعل جمله رو حذف می‌کنیم و مفعول جمله رو به عنوان نایب فاعل، به اول جمله میاریم، در آخر هم طبق فرمول عمل می‌کنیم. فرمول‌های مجهول رو همراه با چند تا مثال تو قسمت زیر گذاشتیم. سعی کنید خوب مثال‌ها و فرمول‌ها رو یاد بگیرید تا هیچ مشکلی در این مورد نداشته باشید.

■ ساختار مجهول زمان‌های ساده:

am / is / are + PP	⇒	حال ساده مجهول:
was / were + PP	⇒	گذشته ساده مجهول:
will + be + PP	⇒	آینده ساده مجهول:

معلوم		مجهول
◆ I do a good work. من یک کار خوب انجام می‌دهم.	حال ساده	A good work is done. یک کار خوب انجام می‌شود.
◆ I did a good work. من یک کار خوب انجام دادم.	گذشته ساده	A good work was done. یک کار خوب انجام شد.
◆ I will do a good work. من یک کار خوب انجام خواهم داد.	آینده ساده	A good work will be done. یک کار خوب انجام خواهد شد.



■ ساختار مجهول زمان‌های استمراری:

am / is / are + being + PP	⇒	حال استمراری مجهول:
was / were + being + PP	⇒	گذشته‌ی استمراری مجهول:
will + be + being + PP	⇒	آینده‌ی استمراری مجهول:

معلوم

مجهول

I am doing a good work. در حال انجام یک کار خوب هستم.	→ حال استمراری	A good work is being done. یک کار خوب دارد انجام می‌شود.
I was doing a good work. داشتم یک کار خوب انجام می‌دادم.	→ گذشته استمراری	A good work was being done. یک کار خوب داشت انجام می‌شد.
By 8 PM tomorrow, I will be doing a good work. فردا تا ساعت ۸ بعدازظهر، من در حال انجام یک کار خوب خواهم بود.	→ آینده استمراری	By 8 PM tomorrow, a good work will be being done. فردا تا ساعت ۸ بعدازظهر یک کار خوب انجام می‌شود.

■ ساختار مجهول زمان‌های کامل:

has / have + been + PP	⇒	حال کامل مجهول:
had + been + PP	⇒	گذشته‌ی کامل مجهول:

معلوم

مجهول

I have done a good work. من یک کار خوب انجام داده‌ام.	→ حال کامل	A good work has been done. یک کار خوب انجام شده است.
I had done a good work. من یک کار خوب انجام داده بودم.	→ گذشته کامل	A good work had been done. یک کار خوب انجام شده بود.

Example 13: Fortunately, a group of astrophysicists has been proposed a means of detecting cosmic Neutrinos

1

2

by harnessing the mass of the ocean.

3

4

(MBA - سراسری ۹۵)

✓ پاسخ: گزینه «۱» خوشبختانه، گروهی از متخصصان فیزیک نجوم، با مهار توده اقیانوسی، ابزاری برای شناسایی نوترینوهای کیهانی پیشنهاد کرده‌اند.
توضیح گرامری: *propose* به معنی «پیشنهاد کردن» متعدی هستش. پس در جملات معلوم باید بعد از اون مفعول بیاد. تو گزینه (۱) این فعل به صورت حال کامل مجهول به کار رفته. با این حساب نباید بعد از اون مفعول بیاد ولی اومده، پس باید فعل رو به صورت معلوم بگیریم یعنی *has proposed*

Example 14: The fundamental similarity of liquids and gases becomes clearly apparent when the temperature and pressure

(MBA - سراسری ۹۴)

1) raise somewhat

2) are raised somewhat

3) somewhat raising

4) somewhat raised

✓ پاسخ: گزینه «۲» شباهت اساسی مایعات و گازها وقتی به وضوح معلوم می‌شود که دما و فشار، اندکی بالا برده شوند.
توضیح گرامری: با توجه به معنی جمله راحت به گزینه (۲) می‌رسیم. اما اگر ترجمه رو کنار بذاریم، می‌تونیم بگیریم که *raise* متعدی، پس باید در حالت معلوم بعد از اون مفعول بیاد ولی چون بعد از جای خالی مفعول نیومده پس باید از فعل مجهول استفاده کنیم.

تست‌های طبقه‌بندی شده فصل اول

 1- This fabric made of cotton.

- 1) is 2) are 3) be 4) was

(MBA و مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری ۸۰)

 **2- Our chief executive officer like coffee at all.**

- 1) do 2) don't 3) doesn't 4) isn't

(MBA) و مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری (۸۰)

 3- I didn't the check.

- 1) pay 2) paid 3) paying 4) to pay

(MBA و مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری ۸۰)

 **4 A:** I wish I didn't have to go away.

(MBA - سہ ماہی، ۸۶)

B: I'm sure you your stay in the countryside next weekend.

- 1) enjoy 2) will enjoy 3) have to enjoy 4) will have enjoyed

 **5- A: Why isn't Mary driving to work this week?**

(MBA - سراسری، ۸۶)

B: She has been taking the bus recently because her car

- 1) be repaired 2) needs to repair 3) is being repaired 4) has been repairing

 **6-In most systems of the conflict of laws, questions concerning the personal and proprietary relationships between members of a family as a general rule by the personal law.** (MBA - سراسری ۸۸)

- 1) were governing 2) was governing 3) is governed 4) are governed

7- The Ford Theater where Lincoln was shot must

(MBA - مسرا سوری، ۹۰)

- 1) restore 2) restored 3) be restoring 4) have been restored

 **8- Ancient civilizations such as Phoenicians and the Mesopotamians trade goods rather than use money.** (MBA = مبر اساس ۹۰)

(MBA - سراسری ۹۰)

- 1) used to 2) use to 3) is used to 4) was used to

 9- The surface of the moon was shaped by the meteorites whose impact craters of all sizes.

(سراسری ۹۱)

- 1) form 2) formed 3) are forming 4) forming

 10-The discovery that dreams take place primarily during a distinctive state of sleep, to identify by

1

2

objective criteria, led to a rebirth of interest in dreams. No Error.

(دکتری ۹۱)

3

4

 11- Travelers their reservation beforehand if they want to go on a journey during the Nowruz holidays.

(سراسری ۹۰ و ۹۳)

- 1) had better got 2) had better get 3) has better to get 4) has to get better

12- Most insurance agents would rather you anything about collecting claims until they investigate the situation.

(سراسری ۹۰ و ۹۳)

- 1) didn't do 2) didn't 3) don't 4) do



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده فصل اول

۱- گزینه «۱» این پارچه از پنبه ساخته شده است.

توضیح گرامری: *This fabric* مفرد. بنابراین به فعل مفرد نیاز داریم و چون جمله به زمان حال اشاره دارد، گزینه (۱) صحیح (حال ساده مجهول).

۲- گزینه «۳» مدیر کل اجرایی ما اصلاً قهوه دوست ندارد.

توضیح گرامری: *officer* مفرد پس گزینه‌ی (۱) و (۲) میرن کنار. ضمناً چون *coffee* مفعوله پس ساختار مجهول مدنظر نیست.

۳- گزینه «۱» چک را پرداخت نکردم.

توضیح گرامری: گفتیم فعلی که بعد از *did* میاد باید ساده باشه، پس گزینه (۱) صحیح.

۴- گزینه «۲» A: ای کاش مجبور نبودم بروم. B: مطمئنم از اقامت‌تان در نواحی روستایی، در تعطیلات آخر هفته لذت خواهید برد.

توضیح گرامری: *next weekend* یا *next year* و... نشونه‌های آینده هستن.

۵- گزینه «۳» A: چرا مری این هفته تا محل کارش با ماشینش نرفت؟ B: چون ماشینش نیاز به تعمیر دارد، سوار اتوبوس شد.

توضیح گرامری: فعل *repair* به معنی تعمیر کردن متعدیه ولی بعد از جای خالی مفعول نداریم. پس فقط ساختار مجهول اینجا درسته و گزینه (۳) صحیح.

۶- گزینه «۴» در اغلب سیستم‌های تعارض قوانین، پرسش‌های مربوط به روابط فردی و مالکیتی بین اعضاء یک خانواده، طبق عرف عمومی توسط قانون فردی حل و فصل می‌شوند.

توضیح گرامری: برای بیان یک حقیقت علمی از زمان حال ساده استفاده میشه و چون *questions* جمع به فعل جمع نیاز داریم.

۷- گزینه «۴» تئاتر فورد، جایی که لینکلن تیر خورد باید بازگردانی شده باشد.

توضیح گرامری: از *must + have + PP* برای بیان احتمال قوی استفاده میشه.

۸- گزینه «۱» تمدن‌های باستان از قبیل فنیقی‌ها و بین‌النهرین قبلاً به جای استفاده از پول، به داد و ستد کالاها می‌پرداختند.

توضیح گرامری: چون در مورد عادت گذشته صحبت می‌کنیم، *used to* صحیح که فعل بعد از *اون* باید ساده باشه.

۹- گزینه «۲» سطح ماه توسط شهاب سنگ‌هایی شکل گرفت که دهانه‌های آتشفشانی را در همه‌ی ابعاد ایجاد کردند.

توضیح گرامری: چون جمله به زمان گذشته اشاره دارد، برای هماهنگی افعال، از *formed* استفاده می‌کنیم.

۱۰- گزینه «۲» این اکتشاف که رؤیا عمدتاً در طول یک حالت خاص از خواب اتفاق می‌افتد، منجر به احیای توجه به رؤیاها شد.

توضیح گرامری: در گزینه (۲) باید *to identify* به *as identified* تبدیل بشه، چون *by* نشونه مجهوله.

۱۱- گزینه «۲» برای مسافران بهتر است اگر می‌خواهند طی تعطیلات نوروز به مسافرت بروند از پیش، صندلی‌های خود را رزرو کنند.

توضیح گرامری: پس از *had better* فعل به صورت شکل ساده به کار میره.

۱۲- گزینه «۱» مأموران بیمه ترجیح می‌دهند، شما در خصوص جمع‌آوری مطالبات هیچ کاری انجام ندهید، تا زمانی که آنها شرایط را بسنجند.

توضیح گرامری: طبق الگو داریم: فعل گذشته + فاعل ۲ + *would rather* + فاعل ۱ بنابراین فقط گزینه (۱) صحیح. گزینه (۲) فعل نیست پس نادرسته.



مدرسین شریف

فصل دوم

«صفت و قید»

صفت، کلمه یا حتی گروهی از کلماته که اسم یا ضمیر رو توصیف می‌کنه. پس اولین نکته مهم آزمون اینه که بدونید برای توصیف اسم و ضمیر باید حتماً از صفت استفاده کنید. صفت عمدتاً در دو جایگاه استفاده میشه:

Old house, new teacher, expensive book

۱- قبل از اسم

۲- بعد از افعال ربطی. افعال ربطی عبارتند از:

appear	به نظر رسیدن	look	به نظر رسیدن	prove	ثابت کردن/ شدن
feel	احساس کردن	seem	به نظر رسیدن	smell	بو داشتن
taste	مزه داشتن	sound	به نظر رسیدن	be	بودن
He is <u>old</u>	/	She seems <u>tired</u> .	/	The idea sounds <u>great</u> .	

توضیح: تو این سه تا مثال، *old* و *tired* و *great* هر کدام به ترتیب *she* و *the idea* رو توصیف میکنن.

اما می‌رسیم به قید، قید مثل صفت نیست؛ درسته که معمولاً از صفت ساخته میشه ولی برای توصیف فعل، صفت و یا حتی یه قید دیگه استفاده میشه نه برای توصیف اسم. مثال:

It's nearly complete. / She did it fairly easily. / Carefully analyze the data.

توضیح: قیدهایی این سه تا مثال یعنی *nearly* و *fairly* و *carefully* به ترتیب صفت *complete* قید *easily* و فعل *analyze* رو توصیف میکنن.

یادتون میاد تو دوران راهنمایی می‌گفتن یه سری قید داریم مثل قید زمان، قید مکان و قید حالت و الی آخر. دو تا قید اول رو که بی‌خیال میشیم، چون هیچ وقت ازشون سوآلی نیومده. بیشتر بحث ما در مورد قید، مربوط به قید حالت که شامل همون قیدهایی میشه که با اضافه کردن *ly* به صفت ساخته میشن، مثل *badly*، *slowly*، *carefully* و ... پس هر وقت یه کلمه رو دیدین که آخرش *ly* داره به احتمال ۹۹ درصد قید حالتیه. واسه چی می‌گیمن ۹۹ درصد؟ واسه اینکه چند تا صفت هم داریم که به *ly* ختم میشن. یعنی *ly* بخشی از خود کلمه هستش و اضافه نشده بهشون. مهم‌تریناشون اینایی هستن که می‌بینید:

cowardly	ترسو	friendly	دوستانه	likely	محتمل	motherly	مادرانه
lively	سرزنده	lovely	دوست‌داشتنی	sickly	بیمار	silly	احمقانه

یه استثنای کوچیکه دیگه رو هم بگیم و این مبحث رو ببندیم: تو راهنمایی بهمون می‌گفتن که *fast* و *well* هم قیدن، مگه میشه؟ پس چرا آخرشون *ly* نداره؟ واسه اینکه قیدهایی حالتی داریم که از این قاعده مستثنی هستن. مثل *well* (به خوبی)، *fast* (به سرعت)، *late* (دیر)، *hard* (سخت). یعنی مثلاً *fastly* نداریم. البته *hardly* و *late* داریم، ولی معنیشون فرق میکنه. *hardly* میشه «به‌ندرت» و *late* میشه «خیراً». مثال‌ها رو ببینید:

He needs medical help fast.

او سریعاً به کمک پزشک نیاز دارد.

My sister went to the class late yesterday.

خواهرم دیروز دیروقت به کلاس رفت.

He played hard.

او سخت بازی می‌کرد. (با جان و دل بازی می‌کرد)

He hardly played at all.

او به‌ندرت بازی می‌کرد.

توضیح: تو دو تا مثال اول، *fast* فعل *need* و *late* فعل *went* رو توصیف میکنن. به تفاوت معنایی دو تا مثال آخر هم دقت کنین.



نکته آزمون: معمولاً توی تست‌هایی که از این مبحث طرح می‌شه و اکثر سؤالاتش هم مربوط به بخش تصحیح جمله می‌شه، طراح سؤال میاد مثلاً به جای صفت از قید استفاده می‌کنه یا برعکس به جای قید از صفت استفاده می‌کنه که باید مراقب باشین. پس واسه اینکه اشتباه نکنین به بار دیگه فرق صفت و قید رو ببینین تا خیالتون در مورد این مبحث کاملاً راحت باشه.

Example 1: Some people like raw meat, while others like meat only if it is well-cooked. Many people like butter freshly and firmly, but there are people in India who like it melted into an oil. (MBA - سراسری ۸۷)

پاسخ: گزینه «۳» بعضی از مردم گوشت خام دوست دارند، در حالی که دیگران گوشت را فقط اگر خوب پخته باشد دوست دارند. بسیاری از مردم کره را تازه و منجمد دوست دارند، اما افراد دیگری در هند هستند که دوست دارند به شکل روغن ذوب شود.
توضیح گرامری: *freshly and firmly* قیدین دیگه درسته؟ معنیشون هم میشه تازه و منجمد، اما به نظر شما «تازه و منجمد» بیشتر با «دوست داشتن» جور در میاد یا با «کره»؟ تابلونه که با کره پس چون کره (*butter*) اسم، (*freshly and firmly*) باید به صورت صفت (*fresh and firm*) بشه. بچه‌ها! ما که گفتیم صفت قبل از اسم میاد! پس واسه چی اینجا بعد از اسم اومده؟! توضیحش رو که تو درس‌های بعدی بهترتون میگم، فعلاً همین قدر بدونین کافیه.

Example 2: The concept of contract is arising from voluntary agreement or promises made by persons to each other. (MBA - سراسری ۸۸)

- 1) legal obligatory 2) of a legal obligation 3) legally obligation 4) of legal obligatory

پاسخ: گزینه «۲» مفهوم قرارداد دارای تعهدی قانونی است که ناشی از توافق داوطلبانه و یا قول و قرارهایی است که افراد به یکدیگر داده‌اند.
توضیح گرامری: *obligatory* صفته. البته چون واژه‌اش تقریباً پیشرفته است شاید همه ندونن صفته؛ معنیش هم میشه «اجباری». خوب چون صفته، باید واسه توصیفش از قید استفاده کنیم. یعنی قید *legally* پس گزینه‌های (۱) و (۴) حذف می‌شن. اما تو گزینه (۳)، *obligation* معنیش میشه «تعهد» و چون اسم باید واسه توصیفش از صفت *legal* استفاده کنیم نه قید *legally* پس فقط می‌مونه گزینه (۲).

Example 3: There was once a king who had three daughters, all lovely maidens, but the youngest, Psyche, excelled her sisters so great that beside them she seemed a very goddess consorting with mere mortals. (MBA - سراسری ۸۸)

پاسخ: گزینه «۳» روزی روزگاری شاهی وجود داشت که سه دختر داشت، که همگی دوشیزگانی دوست داشتنی بودند، ولی جوان‌ترین‌شان، یعنی سایکی، آن قدر از خواهرانش بهتر بود که در کنار آنها، او مانند یک الهه متمایز بود که تنها با موجوداتی فناپذیر هم‌نشین شده بود.
توضیح گرامری: فعل *excel* به معنی «سبقت گرفتن، بهتر بودن» هستش. گفتیم واسه توصیف فعل به قید نیاز داریم. پس *great* نادرسته و *greatly* صحیحه. بچه‌ها همین‌طور که مثال‌ها رو می‌خونید سعی کنید معنی واژه‌هایی رو هم که نمی‌دونید، یاد بگیرید.



نکته آزمون: فک نکنین به وقت اگه به جایی دیدین دو تا صفت پشت سر هم اومده باید حتماً صفت اولی رو به قید تبدیل کنید. حواستون باشه فقط زمانی شما اجازه این کار رو دارین که صفت اول توصیف‌کننده صفت دوم باشه. مثلاً تو *completely tired* کاملاً مشخصه که قید *completely* صفت *tired* رو توصیف میکنه. ولی مثال زیر رو ببینین:
کارخانه بزرگ ایرانی خودروسازی
مثلاً تو این مثال صفت *big* صفت *Iranian* رو توصیف نمی‌کنه؛ بلکه هم صفت *big* و هم صفت *Iranian* هر دو صفت *factory* رو توصیف می‌کنن. به وقت نگین: *a bigly Iranian car factory*.

نکته دیگه‌ای که خیلی در مورد صفت‌ها و قیده‌ها مورد سنجش قرار می‌گیره به تقسیم‌بندی‌های مختلف صفت و قید مربوط میشه. یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌ها به صورت صفت/ قید مطلق، صفت / قید تفضیلی و صفت / قید عالییه. بیاین با صفت شروع کنیم: زمانی که یه صفت به صورت ساده به کار میره بهش صفت مطلق می‌گیم. *old, young, clever* و همگی صفت مطلقن. صفت تفضیلی صفتیه که دو فرد یا شی رو با هم مقایسه میکنه و معمولاً تو فارسی با «تر» همراهه. بهتر یا *better*، پیرتر یا *older*، گرانتر یا *more expensive* همگی صفت تفضیلی‌ان. و در نهایت صفت عالی صفتیه که تو فارسی معمولاً با «ترین» همراهه مثل *the most expensive* یا گران‌ترین، *the oldest* یا پیرترین، *the best* یا بهترین. چون دو صفت تفضیلی و عالی خیلی مهم‌ان بیاین جداگانه هر یک رو بررسی کنیم.

صفت تفضیلی (Comparative Adjective): فرض کنید می‌خوایم بگیم یکی از یکی بهتر، بدتر، زنگ‌تر یا ... هستش یا یه چیز از چیز دیگه نوتر، گرون‌تر و باکیفیت‌تر، تو این جور مواقع باید از صفت تفضیلی استفاده کنیم چرا؟ چون قصد داریم برتری یکی رو نسبت به یکی دیگه بیان کنیم. همون‌طور که گفتیم، صفت تفضیلی صفتیه که دو فرد یا شی رو با هم مقایسه میکنه و معمولاً تو فارسی با «تر» همراهه. اما تو انگلیسی با چی همراه؟ واسه دونستنش، باید راه‌های ساخت صفت تفضیلی رو بررسی کنیم. دو راه واسه ساختن صفت تفضیلی وجود داره:

الف - با افزودن er به انتهای صفات: در دو صورت صفت تفضیلی با *er* ساخته می‌شه:

۱- در صورتی که صفتمون کوتاه یا به اصطلاح یه هجایی باشه:

old → older bright → brighter young → younger

۲- در صورتی که صفتمون دو هجاییه ولی به *y* ختم شده:

happy → happier likely → likelier easy → easier

تو این صفت‌ها وقتی *er* بهشون اضافه می‌شه به *i* تبدیل می‌شه.

ب - با افزودن more یا less به ابتدای صفات: در دو صورت هستش که صفت تفضیلی با *more* یا *less* ساخته می‌شه:

۱- صفتمون دو هجاییه ولی به *y* ختم نشده:

careful → less / more careful , pleasant → less / more pleasant

۲- صفتمون بیشتر از دو هجا داشته باشه:

interesting → more / less interesting , difficult → more / less difficult

بچه‌ها، چون هجا شمردن خودش یه سری قوانین داره و ما هم این قوانینو درس نمی‌دیم، یه قاعده کلی میگم که اکثر جاها جواب میده. هر چی صفتمون کوتاه‌تر باشه، به احتمال زیاد *er* باید بهش بدیم، ولی بر عکس هر چی صفتمون بلندتر باشه *more/less* نیاز داره.

صفت تفضیلی نمیتونه همزمان هم *er* بگیره و هم *more* یا *less* داشته باشه. فقط یکیشون صحیحه؛ بنابراین *more easier* نادرسته و *easier* صحیحه یا *more difficult* نادرسته و *more difficult* صحیحه. از طرفی معمولاً صفت تفضیلی با *than* همراهه که این مثل «از» فارسی ترجمه میشه. مثلاً اگه بخوایم بگیم «بزرگ‌تر از» میگیم *bigger than*، یا اگه بخوایم بگیم «جوان‌تر از» میگیم *younger than*. خب این صفت رو تو چند تا جمله هم ببینین بد نیستش:

Ali is taller than his brother.

علی از برادرش بلندتر است.

My house is more expensive than his house.

خانه من گران‌تر از خانه‌ی او است.

Today's warmer than yesterday.

امروز گرم‌تر از دیروز است.



نکته آزمون: معمولاً تست‌هایی که از این بحث میان به دو شکل طراحی می‌شن. یکی اینکه که شما باید به بعد از جای خالی نگاه کنین و به محض این‌که کلمه *than* رو دیدین، فوراً گزینه‌ای رو انتخاب کنین که در اون از صفت تفضیلی استفاده شدم در نوع دیگه باید به قبل از جای خالی نگاه کنین و به محض این‌که متوجه صفت تفضیلی شدین، *than* رو برای جای خالی انتخاب کنین.

Example 4: From universal to specific essays, biochemical to cell-based, no one gives you a broader range of tools to research enzymatic targets in epigenetic (MBA - سراسری ۹۵)

- 1) as Cisbio does 2) as does Cisbio 3) with Cisbio 4) than Cisbio

پاسخ: گزینه «۴» از مقالات بین‌المللی تا مقالات محلی، از مقالات بیوشیمی تا مقالات سلول - بنیاد، کسی جز شرکت دارویی سیسبیو نمی‌تواند دامنه وسیع‌تری از ابزارها را برای تحقیق در مورد اپی‌ژنتیک در اختیار شما قرار دهد.

توضیح گرامری: broader صفت تفضیلیه که معنیش میشه «وسیع‌تر». پس گزینه (۴) رو انتخاب می‌کنیم که با *than* به کار رفته.

Example 5: According to the graduate catalog, student housing is more cheaper than housing off campus. (MBA - سراسری ۹۰)

- 1 2 3 4

پاسخ: گزینه «۳» طبق کاتالوگ فارغ‌التحصیلی، اسکان دانشجویی خیلی ارزان‌تر از اسکان در خارج از محوطه‌ی دانشگاه است.

توضیح گرامری: more cheaper نداریم، cheaper صحیح.

صفت تفضیلی مضاعف: وقتی می‌خواهیم از دو صفت تفضیلی استفاده کنیم، طبق فرمول زیر عمل می‌کنیم. این الگو خیلی خیلی مهمه و سؤال زیادی ازش طرح شده، پس خوب حفظش کنیم. معمولاً تو این الگو، صفت تفضیلی به صورت «هرچه ... تر ... تر» ترجمه میشه. مثال هاش و ترجمه هاش رو ببینیم:

صفت تفضیلی + The + ... + صفت تفضیلی + The

The sooner, the better.

هرچه سریع‌تر، بهتر.

The more coffee physicians drink, the greater is the likelihood to have coronary diseases.

هرچه پزشکان قهوه بیشتری بنوشند، احتمال ابتلا به بیماری‌های شریانی بیشتر است.

The smaller the house, the less it will cost us to heat. هرچه خانه کوچک‌تر باشد، گرم کردن آن برای ما هزینه کمتری خواهد داشت.

Example 6: The more advanced the specialization in production and the more complex the economy, to make any given good reach its ultimate user by using barter. (MBA - سراسری ۹۵)

- 1) it will be costlier to undertake all the necessary transactions
- 2) it will be necessary to undertake all the costlier transactions
- 3) the costlier it will be to undertake all the transactions necessary
- 4) more necessary it will be to undertake all the transactions costly

پاسخ: گزینه «۳» هرچه تخصص در تولید پیشرفته‌تر باشد و اقتصاد هم پیچیده‌تر باشد، تقبل کلیه تراکنش‌های مورد نیاز برای رساندن یک کالای معین به کاربر نهایی آن با استفاده از مبادله پایاپای، پرهزینه‌تر خواهد بود.

توضیح گرامری: طبق الگو داریم: صفت تفضیلی + the, ..., صفت تفضیلی + the یعنی به صورت زیر:

The more advanced the, the costlier it will



نکته آزمون: همون‌طور که صفت تفضیلی داریم، قید تفضیلی هم داریم. ولی قیدها به خاطر اون ly آخرشون، معمولاً er نمی‌گیرن و با less / more تفضیلی میشن؛ چون همون ly باعث میشه یه هجا بهشون اضافه بشه.

We finished the test more rapidly than Mark. ما سریع‌تر از مارک امتحان را تمام کردیم.

The teacher spoke more slowly to help us to understand.

معلم آهسته‌تر صحبت کرد تا به ما کمک کند مطلب را بفهمیم.

دقیقاً قید تفضیلی مضاعف هم داریم. کلاً هرچه در مورد صفت تفضیلی صحیح در مورد قید تفضیلی هم صحت داره.

صفت عالی (Superlative Adjective): گفتیم صفت عالی صفتیه که معمولاً با «ترین» همراه مثل the most expensive یا گران‌ترین، the oldest یا پیرترین، the best یا بهترین. صفت عالی وقتی استفاده میشه که می‌گیم یه فرد یا چیزی بین چند فرد یا چند چیز، مثلاً بهترین، بدترین یا بزرگ‌ترین و ... برای ساخت این صفت هم دو راه وجود داره:

الف - با افزودن est به انتهای صفات: در دو صورت باید صفت عالی رو با est ساخت:

۱- اگه صفتمون کوتاهه یا به اصطلاح یه هجاییه:

old → oldest

bright → brightest

young → youngest

۲- اگه صفتمون دو هجاییه ولی به y ختم شده:

happy → happiest

ب - با افزودن most یا least به ابتدای صفات: مواقعی هست که صفت عالی با most / least ساخته می‌شه:

۱- صفتمون دو هجاییه ولی به y ختم نشده:

careful → most / least careful

pleasant → least / most pleasant

۲- صفتمون بیش از دو هجا داشته باشه:

difficult → most / least difficult

interesting → least / most interesting



نکته آزمون: یادتونه گفتیم صفت تفضیلی با than میاد. صفت عالی هم یه نشونه دارم. اونم اینکه همیشه قبلش از the استفاده میشه؛ یعنی داریم: the brightest, the most interesting و... حالا بیاین این صفت رو هم تو مثال ببینیم:

Ali is the shortest student in the class.

علی کوتاه‌ترین دانش‌آموز کلاس است.

That park is the most beautiful park in their city.

آن پارک، زیباترین پارک شهرشان است.

دقیقاً مثل صفت عالی، قید عالی هم داریم ولی باز به خاطر همون ly که آخر قید میاد، بیشتر قیدهایی عالی با least / most ساخته میشن. قید مضاعف هم داریم:

She is the most beautifully dressed woman I have ever seen.

او شیک‌پوش‌ترین زنی است که تا به حال دیده‌ام.

Example 7: Studies show that employees work most efficiently when they are involved in the total operation rather than in only one part of it.

✓ پاسخ: گزینه «۱» تحقیقات نشان می‌دهد که کارکنان زمانی بیشترین بازدهی را دارند که در کل عملیات مشارکت کنند، نه صرفاً در یک بخش از آن.

توضیح گرامری: گزینه (۱) نادرسته و باید بگیم *the most efficiently*.

یه سری کلمات هستن که برای تبدیل شدن به صفت تفضیلی و عالی، از قواعد بالا تبعیت نمی‌کنن؛ مثلاً good نمیشه gooder یا goodest و به روش خودشون تفضیلی یا عالی میشن. به بعضی از اونا تو جدول زیر اشاره کردیم:

مطلق	تفضیلی	عالی
good	better than	the best
bad	worse than	the worst
much / many	more than	the most
little / few	less / fewer than	the least / the fewest

That book is the worst one I have ever read.

آن کتاب، بدترین کتابی است که تا به حال خوانده‌ام.

He is the best engineer in the company.

او بهترین مهندس شرکت است.

Example 8: The more the relative humidity reading 1 rises, 2 the worst the heat 3 affects 4 us. (MBA - سراسری ۹۰)

1 2 3 4

پاسخ: گزینه «۲» هرچه رطوبت نسبی بالاتر رود، گرما اثر بیشتری بر روی ما می‌گذارد.

توضیح گرامری: خب طبق الگوی قید مضاعف داریم: قید تفضیلی + the قید تفضیلی + the

the more, the worse

صفت تساوی: از اونجایی که صفت تفضیلی و صفت عالی به صورت «تر» و «ترین» ترجمه میشن، تفاوت و نابرابری رو نشون میدن. ولی اگه بخوایم تساوی بین دو فرد یا دو چیز رو نشون بدیم، از صفت تساوی استفاده می‌کنیم. برای ساختن صفت تساوی باید صفت مطلق رو بین as...as قرار بدیم که از این الگو می‌تونیم هم تو جملات مثبت و هم تو جملات منفی استفاده کنیم. گاهی می‌تونیم به جای as...as از soas هم استفاده کنیم؛ ولی دقت کنین که این الگو فقط تو جملات منفی به کار میره. یعنی به صورت زیر:

مثال	ساختار	توضیح	حالت
Mina is (not) as old as Ali.	as + صفت مطلق + as	در جمله‌ی مثبت و منفی	اول
I am <u>not</u> so tall as you.	so + صفت مطلق + as	فقط در جمله‌ی منفی	دوم

The weather this summer is as bad as last year.

تابستان امسال، هوا به همان بدی سال پیش است.

It is not as heavy as I thought it would be.

به آن سنگینی که انتظار داشتم، نیست.

از الگوی as...as... می‌تونیم برای بیان نابرابری هم استفاده کنیم ولی به صورت زیر:

as + صفت مطلق + as + half / twice / three times etc.

You are not half as clever as you think you are.

نصف آنچه که خودت فکر می‌کنی هم زرنگ نیستی.

It took three times as long as I expected.

سه برابر طولانی‌تر از آنچه که انتظار داشتم وقت گرفت.

الگوی بالایی رو می‌تونیم به صورت زیر هم بازنویسی کنیم:

than + قید / صفت تفضیلی + times + three / four etc.

It was ten times more difficult than I expected.

ده برابر سخت‌تر از آنچه بود که انتظار داشتم.

She can walk three times faster than me.

او سه برابر تندتر از من راه می‌رود.

نکته آزمون: همون‌طور که تو الگوی بالا می‌بینید از twice و half تو ساختار آخری استفاده نمی‌شه. یعنی twice as old as صحیحه ولی twice older than غلطه.

او دو برابر خواهرش سرزنده است. (Not: She's twice livelier than her sister.)

آنها نصف برادر من ثروت دارن. (Not: They are half richer than my brother.)

Example 9: The new manufacturing process should save us time overall, even though the first step of the five-step process will take it does under the old process. (MBA - سراسری ۹۴)

1) twice longer than 2) twice as long as 3) longer twice than 4) as long as twice

پاسخ: گزینه «۲» فرایند جدید تولید باید در مجموع، در زمان ما صرفه‌جویی کنه؛ اگرچه، اولین مرحله از این فرایند پنج مرحله‌ای، دو برابر فرایند قبلی زمان می‌برد.

توضیح گرامری: خب گزینه‌های (۳) و (۴) که کلاً بی‌ربطن. گزینه (۱) هم که نادرسته چون twice longer نداریم ولی twice as long as داریم که می‌شه گزینه (۲).

صفات ملکی (Possessive Adjectives): صفات ملکی، مثل آب خوردنه و مبحثشون در حد دبیرستانه و دقیقاً مثل ضمائر متصل فارسی «م، ت، ش و ...» ترجمه میشن و برعکس فارسی که بعد از اسم میان، تو انگلیسی همیشه قبل از اسم استفاده میشن. لیست این صفات همراه با چند مثال رو می‌تونید اینجا ببینید:

my	our
your	your
his / her / its	their

او به پشتش آسیب رساند. // He injured his back. کتابم را در کیفم گذاشتم. I put my book in my bag.

صفت فاعلی و مفعولی: این مبحث تقریباً مبحث مهمیه. اگه بخوایم یه تقسیم‌بندی کلی از صفات انجام بدیم، می‌گیم یه سری از صفات از ریشه فعل ساخته میشن یه سری نه، اینطوری نیستن. مثلاً صفت «خوب»، «بد»، «زیبا» از ریشه فعل ساخته نمیشن ولی صفتهایی مثل «گیج شده» یا «گیج کننده» از ریشه فعل «گیج کردن» ساخته میشن. زبان انگلیسی هم از این قاعده مستثنی نیست. مثلاً **bored** و **boring** هر دوشون از ریشه فعل **bore** ساخته شدن ولی **clever** و **good** هیچ ریشه فعلی ندارن. اون صفتهایی رو که از ریشه فعل می‌سازیم، بهشون صفت فاعلی و مفعولی می‌گیم که هر کدومشون رو جداگانه تو قسمت زیر بررسی می‌کنیم.

صفت فاعلی: صفت فاعلی، صفتیه که تو فارسی معمولاً با ترکیب «ریشه فعل + کننده» و تو انگلیسی با ترکیب «verb + ing» ساخته میشه. پس تو مثال‌های بالا، گیج‌کننده و boring هر دوشون صفت فاعلی‌ان. اما صفت فاعلی کجا به کار میره؟ به این جمله دقت کنین «ترجمه دانش‌آموزان را خسته کرد». تو این جمله «ترجمه» فاعل یا کننده کاره، «دانش‌آموزان» مفعوله و «خسته کرد» هم فعل جمله هستش. حالا اگه بخوایم واسه «ترجمه» صفت فاعلی بسازیم، می‌گیم: ترجمه خسته‌کننده بود. مثال‌های انگلیسی زیر هم همین‌طوری‌ان:

Translation bored students. —→ Translation was boring.

ترجمه خسته‌کننده بود.

The film excited me. —→ The film was exciting.

فیلم هیجان‌انگیز بود.



نکته آزمون: بعضی منابع میگن صفت فاعلی واسه غیرانسان به کار میره. تقریباً تکنیک درسته ولی همه جا کاربرد نداره. مثلاً میگن چون translation غیرانسانه به صفت فاعلی نیاز داریم. شما هم میتونین از این تکنیک استفاده کنین ولی مراقب باشین چون همه جا جواب نمیده. تکنیک دیگه اینه که جمله رو ترجمه کنید. ترجمه خیلی اینجا جواب میده. اگه احساس کردین که باید ریشه فعل رو مثلاً به‌صورت «کسل‌کننده، کشنده»، «جذاب» و موارد این‌چنینی ترجمه کنین، صفت فاعلی رو انتخاب کنین.

I watched a **frightening** film on TV last night.

دیشب فیلم ترسناکی از تلویزیون دیدم.

صفت مفعولی: صفت مفعولی، صفتیه که تو فارسی معمولاً با ترکیب «ریشه فعل + شده» و تو انگلیسی با ترکیب verb + ed یا شکل سوم فعل ساخته میشه. مثلاً «گیج‌شده» و bored هر دوشون صفت مفعولی‌ان. صفت مفعولی کجا به کار میره؟ تو همون جمله خودمون «ترجمه دانش‌آموزان را خسته کرد»، اگه بخوایم واسه «دانش‌آموزان» صفت مفعولی بسازیم، می‌گیم: «دانش‌آموزان خسته بودند». مثال‌های انگلیسی زیر هم همین‌طوری هستن:

Translation bored students. —→ Students were **bored**. (دانش‌آموزان خسته بودند)

The film frightened the boy. —→ The boy was **frightened**. (پسرک ترسید)



نکته آزمون: بعضی منابع میگن صفت مفعولی واسه انسان یا موجود زنده استفاده میشه. ولی من بازم میگم تکنیک خوبیه ولی همه جا جواب نمیده. اینجا هم ترجمه خیلی جواب میده. پس شما جمله رو ترجمه کنین، اگه دیدین باید ریشه فعل رو به‌صورت «کشته شده»، «جذب شده» و ... ترجمه کنین، صفت مفعولی رو انتخاب کنین.



خب بچه‌ها واسه اینکه هم خیال من کاملاً راحت شه هم شما، به صفت فاعلی و مفعولی جمله‌های زیر دقت کنین:

The puzzle confused him. —→ the puzzle was confusing. / He was confused.

صفت فاعلی

صفت مفعولی

They were tired because the class wasn't exciting and interesting. آنها خسته بودند، چون کلاس هیجان‌انگیز و جالب نبود.

Example 10: Many items are turned into the railroad officials every week.

(MBA و مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری ۸۳)

1) lose

2) loss

3) losing

4) lost

پاسخ: گزینه «۴» هر هفته بسیاری از اقلام گم‌شده به مأموران راه‌آهن تحویل داده می‌شوند.

توضیح گرامری: این تست از اون مدل تست‌هایی هستش که فقط با ترجمه جواب میده. تو این سؤال *item* انسان نیست، پس اگه از تکنیک انسان - غیرانسان که گفتیم، استفاده کنیم به گزینه درست نمی‌رسیم. ولی چون می‌خوایم بگیم «اقلام گم‌شده» نه «گم‌کننده» گزینه (۴) رو انتخاب می‌کنیم.

Example 11: But the results do not mean that teaching does not matter. That's like arguing that because

1

differences in height are mostly down to genes, food does not affect height in well-feeding children.

2

3

4

(MBA - سراسری ۹۵)

پاسخ: گزینه «۴» اما نتایج به این معنا نیستند که آموزش مهم نیست. مانند این می‌ماند که ادعا کنیم، چون تفاوت‌های قدی عمدتاً مربوط به ژن‌ها می‌شوند، خورد و خوراک بر کودکانی که از تغذیه مناسب برخوردارند، تأثیری ندارد.

توضیح گرامری: جمله‌اش به کم طولانی و شاید همه نتونن ترجمه‌اش کنن. اگه تونستین ترجمه‌اش کنین که خیلی راحت به جواب صحیح می‌رسین. اما اگه نتونستین، خوشبختانه این تست با تکنیک انسان / غیرانسان جواب میده. چون *children* انسانه پس *well-fed* (خوب تغذیه‌شده) صحیحه.



تست‌های طبقه‌بندی‌شده فصل دوم

🐞 1- A: What did you think of Frank's new project? B: The more we heard about it,

(MBA - سراسری ۸۶)

- | | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| 1) we got more enthusiastic | 2) more enthusiastic we got |
| 3) the more we got enthusiastic | 4) the more enthusiastic we got |

🐞 2- Stone Mountain, a huge dome of granite near the city of Atlanta, is 1686 feet height and measures 7 miles around at its base.

(MBA - سراسری ۸۷)

🐞 3- For many people, a vigorous walking program using powerful, synchronized arm strokes can help achieve a more shapely body.

(MBA - سراسری ۸۸)

🐞 4- The density of your bones depends on how much you exercised and what you ate as a child and young adult. The densest your bones at the growing age, the less your risk of developing osteoporosis.

(MBA - سراسری ۸۸)

🐞 5- The bell signaling the end of the first period rang loud, interrupting the professor's closing comments.

(سراسری ۹۰ و ۹۳)

🐞 6- She was apparently to the interviewer and was naturally to hear that they had finally decided to offer her the job.

(MBA و مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری ۸۵)

- | | |
|------------------------------|-------------------------------|
| 1) disappointing – surprised | 2) disappointing – surprising |
| 3) disappointed – surprising | 4) disappointed – surprised |

🐞 7- In nature, the less insect-like insects look,

(سراسری ۹۴)

- | | |
|--|--|
| 1) their chance of survival was better | 2) the better their chance of survival |
| 3) better was their survival chance | 4) their survival chance the better |



باسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده فصل دوم

۱- گزینه «۴» A: نظرتان در مورد پروژه جدید فرانک چه بود؟ B: هرچه بیشتر در مورد آن شنیدیم بیشتر علاقمند شدیم.

توضیح گرامری: طبق الگو داریم: *the + صفت تفضیلی + ... , the + صفت تفضیلی + ...*

۲- گزینه «۴» کوه سنگی، که یک قله بزرگ گرانیته در نزدیکی شهر آتلانتاست، ۱۶۸۶ فوت بلندی دارد و اندازه دور پایه آن ۷ مایل است.

توضیح گرامری: تو انگلیسی اگر بخوایم بگیم یه چیزی ۲ متر ارتفاع داره می‌گیم *2 meters high* یا سه متر عمق داره می‌گیم *3 meters deep* پس تو گزینه ۴ باید *height* رو به *high* تبدیل کنیم.

۳- گزینه «۴» برای بسیاری از مردم، یک برنامه محکم و سریع راه رفتن با استفاده از حرکات موزون و پر قدرت دست‌ها به‌طور هم‌زمان می‌تواند به رسیدن به یک بدن خوش ترکیب‌تر کمک کند.

توضیح گرامری: اول اینکه *shapely* صفت نه قید؛ *by* آخرشو نخورین و معنیش میشه «خوش‌ترکیب». ضمناً گفتیم اگر صفتمون دوهجایی باشه و به *y* ختم شده صفت تفضیلی رو با *er* می‌سازیم پس *shapelier* صحیح.

۴- گزینه «۳» تراکم استخوان‌های شما بستگی به این دارد که شما تا چه اندازه تمرین‌های ورزشی انجام داده‌اید و در زمان کودکی و نوجوانی چطور تغذیه‌ای داشته‌اید. هرچه استخوان‌های شما در زمان رشد متراکم‌تر باشد، به همان اندازه در معرض خطر کمتری در برابر بیماری پوکی استخوان قرار دارید.

توضیح گرامری: از الگوی صفت تفضیلی + *the + the + صفت تفضیلی* استفاده شده. پس گزینه (۳) باید *denser* بشه.

۵- گزینه «۲» زنگ که نشانه‌ی پایان دوره‌ی اول بود با صدای بلند به صدا درآمد و نکته‌های پایانی پرفسور را قطع کرد.

توضیح گرامری: باید از قید *loud* یعنی *loudly* استفاده کنیم چون فعل *rang* رو توصیف می‌کنیم.

۶- گزینه «۱» ظاهراً او برای مصاحبه‌گر یک عامل ناامیدکننده بود و طبیعتاً شگفت‌زده شد وقتی که شنید نهایتاً آنها تصمیم گرفتند کار را به او پیشنهاد دهند.

توضیح گرامری: تو جایگاه خالی اول به صفت فاعلی (*disappointing*) نیاز داریم و تو جایگاه خالی دوم به صفت مفعولی (*surprised*).

۷- گزینه «۲» در طبیعت، هرچه حشرات کمتر به حشره شبیه باشند، شانس زنده ماندن آن‌ها بیشتر است.

توضیح گرامری: از الگوی زیر استفاده شده:

صفت تفضیلی + *the + the + صفت تفضیلی*



مدرسین شریف

فصل سوم

«معرفها، کمیت نماها و تشدیدکنندهها»

معرفها

معرفها که تو انگلیسی بهشون **determiner** میگن قبل از اسم میان. از معرفها بیشتر تو مبحث تصحیح جمله سؤال میاد و از اونجایی که چند سالی میشه این بخش از آزمون اصلی حذف شده، ما هم به طور خلاصه و در حد آشنایی بهشون می‌پردازیم. معرفها تو انگلیسی به سه نوع تقسیم میشن: **حروف تعریف، ضمایر اشاره و صفات ملکی**. چون ضمایر اشاره و صفات ملکی رو تو بخش‌های قبلی بهشون پرداختیم، اینجا در موردشون صحبت نمی‌کنیم. اما می‌رسیم به حروف تعریف که مبحثشون فوق‌العاده گسترده هستش و حتماً از قبل تا حدی باهاشون آشنایی داریم. سه تا حرف تعریف تو انگلیسی وجود داره که به این صورتن:

حرف تعریف: $\left. \begin{array}{l} \text{معین} \leftarrow \text{the} \\ \text{نامعین} \leftarrow \text{a, an} \end{array} \right\}$

the رو واسه این بهش میگن حرف تعریف معین چون قبل از اسمی میاد که از پیش واسه نویسنده معرفه شده حالا این اسم ممکنه قابل شمارش، غیر قابل شمارش یا مفرد یا جمع باشه ولی **a** و **an** همیشه قبل از اسم مفرد نکره میان. واسه اینکه فرقشون رو متوجه بشین دو مثال زیر رو ببینین:

در اینجا **a boy** به شخص خاصی اشاره نداره و منظور نویسنده در اینجا اینه که یه پسر رو دیدیم نه دختر، پدر یا هر چیز دیگه.

در اینجا **the boy** به شخص خاصی اشاره داره که نویسنده اونو می‌شناسه.

I saw a man in Azadi street; the man was one of my childhood friends.

مردی را در خیابان آزادی دیدم، اتفاقاً یکی از دوستان دوران کودکی‌ام بود. {چون **man** واسه نویسنده معرفه شده یعنی می‌شناسدش، از **the** استفاده کردیم}.

کمیت نماها

کمیت‌نما که بهش ضمیر شمارشی یا پیش اسم هم میگن همون ترجمه **quantifier** هستش و قبل از اسم میاد که این اسم ممکنه مفرد، جمع یا غیر قابل شمارش باشه. تو فارسی هم ما عینشون رو داریم مثلاً «همه»، «برخی»، «مقداری» و ... کمیت‌نمای فارسی هستن. مهم‌ترینشون رو تو جدول زیر آوردیم. این جدول رو اگه حفظ کنین نصف راه رو رفتیم.

اسم قابل شمارش و غیر قابل شمارش	اسم غیر قابل شمارش	اسم قابل شمارش جمع	اسم مفرد
some	little	few	each
any	a little	a few	every
no	much	a number of	either
a lot of		several	neither
all		many	another
		each of	
		either of	
		neither of	
		both of	

۱- **each, every, another**: سه تایی‌شون قبل از اسم مفرد به کار میرن. اینقدر تابلو هستن که فک کنم مثال‌ها رو ببینین کاملاً مطلبش براتون جا بیفته.

Every student must do his own homework.

هر دانش‌آموز باید تکالیف خودش را انجام دهد.

Each gland has a distinct purpose.

هر غده‌ای (غده بدن)، هدف مشخصی دارد.

I want to read **another book**.

می‌خواهم کتاب دیگری بخوانم.

توضیح: همین‌طور که کاربردشون رو یاد می‌گیرین، معنی‌شون رو هم یاد بگیرین اونوقت دیگه خیالتون راحت میشه که همه تست‌هاشو می‌تونین جواب بدین، چون هر سه حالت تو فارسی هم وجود داره.

بین این سه کمیت‌نما، **each** میتونه به تنهایی استفاده بشه یا حتی با **of** هم میتونه بیاد که اگه با **of** بیاد، اسم بعدش همیشه جمع باید باشه نه مفرد.

Each of the students/ the books // هر کدام یک اتومبیل دارد. **Each has a car.**



نکته آزمون: **each** و **every** هیچ وقت تو جملات منفی نمیان. **every** ممکنه بیاد ولی اگه بیاد به صورت زیر میاد:
Not every student attended the conference.

هر دانشجویی به کنفرانس نیومد.

Example 1: The **brilliantly** colored rhinoceros viper **has** two or three **horns** above **each** **nostrils**.

1

2

3

4

(MBA - سراسری ۸۹)

✓ پاسخ: گزینه «۴» افعی کرگدنی با رنگ روشن، دو یا سه شاخک بالای هر سوراخ بینی خود دارد.

توضیح گرامری: **each** قبل از اسم مفرد میاد. پس باید علامت جمع **nostrils** رو حذف کنیم و بگیریم **nostril**

۲- **either** و **neither**: جفتشون قبل از اسم مفرد میان. **either** بار معنایی مثبت داره و معنیش میشه «هر یک» ولی **neither** بار معنایی منفی داره و به معنی «هیچ یک» میشه.

It was a game in which **neither team** deserved to win.

بازی‌ای بود که در آن هیچ‌یک از دو تیم سزاوار برنده شدن نبود.

Come on Tuesday or Thursday. **Either day** is ok.

سه شنبه یا پنج شنبه بیا. هر یک از این دو روز خوبه.

توضیح: همون‌طور که ترجمه‌ی جمله‌ها نشون میده، از این دو تا کمیت‌نما وقتی استفاده میشه که می‌خوایم در مورد دو چیز صحبت کنیم نه بیشتر. مثال زیر رو هم ببینین:

The house has a door at **either** end.

این خانه در هر یک از دو طرف خود در دارد (جلو و عقب این خانه در دارد).

Neither journalist could finish their articles.

هیچ یک از دو روزنامه‌نگار نتوانست مقاله خود را تمام کند.

۳- **both, many, several, a few, few**: هر پنج‌تاشون قبل از اسم قابل شمارش جمع میان. برای اینکه بهتر متوجه بشین، مثال‌ها و ترجمه‌هاش رو ببینین:

I had **a few** good **reasons** for doing that.

برای انجام آن کار چند دلیل خوب **کم** داشتم.

Few people live up to 90.

کمتر کسی تا ۹۰ سالگی زنده می‌ماند.

There are **many** students who registered in this course.

دانش‌آموزان بسیاری در این کلاس ثبت‌نام کردند.

He lost **both his** parents when he was a child.

او در کودکی، هر دو والدینش را از دست داد.

Example 2: Although southern California is densely populated, live in the northern part of the state.

1) a little people

2) a few the people

3) few people

4) a little of people

✓ پاسخ: گزینه «۳» گرچه جنوب کالیفرنیا پرجمعیت است، افراد کمی در بخش شمالی این ایالت زندگی می‌کنند.

توضیح گرامری: **people** جمع و پیش از اون از **few** استفاده می‌کنیم. گزینه (۲) به خاطر کاربرد اون **the** نادرسته.

۴- **a little** و **much**: هر سه قبل از اسم غیرقابل شمارش استفاده میشن. کاربردشون و معنی‌شون رو ببینین:

I had **a little** money, so I could lend him some.

از آنجا که **کمی** پول داشتم، توانستم اندکی به وی قرض بدهم.

There is **much** money in the wallet.

پول زیادی در کیف است.

hey had **little** money to spend.

آنها **پول کمی** برای خرج کردن داشتند.

توضیح: این کمیت‌نماها رو هم تو فارسی داریم؛ پس یادگیریشون خیلی سخت نیست. معنی‌شون رو حتماً حفظ کنین.

Example 3: For the investor who possesses money, gold and bonds are good alternatives.

(MBA - سراسری ۹۰ و ۹۳)

- 1) so few 2) so little a 3) very few 4) very little

✓ پاسخ: گزینه «۴» برای سرمایه‌گذاری که پول بسیار کمی دارد، طلا و اوراق مشارکت جایگزین‌های خوبی هستند.

توضیح گرامری: money اسم غیرقابل شمارش. پس قبلش نباید از a استفاده کنیم. پس گزینه (۲) صیغه کنار. few هم که قبل از اسم قابل شمارش جمع می‌آید، پس (۱) و (۳) هم غلطن، خب! (۴) می‌مونه دیگه!

Some, any و no: هر سه ناشون می‌تونن هم با اسم قابل شمارش بیان و هم اسم غیرقابل شمارش ولی به لحاظ کاربردی متفاوتن:

Some معمولاً تو جملات مثبت میاد و به صورت «مقداری» یا «تعدادی» ترجمه میشه:

Some eggs are in the box.

تعدادی تخم‌مرغ در جعبه است.

Some money is needed to help the poor.

مقداری پول نیاز است تا به فقرا کمک شود.

حالا اگه بخوایم بگیم «مقداری آب» می‌گیم some water یا اگه بخوایم بگیم «تعدادی کتاب» می‌گیم some books.

Any معمولاً تو جملات منفی و جملات سؤالی میاد و به صورت «هیچ» ترجمه میشه:

He doesn't have any money.

او هیچ پولی ندارد.

Are there any other questions?

آیا سوال دیگری هم هست؟

از any می‌تونیم تو جمله‌های مثبت هم استفاده کنیم ولی اون موقع معنیش میشه «هر».

You can use any chair you wish.

می‌تونی از هر صندلی دلت می‌خواد استفاده کنی.

No معمولاً تو جملات مثبت استفاده میشه ولی به صورت «هیچ» ترجمه میشه:

There were no shops open.

هیچ مغازه‌ای باز نبود.

No tourists has ever come to our village.

تا به حال هیچ توریستی به روستای ما نیامده است.

نکته آزمون: کلماتی که از some, any و no ساخته میشن، مثل somebody, anybody و ... دقیقاً به

I met someone you know last night.

همین شکلی که گفته شد به کار میرن:

من دیشب کسی را ملاقات کردم که شما می‌شناسید. {جمله مثبت}

There isn't anybody here who can help you.

اینجا کسی نیست که بتواند به شما کمک کند. {جمله منفی}

There is no one here.

اینجا کسی نیست. {جمله مثبت اما مفهوم منفی}

Nothing ever happens in this city.

تاکنون اتفاق خاصی در این شهر رخ نداده است. {جمله مثبت اما مفهوم منفی}

بچه‌ها این مثال رو ببینن:

He has come to school without any books.

او بدون کتاب، به مدرسه آمده است.

به نظرتون این مثال عجیب نیست؟ گفتیم any تو جملات منفی میاد پس علامت not کجاست؟ اینو گفتیم که فکر نکنید جملات منفی رو همیشه با not

می‌سازن. در حقیقت جمله بالا منقیه که نشونه‌ی منفی بودنش هم without است. پس از این مثال یاد می‌گیریم که اگه مثالی به ما بدن که توش از

کلمات without (بدون)، hardly (به ندرت)، never (هرگز) و موارد این طوری استفاده شده بود، اون جمله هم منقیه.

There is hardly any rice in our house.

تقریباً برنجی در خانه نداریم.

We went out without any money.

ما بدون پول بیرون رفتیم.

He is lazy. He never does any work.

او تنبل است و هیچ کاری انجام نمی‌دهد.

all و none: این دو تا می‌تونن قبل از اسم قابل شمارش جمع یا اسم غیرقابل شمارش بیان. All به معنی «همه» میشه و فقط تو جملات مثبت میاد:

1. All cars have brakes.

همه اتومبیل‌ها ترمز دارند.

2. All information is confidential.

همه اطلاعات محرمانه هستند.

گفتیم all تو جملات منفی نمیاد. به جاش از none of استفاده می‌کنیم (البته باز تو جملات مثبت ولی با مفهوم منفی) که معمولاً قبل از اسم قابل شمارش جمع میاد:

None of us cares what happens to him.

برای ما مهم نیست که چه اتفاقی برای وی می‌افتد.

None of these boys is clever.

هیچ کدام از این پسرها باهوش نیستند.

توضیح: all که خیلی واضح و توضیح خاصی نیاز نداره. اما لازمه در مورد none of به کم توضیح بدیم. اول اینکه none of چون از no ساخته شده، باید تو جملات مثبت استفاده بشه ولی به جمله مفهوم منفی میده. دوم اینکه از none of وقتی استفاده میشه که در مورد چند تا چیز صحبت می‌کنیم نه دو تا. جدول زیر رو ببینید:

تعداد	جمله مثبت	جمله منفی
چند تا	All the girls left early.	None of the girls left early.
دو تا	Both the girls left early.	Neither of the girls left early.

توضیح جدول: گفتیم all تو جملات مثبت میاد و منفیش میشه none of از این دو تا وقتی استفاده میشه که ما در مورد بیشتر از دو چیز یا دو شخص صحبت می‌کنیم. Both مثل all تو جمله‌ی مثبت میاد ولی برای دو تا چیز / شخص کاربرد داره و منفیش میشه neither of



نکته آزمون: خیلی از کمیت‌نماهایی که تا الان بررسی کردیم رو می‌تونیم با of قبل از ضمائر یا قبل از معرفها استفاده

کنیم. البته کاربردشون همچنان ثابت می‌مونه و تغییری نمی‌کنه: Neither of my sisters is married
هیچ یک از {دو} خواهرم متاهل نیستند. {neither of قبل از صفت ملکی}

You can use either of these bathrooms.
می‌توانی از هر یک از {این دو} حمام استفاده کنی. {either of قبل از ضمیر اشاره}

Some of my friends got ill. {some of قبل از صفت ملکی}

Each of the students needs to do their homework on time.
هر یک از دانش‌آموزان باید به موقع تکالیفشان را انجام دهند. {each of قبل از the}

یه نکته دیگه در مورد دو کمیت‌نمای many و much بگیریم، مبحث کمیت‌نما کلاً تموم میشه. این نکته چون ارزش سؤال اومده مبحث مهمیه بنذارید نکته‌اش رو به‌صورت الگو بگیریم تا راحت‌تر بتونید حفظش کنید:

اسم دوم + as + as + {much many}	+ as	{half twice three times etc}	+ مفعول + فعل + فاعل
------------------------------------	------	---------------------------------------	----------------------

We make money twice as much as you do.

ما دو برابر شما پول دادیم.

They bought books three times as many as we did.

آنها سه برابر ما کتاب خریدند.

توضیح: خب! تو مثال اولی money مفعول جمله هستش. درسته؟ البته غیرقابل شمارش هم هست، پس باید از much استفاده کنیم. بقیه جمله هم که طبق الگو کاملاً قابل درک هستش. اما تو مثال دوم، مفعول flowers هستش و چون قابل شمارش جمع، از many استفاده می‌کنیم. اگه ترجمه مثال بالا رو هم حفظ کنید خاطر ما رو از بابت یادگیری این مبحث راحت می‌کنید.

می‌تونیم الگوی بالا رو با یه کم تغییر به صورت زیر هم بنویسیم:

اسم دوم + as + مفعول + half / twice etc. + as + many / much + فعل + فاعل

We have three times as much money as you do.

ما سه برابر شما پول داریم.

They try to give him as much freedom as he wants.

آنها سعی می‌کنند به وی هر قدر که می‌خواهد، آزادی بدهند.

توضیح: فرق این الگو با الگوی بالایی در این است که جای مفعول عوض شده، یعنی تو الگوی اولی مفعول دقیقاً بعد از فعل می‌آید؛ ولی تو الگوی دوم، مفعول بعد از much یا many می‌آید.

می‌تونیم از as many as قبل از یک عدد هم استفاده کنیم:

There were as many as 50 people in the conference.

به اندازه ۵۰ نفر در کنفرانس شرکت داشتند.

Example 4: 1000 species of finch have been recognized in Iran.

(MBA - سراسری ۹۳)

1) Much as

2) As many

3) As much as

4) As many as

☒ پاسخ: گزینه «۴» به اندازه ۱۰۰۰ گونه‌ی Finch در ایران شناخته شده است.

توضیح گرامری: می‌تونیم از as many as قبل از عدد استفاده کنیم، یعنی در اینجا قبل از ۱۰۰۰.

تشدیدکننده‌ها

تشدیدکننده ترجمه واژه intensifier هستند. مبحثشون تقریباً مهمه و سوالات متعددی ازشون اومده، واسه همین خوب مبحثشون رو یاد بگیرین. تشدیدکننده‌ها تو انگلیسی شامل موارد زیر میشن:

Very: معنیش میشه «خیلی». کاربردش هم اونقدر آسونه که همه میدونن. مثال‌ها رو ببینید:

Ali is very busy.

علی سرش خیلی شلوغ است.

It rains very slowly.

باران بسیار کند می‌بارد.

So: تا حدی مثل very به کار میره. یعنی هم قبل از قید میاد و هم قبل از صفت:

This painting is so/very beautiful.

این نقاشی بسیار زیباست.

نکته آزمون: گفتیم so و very تا حدی مثل هم‌ان. اما تو الگوی زیر فقط so می‌تونه بیاد و very کاربرد نداره. این الگو رو حتماً حفظ کنید، چون خوراک تست‌های کنکوره:

جمله + that + قید / صفت + so

1. Ali was so busy (that he couldn't study). علی آنقدر سرش شلوغ بود که نتوانست مطالعه کند.
 2. I got up so late that I missed the bus. آنقدر دیر بیدار شدم که به اتوبوس نرسیدم.
 3. The music was so loud that we couldn't talk. صدای موسیقی آنقدر بلند بود که نمی‌توانستیم صحبت کنیم.
- توضیح الگو و مثال‌ها:** خب اول از همه اینکه تو این الگو نباید به جای so از very استفاده کنیم. دوم اینکه اون that خیلی مهمه حسابی بهش دقت کنید. سوم، بعد از that باید جمله بیاد. جمله هم باید فاعل و فعل داشته باشه.

بعد از so معمولاً اسم می‌آید یعنی **so a handsome boy** نادرسته. ولی تو مواردی می‌تونیم بعد از so اسم رو به کار ببریم.

(that) + اسم + a / an + صفت + so

It was so busy a day that I could hardly call her.

چنان روز پر مشغله‌ای بود که به سختی توانستم به او تلفن بزنم.



I had never before met so gentle a man.

تاکنون چنین شخص باوقاری ندیده بودم.

that + اسم قابل شمارش جمع + so + many

There were so many chairs in the room that I trudged.

آنقدر صندلی در اتاق بود که به سختی قدم برمی‌داشتم.

I have bought so many new books that I don't know when I'll read them.

آنقدر کتاب جدید خریده‌ام که نمی‌دانم کی آنها را خواهم خواند.

that + اسم قابل شمارش جمع + so + few

There were so few chairs in the class that I couldn't sit.

اینقدر صندلی در کلاس کم بود که نمی‌توانستم بنشینم.

that + اسم غیرقابل شمارش + so + much / little

There was so much noise in the room that I couldn't sleep.

آنقدر در اتاق سروصدا بود که نمی‌توانستم بخوابم.

I have never seen so much beautiful jewelry.

تاکنون چنین جواهر زیبایی ندیده‌ام.

Such: اگر دقت کنین، متوجه می‌شین که بعد از so بیشتر مواقع صفت و قید میاد، ولی بعد از such همیشه اسم میاد که حالا ممکنه این اسم با صفت هم همراه باشه. الگوش رو ببینین:

that + اسم مفرد + (صفت) + such a / such an

that + اسم غیرقابل شمارش / اسم قابل شمارش جمع + (صفت) + such

It was such an interesting book that I studied it three times.

آنقدر کتاب جالبی بود که سه بار آن را خواندم.

They were such exciting films that we watched them twice.

آنقدر فیلم‌های هیجان‌انگیزی بودند که دو بار آنها را تماشا کردیم.

توضیح الگو: اول از همه اینکه تو این الگو وجود صفت اختیاریه، واسه همین اونو تو پرانتز گذاشتیم؛ ولی وجود اسم کاملاً اجباریه. دوم اینکه بعد از *that* باید از جمله استفاده بشه.

خب! حالا برای اینکه ببینیم این مبحث رو خوب متوجه شدین، بیاین دو تا مثال بالا رو با so بازنویسی کنیم:

The book was so interesting that I studies it three times.

The films were so exciting that we watched them twice.

Example 5: A: A lot of research goes for AIDS research.

B: Yes, because it's that the government is spending a lot to find a cure.

(MBA - سراسری ۸۶)

- 1) such serious that 2) so serious a disease 3) so a serious disease 4) a so serious disease

☒ پاسخ: گزینه «۲» A: تحقیقات زیادی در زمینه‌ی AIDS انجام می‌گیرند. B: بله، زیرا یک بیماری جدی است که دولت هزینه‌ی زیادی برای یافتن راه درمان آن می‌پردازد.

توضیح گرامری: بعد از *such* حتماً باید اسم بیاد ولی تو گزینه (۱)، *serious* صفت پس این گزینه حذف میشه. بعد از *so* هم معمولاً اسم نمیاد پس گزینه‌های (۳) و (۴) هم حذف می‌شن. تنها در یکی دو مورد بعد از *so* اسم میاد که یکیش تو الگوی زیر:

so + صفت + a / an + اسم + that ⇒ *so serious a disease*

Example 6: The definiteness required is that when the offer is combined with the acceptance, it will be possible to determine the nature and extent of the obligations.

(MBA - سراسری ۸۸)

- 1) so specificity 2) so specificity 3) such specificity 4) such specific

☒ پاسخ: گزینه «۳» قاطعیت ویژگی آنقدر لازمی است که در هنگام توأم شدن پیشنهاد و پذیرش آن، امکان تعیین ماهیت و حدود تعهدات به‌وجود می‌آید.

توضیح گرامری: گزینه (۱) نادرسته چون واژه *specificity* نداریم. گزینه (۲) نادرسته چون بعد از *so* اسم نمیاد. گزینه (۴) هم نادرسته چون بعد از *such* حتماً باید اسم بیاد.

so و such کاربردهای زیادی تو انگلیسی دارن واسه همین تو جدول زیر تعدادی از پرکاربردترین ساختارهاشون رو آوردیم. هرچند تمام ساختارها مرتبط با مبحث جاری نیستن ولی چون مبحثشون مهمه، ما سعی کردیم همه رو به جا بیاریم تا راحت‌تر اونا رو یاد بگیرین:

ترجمه	مثال	ساختار
سگ آنها آنقدر خشمگین بود که هیچکس جرأت نمی‌کرد به آن نزدیک شود.	Their dog was so fierce (that no one dared to come near it).	so + adjective + (that)
ادوارد آنقدر هیجان زده بود که دیشب نتوانست بخوابد.	Edward was so excited (that he couldn't sleep last night).	
برف آنقدر سریع بارید که رد پای ما خیلی زود محو شده بود.	The snow fell so fast (that our footsteps were soon covered up).	so + adverb + (that)
سخنرانی او آنقدر طولانی شد که حاضران داشت خوابشان می‌برد.	His speech went on so long (that people began to fall asleep).	
همسایه‌های ما آنقدر صدای رادیوی خود را بلند می‌کنند که ما نمی‌توانیم بخوابیم.	Our neighbors play their radio so loudly that we can't sleep.	
آنقدر که من از او انتظار داشتم، صداقت ندارد.	She is not so honest as I expected she would be.	not + so + adjective + as
آنقدر مهربان نیستم که به تو کمک کنم.	I am not so kind as to help you.	so + adjective + as + مصدر با
آنقدر گرد و غبار بود که نمی‌توانستیم ببینیم چه اتفاقی داشت می‌افتاد.	There was so much dust (that we couldn't see what was happening).	so + many / little / much / few + noun + (that)
آنقدر غلط داشت که واقعاً ناامید شدم.	He made so many mistakes (that I am really disappointed).	
آنقدر اشتباهات کمی داشت که همه‌ی ما واقعاً غافلگیر شدیم.	He made so few mistakes (that we were all surprised).	
او آنقدر کم طاقت است که نمی‌تواند هیچگونه سروصدایی را تحمل کند.	She has so little patience (that she can't tolerate any noise).	
آنچنان سگ خشمگینی داشتند که هیچکس جرأت نمی‌کرد به خانه‌ی آنها نزدیک شود.	They had such a fierce dog that no one dared to go near their house.	such a / an + adjective + noun + that
آنقدر طولانی صحبت کرد که حاضران خوابشان برده بود.	He spoke for such a long time that people began to fall asleep.	
آنها آنقدر دانش‌آموزان بادقتی هستند که به ندرت اشتباه می‌کنند.	They are such careful students that they rarely make mistakes.	
او با چنان دقتی می‌نویسد که به ندرت مرتکب اشتباه می‌شود.	He writes with such great care that he rarely makes mistakes.	
شجاعتش به حدی است که حتی دشمنانش هم او را تحسین می‌کنند.	His courage is such that even his enemies admire him.	to be + such that
صبرش آنقدر زیاد است که هرگز نمی‌توانید او را در حال فریاد زدن ببینید.	Her patience is such that you can never see him shouting.	



Too: علاوه بر very, so و such دو نوع تشدیدکننده دیگر داریم که یکیشون too هستش. too در این کاربرد خودش به صورت «بیش از حد، خیلی» ترجمه میشه و معمولاً به صورت زیر به کار میره:

مصدر با to + (مفعول / ضمیر مفعولی + for) + صفت / قید + too

1. This coffee is too hot for him to drink. این قهوه داغ‌تر از آن است که او بتواند بنوشد. (برای نوشیدن بیش از حد داغ است).
 2. He is too young to drive a car. سن او، کمتر از آن است که بتواند رانندگی کند.
 3. Most stars are too far to be seen. اغلب ستاره‌ها آن‌قدر دور هستند که دیده نمی‌شوند.
- توضیح الگو:** خبر اول اینکه بخشی از این الگو داخل پرانتز اومده که این یعنی اون قسمت اختیاریه، هم می‌تونه بیاد و هم میتونه حذف بشه. نکته دوم وجود مصدر با to در این الگو هستش. نکته سوم به ترجمه too مربوط میشه. چون too بار معنایی منفی داره ترجمه‌اش باید به صورت منفی باشه. ضمناً too همیشه تو جملات مثبت میاد. به ترجمه جملات بالا دقت کنین. بچه‌ها حالا بیاین جملات بالا رو با so بازنویسی کنیم:

The coffee is so hot that he cannot drink it.

He is so young that he cannot drive a car.

Most stars are so far that they cannot be seen.

Example 7:..... to assess Bateson's unique career and his various contributions to the social sciences.

- 1) It is right now so early
- 2) Up to now it is very early
- 3) It is, as yet, too early
- 4) It is already very early

پاسخ: گزینه «۳» هنوز خیلی زود است که بخواهیم عملکرد منحصربه‌فرد و خدمات چندگانه‌ی باتسون در زمینه‌ی گسترش علوم اجتماعی را بسنجیم.

توضیح گرامری: بعد از جای خالی از مصدر با to استفاده کردیم. پس گزینه‌های (۲) و (۴) به خاطر کاربرد very تدریست. تو گزینه (۱) با توجه به so باید از that استفاده کنیم نه مصدر با to.

Enough: این تشدیدکننده به صورت «به میزان کافی» ترجمه میشه و کاربردش به صورت زیر:

مصدر با to + (مفعول / ضمیر مفعولی + for) + enough + صفت / قید

- It is warm enough to go swimming. هوا به میزان کافی (آن‌قدر) گرم است که بتوان شنا کرد.
- Her little car isn't big enough to seat more than two people comfortably. ماشین کوچکش آن‌قدر بزرگ نیست که بیش از دو نفر به راحتی در آن جا شوند.
- توضیح الگو:** در این الگو هم به بخشی داخل پرانتز، پس بودنش کاملاً اختیاریه. نکته دوم این الگو وجود مصدر با to هستش. آخرین نکته هم اینکه به برعکس الگوهای قبلی اینجا اول صفت یا قید میاد بعدش enough

نکته آزمون: معمولاً تو تست‌هایی که از این مبحث میاد، به نشونه‌هایی تو صورت سؤال وجود داره که اون نشونه‌ها می‌تونه کمکتون کنه پاسخ صحیح رو پیدا کنین. مثلاً اگه بعد از جای خالی از مصدر با to استفاده شده بود، باید گزینه‌ای رو انتخاب کنین که توش از too یا enough استفاده شده و گزینه‌هایی که so و such دارن رو راحت میتونین از همین طریق رد کنین.



Example 8: A fourteen-year-old is not to vote in a presidential elections in Iran. (مباحثه سراسری ۹۳۹۰)

- 1) old enough
- 2) as old enough
- 3) enough old
- 4) enough old as

پاسخ: گزینه «۱» یک فرد چهارده ساله برای رأی دادن در انتخابات ریاست جمهوری در ایران به اندازه کافی بزرگ نیست.

توضیح گرامری: طبق الگو داریم:

enough + to + verb + ... + صفت



تست‌های طبقه‌بندی شده فصل سوم

1- In the early days barbed wire caused many fights. They occurred when cattlemen found grazing land blocked by another men's barbed wire fences.

1

2

3

4

(MBA - سراسری ۸۷)

2- Although the weather in Martha's Vineyard isn't to have a year – round tourist, it has become a favorite summer resort.

(MBA - سراسری ۸۷)

1) good enough

2) enough good

3) goodly enough

4) good as enough

3- The examination was so difficult that

(MBA و مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری ۸۲)

1) few people failed

2) few people passed

3) only a few failed

4) little number of people passed

4- He is a good exporter.

(MBA و مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری ۸۰)

1) so

2) such

3) too

4) very

5- Many rocks have a more complex mineralogy, and in some the mineral particles they can be identified only through specialized techniques.

(دکتری ۹۶)

1) which are those so minute

2) are too minute that

3) which are too minute

4) are so minute that

6- From the viewpoint of the insured person, an insurable risk is one for which the probability of loss is not excessive premiums.

(دکتری ۹۶)

1) such high that requires

2) as high as to require

3) so high as to require

4) so high that requires



باسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده فصل سوم

۱- گزینه «۴» در روزهای اولیه سیم‌های خاردار سبب دعوای بسیاری می‌شد. آن‌ها زمانی رخ می‌دادند که گله‌داران، مراتع و چراگاه‌ها را توسط نرده‌های سیم خاردار افراد دیگر مسدود می‌یافتند.

توضیح گرامری: *another* همیشه با اسم مفرد به کار میره؛ بنابراین چون *men* جمع هستش به *other* نیاز داریم.

۲- گزینه «۱» اگرچه هوا در تاجکستان مارتا به اندازه‌ی کافی برای جذب سالیانه توریست خوب نیست، اما یک تفریحگاه تابستانی مطلوب شده است.

توضیح گرامری: نویسنده می‌خواد بگه هوا خوب نیست، پس *goodly* نادرسته چون معنیش میشه «قابل ملاحظه». ضمناً طبق الگو داریم:

مصدر + *enough* + صفت

۳- گزینه «۲» امتحان آن قدر سخت بود که تعداد کمی قبول شدند.

توضیح گرامری: با توجه به مفهوم جمله، گزینه‌های (۱) و (۳) نادرستن. ضمناً چون *people* جمع هستش *few* رو انتخاب می‌کنیم.

۴- گزینه «۲» او صادرکننده‌ی بسیار خوبی است.

توضیح گرامری: بعد از *so* و *very* باید صفت یا قید بیاد. پس سه گزینه (۱)، (۳) و (۴) نادرستن.

۵- گزینه «۴» برخی از سنگ‌ها دارای کانی‌شناسی پیچیده‌تری هستند و در برخی، ذرات معدنی آنقدر کوچک هستند که آنها را می‌توان تنها از طریق روش‌های تخصصی شناسایی کرد.

توضیح گرامری: بعد از جای خالی مصدر با *to* نیومده پس *too* نادرسته (علت نادرست بودن گزینه (۳). بعد از *that too* به کار نمیره (علت نادرست بودن (۲)). ولی تو گزینه (۴)، *so* داریم و بعدش هم که *that* اومده.

۶- گزینه «۳» از دیدگاه یک فرد بیمه شده، ریسک بیمه‌پذیر، ریسکی است که احتمال ضرر آن آنقدر بالا نباشد که نیازمند بهای اضافی باشد.

توضیح گرامری: طبق الگو داریم:

جمله + صفت / قید + *so*

جمله + اسم + *such*

مصدر با *as* + صفت + *so*

بنابراین گزینه (۴) نادرست هستش، چون بعد از *that* جمله‌ای نیومده. طبق الگو گزینه (۱) هم نادرسته، چون بعد از *such* کاربرد اسم اجباریه و طبق الگو، گزینه (۲) هم که نادرسته؛ پس گزینه صحیح (۳) می‌شه.



مدرسین شریف

فصل چهارم

«حرف اضافه و حرف ربط»

حرف اضافه

مبحث حرف اضافه برعکس سایر مباحث خیلی گسترده هستش. برای همین نمی‌تونیم به لیست کامل از همه‌ی حروف اضافه و کلمه‌هایی که با حرف اضافه همراه هستن ارائه بدیم. حتی اگه بتونیم چنین کاری کنیم، مبحثش بسیار خسته‌کننده میشه چون مثلاً فک کنید باید به فصل صد صفحه‌ای بنویسیم و همه‌اش در مورد حرف اضافه صحبت کنیم. مهم‌تر از همه اینکه مبحث حرف اضافه استثناهای خیلی زیادی داره و واقعاً خسته‌کننده هستش. برای همین تو این بخش سعی کردیم آزمون‌های گذشته رو بررسی کنیم و گلچینی از مهم‌ترین حروف اضافه رو در اختیار شما قرار بدیم. برای تسلط کامل‌تر به حروف اضافه باید جملات و متونی رو که می‌خونید، تجزیه و تحلیل کنید و حرف اضافه مرتبط با هر واژه رو خودتون به مرور زمان حفظ کنید.

بدون شک سه تا از مهمترین حروف در زبان انگلیسی **in**، **on** و **at** هستن و چون هر سه تاشون به‌صورت «در» ترجمه میشن به کم یادگیریشون برای فارسی زبان‌ها سخت هستش. واسه همین بحثمون رو با این حروف اضافه شروع می‌کنیم. این سه تا حرف، هم می‌تونن با مکان بیان و هم با زمان. واسه همین بهشون می‌گن حرف اضافه مکانی و زمانی.

حروف اضافه مکانی، **in**، **on** و **at**

in کاربرد **in** از حرف اضافه **in** معمولاً تو موارد زیر استفاده می‌شه:

۱- با مناطق بزرگ مثل قاره‌ها، کشورها و شهرها:

in Europe, **in** Asia, **in** Iran, ...

When we were **in** Italy, we spent a few days **in** Venice.

in New York, **in** Paris, ...

I grew up **in** Texas.

in the garden, **in** the park, **in** the desert, **in** the pool...

He lived **in** the desert for three years.

in the bathroom, **in** the garage, **in** the kitchen, **in** the building ...

There is no one **in** the room/ **in** the building.

in hospital, **in** bed, **in** prison, **in** church, ...

Ann's mother is **in** hospital.

زمانی که در ایتالیا بودیم، چند روزی را در ونیز سپری کردیم.

من در تگزاس بزرگ شدم.

۲- با مکان‌های خارجی مثل پارک، باغ، ...:

وی به مدت سه سال در بیابان زندگی کرد.

۳- با اتاق‌ها:

هیچ کس در اتاق / ساختمان نیست.

۴- با اسامی که فاقد حرف تعریف هستن:

مادر «آن» در بیمارستان است.

۵- زمانی که می‌گیم چیزی داخل چیز دیگری هستش:

زمانی که توی رودخانه افتاد، تقریباً غرق شد.

سوار ماشین شو.

He almost drowned when he fell **in** the river.

Get **in** the car.

عبارات و اصطلاحات زیر هم معمولاً با حرف اضافه **in** میان، پس اونا رو هم حفظ کنید:

in the sky / **in** the world / **in** a line / **in** a row / **in** a queue

in an office / **in** a department

in bed / **in** a book / **in** a (news) paper / **in** a magazine / **in** a letter

in the country / **in** the countryside / **in** a photograph / **in** a picture

کاربرد at: از حرف اضافه at معمولاً تو موارد زیر استفاده می‌شود:

۱- با ساختمان‌ها و مکان‌های عمومی مثل فرودگاه، مدرسه ...:

at the airport, at the bus stop, ...

I will get off at the next stop.

در ایستگاه بعد پیاده خواهم شد.

at 24 Cedar Avenue ...

۲- با آدرس‌ها:

They live at 18 Victoria Street.

آنها در خیابان ویکتوریا، پلاک ۱۸ زندگی می‌کنند.

at home, at school, at university, ...

۳- با اسامی چون دانشگاه و مدارس:

David was a student at Oxford in the 1960s.

دیوید در دهه ۱۹۶۰ در دانشگاه آکسفورد درس می‌خواند.

at a concert, at a party, at a funeral, ...

۴- با رویدادهایی مثل عروسی، جشن و ...:

Were there many people at the party/ at the meeting/ at the wedding?

at the corner of the street / at the back of the room ...

۵- با موقعیت‌ها و مکان‌های خاص:

The garden is at the back of the house.

باغ در پشت خانه قرار دارد.

۶- به معنی «در کنار، پشت»:

He sat at his desk.

او پشت میزش نشست.

Do you know the man standing at the door/ window?

آیا مردی که در پشت در / پنجره است را می‌شناسی؟

کاربرد on: از این حرف اضافه معمولاً تو موارد زیر استفاده می‌شود:

۱- زمانی که چیزی در تماس با سطحی از چیزی دیگر است:

I left the keys on the table.

من کلیدها را روی میز جا گذاشتم.

I sat on the floor/ ground/ grass/ chair.

من روی کف/ زمین / سبزه / صندلی نشستم.

There is a dirty mark on the wall/ ceiling / your nose.

بر روی دیوار / سقف / بینی‌ات لکه کثیفی وجود دارد.

Have you seen the notice on the notice board/ door?

آیا متوجه اعلامیه نصب شده بر روی تابلو اعلانات / در شده‌ای؟

on a bus/ on a train / on a plane/ on a ship ...

۲- با کلماتی چون اتوبوس، قطار ...:

The bus was very full. There were many people on it.

اتوبوس کاملاً پر بود. افراد زیادی سوار آن بودند.

Did you manage to sleep on the plane?

آیا توانستی در هواپیما بخوابی؟

معمولاً با اصطلاحات زیر از حرف اضافه on استفاده می‌کنیم:

on the left/ on the right
on the ground floor/ on the first floor/ on the second floor etc.
on a map/ on a menu/ on a list / on a form
on the left-hand side/ right-hand side



نکته آزمون: way هم می‌تونه با حرف اضافه on بیاد و هم حرف اضافه in ولی اون وقت به تفاوت معنایی ایجاد میکنه:

He was kidnapped on his way home.

پسرک در راه بازگشت به خانه ربوده شد.

We stopped at a small village on the way to London.

ما در طول مسیرمان به لندن، در روستای کوچکی توقف کردیم.

She can't do her dance because the table is in the way.

او نمی‌تواند برقصد چون میز سرراهِش است.

تقریباً می‌تونیم تفاوت on the way و in the way را با توجه به ترجمه‌های بالا بفهمیم ولی برای اینکه هیچگونه ابهامی باقی نمونه، باید بگیم که از in the way وقتی استفاده می‌شه که قصد داریم بگیم چیزی سر راه کسی قرار داره و یا به عبارتی مانعی برای عبور او هستش، ولی از on the way به معنی «در راه، در مسیر» استفاده می‌کنیم.

Example 1: During World War II the British detected German planes in their way to bomb London long before the enemy was near the target. They used radio waves instead of sound waves. (MBA - سراسری ۸۷)

پاسخ: گزینه «۲» در خلال جنگ جهانی دوم، انگلیس هواپیماهای آلمانی را در طول مسیر خود که قصدشان بمباران کردن لندن بود، مدت‌ها قبل از آن‌که دشمن به هدف نزدیک شود، کشف کرد. آن‌ها از امواج رادیویی به جای امواج صوتی استفاده کردند.
توضیح گرامری: به جای *in their way* باید بگیم *on their way*

حرف اضافه زمانی، *on* و *at*

حروف اضافه *on* و *at* حرف اضافه زمانی هم هستن. کاربردشون عموماً به صورت زیر هستش:

In قبل از قرن‌ها، فصل‌ها، دهه‌ها، سال‌ها و ماه‌ها میاد.

In the 21st century / in 1990 / in winter / in April / in the last decade ...

On با روزهای خاص، ایام هفته و تاریخ میاد:

On Saturday / On May 30th / On Christmas Day / on Friday ...

At با زمان‌های خیلی دقیق و با ساعت میاد:

At 7:30 / at Christmas / at breakfast / ...

They arrived **in** October. / They arrived **in** 1968. / They arrived **on** Friday at 5 o'clock.

John was born **in** 1919 **in** December **on** Sunday **at** 9:00 جان در ساعت ۹ صبح روز یکشنبه در ماه دسامبر سال ۱۹۱۹ به دنیا آمد.

نکته آزمون: گفتیم قبل از ماه و سال از حرف *in* استفاده میشه ولی به محض اینکه خواستین روز رو هم باهاشون بگین از *on* استفاده کنین. اینو خواستون باشه. مثال:

I was born **in** April. / I was born **on** April 9th.

به این مورد هم دقت کنید که قبل از کلماتی مثل *last/ next/ this/ every* نباید از حرف اضافه *at/ on/ in* استفاده بشه:

I'll see you next Friday. / They got married last week

سایر حروف اضافه کاربردی

۱- حروف اضافه *about* و *on*: جفتشون به معنی «در مورد، در ارتباط» هستن، ولی حرف اضافه *on* به کم رسمی‌تر از حرف اضافه *about* هستش.
a text book **on** physics / a book **about** animals

۲- عبارت *According to*: به معنی «بر طبق، بنا به» هستش و می‌تونیم با استفاده از اون منبع اطلاعات رو مشخص کنیم:
According to the police, his attackers beat him with a blunt instrument.

بنا به گفته پلیس، مهاجمان وی را با یک ابزار کند کتک زدند.

There is now widespread support for these proposals, **according to** a recent public opinion poll.

طبق نظرسنجی اخیر، حمایت گسترده‌ای از این پیشنهادات صورت می‌گیرد.

نکته آزمون: هرگز نگید ... *according to me* و به جاش بگید *in my opinion*.

In my opinion (not: According to me), the law must be changed.

به نظر من، باید قانون تغییر کند.



۳- حروف اضافه for و during:

یک دوره زمانی + for
رویداد + during

طبق الگو، از حرف اضافه for وقتی استفاده می‌کنیم که می‌خواهیم بگوییم به رویداد چقدر طول کشیده، مثلاً به ساعت، دو سال و ... :

We watched television **for** two hours.

ما به مدت دو ساعت تلویزیون تماشا کردیم.

Where have you been? I've been waiting **for** ages.

تو کجا بودی؟ کلی منتظرت بودم.

ولی از during زمانی استفاده میشه که می‌خواهیم بگوییم به رویداد چه زمانی رخ داده و در اینجا به معنی «در طول» هستش:

I fell asleep **during** the film.

در طول فیلم، خوابم برد.

Example 2: The precise date of the first human occupation of Australia is likely to remain unknown, but

evidence has been uncovered to suggest human presence on the continent for at least 40,000 years ago.

(MBA - سراسری ۹۴)

✓ پاسخ: گزینه «۴» تاریخ دقیق اولین سکونت انسان در استرالیا احتمالاً نامعلوم باقی خواهد ماند، اما شواهدی نمایان شده که حضور انسان را در این قاره به مدت زمانی حدود ۴۰۰۰۰ سال نسبت می‌دهند.

توضیح گرامری: تو این سؤال اون ago که آخر جمله اومده بایستی حذف بشه اونوقت جمله مون درست میشه. مثل اینه که بگیم «به مدت دو سال قبل». منطقی نیست دیگه! پس یادتون باشه بعد از for از کلمه ago استفاده نکنین. یعنی می‌گیم:

For at least 40000 years.

۴- above و over: هر دوشون به معنی «بالا» هستن ولی به لحاظ کاربردی با هم فرق دارن:

از above (و نه over) وقتی استفاده میشه که می‌گیم چیزی در مرتبه و درجه‌ای بالاتری نسبت به چیز دیگه قرار داره، مثلاً توی یه لیست:

Her name is above mine on the waiting list.

نام او در لیست انتظار از نام من بالاتر است.

از over (و نه above) وقتی استفاده میشه که می‌گیم چیزی به یه طریقی از یه چیز دیگه‌ای پوشیده شده یا چیزی روی یه چیز دیگه قرار داره:

There are thick clouds over most of Scotland.

ابرهای متراکمی در بیشتر جاهای اسکاتلند وجود دارد.

۵- below و under: کاملاً عکس above هستش و حرف اضافه under کاملاً عکس over. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I'm sure the temperature is below zero tonight.

مطمئنم دما امشب زیر صفر است.

Do you always wear a vest under your shirt?

آیا تو همیشه زیر پیراهنت، زیرپوش می‌پوشی؟

خب! علاوه بر مباحث بالا که بهشون پرداختیم، می‌دونیم که یه سری کلمه هستن که با حرف اضافه خاص خودشون به کار میرن. لیست این کلمه‌ها خیلی خیلی زیاده. ما سعی کردیم با بررسی آزمون‌های کنکور مهم‌تریناشون رو تو جدولای زیر بیاریم.

الف) ساختار: حروف اضافه + فعل

Verb + to			
talk to	صحبت کردن با	confine sth to	محدود کردن چیزی به
speak to	صحبت کردن با	appeal to	متوسل شدن به
listen to	گوشی دادن به	belong to	متعلق بودن به
apologize to	عذرخواهی کردن از	respond to	پاسخ دادن به
accede to	رسیدن به، رضایت دادن به	resort to	متوسل شدن به
adhere to	وفادار ماندن به، اعتقاد داشتن به	object to	اعتراض کردن به
yield to	تسلیم شدن به	lead to	منجر شدن به
conform to/ with	پیروی کردن از	allude to	ذکر کردن، تلویحاً گفتن
consent to	رضایت دادن به		

**Verb + at**

laugh at	خندیدن به	look at	نگاه کردن به
aim (sth) at	نشانه رفتن به سمت	glance at	به سرعت نگاه کردن به
shout at	فریاد زدن بر	stare at	زل زدن به

Verb + about

talk about	صحبت کردن درمورد	care about	اهمیت دادن به
hear about	شنیدن درمورد	dream about	آرزو داشتن
think about	فکر کردن در مورد	worry about	نگران بودن

Verb + of

die of / from	مردن از	accuse sb of	متهم کردن کسی به
suspect sb of	مشکوک بودن به کسی	approve of	تأیید کردن
disapprove of	تأیید نکردن	remind sb of	یادآوری کردن ... به کسی
dispose of	از شر چیزی خلاص شدن	consist of	تشکیل شدن از
deprive sb of	محروم کردن از	complain of	شاکی بودن از

Verb + for

pay (sb) for	پرداختن برای	thank sb for	قدردانی کردن از کسی به خاطر
forgive sb for	بخشیدن کسی به خاطر	apologize for	معذرت خواهی کردن برای
blame sb / sth for	مقصر شناختن کسی / چیزی	compensate for	جبران کردن به خاطر
search for	جستجو کردن برای	prepare for	آماده شدن برای

Verb + from

suffer from	رنج کشیدن از	protect sb / sth from	حفاظت کردن کسی / چیزی از
recover from	بهبود یافتن از	result from	ناشی شدن از
deviate from	منحرف شدن از	differ from	متفاوت بودن از
emerge from	پدیدار شدن از	escape from	فرار کردن از
withdraw from	کنار کشیدن از	learn from	یادگرفتن از

Verb + on

depend on	وابسته بودن به	subsist on	امرار معاش کردن از
compliment sb on	تحسین کردن کسی به خاطر	congratulate sb on	تبریک گفتن به کسی به خاطر
insist on	اصرار کردن به / بر	concentrate on	تمرکز کردن بر
comment on	نظر دادن در مورد	focus on	متمرکز بودن بر
remark on	اظهار نظر کردن درباره	report on	گزارش دادن در مورد
impose sth on	تحمیل کردن چیزی بر	reflect on	تأمل کردن در مورد
encroach on	تجاوز کردن، تخطی کردن		

Verb + with

agree with	موافق بودن با	provide sb with	فراهم کردن ... برای کسی
deal with	پرداختن به	cope with	از عهده برآمدن
cooperate with	همکاری کردن با	consult with	مشورت کردن با
coincide with	همزمان بودن با	interfere with	تداخل داشتن با

Verb + in

believe in	اعتقاد داشتن به	specialize in	تخصص داشتن در زمینه
succeed in	موفق شدن در	interfere in	دخالت کردن در
engage in	پرداختن به، شرکت کردن در	excel in	پیشی گرفتن در
invest in	سرمایه‌گذاری کردن در	result in	منجر شدن به
meddle in	دخالت کردن در	participate in	شرکت کردن در
persist in	اصرار کردن بر		

Verb + between

arbitrate between	داوری کردن بین	differentiate between	متمایز کردن از هم
distinguish between	فرق گذاشتن بین، تمیز دادن بین	judge between	قضات کردن بین



نکته آزمون: افعالی که به معنی «انتقاد کردن، محکوم کردن» هستن، معمولاً با حرف اضافه **for** به کار می‌رن، مثل اینا:

criticize, censure, reproach, scold, condemn, reprimand ...

Doctors have criticized the government for failing to invest enough in the health service.

دکترها از دولت به‌خاطر عدم سرمایه‌گذاری کافی در خدمات بهداشتی انتقاد کرده‌اند.

Her father scolded her for upsetting her mother.

پدرش او را به‌خاطر ناراحت کردن مادرش سرزنش کرد.

افعالی که به معنی «تحسین کردن» هستن هم با حرف اضافه **for** میان. مثال:

respect, praise, admire, applaud ...

The mayor praised the rescue teams for their courage.

شهردار تیم‌های نجات را به‌خاطر شجاعتشان تحسین کرد.

Example 3: The teacher felt bad because she had scolded the bright child who was restless

(MBA - سراسری ۹۵)

- 1) for want of something to do
- 2) wanting something to do
- 3) for something to do he wanted
- 4) to do something he wanted to do it

پاسخ: گزینه (۱) معلم حس بدی داشت چون که بچه باهوش پرتلاطم را به خاطر میل به انجام کاری، سرزنش کرده بود.

توضیح گرامری: گفتیم فعل‌هایی مثل *criticize scold* و موارد این‌طوری با حرف اضافه **for** میان. پس (۲) و (۴) هیچی. گزینه (۳) هم با **for** اومده ولی *something to do he wanted* به کم مشکل داره. پس گزینه (۱) درسته دیگه.

(ب) ساختار: حروف اضافه + صفت

be ashamed of	شرمنده بودن از	be capable of	قادر بودن به
be accused of	متهم شدن به	be clear of	خلوت بودن
be accustomed to	عادت داشتن به	be different from	تفاوت داشتن (با)
be afraid of	ترسیدن از	be doubtful about	شک داشتن (درباره)
be angry at	عصبانی شدن از	be familiar with	آشنا بودن (با)
be anxious for	مضطرب شدن برای (انسان)	be faithful to	وفادار بودن (با)

be anxious about	مضطرب شدن (غیرانسان)	be full of	پر بودن (از)
be busy with	گرفتار بودن، مشغول بودن (با)	be glad of / about	خوشحال بودن (درباره چیزی، از چیزی)
be careful about	مراقب بودن	be guilty of	گناهکار بودن (از)
be composed of	شامل بودن	be independent of	مستقل بودن
be covered with	پوشیده شده (با)	be related to	منسوب بودن، ربط داشتن
be interested in	علاقه‌مند بودن (به)	be sorry for	متأسف بودن
be jealous of	حسادت کردن (به)	be shy of	شرمنده بودن، خجالت کشیدن
be proud of	مفتخر بودن (به)	be weak in	ضعف داشتن در
be responsible for	مسئول بودن	be content with	راضی بودن از

ج) ساختار: حرف اضافه + اسم

cost of	قیمت	need for	نیاز برای
cause of	علت	possibility of	امکان
degree in	مدرک	reason for	علت
effect on	تأثیر روی	result of	نتیجه‌ی
example of	مثالی از	solution to (for)	راه حل برای

د) برخی اصطلاحات و ترکیبات که با حروف اضافه ساخته می‌شوند:

A

according to	بر طبق	at first sight	با اولین نگاه
as a consequence of	به عنوان پیامدی از	at war / peace	در جنگ، در صلح
as a result of	به عنوان نتیجه‌ای از	at a profit / a loss	در سود، در ضرر
at times	گاهگاهی	at most / least	حداکثر، حداقل
at work / play	سر کار، در بازی	at heart	قلباً
at last	سرانجام	at all costs	با هر قیمتی
at once	فوراً	aim at	هدف قرار دادن

B

by mistake	به اشتباه، اشتباهاً	by means of	به وسیله‌ی
by (land, sea, air)	از طریق (خشکی، دریا، هوا)	by no means	به هیچ وجه
by heart	حفظی، از حفظ	by degree	تدریجاً
by chance	شانسی	by the way	راستی، به هر حال
by accident / luck	تصادفی، شانسی	by sight / name	از روی قیافه، اسم
by myself	خودم، به تنهایی	by far	خیلی زیاد
by all means	به هر طریقی	by nature	طبیعتاً، ذاتاً

I

in bed	در خواب	in terms of	بر حسب، در قالب
in itself	به خودی خود	in the long run	در درازمدت
in trouble	در دردسر، تو زحمت	in the end	سرانجام
in general	به طور کلی، کلاً	in common	به طور معمول، مشترک
in ink	با جوهر، مندرج و نوشته شده	in a hurry	با عجله
in sight	در میدان دید	in public	در ملأ عام



in all	جمعاً	in time	زودتر از موقع
in some cases	در بعضی مواقع	in danger	در خطر
in fact	در واقع، در حقیقت	in love	عاشق
in particular	به‌طور خاص، مخصوصاً	in need	محتاج
in short / brief	به‌طور خلاصه	in spite of	علی‌رغم، با وجود
in turn	به نوبت	in view of	با توجه به
in addition to	علاوه بر	in that	از این جهت، از این لحاظ

O

on time	به موقع	on account of	به دلیل
on behalf of	از سوی، به نمایندگی از سوی کسی	on the basis of	بر مبنای، براساس

W

with the exception of	به استثنای	with the purpose of	با هدف
-----------------------	------------	---------------------	--------

بعد از اسامی که محدودیت را نشان می‌دهند مثل تحریم، حمله، محدودیت و ... از on استفاده می‌کنیم:

Sanction, limit, constraint, attack, restriction, ban

Isn't there a ban on pesticides?

آیا قانونی علیه استفاده از حشره‌کش‌ها وجود ندارد؟

حرف ربط

مبحث حرف ربط خیلی مهم‌تر از مبحث حرف اضافه هستش و خوشبختانه یادگیریش هم آسونه. حرف ربط چه تو فارسی چه تو انگلیسی سه نوع هستش که هر کدوم رو تو قسمت زیر بررسی می‌کنیم.

۱: **حرف ربط همپایه‌ساز (coordinate conjunctions):** این دسته از حرف ربط شامل and, but, or, so, yet می‌شن و به ترتیب دقیقاً مثل «و»، «اما»، «یا»، «بنابراین»، «چون‌که» و «اما» تو فارسی ترجمه می‌شن. کاربردشون هم دقیقاً مثل همین کلمات هستش. چند تا مثال زیر رو ببینید کلاً مطلب براتون جا میفته:

Like peas and broad beans, soya beans grow in pods.

همانند دانه‌های نخود و باقالی، دانه‌های سویا نیز در غلاف پوست رشد می‌کنند.

In the U.S. soya is not harvested by hand but by machine.

در ایالات متحده، سویا با دست برداشت نمی‌شود بلکه با ماشین برداشت می‌شود.

The beans may be yellow, green, brown, or mottled.

دانه‌ها ممکن است زرد، سبز، قهوه‌ای یا خال خالی باشند.

The soya bean is versatile, so it is grown widely.

دانه‌ی سویا کاربردهای مختلفی دارد، بنابراین به‌طور گسترده کشت می‌شود.

Chinese live longer than many other nationalities, for they eat healthful diets.

چینی‌ها نسبت به بقیه ملت‌ها بیشتر عمر می‌کنند چون‌که غذاهای سالم می‌خورند.

He was a criminal, yet many people admired him.

او جنایتکار بود ولی افراد بسیاری وی را تحسین می‌کردند.

خب! حالا اگه بخوایم بگیم «علی و احمد»، می‌گیم Ali and Ahmad یا اگه بگیم «بد اما مهربان» می‌گیم bad but kind و ...

۲- حروف ربط لازم و ملزوم (Correlative Conjunctions):

این دسته شامل either ... or, neither ... nor, both ... and, not only ... but also, whether or می‌شه. این حرف ربط‌ها رو هم تو فارسی داریم و کاربردشون هم مشابهه. پس به ترتیب از چپ به راست این طوری ترجمه می‌شن: «یا ... یا»، «نه ... نه»، «هم ... هم»، «نه تنها ... بلکه»، «چه ... چه».

She not only sings like an angel, but also dances divinely.

او نه تنها مثل یک فرشته آواز می‌خواند بلکه عالی هم می‌رقصد.

The lecture was both interesting and instructive.

سخنرانی هم جذاب و هم آموزنده بود.

Soya can be used in either fish food or chicken food.

سویا می‌تواند یا در خوراک ماهی یا در خوراک جوجه مورد استفاده قرار گیرد.

Soya is dangerous to neither humans nor animals.

سویا نه برای انسان‌ها خطرناک است، نه برای حیوانات.

Soya is not only the most efficient but also the least costly source of protein.

سویا نه تنها مفیدترین بلکه کم هزینه‌ترین منبع پروتئین است.

Whether we go by bus or train, it will takes 6 hours.

چه با اتوبوس برویم چه با قطار، ۶ ساعت طول می‌کشد.



نکته آزمون: به بار دیگه به حروف ربط این دسته نگاه کنین. گاهی وقتا طراحان سؤال میان مثلاً both رو با as well as به کار می‌برن یا neither رو با or که هر دو حالت نادرستن. پس حتماً حواستون به اینا باشه.

Example 4: one experiment or one hundred, at Mirus Bio we know your passion for science will take you one step closer to the answer. (دکتری ۹۵)

1) Performing from

2) When you perform

3) By performing

4) Whether you perform

✓ پاسخ: گزینه «۴» چه یک آزمایش انجام دهید چه صدتا، می‌دانیم در میرو بیو اشتیاقتان به علم شما را یک گام به پاسخ نزدیک می‌کند.

توضیح گرامری: داره از چه..... چه استفاده می‌کنه پس باید or whether رو انتخاب کنیم. whether تو گزینه (۴) اومده و or تو صورت سؤال.

۳- حروف ربط وابسته‌ساز (Subordinate Conjunction): حروف ربط این دسته تعدادشون خیلی زیاده ولی همشونو تو فارسی داریم. مثلاً «اگر»، «وقتی که»، «چون که» و ... همشون تو همین دسته قرار دارن. ما مهم‌تریناشونو تو جدول زیر آوردیم. کاری که شما باید انجام بدین اینه که اینارو با معنی هاشون حفظ کنین. حتماً معنی‌شون رو حفظ کنین چون تست‌های این بخش بیشتر مفهومیه.

Time (زمان)		
after	until	تا زمانی که
as	when	هنگامی که
before	while	زمانی که
once	since	از وقتی که
Contrast (تضاد)		
while	whereas	در حالی که
although	even though	گرچه
Condition (شرط)		
if	in case	اگر
provided that	unless	مگر اینکه
Manner (حالت)		
as	as if	گویى که
Cause (علت)		
because		چون که
as		چون که
since		به این دلیل که
Purpose (هدف)		
so that		تا
in order that		تا
in the hope that		با این امید که

You can begin when you are ready.

می‌توانی هر زمان که حاضر هستی شروع کنی.

They have become very snobbish since they have moved into their expensive apartment.

از زمانی که به آپارتمان قیمتی خود نقلی مکان کرده‌اند، بسیار مغرور شده‌اند.

While he admitted stealing the money, he denied doing any harm to the owner.

اگرچه او به دزدیدن پول اعتراف کرد، اما آسیب زدن به مالک آن را انکار کرد.



نکته آزمون: همون‌طور که دیدیم، فک نکنم این مبحث خیلی سخت باشه ولی یکی دو نکته خیلی خوب توشون وجود داره. اولی اینکه حتماً معنی‌هاشونو حفظ کنین چون تستایی که ازتون میاد بیشتر تست مفهومیه تا گرامری. یعنی شما اگه بتونین صورت سؤال رو ترجمه کنین بردین و اگه هم نه که دیگه هیچی. دوم یه سری علامت با این حرف ربط‌ها میاد که اونا هم می‌تونن کمکتون کنن. مثلاً قبل از حروف ربط همپایه‌ساز معمولاً از ویرگول استفاده می‌شه، مخصوصاً وقتی که دو تا جمله رو به هم وصل می‌کنن یا مثلاً حرف ربط وابسته‌ساز اگه اول جمله بیاد، وسط‌های جمله (یعنی قبل از شروع جمله‌ی بعدی) باید ویرگول بیاد ولی اگه وسط جمله بیاد معمولاً ویرگول حذف میشه. مثال:

You can begin when you are ready.
When you are ready, you can begin.
I was tired, so I didn't go to school.

Example 5: We cannot escape the fact that teachers are under very great pressure, and, despite the pleasures of working with developing minds and young people, their morale is low

(MBA - سراسری ۹۵)

- | | |
|--|--|
| 1) leave the profession in droves | 2) they in droves leave the profession |
| 3) and they are leaving the profession in droves | 4) what they do to the profession is leave in droves |

✓ پاسخ: گزینه «۳» ما نمی‌توانیم از این حقیقت بگریزیم که معلم‌ها تحت فشار بسیاری قرار دارند و علی‌رغم لذت سروکار داشتن با اذهان در حال پرورش و جوانان، روحیه ضعیفی دارند و بنابراین گروه‌های بسیاری از آنها این شغل را کنار می‌گذارند.
توضیح گرامری: خب اگه جمله رو معنی کنیم راحت به گزینه (۳) می‌رسیم.

Example 6: often serve as places of public entertainment and festivals, they can also be places where people can find peace and solitude.

(MBA - سراسری ۹۲)

- | | |
|---------------------------|-------------------------------|
| 1) City parks | 2) City parks that |
| 3) Even though city parks | 4) There are city parks which |

✓ پاسخ: گزینه «۳» گرچه پارک‌های شهری اغلب به‌عنوان مکان‌هایی برای سرگرم کردن مردم و برگزاری فستیوال‌ها استفاده می‌شوند، این مکان‌ها می‌توانند به‌منظور رسیدن به آرامش و تنهایی نیز مورد استفاده قرار بگیرند.
توضیح گرامری: خب اگه معنی جمله رو بدونین مثل آب خوردن به گزینه (۳) می‌رسین. ولی اگه ندونین یه راه دیگه هم واسه جواب دادن این تست وجود داره که اون ویرگولی وسط جمله هستش. به محظ اینکه اون ویرگول رو دیدین، بدونین که به حرف ربط وابسته‌ساز نیاز داریم.

Example 7: Moreover, we might suspect that certain questions will appear in the examination, we are never quite sure.

(MBA - سراسری ۸۸)

- | | | | |
|----------|------------|------------|-------------|
| 1) since | 2) in case | 3) because | 4) although |
|----------|------------|------------|-------------|

✓ پاسخ: گزینه «۴» به‌علاوه، اگرچه ممکن است حدس بزنیم که سؤالات خاصی در امتحان مطرح خواهند شد، هرگز نمی‌توانیم مطمئن باشیم.
توضیح گرامری: هر چهار تا شون حرف ربط وابسته‌سازن پس باید حتماً جمله رو معنی کنیم تا جواب رو بدونیم. اگه ترجمه‌اش کنیم به گزینه (۴) می‌رسیم.

قیود ربط

معمولاً تو تست‌هایی که از حرف ربط وابسته‌ساز میدان این طوری که یکی دو گزینه حرف ربط هستن یکی دو گزینه قید ربط. قید ربط‌ها هم تعدادشون زیاده ولی خوشبختانه اینا رو هم تو فارسی داریم. مثلاً «بنابراین»، «وگرنه»، «در نتیجه» و ... تو این دسته قرار دارن. لیست مهم‌تریناشون رو همراه با معنی و نقششون تو جمله تو جدول زیر آوردیم.

معنی	قید ربط	نقش
همچنین	Besides, likewise, moreover, furthermore, in addition, also	افزودن
در غیر این صورت	Otherwise	شرط
بنابراین، در نتیجه متعاقباً	Accordingly, consequently, hence, then, therefore, as a result, as a consequence	نتیجه
سپس، در این خلال	Then, meanwhile	زمان
اما، با این حال	However, nevertheless	تضاد

طبیعتاً همه میدونن که «همچنین» افزودن رو نشون میده یا «بنابراین» نتیجه رو نشون میده. پس سعی کنین به جای اینکه جدول بالا رو حفظ کنین، معنی عبارت‌هارو حفظ کنین. این طوری خیلی راحت‌تره. اگه معنی‌شونو حفظ کنین دیگه می‌دونین هر قید ربطی که معنی «همچنین» بده تو دسته اول میاد و... .

1. The boy was sick; therefore, he didn't go to school. پسرک مریض بود؛ بنابراین به مدرسه نرفت.
 2. I don't want to go shopping; besides, I have not got any money. نمی‌خواهم خرید بروم؛ گذشته از این پول هم ندارم.
- جایگاه قیود ربط: قیود ربط تو سه جایگاه استفاده میشه:

۱- ابتدای جمله:

3. Most computer users have never received any formal keyboard training. Consequently, their keyboard skills are inefficient.

اکثر کاربران کامپیوتری هرگز درخصوص کیبورد آموزش رسمی ندیده‌اند. در نتیجه، در زمینه کیبورد مهارت‌های کافی را ندارند.

۲- وسط جمله:

4. What you said was true. It was, nevertheless, a little unlikely. آنچه تو گفتی درست بود، اما کمی غیرمحتمل بود.
 5. An extremely unpleasant disease, which is however, easy to treat. یک بیماری بسیار ناخوشایند اما قابل درمان است.

۳- آخر جمله:

6. There is consumer demand for ivory, many African elephants are being slaughtered ruthlessly, therefore. تقاضا برای عاج زیاد است، بنابراین بسیاری از فیل‌های آفریقایی قتل‌عام می‌شوند.



نکته آزمون: به بار دیگه به جمله‌های بالا دقت کنین. همون‌طور که می‌بینین، بعد و قبل از قیدهای ربط از علامت‌های خاصی استفاده می‌شه. مثلاً تو مثال‌های ۱ و ۲ قبل از قید ربط از (:) و بعد از اون از (,) استفاده کردیم. در حالی که تو مثال ۳ قبل از قید ربط از نقطه استفاده کردیم. پس می‌تونیم نتیجه بگیریم، وقتی قید ربط اول جمله استفاده می‌شه (مثلاً تو مثال‌های ۱، ۲ و ۳) می‌تونیم قبل از اون (:) و یا (,) رو به کار ببریم و بعد از اون در هر دو حالت از (,) استفاده می‌شه. تو مثال‌های ۴ و ۵، قید ربط وسط جمله استفاده شده که در این صورت باید قبل و بعد از قید ربط از (,) استفاده بشه. تو مثال ۶ که معمولاً کاربرد رایجی نداره، قید ربط آخر جمله استفاده شده و قبل از اون باید از (,) استفاده بشه. حتماً جایگاه این نقطه و ویرگول‌ها رو یاد بگیرین، چون گاهی اوقات می‌تونین با همین تکنیک به سوالات پاسخ بدین.



Example 8: No matter how peaceable, sedentary or uninquisitive most ET civilizations may be, ultimately they will all have a motive for interstellar migration, no star lasts forever. (MBA - سراسری ۹۴)

- 1) however 2) furthermore 3) then 4) because

پاسخ: گزینه «۴» مهم نیست تمدن‌های فرازمینی تا چه اندازه صلح دوست، غیر مهاجر و غیر مطالبه‌گر باشند، سرانجام همه آن‌ها برای یک مهاجرت بین ستاره‌ای انگیزه پیدا خواهند کرد، زیرا هیچ ستاره‌ای تا ابد باقی نمی‌ماند.

توضیح گرامری: خب سه تا گزینه اول قید ربطه و گزینه (۴) حرف ربط. با توجه به معنی فقط گزینه (۴) صحیح، ولی بیاین بدون معنی جواب صحیح رو پیدا کنیم. قبل از جای خالی از ویرگول استفاده شده ولی بعدش هیچی نیومده، پس جز (۴) بقیه گزینه‌ها نادرستن. حتی اگه ویرگول هم نباشه باز هم این جمله صحیح.

یه نکته دیگه در مورد حرف ربط و حرف اضافه بگیریم و این مبحث رو تموم کنیم. این مبحث هم خوراک کنکوره چون یه کم گیج‌کننده هستش. ما مستقیماً تو متن درس اشاره نکردیم ولی فک کنم خودتون تا به حال متوجه شده باشین که بعد از حرف اضافه جمله نمیدانم بلکه اسم یا عبارت اسمی میاد. از طرفی بعد از حرف ربط وابسته‌ساز معمولاً جمله میاد. خب پس با استناد به این نکته می‌تونیم این مبحث رو شروع کنیم.

مورد اول: because و because of

یادتون باشه because حرف ربطه ولی because of حرف اضافه هستش و معنیشون هم به ترتیب میشه «چون که، زیرا که» و «به خاطر، به دلیل». آنها تصمیم گرفتند در خانه بمانند چون هوا بد بود.

They decided to stay at home, because the weather was bad.

They decided to stay at home because of bad weather.

توضیح: چون because حرف ربطه، بعدش جمله اومده ولی چون because of حرف اضافه است، بعدش عبارت اسمی اومده.

مورد دوم: in spite و despite

این دوتا هر دوشون حرف اضافه‌ان. یعنی بعدشون جمله نباید بیاد. معنیشون هم میشه «علی‌رغم»، «برخلاف». اگه بخوایم بعدشون جمله بیاریم باید یه کم تغییرشون بدیم. مثلاً بگیریم despite the fact that یا in spite the fact that یا به جای این دو تا از although, even though و though استفاده کنیم. این چهار پنج عبارتی که گفتم همشون میشن «گرچه، با وجود اینکه».

Despite his denial, we knew that he was guilty.

Despite the fact that / although I don't like that artist, I admire his work.

اگرچه از آن هنرمند خوشم نمی‌آید، کار وی را تحسین می‌کنم.

مورد سوم: instead of و instead

هر دو تا کلمه‌ی بالا به معنی «به جای، در عوض» هستن. instead of حرف اضافه ولی instead قیده:

We went to Esfahan instead of Shiraz.

ما به جای شیراز به اصفهان رفتیم.

We went to Esfahan instead.

ما در عوض به اصفهان رفتیم.

مورد چهارم: besides و beside

خیلی خیلی این دوتا با هم فرق دارن. حواستون باشه اشتباه نکنید. Beside حرف اضافه هستش و معنیش هم میشه «در کنار». ولی besides قید ربطه، معنیش هم میشه «همچنین».

Wendy came up and sat beside me.

«وندی» بلند شد و کنار من نشست.

People choose jobs for other reasons besides money.

مردم علاوه بر پول، به دلایل دیگر نیز شغل‌ها را انتخاب می‌کنند.

مورد پنجم: but

but معمولاً حرف ربطه به معنی «اما، ولی». اگر به صورت حرف اضافه به کار بره، معنی «به جز، مگر» می‌ده. (هم معنی با except)

All of the students but Jack had done their homework.

All of the students except Jack had done their homework.

هر دو جمله به معنی دارن: تمام دانش‌آموزان به غیر از «جک» تکالیف خود را انجام داده بودند.

مورد ششم: not only ... but also

اینو قبلاً بررسی کردیم. گفتیم حرف ربط لازم و ملزومه. ولی خیلی نامرتبه. یعنی هر طور که دلش بخواد به کار میره:

She plays not only the piano, but also the violin.

او نه تنها پیانو، بلکه ویولون نیز می‌نوازد.

مثال بالایی که کاملاً استاندارد، ولی موارد زیر رو ببینین متوجه میشین چی میگم:

We got there not just in winter, but also in summer.

ما نه تنها در زمستان بلکه در تابستان به آنجا رفتیم. { به جای not only از not just استفاده شده }.

یا گاهی but بدون also یا برعکس also بدون but استفاده میشه:

The place was **not only** cold, **but** dark. / She has **not only** been late three times, she has **also** done no work.

Example 9: A: What did John do after he fell?

(MBA - سراسری ۸۶)

B: He kept running the severe pain in his left leg.

- 1) despite 2) unless 3) however 4) even though

پاسخ: گزینه «۱» A: بعد از آنکه جان افتاد چه کار کرد؟ B: علی‌رغم درد شدید در پای چپش، به دویدن ادامه داد.

توضیح گرامری: خب! اگر معنی جمله رو متوجه شدین، پس (۲) و (۳) می‌رن کنار. می‌مونه (۱) و (۴). می‌بینید که بعد از جای خالی جمله نیومده پس (۴)

هم غلطه.

Example 10: They offer many advantages to small business owners problematic.

(MBA و مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری ۸۴)

- 1) it is 2) despite its 3) however it is 4) even though it is

پاسخ: گزینه «۴» آنها به مالکین کسب و کارهای کوچک امتیازات زیادی می‌دهند، اگرچه مشکل‌ساز است.

توضیح گرامری: بعد از جای خالی صفت اومده پس گزینه (۲) غلطه؛ چون بعدش باید اسم بیاد. ولی گزینه‌ی (۴) صحیحه چون بعد از even though

جمله اومده.

(MBA و مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری ۸۲)

(MBA و مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری ۸۲)

- (MBA - مسر ایسوی، ۸۶)

- (MBA - برائے بیورو، ۸۶)

(MBA- سب اساتذہ، ۹۳)

(MBA-سراسری، ۹۱)

- (MBA - سراسری ۹۷)

- توضیح گرامری:** گزینه‌های (۲) و (۳) قید ربط و گزینه‌های (۱) و (۴) حرف ربط. گفتیم قبل و بعد از قید ربط به سری علامت خاص مثل ویرگول میاد ولی اینجا هیچکدم نیومده؛ پس، گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست. بعدش هم باید جمله رو معنی کنیم که با توجه به معنی فقط باید *unless*/انتخاب بشه.



مدرسین شریف

فصل پنجم

«گزاره‌های قیدی (Adverbial Clauses)»

قبل از اینکه در مورد گزاره قیدی بحث کنیم باید نکته‌ی مهمی رو یادآوری کنیم. تمام مباحثی که تو بخش‌های قبلی خواندیم، در سطح کلمه یا نهایتاً در سطح عبارت بودن و با مباحث پایه زبان سروکار داشتن. اما اونچه که در ادامه می‌خوانیم در سطح جمله و ساختارهای پیچیده‌تر هستن. پس این بخش و بخش‌های آتی خوراک تست‌های کنکورن.

حالا باید ببینیم اصلاً گزاره چی هست. گزاره رو بعضی‌ها کلاز هم میگن؛ حتی تو دایره لغات فارسی هم بهش گفتن جمله‌واره. پس تا اینجا یادتون باشه که تو این کتاب ما تمایز خاصی بین این سه تا به کار نمی‌بریم و این سه تا رو یکسان در نظر می‌گیریم. کلاً دو نوع گزاره داریم:

- ۱- مستقل: گزاره‌ای هستش که به تنهایی کاربرد و معنا داشته باشه. تو فارسی بهش جمله پایه هم میگن. مثال: به بانک رفتم. یا *I went to bank.*
- ۲- وابسته: گزاره‌ای که به خودی‌خود و به تنهایی معنا نداشته باشه مثال: «وقتی که به مدرسه رفتم»، «این‌که وی مشهور است»، «مردی که آنجاست». سه جمله بالا همگی جمله‌واره یا گزاره وابسته هستن و نباید به تنهایی به کار برن. ضمناً گزاره وابسته حتماً باید با یه گزاره مستقل بیاد تا معنیش کامل بشه. تو انگلیسی سه نوع جمله‌واره وابسته وجود داره. ۱- جمله‌واره یا گزاره قیدی، ۲- گزاره یا جمله‌واره وصفی و ۳- گزاره یا جمله‌واره اسمی که تو این فصل به گزاره قیدی می‌پردازیم. تو ساخت گزاره‌های قیدی حروف ربط وابسته‌ساز نقش بسیار مهمی دارن. به گزاره‌ای که حرف ربط وابسته‌ساز در اون به کار رفته باشه، گزاره قیدی میگن. مثال:

When I went to school ...

زمانی که به مدرسه رفتم ...

تو این مثال «زمانی که به مدرسه رفتم» یا «When I went to school» نمونه‌ای از گزاره قیدی هستش که در اینجا «زمانی که» و یا «when» حرف ربط وابسته‌ساز هستش. گفتیم گزاره قیدی به تنهایی به کار نمی‌ره و باید با یه گزاره مستقل بیاد. واسه همین جمله بالا رو می‌تونیم این‌طوری تصحیح کنیم:

When I went to school, I saw Ali.

معمولاً گزاره‌های قیدی چه در فارسی و چه در انگلیسی به صورت زیر به کار می‌رن:

جمله + , + جمله + حرف ربط

جمله + حرف ربط + جمله

خب پس با این حساب جمله بالایی با استفاده از الگوی اولی ساخته شده. حالا اگه بخوایم اونو به صورت الگوی دوم بگیریم این طوری می‌گیم:

I saw Ali when I went to school.

علی رو دیدم زمانی که به مدرسه رفتم.



نکته آزمون: خب یه بار دیگه دو تا مثال بالا و الگوهاش رو ببینین. همون‌طور که می‌بینین تو مثال اولی بعد از گزاره قیدی از ویرگول استفاده شده، ولی تو گزاره دومی قبل از گزاره قیدی ویرگول نیومده؛ البته اگه بیاد هم، نادرست نیست ولی معمولاً تو این حالت ویرگول نمیداد. حتماً ساختار جمله رو هم می‌دونین چطوری دیگه؟ فاعل و فعل اجباری‌ان، قید و مفعول و ... اختیاری‌ان.



گزاره قیدی خودش به چند نوع تقسیم میشه:

۱. گزاره قیدی زمان: هر حرف ربط وابسته‌سازی که به زمان ربط داشته باشه، می‌تونه اینجا خودی نشون بده. چند تا مثال تو فارسی اینا میشن: «زمانی که»، «بعد از اینکه»، «قبل از این که»، تو انگلیسی مثالاش به صورت زیر:

Once, until, after, since, when, as, whenever, before, while....

بچه‌ها یه وقت اینا رو حفظ نکنین. تعدادشون خیلی بیشتر از این حرفاست. به جاش یادتون باشه هر حرف ربطی که به زمان ربط داره می‌تونه اینجا بیاد. مثلاً من خودم از دایره لغاتم استفاده می‌کنم. مثلاً اگه بخوام براساس دانش لغاتم چند تا حرف ربط دیگه به این گروه اضافه کنم می‌تونم تو فارسی «مادامی که» رو بگم و تو انگلیسی till, as soon as, و یا حتی as long as رو بگم. شما هم احتمالاً بتونین چند تا دیگه اضافه کنین.

خب برگردیم سر مبحث اصلیمون. تا اینجا با حروف ربط این حالت آشنا شدین. مثالاش رو هم یاد بگیرین مطلب براتون تثبیت میشه:

پیش از اختراع تلسکوپ، تماشای ستارگان مشکل بود. It was difficult to observe the stars before the telescope was invented.

زمانی که در پارک راه می‌رفتم، دو نفر را دیدم که با هم دعوا می‌کنند. When I was walking in the park, I saw two men fighting.

آن مرد جواهرات را دزدید و آن‌ها را در خانه خود مخفی کرد تا زمانی که بتواند به‌طور ایمن از شهر خارج شود. The man stole the jewelry and he hid it in his home until he could safely get out of the town.

توضیح: خب مثال دوم رو ببینید. در اینجا when حرف ربطه. پس بعدش باید جمله بیاد که اومده. بعد از جمله باید ویرگول بیاد، بعد از اون هم باید جمله بیاد.

Example 1: According to noted neurologist Antonio R. Damasio, joy or sorrow can emerge physical changes in the body. (دکتری ۹۷)

1) only after does the brain register

2) to register the brain after only

3) only after the brain registers

4) to register only after the brain

پاسخ: گزینه «۳» بنا به گفته آنتونیو آر. داماسیو که یک نورولوژیست معروف است، خوشحالی و غم تنها زمانی پدید می‌آیند که مغز، تغییرات فیزیکی بدن را ثبت می‌کند.

توضیح گرامری: بنارید اول با حذف *only* از گزینه‌ها، این سؤال رو آسون‌تر کنیم، چون این کلمه در اینجا فقط معنی جمله رو تغییر می‌ده و به لحاظ ساختاری تأثیری بر جمله نداره. خب حالا تنها کلمه‌ای که می‌تونه در پاسخگویی به این سؤال به ما کمک کنه، کلمه *after* هستش. *after* به حرف ربط وابسته‌سازه که در گزاره قیدی زمان کاربرد داره. این حرف ربط معمولاً به یکی از دو صورت زیر تو گزاره‌های قیدی کاربرد داره:

جمله + , + جمله + حرف ربط

جمله + حرف ربط + جمله

تو این تست *after* وسط جمله استفاده شده؛ یعنی از الگوی دوم استفاده کرده. پس باید ببینیم آیا قبلش و بعدش جمله اومده یا نه. قبلش که اومده اما بعدش جمله نداریم؛ پس فقط گزینه‌ای می‌تونه بیاد که به جمله باشه یعنی فقط گزینه (۳).

۲. گزاره قیدی علت: هر حرف ربطی که نشون‌دهنده علت و معلوم باشه تو این گروه قرار داره. تو فارسی مثل «چون که»، «زیرا که» و تو انگلیسی هم مثل موارد زیر:

{معنی همگی شون میشه: چونکه} Because, since, as, due to the fact that, in that, on the grounds that ...

بازم مثل حالت بالا، چون تعدادشون زیاده به جای اینکه حفظشون کنید، سعی کنید معنیشون رو یاد بگیرید و از دایره لغاتون استفاده کنید. مثالاش رو هم ببینید تا بهتر متوجه بشید.

Since some planets are too far away to send people, computer operated space probes are sent.

از آن‌جا که بعضی از سیارات برای فرستادن انسان بسیار دور هستند، کاوشگران فضایی که از طریق کامپیوتر عمل می‌کنند به آنجا فرستاده می‌شوند.

He is like his father in that he is very susceptible to feminine charms.

او مثل پدرش است چون که نمی‌تواند در مقابل نیرنگ‌های زنانه دوام آورد.

چون یک تعطیلی عمومی است، بسیاری از مغازه‌ها بسته هستند. As it is a public holiday, you won't find many shops open.

۳. گزاره قیدی تضاد: هر حرف ربطی که نشون‌دهنده تضاد و تقابل باشه تو این گروه قرار داره. تو فارسی مثل «گرچه»، «اگرچه» و تو انگلیسی هم مثل موارد زیر:

{همگی به معنی «اگرچه»، «با اینکه» هستن} Although, even though, though, while, whereas, despite the fact that, ...

Although helium is rare on earth, it is common in the universe.

اگرچه عنصر هلیوم روی زمین کمیاب است، در کل جهان بسیار یافت می‌شود.

Though it was raining cats and dogs, we continued our playing and won the football match.

اگرچه باران شدیدی می‌بارید، به بازی ادامه دادیم و مسابقه‌ی فوتبال را بردیم.

Whereas Jane was fresh and active, her sister was upset.

اگرچه جین سرحال و فعال بود، خواهرش غمگین بود.

Although Ali is lazy, his brother is hardworking.

اگرچه علی تنبل است، برادرش سختکوش است.



نکته آزمون: تا اینجا احتمالاً براتون به ابهام به وجود اومده. اونم اینکه چرا مثلاً *since* هم تو گزاره قیدی زمان اومده و هم تو گزاره قیدی علت. دلیلش اینکه این کلمه دو تا معنی داره یکی میشه «از زمانی که» و یکی هم «چونکه». As هم همین‌طوره: به معنیش «زمانی که» هستش و یکیش هم «چون که». نکته دومی که باید حواستون بهش باشه اینکه طراحان سؤال میان تو گزاره‌های قیدی تضاد قبل از گزاره اصلی از *but* استفاده می‌کنن که این به طرز وحشتناکی نادرسته. البته تو فارسی هم همین قضیه صادق و لی تو مکالمه‌های ما خیلی این موضوع جا افتاده و به اشتباه ازش استفاده می‌کنیم. مثال رو با ترجمه‌اش ببینید:

Incorrect: Although she is intelligent, but she finds it difficult to express her ideas.

Correct: Although she is intelligent, she finds it difficult to express her ideas.

اگرچه وی باهوش است، {ولی} نمی‌تواند ایده‌هایش را بیان کند.

Example 2: earlier discussions of the possibility of Earth's motion, the Polish astronomer Nicolaus Copernicus was the first to propound a comprehensive heliocentric theory. (دکتری ۹۶)

1) Although there had been

2) Despite there were

3) Nevertheless, it had been

4) Even though they were

پاسخ: گزینه «۱» گرچه در ابتدا بحث‌هایی در مورد حرکت زمین وجود داشته است، فزانونورد لهستانی نیکولاس کوپرنیک اولین فردی بود که یک نظریه جامع خورشیدمحوری ارائه کرد.

توضیح گرامری: وقتی می‌گیم به چیزی وجود داره باید از *there is / are* استفاده کنیم نه از *it is* یا *they are* (علت نادرست بودن گزینه‌های (۳) و (۴)).

There is a lot of debate about the safety of nuclear power.

از طرفی می‌دونیم که *despite* حرف اضافه است، پس نمی‌تونیم بعد از اون از جمله استفاده کنیم (علت نادرست بودن گزینه (۲)). ولی *although* حرف ربطه و بعد از اون باید از جمله استفاده کنیم.

Example 3: readily acknowledged that workers are not motivated by money alone, their abstractions were based only on the economic aspects of reality. (دکتری ۹۶)

1) Despite classical economists

2) Classical economists, while

3) Classical economists, however

4) Although classical economists

پاسخ: گزینه «۴» گرچه اقتصاددان‌های کلاسیک اذعان داشتند که پول به تنهایی به کارگران انگیزه نمی‌دهد، تفکر آنها تنها براساس ابعاد اقتصادی واقعیت بود.

توضیح گرامری: گزینه‌های (۲) و (۳) نادرستن. ضمناً بعد از *despite* نباید جمله بیاد.

۴. گزاره قیدی شرط: هر حرف ربطی که نشون‌دهنده شرط باشه تو این گروه قرار داره. تو فارسی مثل «اگر»، «به شرطی که» و تو انگلیسی هم مثل موارد زیر:

If, provided that, in the event that, in case ... {همگی یعنی اگر، در صورتی که}

Unless {مگر}, even if {حتی اگر}

You will see hundreds of stars if you look at the sky.

اگر به آسمان نگاه کنید صدها ستاره می‌بینید.

You can study distant stars provided that you have a radio telescope.

می‌توانید به مطالعه‌ی ستارگان دور دست بپردازید، به شرطی که تلسکوپ رادیویی داشته باشید.

Come tomorrow unless I phone.

فردا بیا مگر اینکه تماس بگیرم.

Example 4: Even if children don't end up pursuing a particular subject, sport or instrument, proficiency in one domain helps them understand how to build long-lasting skills in others. (MBA - سراسری ۹۴)

- 1) when attained 2) though attaining 3) attaining 4) which attains

✓ پاسخ: گزینه «۳» حتی اگر کودکان دست از تعقیب یک موضوع دیگر مانند ورزش یا استفاده از ابزار آلات ورزشی برندارند، دستیابی به سطح حرفه‌ای در یک زمینه به درک آن‌ها در ایجاد مهارت‌های پایدار طولانی‌مدت در موارد دیگر، کمک شایانی می‌نماید.

توضیح گرامری: برای پاسخگویی به تست‌های اینطوری، می‌تونین از این تکنیک استفاده کنین. اول از همه حرف ربط رو پیدا کنین. خب حرف ربط ما تو این جمله *even if* هستش که با توجه به معنیش تو گزاره قیدی شرط به کار میره و چون تو این مثال *even if* اول جمله استفاده شده، پس طبق الگو داریم:

جمله + , + جمله *even if*

Even if she gets her A levels, she's going to have problems finding a job.

همون‌طور که تو صورت سؤال می‌بینید، بعد از *even if* باید جمله بیاد. نشونه جمله هم اینه که فاعل و فعل رو حتماً باید داشته باشه. در اینجا فاعل *children* و فعل هم *end up* هستش. پس جمله اول ما کامله. بعدش باید ویرگول بیاد که این ویرگول قبل از جای خالی اومده و بعد از اون هم که باید جمله بیاد و باز هم باید فاعل و فعل داشته باشه که اینجا فاعل *attaining* و فعل هم *help* هستش.

گزاره قیدی شرط رو با نام جملات شرطی هم می‌شناسن. این جملات از دو بخش جمله شرط و جواب شرط تشکیل شده‌ان. جمله‌ای که با *if* میاد، جمله شرط (*if-clause*) و جمله‌ای که بعد از اون میاد، جواب شرط (*main clause*) نام داره. چهار نوع جمله‌ی شرطی داریم:

۱. شرطی نوع صفر: این نوع شرطی ساده‌ترین نوع شرطیه که هر دو طرفش از حال ساده استفاده میشه. ارزش هم وقتی استفاده می‌کنیم که می‌خوایم به واقعیت علمی رو بیان کنیم:

If you boil water, it changes into steam.

اگر آب رو بجوشانید، بخار می‌شود.

توضیح: همون‌طور که می‌بینید ما داریم به واقعیت علمی رو تو این مثال توضیح می‌دیم. پس از شرطی نوع صفر استفاده می‌کنیم و در هر دو طرف جمله از حال ساده استفاده می‌کنیم.

۲. شرطی نوع اول: این نوع شرطی زمانی استفاده میشه که قصد داریم بگیم اگه شرایط به چیز فراهم بشه، حتماً اون چیز رخ میده یا می‌تونه رخ بده. تو این نوع شرطی، جمله شرط با فعل *حال* میاد و جواب شرط با *will, can, may, might* و ... ساخته میشه. ساختارش و مثالاشم این طوری‌ان:

آینده ساده / حال ساده + *If*
جواب شرط / جمله شرط

If you listen carefully, you will understand the lesson.

اگر با دقت گوش بدهی، درس را خواهی فهمید.

تک آزمون: جملات شرطی به نوع گزاره قیدی‌ان دیگه. یعنی اینکه هرچی که در مورد گزاره‌های قیدی صحت داره در این مورد هم درسته. پس می‌تونیم جمله بالا رو به این صورت هم بگیم:

You will understand the lesson if you listen carefully.

از طرفی به سری از منابع، شرطی نوع صفر که بالاتر توضیح دادیم رو به رسمیت نمی‌شناسن و میگن شرطی نوع صفر همون شرطی نوع اوله. با این حساب اگه مثال شرطی نوع صفر رو به صورت زیر هم بگیم باز هم درسته:

If you boil water, it will change into steam.

اگر آب را بجوشانید، بخار می‌شود.

شرطی نوع دوم: توی شرطی نوع صفر و اول امکان وقوع عمل وجود داشت. یعنی اگه به سری شرایط تقریباً ممکن رخ می‌داد، می‌تونست به اتفاق دیگه هم رخ بده. ولی تو شرطی نوع دوم امکان وقوع موضوع وجود نداره یا خیلی امکان وقوعش کمه. خب این یعنی چی؟ به این مثال فارسی دقت کنید «اگه پولدار باشم، خونه لوکس می‌خرم». این نوع شرطی از نوع دومه چون که جمله شرطمون فقط به نوع افسوسه و تو واقعیت وجود نداره، پس جواب شرط هم نمی‌تونه رخ بده. پس این جور مواقع از شرطی نوع دوم استفاده می‌کنیم که الگوش این طوره:

زمان گذشته ساده	زمان آینده در گذشته
If + فعل گذشته + فاعل	مصدر بدون to + would / should / could / might + فعل

اگر با دقت گوش می‌کردی، درس را می‌فهمیدی. *If you listened carefully, you would understand the lesson.*
توضیح: مثال بالا داره میگه که اگه با دقت گوش می‌کردی می‌تونستی درس رو بفهمی ولی متأسفانه با دقت گوش نکردی و چون الان کار از کار گذشته تقریباً غیر ممکنه که درس رو بفهمی و در نتیجه باید فقط افسوس بخوری.

If Americans ate fewer foods with sugar and salt, their general health would be better.
 اگر آمریکایی‌ها غذاهای نمکی و قندی کمتری می‌خوردند، سلامتی عمومی آن‌ها بهتر می‌شد.
توضیح: این جمله هم میگه دیگه کار از کار گذشته و آمریکایی‌ها فقط باید افسوس داشتن زندگی سالم رو بخورن.

طبیعتاً می‌دونید که دست خودمونه که به جمله رو با شرطی نوع اول بگیریم یا دوم. مثلاً من الان می‌خوام مثال بالا رو با شرطی نوع اول بگیرم:
If Americans eat fewer foods with sugar and salt, their general health will be better.
 اگر آمریکایی‌ها غذاهای نمکی و قندی کمتری بخورند، سلامتی عمومی آن‌ها بهتر خواهد بود.



نکته آزمون: این نکته که می‌خوام بگم خیلی مهمه و اگه قرار باشه از جملات شرطی سؤالی بیاد از این مبحث میاد. تو شرطی نوع دوم اگه فعل جمله شرط to be باشه، چه فاعلمون مفرد باشه چه جمع، به جای was از were استفاده می‌کنیم:
 If I were you, I would eat all the cake. اگر من جای تو بودم، تمام کیک را می‌خوردم.
 If he were here, we might go swimming together. اگر او اینجا بود، ما با هم به شنا می‌رفتیم.
 حالا چیز دیگه‌ای که خیلی مهمه، اینه که اگه فعل جمله شرط، were باشه، می‌تونیم if رو حذف کنیم و were رو بیاریم اول جمله:
 Were I you, I would punish the child. ← معادل → If I were you, I would punish the child.
 اگر من جای تو بودم بچه را تنبیه می‌کردم.

شرطی نوع سوم: گفتیم تو شرطی نوع صفر و اول، امکان وقوع عمل وجود داره. تو شرطی نوع دوم، احتمال وقوع کم و تقریباً صفره، ولی تو شرطی نوع سوم بعیده که اتفاقی رخ بده؛ یعنی احتمال وقوع رویداد زیر صفره. ساختار و مثالاش به‌صورت زیر:

زمان گذشته کامل	زمان آینده در گذشته کامل
If + فعل گذشته کامل + had + PP	مصدر بدون to + would/should/might/could + have + PP

If you had listened carefully, you would have understood the lesson.
 اگر با دقت گوش کرده بودی، درس را می‌فهمیدی (ولی نفهمیدی).

توضیح: خب این جمله هم به نوع افسوس رو نشون میده و میگه که اگه تو گذشته خوب گوش می‌کردی درس رو می‌فهمیدی. اما چون گذشته تموم شده دیگه هیچ وقت امکان وقوعش وجود نداره. در ضمن حتماً به فعل جواب شرط و جمله شرط هم دقت کنین که از چه ساختاری استفاده کردن.
 خب حالا اگه گفتید فرق شرطی نوع دوم با نوع سوم چیه؟ آفرین! معلومه که خوب یاد گرفتین! اینه که تو شرطی نوع دوم لزوماً با گذشته سروکار نداریم. مثلاً وقتی می‌گیم اگه پولدار می‌بودم، ماشین می‌خریدم، لزوماً در مورد گذشته صحبت نمی‌کنیم؛ یعنی ممکنه هر یک از ما همین الان چند تا از این افسوس‌ها رو داشته باشیم ولی تو شرطی نوع سوم، افسوس مربوط به گذشته هستش. مثلاً تو جمله‌ی اگر دیشب باران نمی‌بارید، هوا خوب بود، کار از کار گذشته و این افسوس به گذشته مربوط میشه.



نکته آزمون: توی شرطی نوع سوم هم می‌تونیم If رو حذف کنیم و had رو به اول جمله بیاریم:

Had you invited me, I would have come to your house. } معادل
If you had invited me, I would have come to your house. }

اگر مرا دعوت کرده بودی به خانه‌ات می‌آمدم.

Example 5: The reason why these instructors so explicitly mark their digressions is, students might not only become confused but think their instructors are disorganized. (MBA - سراسری ۹۵)

- 1) if not 2) that if they do not 3) that not to do it 4) what if they do not

پاسخ: گزینه «۲» علت تصحیح آشکار مطالب نامرتب دانش‌آموزان توسط معلم‌ها این است که اگر چنین کاری نکنند دانش‌آموزان ممکن است نه تنها گیج شوند بلکه تصور کنند معلم‌هایشان مشکل آشفته‌گی و نامنظمی دارند.

توضیح گرامری: اول از همه این الگو رو حفظ کنین:

The reason why is that

The reason why he left is that he didn't like her.

If they do not, students might not only

پس یا گزینه (۲) صحیح یا (۳). بقیه‌اش هم که شرطی نوع اوله. یعنی این‌طوری:

Example 6: to occur in the Earth's crust, push-pull and shake waves would be generated simultaneously. (MBA - سراسری ۹۹)

- 1) A break was 2) If a break 3) If broken 4) Were a break

پاسخ: گزینه «۴» اگر یک شکست در پوسته زمین رخ می‌داد، به‌طور هم‌زمان باعث ایجاد نیروی فشاری - کششی و امواج لرزشی می‌شد.

توضیح گرامری: شرطی نوع دوم تو این تست مدنظره، نشوناش هم اون *would be generated* هستش. پس قسمت جمله شرط باید یه فعل گذشته داشته باشه. ضمناً اگه فعلمون *to be* باشه، باید *were* باشه نه *was*. پس گزینه (۱) نادرسته. گزینه (۲) ناقصه و گزینه (۳) هم که کلاً نادرسته. خب! حالا چرا گزینه (۴) صحیح؟ چون این تست ابتدا این‌طوری بوده:

If a break were to occur in the Earth's crust, push-pull and shake waves would be generated simultaneously.

گفتیم تو شرطی نوع دوم می‌تونیم *if* رو حذف کنیم و *were* رو بیاریم اول جمله.

Were a break to occur in the Earth's crust, push-pull and shake waves would be generated simultaneously.

Example 7: If it more dry in the desert southeast, the hot temperatures in Iran would be intolerable.

(MBA - سراسری ۹۰ و ۹۳)

- 1) were 2) was 3) be 4) is

پاسخ: گزینه «۱» اگر بیابان جنوب شرقی بی‌آب و علف‌تر می‌شد، دماهای بسیار بالا در ایران غیرقابل تحمل می‌شد.

توضیح گرامری: سؤال ساختار شرطی نوع دوم رو از ما می‌خواد که نشوناش هم *would be* هست که تو جواب شرط اومده. پس فعل جمله شرط باید گذشته باشه و چون از نوع *to be* هستش *were* صحیح.

۵. گزاره قیدی هدف: هر حرف ربطی که نشون‌دهنده هدف باشه تو این گروه قرار داره. تو فارسی مثل «تا اینکه»، «به منظور» و تو انگلیسی هم مثل موارد زیر:

so that, in order that, to the end that

{همگی یعنی تا اینکه}

in the hope that

{یعنی به این امید که}

Astronomers improve telescopes so that they will discover more about stars.

ستاره‌شناسان تلسکوپ‌ها را ارتقاء می‌دهند تا این که اطلاعات بیشتری راجع به ستارگان کشف کنند.

I will go by car so that I can take more luggage.

با ماشین می‌روم تا بتوانم وسایل بیشتری ببرم.

We left a message in order that he would know we'd called.

پیامی گذاشتیم تا او بداند که ما زنگ زدیم.

Example 8: The firemen handle the box the wheels grip two adjacent rails on the building.

(MBA - سراسری ۸۷)

1) such to

2) such that

3) in order to

4) in order that

☑ پاسخ: گزینه «۴» مأموران آتش‌نشانی جعبه را کنترل می‌کنند تا چرخ‌ها به دو ریل مجاور بر روی ساختمان بچسبند.

توضیح گرامری: اینجا به گزاره قیدی هدف داریم و حرف ربط ما هم in order that هست. قبل و بعدش هم که جمله آمده.

۶. گزاره قیدی حالت: هر حرف ربطی که نشون‌دهنده حالت باشه تو این گروه قرار داره. تو فارسی مثل «طوری که»، «گویی که» و تو انگلیسی هم مثل موارد زیر:

As, as if, as though, ...

{همگی یعنی طوری که، گویی که}

Ancient people used the stars as if they were calendars.

مردم باستان از ستارگان استفاده می‌کردند گویی که آن‌ها (ستارگان) تقویم بودند.

The Milky Way looks as though it is a faint band of light.

کهکشان راه شیری همچون دسته‌ای ضعیفی از نور به نظر می‌رسد.

۷. گزاره قیدی مکان: هر حرف ربطی که نشون‌دهنده مکان باشه تو این گروه قرار داره. تو فارسی مثل «هر جا که»، «جایی که» و تو انگلیسی هم مثل موارد زیر:

Where, everywhere, wherever

{همگی یعنی هر جا که، جایی که}

There were stars wherever she looked.

هر جا که او نگاه می‌کرد، ستاره می‌دید.

A crater was formed where the meteor hit the earth.

جایی که شهاب سنگ با زمین برخورد کرد، گودالی ایجاد شد.

۸. گزاره قیدی مقایسه: یادتونه صفت و قید تفضیلی و صفت و قید تساوی رو چطوری می‌ساختیم؟ با as ... as یا more / er than درست؟ مثال:

Ahmad is as tall as Ali. /// Ahmad is taller than Ali.

خب حالا اگه بخوایم از دو تا مثال بالا گزاره قیدی مقایسه بسازیم باید به آخر جمله‌مون فعل اضافه کنیم. یعنی دوتای بالایی این طوری میشن:

Ahmad is as tall as Ali is. /// Ahmad is taller than Ali is.

همیشه اینقدر ساده نیست‌ها. تو این دو مثال چون فعلمون از نوع to be بود، ما هم فعل to be به آخر جمله اضافه کردیم. ولی تو مثال زیر چکار کنیم؟

He plays piano as well as me. /// You didn't finish the puzzle as quickly as Reza.

به فعلمون نگاه کنید. فعل اولی حال ساده هستش و فعل دومی گذشته ساده. پس گزاره قیدی مقایسه‌مون این طوری میشه:

He plays piano as well as I do. /// You didn't finish the puzzle as quickly as Reza did.



نکته آزمون: چون مبحث ما به حروف ربط وابسته‌ساز و گزاره قیدی مربوط بوده، امیدوارم این مسئله باعث گمراهی‌تون

نشده باشه و به وقت فک کنین کلماتی مثل after یا before همیشه حرف ربط هستن. نه! اینطوری هم نیست!

همین دوتا ممکنه حرف اضافه هم باشن که اون وقت دیگه نباید بعدشون از جمله استفاده کنیم بلکه باید اسم بیاد:

He entered the house after Ali did. /// He entered the house after Ali.

خب تو مثال اولی after حرف ربطه. نشون‌هش هم اینه که بعدش جمله اومده. ولی تو دومی after حرف اضافه هستش و

نشون‌هش هم اینه که بعد از after اسم اومده.



تست‌های طبقه‌بندی شده فصل پنجم

1- Coral islands such as the Maldives are the tips of reefs built during periods of warm climate, when higher.

(MBA - سراسری ۸۹)

- 1) were sea levels 2) sea levels were 3) sea had levels 4) having sea levels

2- Today carpet refers to floor coverings that reach from wall to wall rug refers to a piece of material that covers only one section of the floor.

(MBA - سراسری ۹۱)

- 1) among 2) therefore 3) in as much as 4) whereas

3- Competition among states, especially those having different economic systems, is to achieve a higher rate of economic growth than its rivals.

(دکتری ۹۲)

- 1) too strong for each strive 2) as strong for each as to strive
3) very strong as each strives 4) as strong as each to strive

باسفنامه تست‌های طبقه‌بندی شده فصل پنجم

۱- گزینه «۲» جزایر مرجانی از قبیل مالدیو، نوک آب‌سنگ‌هایی هستند که در دوران آب و هوای گرم، هنگامی که سطوح دریا بالاتر بودند ایجاد شدند. **توضیح گرامری:** خب قبل از جای خالی when اومده؛ پس بعدش باید جمله بیاد. یعنی اول باید فاعل بیاد بعدش فعل. (پس گزینه‌ی (۱) غلطه). گزینه‌ی (۴) هم همین‌طور. گزینه (۳) هم غلطه چون صفت بعد از اسم اومده.

۲- گزینه «۴» امروزه فرش اشاره به پوشش کف اتاق دارد که از یک دیوار تا دیوار دیگر امتداد می‌یابد در حالی که قالیچه اشاره به تکه‌ای از ماده‌ای دارد که تنها یک بخش از کف را می‌پوشاند.

توضیح گرامری: خب اگه جمله رو معنی کنیم می‌بینیم به حرف اضافه whereas و در نتیجه گزاره قیدی تضاد نیاز داریم.

۳- گزینه «۳» رقابت بین ایالت‌ها، به خصوص آن‌هایی که سیستم‌های اقتصادی متفاوتی دارند، بسیار شدید است، زیرا هریک از آنها نهایت تلاش خود را می‌کند تا به رشد اقتصادی بیشتری نسبت به رقبای خود دست یابد.

توضیح گرامری: گزینه‌ی (۱) به این دلیل نادرسته که گفتیم each به کمیته‌نمای مفرد، پس strives صحیح. گزینه‌ی (۲) به این خاطر غلطه که باید بگه so strong. گزینه (۳) فقط درسته که اینجا very تشدیدکننده هستش و as هم به حرف ربط علت و معلوله.



مدرسین شریف

فصل ششم

«گزاره‌های وصفی» (Adjective Clauses)

تو فصل قبل گزاره‌های قیدی رو به طور کامل بررسی کردیم. حالا تو این فصل می‌خوایم نوع دیگه‌ای از گزاره‌های وابسته که گزاره‌های وصفی (یا جمله‌واره موصولی) نام دارن رو توضیح بدیم. گزاره وصفی دقیقاً عین صفت هستش یعنی یه اسم یا ضمیر رو توصیف می‌کنه، واسه همین بهش می‌گیم وصفی. اگه یادتون باشه تو گزاره‌های قیدی گفتیم حروف ربط وابسته‌ساز نقش کلیدی دارن ولی تو گزاره‌های وصفی ضمائر موصولی از قبیل who, whose, which, that, when, where نقش حیاتی دارن. گزاره‌های وصفی تو زبان فارسی هم وجود دارن. پس بیاین اول با یه مثال فارسی شروع کنیم:

«مردی که آنجاست، پدر من است».

تو این مثال «که آنجاست» گزاره وصفیه چرا؟ چون داره مردی رو توصیف می‌کنه و «که» ضمیر موصولیه. گفتیم گزاره وصفی دقیقاً مثل صفت، یه اسم یا ضمیر رو توصیف می‌کنه که به این اسم، مرجع می‌گن. پس تو مثال بالا، مرجع، واژه «مردی» یه. حالا بیاین مثال انگلیسی زیر رو بررسی کنیم:

The man who is here is my father.

تو این جمله، who is here گزاره وصفی، who ضمیر موصولی و واژه the man هم مرجع اونه. ضمناً گفتیم که گزاره وصفی گزاره‌ای وابسته هستش واسه همین که تو این مثال who is here نمی‌تونه به تنهایی به کار بره.

برای اینکه بهتر گزاره وصفی رو متوجه بشین، لازمه که قبل از هر چیز، ضمائر موصولی رو بررسی کنیم. ضمائر موصولی شامل who, whose, whom, which و یه سری موارد دیگه هستش که همشون رو تو بخش زیر بررسی می‌کنیم. همه‌ی این ضمائر تو فارسی به صورت «که» ترجمه میشن و کاربردشون هم مثل همین واژه تو زبان فارسی هستش. خب اگه حاضرین با who شروع کنیم.

(۱) **who:** برای انسان در نقش فاعل: اگه مرجع، انسان باشه و اگه بعد از ضمیر موصولی فعل بیاد، اون وقت ضمیر موصولی who باید باشه:

1. The tribes who lived in the Great plains used smoke as signals.

قبایلی که در دشت‌های «گرت» زندگی می‌کردند، از دود به‌عنوان علامت استفاده می‌کردند.

2. Do you know the people who live next door?

آیا کسانی را که همسایه ما هستند، می‌شناسید؟

توضیح: تو مثال‌های ۱ و ۲، واژه‌های the tribes و people هر دو مرجع انسان هستن و چون بعد از ضمیر موصولی از فعل استفاده شده باید از ضمیر موصولی who استفاده کنیم که برای مرجع خودش نقش فاعلی داره.

(۲) **whom:** برای انسان در نقش مفعول: اگه مرجع، انسان باشه و اگه بعد از ضمیر موصولی، اسم یا ضمیر بیاد، باید ضمیر موصولی whom باشه.

1. The man whom I met was very curious.

مردی که ملاقات کردم خیلی کنجکاو بود.

2. This is Mr. Safari, whom you met last night.

این آقای صفری است که دیشب ملاقات کردید.

توضیح: در مثال‌های ۱ و ۲، واژگان The man و Mr. Safari هر دو مرجع انسانی هستن و از اونجایی که بعد از ضمیر موصولی، ضمیر اومده باید از ضمیر موصولی whom استفاده کنیم که برای مرجع خودش نقش مفعولی داره.

۳) **whose**: برای انسان و اشیاء در نقش مالکیت: این ضمیر موصولی، مالکیت رو نشون میده و بعد و قبلش هم از اسم استفاده می‌شه و به این صورت ترجمه میشه «که ... ش» مثلاً که کتابش، که فرزندش و ...

He sent a message whose content we had agreed upon in advance.

او پیامی فرستاد که پیشاپیش درباره محتوایش توافق کرده بودیم.

I saw a girl whose hair came down to her waist.

دختری را دیدم که موهایش تا کمرش پایین می‌آمد.

نکته آزمون: بعضی وقت‌ها طراحان سؤال میان بین **whose** و اسمی که بعدش میاد از صفت ملکی استفاده می‌کنن؛ مثلاً میگویند **the boy whose his book**، حواستون باشه که این اشتباهه صحیحش این‌طوره:
the boy whose book... (پسری که کتابش)



Example 1: In a parliamentary system, it is not the monarch but the prime minister

- 1) whom the real power 2) who has the real power 3) whom has the real power 4) whose the real power

✓ پاسخ: گزینه «۲» در نظام پارلمانی، نخست‌وزیر است که قدرت واقعی را در دست دارد نه فرمانروا.

توضیح گرامری: **prime minister** انسانه و نقش فاعلی داره، پس گزینه‌ی (۲) صحیحه. گزینه‌های (۱) و (۴) ناقصان و گزینه (۳) هم نباید **whom** باشه.

۴) **which**: برای اشیاء در نقش فاعل یا مفعول: اگه مرجعمون انسان نبوده، اون وقت از **which** استفاده می‌کنیم.

1. This is the key which opens the garage.
این کلیدی است که در گاراژ را باز می‌کند.
2. The drumbeats which we hear send a message.
ضربات طبلی که ما می‌شنویم پیامی را می‌فرستند.
3. I forget most of the films which I see.
من اکثر فیلم‌هایی را که می‌بینم، فراموش می‌کنم.

توضیح: تو مثال ۱ همون‌طور که می‌بینی، واژه **key** انسان نیست و شیعه و چون بعد از ضمیر موصولی از فعل استفاده شده باید از ضمیر موصولی **which** استفاده بشه که برای مرجع خودش نقش فاعلی داره.

پس تا اینجا یاد گرفتیم که، اگه مرجع، شی باشد و بعد از ضمیر موصولی هم فعل بیاد، باید ضمیر موصولی **which** باشه. پس این ضمیر موصولی دقیقاً مثل **who** عمل می‌کنه با این تفاوت که از **who** برای انسان و از **which** برای غیرانسان استفاده می‌کنیم.

توضیح: تو مثال‌های ۲ و ۳ واژه‌های **The drumbeats** و **the films** انسان نیستن و چون بعد از ضمیر موصولی از ضمیر استفاده شده باید از ضمیر موصولی **which** استفاده کنیم که برای مرجع خودش نقش مفعولی داره.

۵) **that**: برای انسان، حیوان و اشیاء: این ضمیر موصولی، حکم آچار فرانسه رو داره و کاری نداره مرجع انسان، شی یا حیوان باشه و کاری هم نداره که بعد از ضمیر موصولی، فعل یا ضمیر استفاده شده و در همه حالات به کار میره. خب! این خیلی خوبه! این‌طور نیست؟! چون این جوری می‌تونیم به جای همه‌ی ضمیری که تا به حال بررسی کردیم به غیر از **whose** ازش استفاده کنیم. ولی! یه نکته داره که بعداً در موردش توضیح می‌دیم.

The smoke that you see is from the hills.

دودی که می‌بینی از سوی تپه‌ها است.

I like people that smile a lot.

از کسانی که زیاد می‌خندند، خوشم می‌آید.

The Apache is a tribe that I will research.

آپاچی، قبیله‌ای است که من راجع به آن تحقیق خواهم کرد.

۶) **where**: برای توصیف مکان: اگه مرجع مکان باشه از این ضمیر استفاده میشه:

That is the valley where the tribe lived.

آن‌جا دره‌ای است که قبیله در آن زندگی می‌کرد.

Do you know a shop where I can find sandals?

آیا مغازه‌ای می‌شناسی که من بتوانم صندل پیدا کنم؟

توضیح: تو این دو مثال، واژه‌های **valley** و **shop** هر دوشون به مکان اشاره دارن، پس باید از ضمیر موصولی **where** استفاده بشه.

**۷) when: برای توصیف زمان:**

That is the day when we get the signal.

آن روز، روزی است که ما علامت را دریافت می‌کنیم.

I'll never forget the day when I first met you.

من هرگز روزی که برای اولین بار تو را دیدم فراموش نمی‌کنم.

توضیح: واژه *the day* توی این مثال‌ها به زمان اشاره دارد، پس باید از ضمیر موصولی *when* استفاده کنیم.

۸) why: برای توصیف دلیل:

The reason why I came should be obvious to you.

دلیلی که من آمدم باید برای شما واضح باشد.

۹) whereby: برای توصیف روش انجام چیزی: این ضمیر به کم معنیش فرق می‌کند و به صورت «که از طریق آن» ترجمه می‌شود.

They have set up a plan whereby you can spread the cost over a period.

آنها برنامه‌ای تنظیم کرده‌اند که از طریق آن می‌توانید هزینه را طی یک دوره گسترش دهید.

We need to devise some sort of system whereby people can connect with each other.

ما باید سیستمی ابداع کنیم که به موجب آن افراد با همدیگر ارتباط برقرار کنند.

■ ضمیر موصولی *whereby* رو می‌تونیم با *by means of which* جایگزین کنیم:

We need to devise some sort of system, by means of which people can connect with each other

توضیح: خب! تو این مثال اومدیم *whereby* رو حذف کردیم و به جاش اول ویرگول گذاشتیم و بعدش هم *by means of which* رو آوردیم.

Example 2: Much excitement has been created by Prof. Pickering's proposal to build a system of mirrors, light can be rhythmically flashed to Mars. (دکتری ۹۵)

- 1) by means of which 2) which by means of it 3) by means of it 4) that by means of

✓ پاسخ: گزینه «۱» پیشنهاد پروفیسور پیکرینگ برای ساخت یک سیستم آینه‌ای که به وسیله‌ی آن نور می‌تواند به‌طور منظم به مریخ بتابد، شور و هیجان بسیاری به‌پا کرد.

توضیح گرامری: گفتیم ضمیر موصولی *whereby* وقتی استفاده می‌شود که می‌خواهیم طریقه و روش انجام یه چیز رو مشخص کنیم. اصل این تست این جوری بوده:

.....system of mirrors **whereby** light can be

بعدش هم گفتیم که می‌تونیم *whereby* رو به *by means of which* تغییر بدیم:

.....system of mirrors, **by means of which** light can be

جدول زیر خلاصه همه‌ی اون مواردی هستش که تا الان کار کردیم. این موارد رو حتماً حفظ کنین:

ردیف	مرجع	ضمیر موصولی	مثال
۱	انسان	who / that whom / that whose	<u>The man who / that is here</u> is my father. The man <u>whom / that you met</u> was my father. The man <u>whose book was</u> on the table was my father.
۲	اشیاء و غیرانسان	which / that that / which	<u>The chairs which / that are broken</u> should be repaired. The chairs <u>which / that he broke</u> should be repaired.
۳	زمان	when	The year <u>when I left home</u> was 2012
۴	مکان	where	Here <u>is</u> the house <u>where I live</u> .
۵	دلیل	why	<u>Give me one reason why you did it</u> .



نکته آزمون: خب! طبق مثال‌ها و جدول بالا، تقریباً همیشه گفت ضمیر موصولی *that* می‌تونه به جای اکثر ضمیرهای موصولی بیاد ولی *that* بیشتر جنبه محاوره‌ای داره تا نوشتاری (این همون نکته‌ایه که می‌خواستیم درموردش بگیم). چون تو آزمون‌ها بیشتر جنبه نوشتاری مورد تأکید هستش تا گفتاری، شما سعی کنین تو سؤالات گزینه‌ای رو انتخاب کنین که به جای *that* از *who* یا *which* و ... استفاده کرده؛ البته جاهایی هم هستن که بهتره از *that* به عنوان ضمیر موصولی استفاده کنیم تا از *who* یا *which* که شامل این سه مورد میشه:

۱. بعد از *anything* یا *something*

او چیزی می‌داند که باعث آزار وی می‌شود. *He knows something that (or which) bothers him.*

۲. بعد از *all*، *none*، *little* و ...

او چیز خاصی نمی‌داند که برای ما کمکی باشد. *He knows little that can help us.*

۳. بعد از صفات عالی.

او یکی از مهربان‌ترین افرادی است که من می‌شناسم. *She is one of the kindest people that I know.*

یه نکته دیگه‌ای هم که تو آزمون خیلی به چشم می‌خوره، اینه که طراح سؤال میاد دو تا ضمیر موصولی رو با هم استفاده میکنه که اینم نادرسته. مثال:

Incorrect: The city that where I live is beautiful.

Correct: The city where I live is beautiful.

شهری که در آن زندگی می‌کنم زیباست.

Example 3: He tells the reader at the end idea he has actually used to develop his own argument in the paper.

(MBA و مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری ۸۵)

1) that

2) whose

3) that is

4) whose is

✓ پاسخ: گزینه «۲» او در پایان به خواننده می‌گوید در واقع از ایده چه کسی برای توسعه بحث‌هایش در مقاله استفاده کرده است.

توضیح گرامری: یه نگاه ساده به گزینه‌ها نشون میده که ضمائر موصولی *رو از ما می‌خواد*. با توجه به اینکه بعد از جای خالی اسم اومده و چون جمله به صورت *طیده‌اش* ترجمه میشه پس گزینه‌ی (۲) صحیح.

حرف اضافه در گزاره وصفی: اگه تو گزاره‌های وصفی، حرف اضافه وجود داشته باشه (مثلاً اگه فعل یا صفت یا حتی اسممون با حرف اضافه خاصی بیاد)، حرف اضافه می‌تونه تو دو تا جایگاه بیاد: در انتهای گزاره‌ی وصفی و یا قبل از ضمیر موصولی که ساختار دوم (قبل از ضمیر موصولی) رسمی‌تره و تو آزمون‌ها کاربرد بیشتری داره:

The city **which** I live in is crowded.

حرف اضافه در انتهای گزاره‌ی وصفی:

The city in **which** I live is crowded.

حرف اضافه قبل از ضمیر موصولی:

توضیح: تو این دو مثال، *which I live* گزاره وصفیه و چون فعل *live* با حرف اضافه *in* میاد، می‌تونیم حرف اضافه رو در انتهای گزاره وصفی استفاده کنیم یا اینکه اونو قبل از ضمیر موصولی بیاریم. به عبارت ساده‌تر، تو حالت اول حرف اضافه *in* در جایگاه واقعی خودش مونده؛ یعنی بعد از فعل *live* اومده ولی تو دومی جاش عوض شده و اومده قبل از ضمیر موصولی. در ضمن چون *city* انسان نیست، ضمیر موصولی *which* به کار رفته.

The man to whom I was talking was my father.

مردی که من با وی صحبت می‌کردم پدرم بود.

The man that you should talk to is Italian.

مردی که شما باید با وی صحبت کنید ایتالیایی است.

توضیح: همون طور که می بینید، تو مثال اولی حرف اضافه فعل *to talk* هستش و به قبل از ضمیر موصولی رفته؛ ولی تو مثال دومی حرف اضافه *to* در انتهای گزاره وصفی استفاده شده یا به عبارتی در جای اصلی خودش باقی مونده. درضمن چون بعد از ضمیر موصولی فعل نیومده از *whom* استفاده کردیم.

He's the man to whom I sent the money. (or He's the man whom I sent the money to.)

او مردی است که من پول را برایش فرستادم.

My brother, to whom I am deeply indebted, never stopped protecting me. (or My brother, whom I am deeply indebted to, never stopped protecting me.)

برادرم که من به وی شدیداً مدیونم، هرگز از محافظت از من دست نکشید.



نکته آزمون: اگر حرف اضافه قبل از ضمیر موصولی بیاد و نه آخر گزاره وصفی، نباید از *that* به عنوان ضمیر موصولی استفاده کنیم. اینو حتماً بهش توجه کنید تا به وقت توی تستها به مشکل برخوردید.

Correct: The hotel that we stayed at was very comfortable.

Correct: The hotel at which we stayed was very comfortable.

Incorrect: The hotel at that we stayed was very comfortable.

شاید بگین *hotel* که مکانه پس چرا از *which* استفاده کردیم نه از *where*. فعلاً این نکته بمونه چون به کم جلوتر در موردش بحث می کنیم.

Example 4: Neuroscientists have long held that glial cells in the brain, astrocytes are one type, support neurons by protecting them from invaders. (دکتری ۹۳)

- 1) for them 2) in that 3) in which 4) of which

✓ پاسخ: گزینه «۴» نورون شناسان مدت ها بر این باور بوده اند که سلول های گلیال مغز، که آستروسیت ها یکی از انواع آنها هستند، از طریق حفاظت از نورون ها در مقابل مهاجمان، از آنها حمایت می کنند.

توضیح گرامری: دقیقاً این تست به مبحث حرف اضافه تو گزاره وصفی مربوط میشه. پس گزینه ی (۱) غلطه چون *them* ضمیر موصولی نیست. گزینه ی (۲) هم که معلومه درست نیست چون گفتیم حرف اضافه وقتی قبل از ضمیر موصولی میاد، ضمیر موصولی نباید *that* باشه. خب حالا باید ببینیم حرف اضافه *type* چیه. حرف اضافه اش *of* هستش؛ پس گزینه ی (۴) صحیحیه که اینجا حرف اضافه اومده قبل از ضمیر موصولی.

Example 5: The writer or speaker makes remarks or arguments what the real meaning of what he/she writes or says is. (MBA - سراسری ۸۸)

- 1) from that you infer 2) from which you infer 3) that you infer from it 4) which you infer from it

✓ پاسخ: گزینه «۲» نویسنده یا سخنران مباحث یا نکاتی را مطرح می کند که به وسیله آنها شما متوجه می شوید منظور واقعی او از آنچه می گوید یا می نویسد چیست.

توضیح گرامری: به محض اینکه گزینه ها رو ببینیم متوجه میشیم که ضمائر موصولی و حرف اضافه تو گزاره وصفی مد نظر طراح سؤاله. پس گزینه ی (۱) رو بهش کاری نداریم چون *from that* نادرسته و *from which* صحیحیه. فقط گزینه ی (۲) صحیحیه که اینجا چون فعل *infer* با حرف اضافه *from* میاد، حرف اضافه قبل از ضمیر موصولی *which* اومده.

جمله واردهای وصفی ضروری و غیر ضروری: کلاً تو انگلیسی جمله وارده وصفی رو به دو نوع تقسیم می کنن که یکیش جمله واردهای وصفی ضروریه و یکیش هم جمله واردهای وصفی غیر ضروری:

۱- جمله واردهای وصفی ضروری: این نوع جمله وارده، اطلاعاتی رو در مورد مرجع به ما میده که اون اطلاعات برای شناخت مرجع ضروریه. در صورت حذف این اطلاعات معنی جمله تغییر میکنه. به مثال فارسی زیر دقت کنید:
دانش آموزی که دیر بیاید، حق ورود به کلاس را ندارد.

تو این مثال «که دیر بیاید» جمله‌واره وصفی ضروریه. حالا اگر ما اونو حذف کنیم، معنی جمله در کل تغییر می‌کنه چون جمله «دانش‌آموز حق ورود به کلاس رو نداره» با جمله «دانش‌آموزی که دیر بیاد حق ورود به کلاس رو نداره» یکی نیست. حالا مثال‌های انگلیسی زیر رو ببینید:

People who can't swim should not jump into the ocean.

افرادی که نمی‌توانند شنا کنند نباید به داخل اقیانوس بپرند.

The car that I want is out of my price range.

ماشینی که من می‌خواهم، فراتر از محدوده قیمت من است.

تمام مثال‌هایی که تا الان در مورد گزاره وصفی مطالعه کردیم، از همین نوع جمله‌واره وصفی ضروری بودن.

۲- جمله‌واره‌های وصفی غیرضروری: این جمله‌واره اطلاعات بیشتری رو در مورد مرجع به ما میده که برای شناخت مرجع، این اطلاعات ضروری نیستش. اگر این اطلاعات حذف بشه، معنی جمله تغییر نمی‌کنه. به مثال فارسی زیر دقت کنید:

اوباما، که رئیس‌جمهور آمریکاست، دیروز سخنرانی کرد.

«که رئیس‌جمهور آمریکاست» تو این مثال گزاره وصفیه و در حقیقت اطلاعات اضافی در مورد مرجع اوباما به ما می‌ده. اگر این اطلاعات حذف بشه، باز هم خواننده می‌دونه که اوباما رئیس‌جمهور آمریکاست. پس حذف این جمله‌واره به معنی جمله لطمه‌ای نمی‌زنه. حالا مثال انگلیسی:

You must write to Mr. Jones, who represents us in Europe. شما باید درخواستتان را برای آقای جونز بنویسید که نماینده ما در اروپاست.



نکته آزمون: اگر خوب دقت کرده باشین می‌بینین که گزاره وصفی غیرضروری همیشه بعد از ویرگول میاد ولی گزاره وصفی ضروری بعد از ویرگول نمیاد. مهمتر از همه اینکه تو گزاره وصفی غیرضروری نباید از that استفاده کنیم یا به عبارت ساده‌تر، کاربرد that بعد از ویرگول ممنوعه. این نکته رو اگر حفظ کنین راحت می‌تونین ازش تو رد گزینه استفاده کنین. خب به تفاوت معنایی این دو جمله‌واره توجه کنین:

A: My brother who lives in Texas is getting married. (ضروری)

B: My brother, who lives in Texas, is getting married. (غیرضروری)

تو مثال A، یعنی «آن برادرم که در تگزاس زندگی می‌کنه، داره زن می‌گیره»، منظور نویسنده اینه که وی احتمالاً چند تا برادر داره که یکی از اونا تو تگزاس زندگی می‌کنه. اگر عبارت «در تگزاس زندگی می‌کنه» رو از این جمله حذف کنیم، به معنی جمله لطمه وارد می‌شه، چون معلوم نیست به کدوم برادر اشاره داره. تو مثال B نویسنده در کل به برادر داره که در تگزاس زندگی می‌کنه، یا به عبارتی همه می‌دونن که او در تگزاس زندگی می‌کنه، پس اگر این گزاره حذف بشه، به معنی جمله لطمه‌ای وارد نمی‌شه.

Example 6: Adaptive self – organization is the theme of Jamies Davies's *Life Unfolding*, that tells the story of

1

2

3

how the human body develops from the moment of conception.

(MBA - سراسری ۹۴)

4

✓ پاسخ: گزینه «۲» خودسازمان‌دهی انطباقی، موضوع اصلی اثر «افشای زندگی» جیمی دیویس - که داستان چگونگی توسعه بدن انسان را از لحظه لقاح مطرح می‌کند - است.

توضیح گرامری: خب بچه‌ها! گزاره وصفی ما چیه؟ *... that tells the*. حالا پس مرجعمون میشه *Life Unfolding* که با توجه به ترجمه جمله به نوع اثر هنریه. ضمناً چون گزاره وصفی ما بعد از ویرگول اومده، پس گزاره وصفی غیرضروری داریم. همون‌طور که گفتیم، تو گزاره وصفی غیرضروری نباید *that* بیاد یا به عبارت ساده‌تر، بعد از ویرگول نباید *that* بیاد. پس گزینه‌ی (۲) نادرسته، از طرفی مرجع غیرانسانی و باید به جای *that* / *which* استفاده بشه.

Example 7: One of the director's biggest jobs, beyond acting, is that of creating a world for the characters to live in. (دکتری ۹۷)

- 1) that also go 2) which also goes 3) who also goes 4) also by going

پاسخ: گزینه «۲» یکی از بزرگ‌ترین وظایف مدیر که فراتر از عمل می‌باشد، ایجاد جهانی است که افراد در آن زندگی کنند.

توضیح گرامری: خیلی راحت می‌تونیم گزینه‌ی (۴) رو رد کنیم، چون این گزینه در صورتی درسته که *also* در اون به کار نرفته باشه. حالا به بار دیگه به صورت سؤال نگاه کنید قبل از جای خالی ویرگول اومده و بعد از جای خالی، بعد از کلمه *acting* هم ویرگول داریم؛ پس با توجه به گزینه‌ها به گزاره وصفی غیرضروری داریم. توی به چنین گزاره‌هایی ضمیر موصولی نباید *that* باشه یا نباید این *that* بعد از ویرگول استفاده بشه. پس گزینه‌ی (۱) هم نادرسته. پس فقط دو تا گزینه می‌مونه که نیاز به بررسی دارن گزینه‌های (۲) و (۳). فرق این دو گزینه در اینکه تو گزینه‌ی (۲) ضمیر موصولی *which* اومده ولی تو گزینه‌ی (۳) ضمیر موصولی *who* برای پاسخگویی به سؤال باید به مرجع، رجوع کنیم؛ اگر مرجع مون انسان بود باید از *who* استفاده کنیم و اگر غیرانسان بود باید *which* رو به کار ببریم. می‌بینید که مرجع *job* هستش و غیرانسانه، پس ضمیر موصولی باید *which* باشه یعنی فقط گزینه‌ی (۲) صحیحه.

کاربرد *of whom* و *of which* تو گزاره وصفی:

یادتونه ضمیر موصولی *whose* چه نقشی داشت؟ گفتیم بین دوتا اسم میاد و به صورت «که...ش» ترجمه میشه و مالکیت رو نشون میده. مثال:

The mountain whose peak was discernible, was an impressive sight.

کوهی که قله آن قابل تشخیص بود، منظره شگرفی بود.

می‌تونیم به کم این جمله رو تغییر بدیم بدون اینکه معنی جمله عوض بشه. اول میایم *whose* رو حذف می‌کنیم و به جاش ویرگول می‌ذاریم. بعدش *of*

The mountain, the peak of which was discernible, was an impressive sight. *which* رو به بعد از *peak* می‌بریم. یعنی:

توضیح: تو این مثال واسه این از *which* استفاده کردیم چون *mountain* غیرانسانه.

علاوه بر مورد بالا *of which* و *of whom* تو سه جایگاه دیگه هم به کار میرن که در زیر می‌بینید:

۱- بعد از صفات عالی:

The agency sent us several applicants, the most qualified of whom was the first one.

نماینده‌ی چند متقاضی را برای ما فرستاد که با صلاحیت‌ترین آنها اولی آنها بود. {applicant به انسان اشاره داره.}

He owns several diamond rings, the least expensive of which is \$2000.

او چندین حلقه الماس دارد که ارزان‌ترین آنها ۲۰۰۰ دلار است. {ring غیرانسانه.}

۲- بعد از کمیت‌نمایی مثل *most*, *many*, *several*, *both*, *all*, *none*, *any*, *some*:

During the last years of his life, he was the mayor of London, most of whose citizens respected him like a family member.

طی سال‌های آخر عمر خود، وی شهردار لندن بود و بیشتر شهروندان این ایالت به وی مثل یکی از اعضای خانواده احترام می‌گذاشتند.

There are two telephone booths in this neighborhood, both of which are out of order.

دو باجه تلفن در این نزدیکی وجود دارد که هر دوی آنها خراب هستند.

۳- بعد از اعداد:

There are many books in his library, two of which I am interested in.

در کتابخانه او چندین کتاب وجود دارد که دو تای آنها برای من جالب هستند.



نکته آزمون: معمولاً توی سؤالاتی که از این مبحث میاد، طراحان سؤال میان به جای ضمیر موصولی از ضمائر شخصی استفاده میکنند که این درست نیست. مثال‌های درست و نادرست زیر رو ببینین:

Correct: Five students, three of whom were intelligent, failed.

Incorrect: Five students, three of them were very intelligent, failed

پنج دانش‌آموز که سه تای آنها خیلی باهوش بودند رد شدند.



Example 8: There are currently about 11000 practicing barristers, about 3000 of them are women, and

it is their main job to argue cases in court.

(MBA - سراسری ۹۵)

پاسخ: گزینه «۳» در حال حاضر، حدود ۱۱۰۰۰ وکیل مدافع وجود دارد که حدود ۳۰۰۰ نفر از آنها، زن هستند و شغل اصلی آنها دفاع از پرونده‌ها در دادگاه است.

توضیح گرامری: *barristers* انسانه، پس گزینه‌ی (۳) رو باید به صورت مقابل اصلاح کنیم:
توجه: به اون ویرگول هم خوب دقت کنین.

نکته آزمون: کلاً همیشه یکی از کارهایی که طراحان سؤال تو مباحث گزاره وصفی انجام میدن اینه که میان هر جا که ضمیر موصولی لازم باشه از ضمائر شخصی استفاده می‌کنن.

پس حتماً یادتون باشه که به جای ضمائر موصولی نمی‌تونیم از ضمائر شخصی استفاده کنیم. مثال‌های زیر رو ببینین:

Correct

1. Here is an article which may interest you.
2. This is Mr. Roger, whom you met last night.
3. This is my brother to whom I am indebted.
4. He has got three brothers, two of whom are engineers.

Incorrect

1. Here is an article which it may interest you.
2. This is Mr. Roger, whom you met him last night.
3. This is my brother to him I am indebted.
4. He has got three brothers, two of them are engineers.

Example 9: The major plasma protein is serum albumin, a relatively small molecule, is to retain water in the bloodstream by its osmotic effect.

(دکتری ۹۶)

1) its principal function which

2) the principal function of which

3) that its principal function

4) whose its principal function

پاسخ: گزینه «۲» پروتئین اصلی پلاسما آلبومین است که یک مولکول نسبتاً کوچک است که نقش اصلی آن، حفظ آب در خون از طریق اثر اسمزی است.

توضیح گرامری: اول از همه اینکه بعد از ویرگول نباید *that* بیاد. پس گزینه‌ی (۳) نادرسته. گفتیم بعد از *whose* هم نباید صفت ملکی بیاد. پس گزینه‌ی (۴) هم غلطه. از بین دو تای دیگه گزینه‌ی (۲) بهترین جوابه. ضمناً اصل تست این‌طوری بوده:

...small molecule whose principal function is to...

نکته تکمیلی در مورد which

This is the type writer which you ordered.

گفتیم ضمیر موصولی *which* زمانی استفاده میشه که مرجع غیرانسانه. مثال:

اینجا مرجع *type writer* هستش ولی فقط همین ضمیر استثنائاً می‌تونه زمانی که مرجع یه کلاز هم هست استفاده بشه:

I think the other thing that was really good was that everyone worked hard, which I didn't expect at all.

فکر می‌کنم چیز دیگری که واقعاً خوب بود، این بود که همه سخت تلاش کردند که من انتظار چنین چیزی را اصلاً نداشتم.

He got married again a year later, which surprised me.

او سال بعد مجدداً ازدواج کرد که این امر من را شگفت‌زده کرد.

توضیح: دقت کنید که تو این دو مثال مرجع/اون قسمت‌هایی هستند که زیرشون خط کشیدیم. همون‌طور که می‌بینی تو این مورد باید قبل از *which* از *where* و *when* استفاده بشه.

نکته تکمیلی در مورد *where* و *when*

اگه یادتون باشه گفتیم از *when* به‌عنوان ضمیر موصولی برای زمان و از *where* به‌عنوان ضمیر موصولی برای مکان استفاده می‌کنیم. مثال:

1. The town where I was born // 2. I will never forget the day when I met you

می‌تونیم *where* و *when* رو حذف کنیم و به جاش از حرف اضافه و *which* استفاده کنیم:

1. The town in which I was born // 2. I will never forget the day on which I met you.

شاید بپرسید چرا تو مثال (۱)، از ساختار *in which* و تو مثال (۲)، از *on which* استفاده کردیم. قبلاً در مبحث حرف اضافه گفتیم که با شهرها، کشورها و غیره باید از حرف اضافه *in* استفاده کنیم. پس به همین دلیل تو مثال ۱، بعد از حذف *where* از *in which* استفاده کردیم. اینو هم گفتیم که واژه *day* جزو واژه‌هایی هستند که قبل از اون باید از حرف اضافه *on* استفاده کنیم. بنابراین تو مثال ۲، بعد از حذف *when* از *on which* استفاده می‌کنیم.

Example 10: School social workers play an important role in gathering data about the students with whom they work and the circumstances..... (دکتری ۹۶)

- | | |
|----------------------------|-----------------------------|
| 1) in which they live | 2) where do they live |
| 3) where they live in them | 4) in which do they live in |

☒ پاسخ: گزینه «۱» مددکاران اجتماعی مدرسه نقش مهمی در جمع‌آوری داده در مورد دانش‌آموزانی که با آنها زندگی می‌کنند و شرایطی که در آن زندگی می‌کنند، دارند.

توضیح گرامری: *circumstances* به معنی شرایط به ضمیر موصولی *where* نیاز داره. می‌تونیم این ضمیر موصولی رو حذف کنیم و اونو با حرف اضافه و *which* جایگزین کنیم. یعنی اول داشتیم: *.....the circumstances in which they live.* *the circumstances where they live.*

Example 11: When people evade income taxes (MBA - سراسری ۹۵)

- 1) a vicious circle results, not declaring taxable income
- 2) a vicious circle, because their not declaring taxable income, results
- 3) , they do not declare taxable income, that results in a vicious circle
- 4) by not declaring taxable income, a vicious cycle results

☒ پاسخ: گزینه «۴» وقتی مردم از مالیات بر درآمد بدون اعلان درآمد مشمول بر مالیات، شانه خالی می‌کنند، یک دوره گردش مالی وخیم اتفاق می‌افتد. **توضیح گرامری:** صورت سؤال رو ببینید، اول جمله از *when* استفاده کرده پس به گزاره قیدی زمان داریم. بعدش باید جمله بیاد که فاعل و فعلش *people evade* هستند. بعد از جمله اول باید ویرگول بیاد، یعنی گزینه‌های (۱) و (۲) در صورتی قابل بررسی هستن که بعد از *taxes* از ویرگول استفاده شده باشه. پس این دو تا رد می‌شن! ضمناً تو گزینه‌ی (۲) باید به جای *because* از *because of* استفاده بشه. گزینه‌ی (۳) هم نادرسته چون *that* بعد از ویرگول به کار رفته. پس فقط گزینه‌ی (۴) می‌مونه.

کوتاه کردن گزاره‌های وصفی: هرچی تا به حال در مورد گزاره وصفی گفتیم به طرف، این مبحث هم به طرف. طراحی سؤال از این مبحث ردخور نداره و همیشه به سؤال ازش میاد. منظور از کوتاه کردن گزاره وصفی اینه که ما با حذف ضمیر موصولی و تغییر جزئی فعل، گزاره وصفی رو به عبارت وصفی (*adjective phrase*) تبدیل می‌کنیم. پس خوب واسه یادگیری این مبحث آماده شین. کوتاه کردن گزاره‌های وصفی به سری قاعده داره که اگه اونارو یاد بگیرین خیلی راحت می‌تونین به سؤالات این مبحث پاسخ بدین:

قاعده ۱: اگه ضمیر موصولی نقش مفعولی داشت، ضمیر موصولی رو حذف کنید و به بقیه جمله هم کاری نداشته باشید:

The man whom I saw was a native American. → The man I saw was a native American.

مردی که دیدم آمریکایی بومی بود. {تو این حالت ضمیر موصولی *whom* رو حذف کردیم ولی معنی جمله اصلاً تغییر نکرده}

The drumbeat that I heard was a signal. → The drumbeat I heard was a signal.

صدای طبلی که شنیدم، یک علامت بود. {تو این حالت ضمیر موصولی *that* رو حذف کردیم ولی معنی جمله اصلاً تغییر نکرده}



قاعده ۲: اگر فعل گزاره وصفی معلوم باشد (زمانش خیلی مهم نیست)، ضمیر موصولی حذف می‌شود. اگر فعل *to be* بود اونم حذف می‌شه و آخر هم به فعل *ing* می‌دیم:

Anyone who wants to get the news can listen to the message. → Anyone wanting to get the news can listen to the message.
هر کسی که می‌خواهد از اخبار مطلع شود می‌تواند به این پیام گوش دهد.

The man who is playing is my friend. → The man playing is my friend.
مردی که در حال بازی کردن است دوست من است.

قاعده ۳: اگر فعل گزاره وصفی مجهول بود، ضمیر موصولی و فعل *to be* رو حذف می‌کنیم و به بقیه جمله کاری نداریم:

The signals which are given are simple. → The signals given are simple. علامت‌هایی که مشخص شده‌اند ساده هستند.

قاعده ۴: اگر فعل گزاره وصفی مومن *be* بود، ضمیر موصولی و فعل *be* رو حذف می‌کنیم:

The tones that are in the language are important. → The tones in the language are important.
تن‌های صدایی که در زبان وجود دارند، مهم هستند.

اگر این چهار تا قاعده رو حفظ کنین فک کنم بتونین هر سوالی که به شما میدن رو جواب بدین؛ ولی چون کسب مهارت تو این زمینه به تمرین زیاد نیاز داره، ما به سری جمله رو اینجا آوردیم. تو این جملات، ضمیر موصولی حذف شده و شما باید بگین قبل از حذف ضمیر موصولی، جمله اصلی به چه شکل بوده.

1. Some metals attracted to magnets are iron and nickel. آهن و نیکل جزو فلزاتی هستند که آهن‌ربا آنها را جذب می‌کند.

2. He lives in the red house at the top of the hill. او در خانه قرمزی که در بالای تپه است زندگی می‌کند.

3. The feature making the biggest difference to customers is cost. یکی از ویژگی‌هایی که بیشترین تفاوت را برای مشتری ایجاد می‌کند، هزینه است.

4. The address list published last month is out of date. لیست آدرسی که ماه پیش منتشر شد، قدیمی است.

5. A lot of things taught in school are worthless. بسیاری از چیزهایی که در مدرسه می‌آموزیم، بی‌فایده هستند.

6. Lewis said that the money offered was not really enough. لوئیس گفت پولی که به عنوان پیشکش ارائه شده، کافی نیست.

7. More than 100 prisoners captured during the recent fighting in East Grange will be released today. بیش از ۱۰۰ زندانی که در طول درگیری اخیر در شرق گرینج دستگیر شدند امروز آزاد خواهند شد.

8. The people hurt in the accident are recovering. افرادی که در تصادف صدمه دیدند رو به بهبودی هستند.
حالا که جملات بالا رو بررسی کردین، با مراجعه به شکل اولیه اونا در قسمت زیر، نقاط ضعف و قوت خودتون رو شناسایی کنید:

1. Some metals that are attracted to magnets are iron and nickel.

2. He lives in the red house, which is at the top of the hill.

3. The feature that makes the biggest difference to customers is cost.

4. The address list that was published last month is out of date.

5. A lot of things that are taught in school are worthless.

6. Lewis said that the money which was offered was not really enough.

7. More than 100 prisoners who were captured during the recent fighting in East Grange will be released today.

8. The people that/who were hurt in the accident are recovering.

Example 12: Black holes are ultra – dense concentrations of matter a star or other massive body collapses.

(MBA – سراسری ۹۴)

1) left behind when

2) is left behind

3) when left behind

4) to leave behind when

پاسخ: گزینه «۱» سیاه چاله‌ها، تجمع بسیار فشرده ماده‌ای هستند که در هنگام سقوط یک ستاره یا یک جسم سنگین دیگر بر جا می‌مانند.

توضیح گرامری: when تو گزینه‌ها اومده پس ما به گزاره قیدی زمان داریم. پس می‌تونیم اینجوری بگیم:

جمله + when + جمله

همه‌مون می‌دونیم که مشخصه‌ی جمله‌ی اینه که فاعل و فعل داشته باشه. فاعل و فعل جمله اول *black holes are* هستش (پس گزینه (۲) نادرسته). جمله دوم هم که فاعل و فعلش کامله. ضمناً اصل جمله این‌طوری بوده:

Black holes are ... concentrations of matter which are left behind when.....

می‌تونیم با حذف *which are* گزاره وصفی رو کوتاه کنیم یعنی:

Black holes are ... concentrations of matter left behind when.....

Example 13: There are that their surface temperature is a mere 4,000 degrees Fahrenheit.

(MBA - سراسری ۹۴)

- | | |
|--|--------------------------------------|
| 1) so faint as blood – red dwarfs are cool | 2) so cool as are blood – red dwarfs |
| 3) faint blood – red dwarfs so cool | 4) blood- red dwarfs as cool so |

✓ پاسخ: گزینه «۳» کوتوله‌های کمرنگ و خونی رنگی وجود دارند که آن‌قدر سرد هستند که دمای سطح آن‌ها فقط ۴۰۰۰ درجه فارنهایت است.

توضیح گرامری: اصل جمله این‌طوری بوده:

There are faint blood-red dwarfs that are so cool that their surface temperature is a mere 4,000.....

Example 14: Early sailing ships, sometimes in uncharted seas, faced many hazards in reaching their destination.

(سراسری ۹۲)

- | | | | |
|-------------|---------------|------------------|-------------------|
| 1) navigate | 2) navigating | 3) and navigates | 4) were navigated |
|-------------|---------------|------------------|-------------------|

✓ پاسخ: گزینه «۲» کشتی‌های مسافرتی اولیه، که بعضی اوقات در دریاهای ناشناخته سفر می‌کردند، در رسیدن به مقاصد خود با خطرات زیادی روبه‌رو بودند.

توضیح گرامری: اصل این جمله *which navigated* بوده که صورت کوتاه شده‌ی اون *navigating* پاسخ صحیح این سؤاله.

Example 15: Measles is a highly contagious viral disease by a characteristic skin rash.

(MBA - سراسری ۸۹)

- | | | | |
|----------------|-------------------|--------------|----------------------|
| 1) accompanied | 2) is accompanied | 3) accompany | 4) it is accompanied |
|----------------|-------------------|--------------|----------------------|

✓ پاسخ: گزینه «۱» سرخک یک بیماری ویروسی شدیداً مسری است که با یک حساسیت پوستی مشخص همراه است.

توضیح گرامری: اصل جمله این‌طوری بوده:

....viral disease that is accompanied.....→ viral disease accompanied

بدل: بدل به نوع عبارته که توضیح بیشتری واسه مرجع خودش ارائه میده و دقیقاً مثل گزاره وصفی به دو نوع ضروری و غیرضروری تقسیم میشه. بیاین با نوع غیرضروری شروع کنیم. به مثال زیر دقت کنین:

He has asked Mr. Wilson, who is a prominent lawyer, to represent him in the court.

او از آقای ویلسون که یک وکیل برجسته است، درخواست کرده است تا وکیل وی در دادگاه شود.

همون‌طور که قبلاً هم گفتیم گزاره وصفی ما تو این جمله از نوع غیرضروریه چون بین دو تا ویرگول اومده. اینو هم گفتیم که اگه گزاره وصفی‌مون معلوم باشه، باید ضمیر موصولی و فعل *to be* رو حذف کنیم. پس جمله بالا این‌جوری میشه:

He has asked Mr. Wilson, a prominent lawyer, to represent him in the court.

عبارتی که زیر اون خط کشیده شده، به بدل یا به عبارت وصفیه که توضیح بیشتری برای اسم *Mr. Wilson* به ما میده و بهش بدل غیرضروری می‌گیم چون در صورت حذف شدن از جمله به معنی جمله لطمه وارد نمی‌شه.

حالا بدل ضروری رو بررسی می‌کنیم. به مثال زیر دقت کنین:

We want to rent a hall which is large enough to seat 500 people.

می‌خواهیم سالنی رهن کنیم که به اندازه کافی بزرگ باشد و گنجایش ۵۰۰ نفر را داشته باشد.

خب! همون‌طور که قبلاً بارها گفتیم گزاره وصفی ما تو این مثال از نوع ضروریه. اینو هم گفتیم که وقتی گزاره وصفی به زمان معلوم باشه، باید برای کوتاه

کردنش ضمیر موصولی و فعل *to be* رو حذف کنیم پس:

We want to rent a hall large enough to seat 500 people.



نکته آزمون: یادآورد: تو مبحث صفت‌ها گفتیم بعضی اوقات صفت بعد از اسم می‌آید! علتش همین کوتاه کردن گزاره وصفیه.

یعنی اگر به جا دیدن صفت بعد از اسم اومده بدونین که اونجا گزاره وصفی کوتاه شده. مثال:

Agricultural progress provided the **stimulus necessary** to set off economic expansion.

همون‌طور که می‌بینین، تو این مثال صفت بعد از اسم اومده. علتش رو هم گفتیم کوتاه شدن گزاره وصفی بوده؛ چون اصل جمله این‌طوره:

Agricultural progress provided the **stimulus which was necessary** to set off economic expansion.

Example 16: George W.G. Ferris, , Illinois, designed and built the first Ferris wheel ride for the World's Fair held in Chicago in 1893. (MBA - سراسری ۹۵)

- | | |
|--|--|
| 1) an American engineer from Galesburg | 2) an American engineer from Galesburg he is |
| 3) that is an American engineer from Galesburg | 4) his being an American engineer from Galesburg |

پاسخ: گزینه «۱» جورج دابلیو. جی. فریس، یک مهندس آمریکایی اهل گالسبرگ ایلینویز، اولین چرخ و فلک فریس را برای نمایشگاه جهانی که در سال ۱۸۹۳ در شیکاگو برگزار شد، طراحی کرد.

توضیح گرامری: اول از همه اینکه *that* بعد از *ویرگول* نیامده پس گزینه (۳) *خواه ناخواه* میره کنار. چون بعد از جای خالی دو تا *ویرگول* داریم، پس به بدل غیرضروری نیاز داریم یعنی:

George W.G. Ferris, who is an American engineer from Galesburg,designed.....

George W. G. Ferris, an American engineer from Galesburg,.....designed...

جایگاه بدل: بدل رو می‌تونیم تو سه جایگاه استفاده کنیم: قبل از مرجع، بعد از مرجع و آخر جمله. به گزاره وصفی زیر دقت کنین:

His uncle, who is a proud man, refused all help that was offered him.

عمویش که مردی مغرور است، حاضر نشد کمک‌هایی را که به وی پیشنهاد شده بود بپذیرد.

تو این مثال مرجع *his uncle* هستش و گزاره وصفی ما هم از نوع غیرضروریه. حالا واسه ساخت بدل غیرضروری باید *who is* رو حذف کنیم. پس *His uncle, a proud man, refused all help that was offered him.* می‌تونیم اینجوری بگیم:

در اینجا بدل بعد از مرجع استفاده شد. می‌تونیم بدل رو به قبل از مرجع هم ببریم. یعنی:

A proud man, his uncle refused all help that was offered him.

His uncle refused all help that was offered him, a proud man.

بدل رو می‌تونیم به آخر جمله هم ببریم:

نگران نباشید این حالت آخری خیلی مرسوم نیست و بیشتر، اون دو تا حالت بالا کاربرد دارم.

Example 17:the most advanced super computers, the human brain makes it possible for a person to live, speak, solve problems, and create thoughts and ideas. (دکتری ۹۵)

- | | |
|--------------------------------|------------------------------|
| 1) More powerful than | 2) It is more powerful than |
| 3) More powerful than it is of | 4) More than powerful of all |

پاسخ: گزینه «۱» ذهن بشر که از پیشرفته‌ترین ابرکامپیوترها قدرتمندتر است، این امکان را برای شخص به ارمغان می‌آورد که زندگی کند، صحبت کند، مسائل را حل کند و افکار و ایده‌هایی به وجود آورد.



توضیح گرامری: بیاین گزاره وصفی این سؤال رو پیدا کنیم. اینطوری همیشه:

The human brain, which is more powerful than the most advanced super computers, makes it possible for a person to live, speak, solve problems, and create thoughts and ideas.

گزاره وصفی مون غیرضروریه پس بدالش به صورت زیر همیشه:

The human brain, more powerful than the most advanced super computers, makes it possible for a person to live, speak, solve problems, and create thoughts and ideas.

حالا اگه بدلمون رو به قبل از مرجع ببریم داریم:

More powerful than the most advanced super computers, the human brain makes it possible for a person to live, speak, solve problems, and create thoughts and ideas.

تست‌های طبقه‌بندی شده فصل ششم

1- If you decide to pursue an MBA, you could take a range of courses to finance, marketing, entrepreneurship and more.

(MBA - سراسری ۹۷)

- 1) are related 2) that they are related 3) related 4) be related

2- Certain Paleolithic artifacts are given special terms

(سراسری ۹۱)

- 1) what the location of their discovery is 2) indicating the location of their discovery
3) whose locations are indicating their discovery 4) which indicating their location of discovery

3- In his latest work in the summer of 2011 at his Beijing studio, Chinese artist Liu Bolin blends into a background of a supermarket soft drinks display.

(مدیریت شهری ۹۷)

- 1) he created 2) created 3) was created 4) it was created

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده فصل ششم

۱- گزینه «۳» اگر قصد دارید MBA بخوانید، می‌توانید در دروس مختلف در ارتباط با مالی، بازاریابی، کارآفرینی و غیره شرکت کنید.

توضیح گرامری: اصل جمله این‌طوری بوده:

.....a range of courses (that are) related

۲- گزینه «۲» مصنوعات پارینه سنگی را با اصطلاحات خاصی که نشان‌گر محل کشف‌شان هستند، نام‌گذاری می‌کنند.

توضیح گرامری: اصلش بوده which indicate. حالا اگه which رو حذف کنیم و به فعل ing بدیم، به گزینه (۲) می‌رسیم.

۳- گزینه «۲» در اثر اخیر خود که در تابستان ۲۰۱۱ در استادیو پکن خلق شد، هنرمند چینی لیو بلین، تصویر یک نوشابه را به پیش‌زمینه یک سوپرمارکت اضافه می‌کند.

توضیح گرامری: تو این تست حذف ضمیر موصولی صورت گرفته. یعنی ابتدا داشتیم:

In his latest work **which was created** in the summer

اگه which was حذف کنیم می‌رسیم به گزینه (۲).



مدرسایان شریف

فصل هفتم

«وجه وصفی»

تو فصل‌های قبل با مبحث گزاره قیدی آشنا شدیم. گفتیم گزاره قیدی در به چنین الگوهایی به کار میره:

جمله + حرف ربط + جمله

جمله + ویرگول + جمله + حرف ربط

When John is compared to his father, he is a good man.

جان در مقایسه با پدرش، آدم خوبی است.

John is a good man when he is compared to his father.

گفتیم گزاره قیدی به نوع گزاره وابسته است. پس تو این مثال when John is compared to his father گزاره وابسته و he is a good man به گزاره مستقله. گزاره‌های قیدی رو میشه کوتاه کرد که به شکل کوتاه شده گزاره قیدی **وجه وصفی** می‌گیم. برای کوتاه کردن گزاره قیدی به سری قاعده داریم که اگه اونا رو یاد بگیرین خیلی راحت میتونین از عهده سؤالات این بخش بر بیاین:

قاعده ۱: اگه فعل گزاره قیدی معلوم باشه و اگه فاعل گزاره قیدی مون با فاعل گزاره مستقل یکی باشه، فاعل گزاره قیدی رو حذف کنین و به فعل بعدش ing بدین. حرف ربط هم اختیاریه، یعنی هم می‌تونیم حذف کنیم هم نگهش داریم. مثال:

After Mr. Jones looked at his watch, he got up.

بعد از اینکه آقای جونز به ساعتش نگاه کرد، از خواب بیدار شد.

می‌بینید که فعل گزاره قیدی به‌صورت معلومه (یعنی looked) و فاعل گزاره قیدی با فاعل گزاره مستقل یکیه (هر دو Mr. Jones)؛ پس طبق دستورالعمل، فاعل گزاره قیدی رو حذف می‌کنیم و به فعل ing میدیم. یعنی:

After looking at his watch, Mr. Jones got up.

الان ما به وجه وصفی داریم که بهش **وجه وصفی ساده معلوم** می‌گیم. گفتیم حرف ربط هم اختیاریه یعنی می‌تونه باشه، می‌تونه حذف بشه که اگه حذف بشه این‌طوری میشه:

Looking at his watch, Mr. Jones got up.

قاعده اصلی ۲: اگه فعل گزاره قیدی مجهول باشه و اگه فاعل گزاره قیدی مون با فاعل گزاره مستقل یکی باشه، فاعل گزاره قیدی و فعل to be رو حذف کنین و فعل رو به همون صورت رها کنین. حرف ربط هم اختیاریه یعنی هم می‌تونیم حذف کنیم هم نگهش داریم. مثال:

When John is compared to his father, he is a good man.

جان در مقایسه با پدرش، آدم خوبی است.

همون‌طور که می‌بینید فعل گزاره قیدی به‌صورت مجهوله (is compared) و فاعل گزاره قیدی با فاعل گزاره مستقل یکیه. پس طبق دستورالعمل، فاعل گزاره قیدی و فعل to be رو حذف می‌کنیم. یعنی:

When compared to his father, John is a good man.

الان ما به وجه وصفی داریم که بهش **وجه وصفی ساده مجهول** می‌گیم. گفتیم حرف ربط هم اختیاریه یعنی میتونه باشه، می‌تونه حذف بشه که اگه حذف بشه وجه وصفی این‌طوری میشه:

Compared to his father, John is a good man.

فک نکنم با این دو تا قاعده، چیز مهمی باقی مونده باشه. قاعده‌ها واضحه و به نظرم مثال‌های زیر رو ببینین مبحثش براتون جا می‌افته:

1. Before leaving, Jane kissed me goodbye. جین قبل از رفتن، با من خداحافظی کرد.
2. Once learned, a language cannot be easily forgotten. زمانی که زبانی یاد گرفته شود، به آسانی فراموش نمی‌شود.
3. Playing in the street, the child was hit by the truck. زمانی که بچه در خیابان بازی می‌کرد، یک کامیون به او زد.

4. Knowing her pretty well, I realized something was wrong. چون او را به خوبی می‌شناختم، متوجه شدم که مشکلی به وجود آمده است. این مبحث جزو مباحث خیلی مهمه و برای پاسخگویی به سؤالات این مبحث باید ابتدا بتونین شکل اولیه سؤال رو پیدا کنین. واسه همین بیاین به عنوان تمرین، شکل اولیه جملات بالا رو پیدا کنیم. قبل از اینکه پاسخ‌ها رو ببینین، این تمرین رو اول خودتون انجام بدین تا بتونین نقطه ضعف‌ها و قوت‌های خودتون رو شناسایی کنین:

1. Before she left, Jane kissed me goodbye.
2. Once it is learned, a language cannot be easily forgotten.
3. When he/ she was playing in the street, the child was hit by the truck.
4. Because I knew her pretty well, I realized something was wrong.

Example 1:..... how much food to give your child, use this convenient rule of thumb: about 1 tablespoon of each food per meal for every year of age. (MBA - سراسری ۹۵)

- 1) For deciding about
- 2) When deciding
- 3) When parent decide
- 4) Concerning the decision

پاسخ: گزینه «۲» هنگامی که تصمیم می‌گیرید چه مقدار غذا به فرزند خود بدهید، از این قانون ساده سرانگشتی استفاده کنید: حدود یک قاشق غذاخوری از هر وعده غذایی به ازای هر سال سن کودک.

توضیح گرامری: گزینه‌های (۱) و (۴) که کلاً هیچی، بهشون کاری نداریم. فقط گزینه‌های (۲) و (۳) می‌تونن مناسب جای خالی باشن که الان تک تکشون رو بررسی می‌کنیم:

بعد از ویرگول از use/استفاده شده و چون جمله حالت امری به خودش گرفته پس فاعل ما you هستش. حالا اگه ما گزینه (۳) رو انتخاب کنیم خیلی به لحاظ معنایی جالب نمیشه. پس فقط گزینه (۲) می‌مونه که می‌تونه جواب باشه. اصل جمله هم این طوری بوده:

When you decide how much, use this convenient rule of

When deciding how much....., use this convenient rule of.....

که طبق قاعده ۱ داریم:

Example 2: Neither sympathy nor empathy is identical to the "I know how you feel " type of response that some people offer whenanother's expression of emotion. (دکتری ۹۳)

- 1) facing to
- 2) are facing to
- 3) faced with
- 4) they faced with

پاسخ: گزینه «۳» نه همدردی و نه یکدلی شبیه به پاسخ «می‌دانم چه حسی داری» برخی افراد هنگام مواجهه با حالت بیان احساس دیگر نیستند.

توضیح گرامری: گزینه‌های (۱) و (۲) به خاطر کاربرد حرف اضافه to نادرستن. فعل face هیچ وقت با to به کار نمی‌ره. گزینه (۴) هم به خاطر استفاده از فعل گذشته نادرسته. زمانی هم که face تو جملات معلوم به کار بره بعدش از حرف اضافه استفاده نمی‌شه. پس فقط گزینه (۳) صحیح و اصل جمله هم این طوری بوده:

Neither sympathy nor empathy is identical to the "I know how you feel" type of response that some people offer when they are faced with another's expression of emotion.

طبق قاعده ۲ عمل می‌کنیم:

Neither sympathy nor empathy is identical to the "I know how you feel" type of response that some people offer when faced with another's expression of emotion.

قاعده ۳: اگه فعل گزاره قیدی معلوم و گذشته کامل باشه و اگه فاعل گزاره قیدی مون با فاعل گزاره مستقل یکی باشه، فاعل گزاره قیدی رو حذف کنین و had رو به having تبدیل کنین. حرف ربط هم اختیاریه یعنی هم می‌تونه باشه هم نه. مثال:

Because I had run for three miles, I was exhausted.

اگه دقت کنید می‌بینید که فعل گزاره قیدی به صورت معلوم و گذشته کامله و فاعل گزاره قیدی با فاعل گزاره مستقل یکیه. پس طبق دستورالعمل، فاعل گزاره قیدی رو حذف می‌کنیم و had رو having می‌کنیم. یعنی:

الان ما به وجه وصفی داریم که بهش وجه وصفی کامل معلوم می‌گیم. معمولاً زمانی که حرف ربط because باشه، حرف ربط حذف میشه.

قاعده ۴: اگه فعل گزاره قیدی مجهول و گذشته کامل باشه و اگه فاعل گزاره قیدی مون با فاعل گزاره مستقل یکی باشه، فاعل گزاره قیدی رو حذف کنین و had رو به having تبدیل کنین. حرف ربط هم که اختیاریه یعنی هم می‌تونه باشه هم نباشه. مثال:

After the bridge had been destroyed, it was reconstructed five years ago.

بعد از اینکه برج تخریب شده بود، مجدداً پنج سال بعد بازسازی شد.

اگر دقت کنید متوجه می‌شوید که فعل گزاره قیدی به صورت مجهول و گذشته کامله و فاعل گزاره قیدی با فاعل گزاره مستقل یکپاره است. پس طبق دستورالعمل، فاعل گزاره قیدی رو حذف می‌کنیم و به جای **had** هم **having** می‌داریم. یعنی:

After having been destroyed, the bridge was reconstructed five years ago.

الان ما به وجه وصفی داریم که بهش وجه وصفی کامل مجهول می‌گیم. گفتیم که حرف ربط هم اختیاریه یعنی می‌تونه باشه می‌تونه حذف بشه که اگر حذف بشه وجه وصفی اینطوری میشه:

Having been destroyed, the bridge was reconstructed five years ago.



نکته آزمون: معمولاً قاعده‌های ۳ و ۴ کاربردشون کمتره و بیشتر تمرکزتون باید به قاعده ۱ و ۲ باشه. حتی اگر کاربرد هم داشته باشه فک نمی‌کنم خیلی سخت باشه. فقط باید به نکته رو همین جا براتون روشن کنم. اگر به وقت به تست به شما بدن که هم از وجه وصفی ساده استفاده شده باشه و هم از وجه وصفی کامل باید چه کار کرد؟ فرق وجه وصفی ساده با وجه وصفی کامل تو اینه که وجه وصفی ساده وقتی استفاده میشه که بین دو تا عمل خیلی فاصله نباشه و به جورایی میشه گفت هر دو عمل به صورت همزمان رخ میدن، ولی وجه وصفی کامل زمانی استفاده میشه که فاصله بین دو تا عمل احساس بشه و به عبارتی به عمل زودتر از عمل دیگه اتفاق افتاده باشه. مثال:

زمانی که اکسیژن به مغز نرسد، مرگ مغزی رخ می‌دهد.
Once deprived of oxygen, the brain dies.
 خوب تو این مثال به این دلیل از وجه وصفی ساده استفاده کردیم که دو عمل «اکسیژن نرسیدن» و «مرگ مغزی» به طور همزمان رخ می‌دن.

Having lost his job, Edward was only able to finish one semester of work.
 چون ادوارد شغلش را از دست داده بود، تنها توانست یک ترم از کارش را تمام کند.
 خوب تو این مثال فاصله «از دست دادن شغل» و «اتمام کار» احساس میشه و می‌تونیم بگیم چون عمل از دست دادن شغل زودتر اتفاق افتاده باید از وجه وصفی کامل استفاده کنیم. تو این مواقع ترجمه هم میتونه کمکتون کنه. می‌بینین که وجه وصفی کامل به صورت «... بود» ترجمه میشه مثلاً می‌گیم تمام کرده بود ...

Example 3: , he was able to answer all the questions.

- 1) Reading all the required material
- 2) Having read all the required material
- 3) Having reading all the required material
- 4) As it was the case that he had read all the required material

✓ پاسخ: گزینه «۲» چون همه مطالب مورد نیاز را خوانده بود، توانست به همه سؤالات پاسخ دهد.

توضیح گرامری: **having reading** توانگلیسی نادرسته. با این حساب گزینه (۳) رد میشه. گزینه (۴) هم به دلیل حشو رد میشه.
 گزینه (۱) وجه وصفی ساده و گزینه (۲) وجه وصفی کامله. پس هر دو گزینه رو امتحان می‌کنیم. ببینین آیا عمل خواندن مطالب همزمان با عمل پاسخ دادن به سؤالات انجام شده یا زودتر. در صورتی که همزمان رخ داده، گزینه (۱) و در صورتی که زودتر رخ داده، گزینه (۲) را انتخاب کنید. چون عمل خواندن زودتر رخ داده پس فقط گزینه (۲) صحیحیه. از طرفی جمله به صورت «خوانده بود» ترجمه شده پس وجه وصفی کامل نیازه. اصل تست هم اینجوریه:

Because he had read all the required material, he was able to answer all the questions.



نکته آزمون: اگر بخوایم وجه وصفی رو منفی کنیم، **not** رو به قبلش اضافه می‌کنیم. به این صورت که می‌بینید:

Not knowing the answers, I asked my teacher about them.

چون جوابها را نمی‌دانستم، در مورد آنها از معلم پرسیدم.

تو همه‌ی سؤالاتی که تا الان کار کردیم، از ما وجه وصفی رو می‌خواستن یعنی ما گزاره مستقل رو داشتیم و باید وجه وصفی رو پیدا می‌کردیم. گاهی وقت‌ها طراحان سؤال وجه وصفی رو به ما میدن و گزاره مستقل رو می‌خوان. مثل تست زیر:

Example 4: According to the requirements of her scholarship, after completing her degree,

(MBA - سراسری ۹۰ و ۹۳)

- 1) the ministry will employ her
- 2) she will be employed by the ministry
- 3) employment will be given to her by the ministry
- 4) her education will be employed by the ministry

پاسخ: گزینه «۲» براساس نیازمندی‌های مرتبط با دانش‌پژوهی، بعد از اتمام تحصیلات خود، در وزارتخانه استخدام خواهد شد.

توضیح گرامری: خب توی این تست، وجه وصفی ما از نوع وجه وصفی ساده معلومه، یعنی after completing her degree.

و تو این تست طراح سؤال از ما گزاره مستقل رو خواسته. حالا کدوم گزینه رو انتخاب کنیم؟ هر چهار گزینه کامل به نظر می‌رسه. برای رسیدن به جواب صحیح یه نکته رو همیشه تو این مواقع تو ذهنتون داشته باشین. مگه نگفتیم (طبق قاعده‌ها) ساخت وجه وصفی مشروط بر اینکه فاعل گزاره قیدی و فاعل گزاره مستقل یکی باشن. پس هر فاعلی نمی‌تونه تو جای خالی شروع‌کننده گزاره مستقل ما باشه. باید ببینیم از کدوم فاعل استفاده کنیم. تو این جور مواقع می‌گن وجه وصفی رو ترجمه کنین که داریم «بعد از اتمام تحصیلات خود». خب با استناد به این ترجمه به نظر شما کدوم فاعل می‌تونه شروع‌کننده جای خالی باشه؟ ministry که نمی‌تونه. education و employment هم نمی‌تونن. فقط she می‌تونه تحصیلاتش رو تموم کنه. پس گزینه (۲) رو انتخاب می‌کنیم. دقت کنین که هر فاعلی جز she جای خالی رو شروع کنه میگن اصطلاحاً dangling رخ داده. اما اصل جمله این‌طوره: ... after she completes her degree, she will be...

مثال‌های زیر رو ببینین:

Incorrect: Running home from school, a dog bit me.

Correct: Running home from school, I was bitten by a dog.

زمانی که از مدرسه به خانه برگشتم، سگی مرا گاز گرفت.

Incorrect: While a dancer in New York, her leg was injured.

Correct: While a dancer in New York, she injured her leg.

زمانی که وی به‌عنوان یک رقص در نیویورک کار می‌کرد، پایش زخم شد.

تو این مثال «از مدرسه برگشتن» رو فقط انسان می‌تونه انجام بده نه پای انسان. پس اولی نادرسته.

Example 5: Upon emerging from eggs,

(MBA - سراسری ۹۳)

- 1) the knowledge of swimming is in young swans
- 2) swimming is known by young swans
- 3) how to swim known in young swans
- 4) young swans know how to swim

پاسخ: گزینه «۴» به محض بیرون آمدن از تخم، قوهای نابالغ شنا کردن را یاد می‌گیرند.

توضیح گرامری: اول اینکه دقت کنین بعضی مواقع وجه وصفی رو بعد از حرف اضافه upon هم میشه استفاده کرد، پس یه وقت تعجب نکنین از این‌که چرا اینجا وجه وصفی بعد از حرف اضافه استفاده شده. خب ما اینجا وجه وصفی رو داریم و گزاره مستقل رو می‌خوانیم. خب طبیعتاً «از تخم بیرون اومدن» رو پرنده انجام میدن نه چیز دیگه‌ای پس گزینه (۴) صحیحه. بقیه dangling هستن.

Example 6: After watching the film Centennial,

(MBA - سراسری ۹۰ و ۹۳)

- 1) the book was read by many people
- 2) many people wanted to read the book
- 3) the book made many people read it
- 4) the reading of the book interested many people

پاسخ: گزینه «۲» پس از تماشای فیلم صدسالگی، بسیاری از مردم خواستند که کتاب آن را بخوانند.

توضیح گرامری: طبیعتاً «فیلم دیدن» رو انسان یا حداقل موجود زنده انجام می‌ده نه کتاب، پس گزینه (۲) صحیحه. بحث dangling یکی از مباحث خیلی مهم تو writing هستش و معمولاً خیلی از افراد بهش توجه نمی‌کنن و در نتیجه زیاد رعایت نمیشه ولی شما خیلی بهش دقت کنین.



سایر کاربردهای وجه وصفی معلوم و وجه وصفی مجهول:

گفتیم وجه وصفی معلوم رو با فعل ing دار و وجه وصفی مجهول رو با شکل سوم فعل می‌سازیم. چند تا مثال هم که در مورد هر کدام زدیم. اما وجه وصفی معلوم و مجهول چند جا دیگه هم به کار میرن که کاربردها تا حدی متفاوت از چیزیه که در بالا گفتیم.

۱. زمانی که فاعل گزاره اصلی با فاعل وجه وصفی یکی باشه:

He was busy writing letters.

وی مشغول نوشتن نامه بود.

They spent their time playing.

آنها وقت خود را صرف بازی کردند.

They are in England visiting relatives.

آنها در انگلیس هستند و در حال بازدید از اقوام خویش هستند.

The author guides the reader through Emma's most intimate dreams and fantasies, accurately portraying the plight of many middle-class women in France in the 1850s.

نویسنده، خواننده را به عمق رؤیاها و خیال‌پردازی‌های «ایما» هدایت می‌کند و وضع اسفناک بسیاری از زنان طبقه متوسط فرانسه را در دهه ۱۸۵۰ به تصویر می‌کشد. بیایید جمله آخری رو تحلیل کنیم چون معمولاً از جملات این تیپی سؤال زیادی مطرح می‌شه:

تو این جمله فاعل The author هستش، پس فاعل وجه وصفی که در اینجا با portraying شروع شده هم The author هستش. معمولاً تو این جور موارد، قبل از فعل وجه وصفی از ویرگول استفاده می‌شه. می‌تونیم جمله بالا رو با and هم بازنویسی کنیم:

The author guides the reader through Emma's most intimate dreams and fantasies, and accurately portrays the plight of many middle-class women in France in the 1850s.

Example 7: In all vertebrates, the respiratory protein hemoglobin acts as oxygen carrier in the blood,

..... oxygen from the lung to body organs and tissues.

(دکتری ۹۶)

1) it transports

2) which it transports

3) transporting

4) whose transporting

☒ پاسخ: گزینه «۳» در تمام مهره‌داران، پروتئین هموگلوبین به‌عنوان انتقال‌دهنده اکسیژن در خون عمل می‌کند و اکسیژن را از شش به اعضا و بافت‌های بدن می‌برد.

توضیح گرامری: خب گفتیم یکی از کاربردهای وجه وصفی زمانیه که فاعلش با فاعل گزاره مستقل یکیه. در اینجا فاعل گزاره مستقل *protein hemoglobin* هستش و چون قبل از جای خالی از ویرگول استفاده شده گزینه (۳) روان‌تر انتخاب می‌کنیم که وجه وصفی معلوم هستش. می‌تونیم این تست رو به‌صورت زیر هم بگیریم:

In all vertebrates, the respiratory protein hemoglobin acts as oxygen carrier in the blood and transports oxygen from the lung to body organs and tissues.

۲. بعد از افعال come, go, sit, lie, stand

He sat there staring at the wall.

او آنجا نشست و به دیوار خیره شد.

Mary stood at the corner waiting for the bus.

مری در گوشه‌ای منتظر اتوبوس ایستاد.

۳. به‌عنوان متمم مفعولی (کامل‌کننده مفعول) و بعد از افعالی مثل find, get, spend, catch, discover

I found (discovered) the horse tied to a tree.

اسب را در حالی یافتیم که به درختی بسته شده بود.

I caught him reading my private letters.

من او را در حال خواندن نامه‌های شخصی‌ام گرفتم.

Their time was spent playing.

The boy was caught stealing a car.

آن پسر در حالی گرفته شد که ماشینی را می‌دزدید.

Example 8: A black hole model that traps sound instead of light has been caught (MBA - سراسری ۹۵)

1) while quantum particles emit

2) to emit quantum particles

3) emitting quantum particles

4) that emits quantum particles

☒ پاسخ: گزینه «۳» یک مدل سیاه‌چاله کشف شده است که به جای نور، صوت را به دام می‌اندازد و ذرات کوانتوم را ساطع می‌کند.

توضیح گرامری: یکی از کاربردهای وجه وصفی بعد فعل *catch* هستش. پس گزینه (۳) درسته. گزینه (۱) نادرسته چون فعل *emit* متعدیه؛ یعنی باید تو جملات معلوم بعدش مفعول بیاد ولی نیومده. گزینه (۴) هم نادرسته چون *that emits* یه نوع گزاره وصفیه. کلاً گزاره وصفی باید به مرجع خود نزدیک باشه که در اینجا مرجع *black hole model* هستش که با فاصله خیلی زیادی از گزاره وصفی قرار داره؛ پس نادرسته.

تست‌های طبقه‌بندی شده فصل هفتم

1- the dishes, the man went to bed immediately in that he was dead tired. (MBA - مدیریت شهری ۹۷)

- 1) Washing 2) To wash 3) Having washed 4) To be washing

2- , the product life cycle will tell you how to market a product and how much money to spend.

(MBA - سراسری ۹۷)

- 1) If understood 2) To understand
3) For being understood 4) As its being understood

3- , the financial means to remain independent, he decided to seek employment.

(MBA - مجموعه مدیریت اجرایی - سراسری ۸۴)

- 1) Deprived of 2) To be deprived of
3) He was deprived of 4) That he was deprived of

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده فصل هفتم

۱- گزینه «۳» بعد از اینکه طرف‌ها را شست، آن مرد سریعاً به رختخواب رفت چون خسته بود.

توضیح گرامری: خب مبحث وجه وصفی رو تو این سؤال از ما خواسته. خوشبختانه گزینه‌های (۲) و (۴) اینجا کاربردی ندارن. گزینه (۱) وجه وصفی ساده معلوم و گزینه (۳) وجه وصفی کامل معلومه. پس برای اینکه ببینیم از کدوم وجه وصفی استفاده کنیم، باید ببینیم آیا عمل شستن و عمل رفتن به رختخواب به صورت همزمان انجام شده یا نه. اگه آره که اون وقت وجه وصفی ساده و اگه خیر اون وقت از وجه وصفی کامل استفاده می‌کنیم. چون با توجه به معنی جمله این دو تا عمل با هم رخ ندادن، گزینه (۳) رو انتخاب می‌کنیم. ضمناً اصل جمله این‌طوری بوده:

Since he had washed the dishes, the man went to bed

خب حالا چون فاعل هر دو گزاره ما یکی هستش، می‌تونیم فاعل گزاره وابسته رو حذف کنیم و به فعل بعدش ing بدیم. ضمناً since رو هم حذف می‌کنیم:

Having washed the dishes, the man went to bed

۲- گزینه «۱» اگر چرخه حیات محصول به خوبی درک شود، به شما خواهد گفت که چگونه محصولی را وارد بازار کنید و چقدر پول باید صرف کنید.

توضیح گرامری: اصل جمله به این صورت بوده است:

If it is understood, the product life cycle

فاعل هر دو گزاره یکسانه؛ یعنی فاعل هر دو the product life cycle هستش. پس می‌تونیم فاعل it و is رو حذف کنیم و وجه وصفی مجهول بسازیم.
پس داریم:

If understood, the product life cycle

۳- گزینه «۱» چون او محروم از درآمد مالی برای مستقل ماندن بود، تصمیم گرفت به دنبال کار بگردد.

توضیح گرامری: برای ساختن یه وجه وصفی باید فاعل مشترک رو تو گزاره وابسته به قرینه حذف کنیم.



مدرس‌ان شریف

فصل هشتم

«گزاره اسمی (noun clause)»

توی فصل‌های قبل گفتیم که سه نوع گزاره وابسته داریم: گزاره قیدی، گزاره وصفی و گزاره اسمی. دو مورد اول رو بررسی کردیم و گفتیم که هردوشون تو زبان فارسی هم وجود داره. حالا نوبت به گزاره اسمی می‌رسه که باز هم تو فارسی وجود داره. گزاره اسمی دقیقاً مثل اسم عمل می‌کنه، یعنی اسم هم می‌تونه فاعل باشه و هم مفعول، گزاره اسمی هم دقیقاً همین‌طوره، هم می‌تونه فاعل باشه هم مفعول. بیاین اول مثال فارسی زیر رو بررسی کنیم تا ببینیم اصلاً گزاره اسمی چی هست:

«اینکه باید او را فراموش می‌کردم، برایم شوک بزرگی بود.»

«دوست بیلی نمی‌دانست که او نمی‌تواند شنا کند.»

تو مثال اولی «اینکه باید او را فراموش می‌کردم» و مثال دومی «که او نمی‌تواند شنا کند» هر دو گزاره اسمی‌ان که تو اولی، این گزاره تو جایگاه فاعل و تو دومی تو جایگاه مفعول به‌کار رفته. حالا مثال انگلیسی زیر رو بررسی کنیم:

That coffee grows in Brazil is well known to all.

I know that coffee grows in Brazil.

تو این دو تا جمله هم گزاره اسمی اون دو تا قسمت پررنگ‌تر هستن که تو اولی فاعل و تو دومی مفعوله. خب گزاره اسمی کلاً یه سری نشونه داره مثلاً تو دو تا مثال بالا نشونه گزاره اسمی **that** هستش ولی می‌تونه کلمه پرسشی مثل **who, what, why** یا **if** هم باشه که هر نشونه رو جداگانه در ادامه بررسی می‌کنیم.

گزاره اسمی با **that** یا **that-clause**:

تقریباً همیشه گفت گزاره‌های اسمی با **that** بیشترین کاربرد رو تو انگلیسی بین بقیه گزاره‌های اسمی دارن و عمدتاً تو جاهای زیر استفاده میشن:

۱- به‌عنوان فاعل: می‌تونیم از **that clause** به‌عنوان فاعل استفاده کنیم که تو این موارد **that** به معنی «این‌که» هست:

That I should forget her was a shock.

این‌که باید او را فراموش می‌کردم، برایم شوک بزرگی بود.

That your fever has gone down makes me happy.

این‌که تب تپت پایین رفته است، من را خوشحال می‌کند.

That he was not consulted in the matter angered me.

این‌که با وی در مورد آن موضوع مشورت نشد، من را عصبانی کرد.

توضیح: همون‌طور که می‌بینین تو این موارد از **that clause** به‌عنوان فاعل استفاده شده. لذا مستقیماً باید بعد از **that clause** از فعل استفاده کنیم، چون این کلاز نقش فاعل رو داره و بعد از فاعل هم باید فعل بیاد. ضمناً هر فعلی نمی‌تونه تو این مورد بعد از **that clause** بیاد و معمولاً از افعال ربطی به خصوص فعل **be** یا افعالی مثل **make** و افعالی که نشون‌دهنده احساسات هستن مثل **please** anger و ... استفاده میشه.

پس با بررسی جملات بالا می‌تونیم الگوی زیر رو استخراج کنیم:

... فعل + جمله + **that**

Example 1: are rich in a wide variety of species is well known, something no one ever disputes.

(دکتری ۹۳)

- 1) The Earth's some regions
- 2) There are some regions of the Earth
- 3) What are the regions of the Earth
- 4) That some regions of the Earth

پاسخ: گزینه «۴» همه می‌دانند که برخی از مناطق زمین غنی از گونه‌های مختلفی هستند و این موضوع نکته‌ای است که هیچکس با آن مخالفتی ندارد.
توضیح گرامری: یکی از کاربردهای *that clause* به عنوان فاعل قبل از فعل *be* هستش.

۲- به عنوان مفعول: از جمله‌واره اسمی با *that* می‌تونیم به عنوان مفعول بعد از یه سری افعال هم استفاده کنیم که اینجا معنیش «که» میشه. این حالت نیز دقیقاً مثل حالت قبل، تو زبان فارسی وجود داره. همون طور که تو فارسی می‌گیم «بهم گفت که ...»، «می‌دانند که ...»، «باور دارم که ...» و غیره، بعد از تمام افعال انگلیسی که همین مفهوم رو دارند مثل *say show believe* و غیره می‌تونیم از *that clause* استفاده کنیم. در ادامه می‌تونیم لیستی از این افعال رو ببینیم. نیازی به حفظ کردنشون نیست. فقط اینو بدونین که افعالی که مفهومی این تپیی دارن همشون تو این دسته قرار می‌گیرن:

admit	پذیرفتن	claim	ادعا کردن	insist	اصرار کردن	warn	اخطار دادن
complain	شکایت کردن	believe	باور داشتن	confess	اعتراف کردن	reveal	آشکار ساختن
maintain	ادعا کردن	conclude	نتیجه گرفتن	assume	فرض کردن	think	فکر کردن
show	نشان دادن	decide	تصمیم گرفتن	ascertain	معین کردن	indicate	نشان دادن
tell	گفتن	hold	باور داشتن	find	پی بردن	argue	استدلال کردن
assure	اطمینان دادن	prove	اثبات کردن	discover	کشف کردن	suppose	فرض کردن

او ادعا می‌کند که پاسخ را می‌داند. He claims that he knows the answer.

دوست بیلی نمی‌دانست که او نمی‌تواند شنا کند. Billy's friend didn't know that he couldn't swim.

The survey indicated that 28 percent would prefer to buy a house through a building society.

بررسی نشان داد که ۲۸ درصد مردم ترجیح می‌دهند مسکن خود را از طریق یک انجمن ساختمان‌سازی خریداری کنند.

It was thought for a while that he might not recover from his illness.

مدتی چنین تصور می‌شد که ممکن است بیماری او هرگز بهبود نیابد.



نکته آزمون: دیدین تو فارسی به جای «گفتم که نرو» می‌گیم «گفتم نرو». اینجا ما اومدیم «که» رو حذف کردیم؛

این حالت دقیقاً تو انگلیسی هم وجود داره:

He says they plan to come to the party.

او گفت که آنها قصد شرکت در مهمانی را دارند.

I believe he is innocent.

من معتقدم او بی‌گناه است.

حتی بعد از برخی از افعال این تپیی اول مفعول میاد بعدش *that clause*:

He taught his son that he should be honest.

او به پسرش یاد داد که باید صادق باشد.

He complained to his friends that his wife couldn't cook.

او به دوستش شکایت کرد که زنش نمی‌تواند آشپزی کند.



Example 2: This model assumes, it grows generally better able to cope with its problems. (دکتری ۹۲)

- 1) as society being evolved
- 2) that as society evolves
- 3) the society evolving as
- 4) that the society evolves as

پاسخ: گزینه «۲» این مدل این گونه فرض می‌کند که هم‌زمان با تکوین هر جامعه، توانایی‌های آن جامعه در رسیدگی به مشکلاتش بیشتر می‌گردد.

توضیح گرامری: بعد از *assume* می‌تونیم *that clause* بیاریم. ضمناً بعد از جای خالی ویرگول اومده و با توجه به *as* به گزاره قیدی هم داریم. پس گزینه‌ی (۲) بهترین جوابه.

Example 3: Physicians believe is essential for development of strong bones and teeth.

(MBA - سراسری ۹۳)

- 1) it is calcium that
- 2) although calcium
- 3) the calcium
- 4) calcium

پاسخ: گزینه «۴» پزشکان معتقدند کلسیم برای رشد و استحکام استخوان‌ها و دندان‌ها ضروری است.

توضیح گرامری: «calcium» نیازی به «the» نداره پس گزینه‌ی (۳) نادرسته. تو گزینه‌ی (۲) *although* اومده که اگه استفاده کنیم، جمله مون ناقص میشه. تو این مثال بعد از فعل *believe* از *that clause* هم استفاده شده که چون حالت مفعولی داره *that* حذف شده. اصل جمله این طوری بوده: *believe that calcium*

۳- به عنوان بدل: یکی دیگه از کاربردهای *that clause* بعد از اسمی زیر به عنوان بدل که در این صورت جمله‌واره اسمی می‌تونه هم به عنوان مفعول و هم فاعل استفاده بشه. واسه اینکه این اسم‌ها رو بهتر یاد بگیرین، یه روش خیلی خوب وجود داره. مثلاً تو بخش قبلی گفتیم یه سری فعل هستن که بعدشون *that clause* میاد. حالا اینجا می‌گیم هر نوع اسمی که از افعال بالا مشتق بشه هم، می‌تونه بعدش این کلاز بیاد. مثلاً اسم *belief* از *believe*. اسم *discovery* از *discover* و ... مشتق میشه.

fact	حقیقت	hypothesis	فرضیه	idea	ایده	claim	ادعا	consensus	توافق
notion	عقیده	belief	باور	view	دید	supposition	فرض	understanding	درک
theory	نظریه	reason	دلیل	evidence	شواهد	discovery	کشف	realization	تشخیص

این حقیقت که او هر کاری می‌کند، درست است من را عصبانی می‌کند. *The fact that whatever he does is right makes me angry.*

The police are investigating the possibility that a bomb was planted on the jet.

پلیس‌ها در حال بررسی این احتمال هستند که در هواپیمای جت بمب‌گذاری شده است.

The idea that teacher should know everything is unacceptable. این ایده که معلم باید همه چیز را بداند، قابل قبول نیست.

The announcement that all flights were cancelled because of bad weather distressed the passengers.

این خبر که تمام پروازها به‌خاطر آب‌وهوای بد کنسل شده است، مسافران را آزرده‌خاطر کرد.

Example 4:the human brain is a "language learning" organ is provided by neurological studies of language disorders. (دکتری ۹۱)

- 1) Supporting further the view which
- 2) To support further the view which
- 3) Further supporting the view that
- 4) Further support for the view that

پاسخ: گزینه «۴» مطالعات عصب‌شناختی در زمینه اختلال زبان، باعث شد از این دیدگاه، که مغز انسان عضوی برای «یادگیری زبان» است، حمایت بیشتری شود.

توضیح گرامری: اینجا *that clause* مون بعد از اسم *view* اومده پس گزینه‌های (۱) و (۲) نادرستن چون *which* اینجا کاربرد نداره. ضمناً *support* با حرف اضافه *for* میاد و *further* هم اینجا صفت هستش پس گزینه‌ی (۴) بهترین جوابه.

۴- به عنوان فاعل بعد از **it**: می‌تونیم گزاره اسمی با **that** رو بعد از عبارتهای زیر هم استفاده کنیم:

It is hoped	امید بر این است که	It is thought	عقیده بر این است
It is assumed	فرض بر این است	It is said	گفته می‌شود
It is believed	باور بر این است	It is concluded	نتیجه حاکی از این است
It is believed <u>that the house was built in 1734.</u>		باور بر این است که این خانه در سال ۱۷۳۴ ساخته شده است.	
It is assumed <u>that the person is innocent.</u>		فرض بر این است که آن شخص بی‌گناه است.	
It was concluded <u>that the treatment should be stopped.</u>		نتیجه‌گیری حاکی از این بود که آن درمان باید متوقف شود.	

Example 5: Java Man, who lived before the first Ice Age, is the first manlike animal.

(MBA - سراسری ۹۰ و ۹۳)

- 1) Assumed generally is
- 2) Generally assumed it is
- 3) It is generally assumed that
- 4) That it is generally assumed

پاسخ: گزینه «۳» به‌طور کلی فرض بر این است، انسان نخستین که پیش از عصر یخبندان می‌زیسته است، نخستین حیوان شبه آدمی است.

توضیح گرامری: یکی از کاربردهای گزاره اسمی با **that** بعد از **it is assumed** هستش.

۵- به عنوان متمم فاعلی: آخرین کاربرد **that clause** به عنوان متمم فاعلیه یا به عبارتی کامل‌کننده معنی فاعل:

The problem is that life is, and will be complex. مشکل این است که زندگی پیچیده است و خواهد بود.

The truth is that I don't remember when I met him. حقیقت این است که یادم نمی‌آید چه موقع وی را ملاقات کردم.

گزاره اسمی با کلمات پرسشی: دومین نشونه گزاره اسمی اینه که توی اونا ممکنه به جای **that** از کلمات پرسشی استفاده شده باشه. کلمات پرسشی شامل **where, why, who** و ... میشن. کاربرد **wh... clause**ها هم دقیقاً عین **that clause** هستش، یعنی می‌تونن به عنوان فاعل یا مفعول بیان فقط معنیشون فرق می‌کنه. مثلاً **that** میشد «که، اینکه»، ولی **why** میشد «اینکه چرا، که چرا»، **where** میشد «اینکه از کجا، که کجا» و چون توضیحاتشون با **that clause** مشترکه ما دیگه توضیح چندانی نمی‌دیم و فقط به چند تا مثال برای هر کدوم بسنده می‌کنیم:

How I get the money isn't your concern. اینکه من چطور پول را به‌دست آوردم به تو ربطی ندارد.

Why the various Generals of the Army of the Potomac before Ulysses S. Grant were so singularly unsuccessful against Robert E. Lee is debated in no fewer than five hundred historically oriented journals.

اینکه چرا ژنرال‌های مختلف ارتش پوتوماک قبل از «یولیسز اس گرانت» در مقابل رابرت ای لی با شکست روبه‌رو می‌شدند، در بیش از پانصد مجله تاریخی مورد بحث بوده است.

The question is how he gets the money. سؤال این است که او چطور پول را به‌دست می‌آورد.

I don't know how he gets the money. نمی‌دانم او چطور پول را به‌دست می‌آورد.

توضیح: توی دو تا مثال اول **wh... clause** نقش فاعل رو داره و بعد از این کلازها فعل اومده؛ ولی تو مثال سوم نقش متمم فاعلی و تو مثال چهارم نقش مفعول رو دارن.

علاوه بر تفاوت معنایی یه تفاوت دیگه بین **wh... clause** و **that clause** وجود داره و اینه که **wh... clause** برعکس **that clause** تو حالت بدل و به‌عنوان فاعل بعد از **it** کاربرد نداره. ولی **wh... clause** یک کاربرد دیگه هم داره که **that clause** نداره، این که بعد از حرف اضافه می‌تونیم ازش استفاده کنیم.

I am not concerned about how he gets the money. اینکه او چگونه پول را به‌دست می‌آورد، به من ارتباطی ندارد.

Be careful about what you eat. مراقب باش که چه می‌خوری.



Example 6: New observations about the age of some globular clusters in our Milky Way galaxy have cast doubt on a long-held theory.....

(MBA - سراسری ۹۶)

- 1) of the galaxy was formed how
- 2) according to which the galaxy formed
- 3) that the galaxy was formed
- 4) about how the galaxy was formed

پاسخ: گزینه «۴» مشاهدات جدید در مورد سن برخی از خوشه‌های کروی موجود در کهکشان راه شیری، یک نظریه قدیمی در مورد نحوه شکل‌گیری این کهکشان را زیر سؤال می‌برد.

توضیح گرامری: گزینه‌ی (۱) نادرسته چون کلاً چنین ساختاری نادرسته. گزینه‌ی (۲) هم نادرسته چون *was formed* صحیحه. فعل *form* متعدیه پس‌بدش باید تو حالت معلوم مفعول بیاد که نیومده. بعد از *theory* می‌تونیم از *that clause* استفاده کنیم؛ یعنی چیزی که تو گزینه (۳) به‌کار رفته، ولی این گزینه به لحاظ معنایی درست نیست. فقط گزینه (۴) صحیحه چون گفتیم که یکی از کاربردهای *wh...clause* بعد از حرف اضافه هستش.

نکته آزمون: قطعاً میدانین که واسه ساخت سؤال باید جای فعل کمکی رو با فاعل عوض کنیم. یعنی این طوری: *Who is she?*

خب! همون‌طور که در این مثال می‌بینین جای فعل *is* و فاعل *she* عوض شده، چون یه سؤال ساختیم. حالا اگه همین سؤال مثلاً بعد از فعل *know* بیاد، دیگه سؤال نیست و یه گزاره اسمی یا *wh ... clause* میشه: *I know who she is*.

اگه دقت کنین متوجه می‌شین تو این مثال، فعل *is* بعد از فاعل *she* قرار داره نه قبلش. اینو گفتم که اگه یه وقت سؤالی دادن که این مدلی بود، اشتباهات زیر رو مرتکب نشین:

~~*I know who is she.*~~ /// ~~*Why is she here is unknown to me.*~~

توضیح: دو تا مثال بالا هر دو نادرستن چون وقتی *wh... clause* نقش گزاره اسمی رو داره دیگه نباید جای فعل کمکی و فاعل عوض بشه.

Example 7: Although Freud himself was primarily concerned with research and psychoanalytic theory rather than with therapy, many people would like to knowtoday, and whether it is considered an effective treatment for neurotic disorders.

(دکتری ۹۴)

- 1) how does psychoanalysis stand
- 2) how psychoanalysis stands
- 3) that how psychoanalysis stands
- 4) that how does psychoanalysis stand

پاسخ: گزینه «۲» گرچه خود فروید اصولاً به تحقیق و نظریه روانکاوی اهمیت می‌داد تا به درمان، بسیاری مردم می‌خواهند بدانند که روانکاوی امروز چگونه است و آیا به عنوان درمان مؤثری برای اختلالات عصبی در نظر گرفته می‌شود یا خیر.

توضیح گرامری: گزینه‌های (۳) و (۴) نادرستن چون *that how* نادرسته. پس هیچ وقت *that* رو با *wh..* استفاده نکنین. گزینه (۱) هم نادرسته چون *how clause* اینجا نقش گزاره اسمی داره، پس نباید جای فعل کمکی و فاعل عوض بشه. پس گزینه‌ی (۲) جوابه دیگه.

وجه التزامی: گفتیم *that clause* می‌تونه بعد از یه سری افعال (مثل *say, know* و...) و یه سری اسم (مثل *view, belief* و...) بیاد. حالا می‌خوام بگم *that clause* بعد از یه سری صفت هم می‌تونه بیاد (مثل *sure, important* و...).

Make sure that you lock the door. {بعد از صفت}

I know that he is wrong. {بعد از فعل}

The belief that the earth is round is true. {بعد از اسم}



توضیح: تو این سه مثالی که آوردیم به فعل گزاره اسمی دقت کنین. تو اولی *lock* هستش که با *you* تطابق داره. تو دومی و سومی *is* هستش که با *he* و *the earth* مطابقت داره ولی همیشه این طوری نیست. حالا اینو حواستون باشه که اگه *that clause* ها بعد از فعل‌ها، صفت‌ها و اسم‌هایی که در زیر اومده بیان، فعل *that clause* ها باید همیشه شکل مصدری داشته باشه یعنی کاملاً ساده باشه و نه *s* بگیره و نه *ed* و نه هیچ چیز دیگه.

essential	ضروری	suggest	پیشنهاد کردن	imperative	ضروری	important	مهم
advisable	قابل نصیحت	advise	نصیحت کردن	mandatory	اجباری	vital	حیاتی
demand	تقاضا کردن	request	درخواست کردن	advice	نصیحت	necessary	ضروری
recommend	توصیه کردن	require	نیاز بودن	desirable	مطلوب	urge	ترغیب کردن
insist	اصرار کردن	propose	پیشنهاد کردن	requirement	الزام		

Incorrect: The doctor recommends that she has surgery.

Correct: The doctor recommends that she have surgery. توصیه دکتر این است که وی عمل کند.

توضیح: معمولاً فعلی که با ضمائر سوم شخص مفرد یعنی *she he it* میاد، مفرده. پس در نگاه اول شاید مثال اولی صحیح به نظر برسه. اما گفتیم زمانی که یه جمله‌واره اسمی بعد از فعل *recommend/استفاده میشه*، فعل اون جمله‌واره باید به شکل مصدر باشه. پس تو مثال بالایی *has* نادرسته و *have* صحیحه.

Incorrect: It was important that money was collected for the cause.

Correct: It was important that money be collected for the cause. باید برای هدف پول جمع‌آوری می‌شد.

توضیح: بعد از *important* از گزاره اسمی استفاده شده؛ پس فعل باید به شکل مصدری باشه. خب! پس *was* نادرسته و *be* صحیحه.

واسه منفی کردن افعال تو حالت وجه التزامی باید *not* رو قبل از شکل مصدری فعل بیاریم. از *don't* استفاده نمی‌کنیم، حواستون باشه.

I suggested that people not use highway 7. توصیه‌ام این بود که افراد از بزرگراه شماره ۷ استفاده نکنند.



Example 8: A nonprofit organization in Motor City has proposed that local college students the option to buy half – price monthly passes for the city's public transportation system. (MBA – سراسری ۹۴)

- 1) be given 2) given 3) are given 4) to be given

☒ پاسخ: گزینه «۱» یک سازمان غیرانتفاعی در «موتور سیتی» پیشنهاد کرده است که به دانشجویان بومی حق انتخاب خرید بلیت‌های نیم‌بها به صورت ماهانه برای سامانه حمل و نقل شهری داده شود.

توضیح گرامری: فعل جمله ما *propose* هستش و بعدش هم از *that clause* استفاده شده، پس فعل این کلاز ما باید شکل مصدری باشه و تو حالت مجهول باید *p.p + be* باشه، پس گزینه (۱) صحیحه.

جمع‌بندی سه گزاره قیدی، وصفی و اسمی: هرچه که تا الان بررسی کردیم یه طرف، چیزی که الان می‌خوایم بگیریم یه طرف. این بخش اینقدر مهمه که طرح سؤال ازش ردخور نداره. یعنی حتی اگه مستقیماً ازش سؤال نیاد واسه رد گزینه خیلی تکنیک خوبیه. تو بخش‌های قبلی به‌طور خلاصه گفتیم که دو نوع جمله‌واره وجود داره: جمله‌واره مستقل و جمله‌واره وابسته. گفتیم **جمله‌واره مستقل**، جمله‌واره‌ای که به خودی‌خود معنا داشته باشه. مثال: *he is a teacher* یا او یک معلم است.

پس می‌تونیم نتیجه بگیریم که هر جمله باید یه جمله‌واره مستقل داشته باشه در غیر این صورت، جمله نیست. هر جمله‌واره مستقل باید دست‌کم یه

فاعل و فعل داشته باشه (که به این جمله، جمله ساده می‌گیم):

The president spoke. / رئیس جمهور صحبت کرد. He is a doctor. او دکتر است.



- دو جمله‌واره مستقل رو می‌تونیم با حروف ربط همپایه‌ساز به هم متصل کنیم که جمله حاصل رو جمله مرکب (compound) می‌گیم:

او به بانک رفت، ولی بانک بسته بود. *He went to the bank, but it was closed.*

نوع دیگه‌ای از جمله‌واره‌ها، جمله‌واره وابسته هستش. این جمله‌واره به تنهایی به کار نمیره و باید به یه جمله‌واره مستقل بچسبه. مثال:

زمانی که بچه بودم *When I was a kid*

این‌که او یک معلم است *That he is a teacher*

مردی که آنجاست *The man who stands there*

با دیدن سه جمله‌ی بالا قطعاً اولین چیزی که می‌پرسید اینه که خب پس باقی جمله چی شده؟ می‌تونیم با اضافه کردن یه جمله‌واره مستقل به جملات بالا، اونا رو به صورت زیر اصلاح کنیم و در واقع یه جمله مشتق (complex) بسازیم:

زمانی که بچه بودم، در تگزاس زندگی می‌کردم. *When I was a kid, I was living in Texas.*

اینکه او معلم است من را خوشحال می‌کند. *That he is a teacher makes me happy.*

مردی که آنجاست دوست من است. *The man who stands there is my friend.*

یه جمله ممکنه یک یا چند جمله‌واره وابسته داشته باشه. مثال: *When I was a kid, I was living in Texas, which is located in the US.* جمله‌واره‌های وابسته به سه نوع زیر تقسیم می‌شن:

۱- جمله‌واره قیدی (adverbial clause)

زمانی که باران شروع شد، ما رفتیم. *When it began to rain, we left.*

از زمانی که آمد، او را ندیده‌ام. *I have not seen him since he arrived.*

۲- جمله‌واره وصفی (adjectival clause)

من زنی را که در همسایگی ما زندگی می‌کند، نمی‌شناسم. *I do not know the lady who lives next door.*

۳- جمله‌واره اسمی (noun clause)

اینکه وی مجرم بود، من را شگفت‌زده کرد. *That he was a criminal surprised me.*

تو بخش‌های قبلی اون جمله‌واره‌های بالا رو به طور کامل بررسی کردیم. مثلاً تو اولی *began* فعل جمله‌واره قیدی و *left* فعل جمله‌واره اصلی هستش. فقط نکته‌ای که می‌خوام خیلی به اون دقت کنین اینه که جمله‌واره مستقل و جمله‌واره وابسته هر کدومشون باید فعل جداگانه داشته باشن. این نکته رو همیشه تو ذهنتون داشته باشین.

توجه: جراند و مصدر با *to* فعل اصلی نیستن، اشتباه نکنین یه وقت.

حالا بیاین بر همین اساس جملات مقابل رو تحلیل کنیم: **Incorrect:** *To believe that smoking causes some forms of cancer.*

باور بر این است که سیگار کشیدن باعث گونه‌هایی از سرطان می‌شود. **Correct:** *It is believed that smoking causes some forms of cancer.*

توضیح: جمله اولی نادرسته چون *that* نشونه‌ی گزاره اسمیه که باید فعل داشته باشه. فعل این گزاره تو این مثال *causes* هستش. گزاره اسمی به تنهایی به کار نمیره و باید به یه گزاره مستقل بچسبه. گزاره مستقل هم باید فعل داشته باشه ولی اینجا *To believe* فعل نیست بلکه مصدره، پس نادرسته. اما جمله دوم صحیحه چون فعل گزاره اسمی *causes* و فعل گزاره اصلی *believe* هستش.

Incorrect: *That Mt. Everest is the highest peak in the world.*

می‌دانم که کوه اورست بلندترین کوه جهان است. **Correct:** *I know that Mt. Everest is the highest peak in the world.*

توضیح: جمله اولی نادرسته چون *that* نشونه گزاره اسمیه. فعل گزاره اسمی مون تو این مثال *is* هستش. گزاره اسمی باید با یه گزاره مستقل بیاد. اما کو گزاره مستقل؟ پس غلطه تو مثال (۲) *I know* رو اضافه کردیم و این گزاره رو به یه گزاره مستقل متصل کردیم.

Incorrect: *We were surprised when saw her.*

زمانی که او را دیدیم شگفت‌زده شدیم. **Correct:** *We were surprised when we saw her.*

Example 9:originated in Germany and northern Italy in the middle of the fifteenth century.

(MBA - سراسری ۹۶)

- 1) With engraving growing out of the goldsmith's art
- 2) The goldsmith's art of engraving, the growth out of which
- 3) Engraving, which grew out of the goldsmith's art,
- 4) That the goldsmith's art of engraving grew and

✓ پاسخ: گزینه «۳» حکاکی، عملی که از هنر گلداسمیت ناشی شد، از آلمان و شمال ایتالیا در اواسط قرن پانزدهم سرچشمه گرفت.

توضیح گرامری: فقط گزینه (۳) صحیح است. همیشه اول از همه فعل گزاره مستقل رو پیدا کنیم، چون جمله بدون حضور گزاره مستقل غیرممکنه. فعل این گزاره *originate* هستش که بعد از جای خالی اومده. دیگه تو صورت سؤال فعل نداریم. حالا می‌تونیم هر گزینه رو یکی یکی بررسی کنیم. گزینه (۱) نادرسته چون اون *with* اول جمله کار رو خراب کرده. گزینه (۲) به خاطر اون *which* که آخر گزینه اومده نادرسته، چون *which* جمله ما رو به یه گزاره وصفی تبدیل کرده. تو گزینه سوم *engraving* فاعله. بعدش اون جمله‌ای که داخل دو تا ویرگول اومده یه گزاره وصفی غیرضروریه. گزاره وصفی باید فعل داشته باشه که اینجا فعلش *grew out* هستش. پس این گزینه صحیح است. گزینه (۴) به خاطر کاربرد *that* گزاره اسمیه. پس باید فعل داشته باشه که فعلش *grew and originated* هستش. همون *and* آخر جمله باعث شده که فعل گزاره مستقل وابسته بشه پس نادرسته.

Example 10: Personal drug regimens based on xenograft mice harboring a single patient's tumor to prove their true utility in medical.

(MBA - سراسری ۹۵)

- 1) still need
- 2) and still needing
- 3) are still needed
- 4) still needing

✓ پاسخ: گزینه «۱» رژیم‌های دارویی فردی مبتنی بر موش‌های زئوگرافت، برای محافظت از بیماران مبتلا به تومور هنوز هم باید کارایی حقیقی خود را در پزشکی اثبات کنند.

توضیح گرامری: تو جمله دنبال فعل باشین، چون باید گزاره مستقل رو پیدا کنیم. یه فعل *based* داریم که شکل کوتاه شده *which are based* هستش که این فعل گزاره وابسته هستش نه گزاره مستقل. *prove* هم فعله که اینجا به دلیل کاربرد *to* مصدره نه فعل اصلی. پس جای خالی باید فعل باشه. با این حساب (۲) و (۴) رد می‌شن. گزینه‌های (۱) و (۳) هر دوشون تا حدی درستن ولی گزینه‌ی (۱) بهتره.

Example 11: In more and more families, both husbands and wives work nowadays and

(MBA - سراسری ۹۵)

- 1) there are new problems that result with this
- 2) this resulting in new problems
- 3) the result of which are new problems
- 4) with this there are new problems that result

✓ پاسخ: گزینه «۴» امروزه در خانواده‌های بسیاری، زن و شوهرها شاغل هستند که این مسئله، باعث بروز مشکلات تازه‌ای شده است.

توضیح گرامری: باز هم دنبال فعل باشین. فعل صورت سؤال ما *work* هستش. قبل از جای خالی از *and* استفاده شده. پس بعد از *and* هم باید یه جمله مستقل همراه با فاعل و فعل داشته باشیم. پس اینجا نویسنده اومده دو تا گزاره مستقل رو با یه حرف ربط همپایه‌ساز به هم وصل کرده و یه جمله مرکب ساخته. پس گزینه‌ی (۲) نادرسته چون *resulting* فعل نیست. گزینه‌ی (۳) هم کلاً نادرسته. گزینه‌ی (۱) هم به این دلیل نادرسته که فعل *result* با حرف اضافه *from* میاد نه *with*.



Example 12: I would propose that scientific archeological expeditions and governmental authorities on the open market. (MBA - سراسری ۹۵)

- | | |
|--------------------------------|---------------------------------|
| 1) sell excavated artifacts | 2) excavate artifacts and sell |
| 3) to sell artifacts excavated | 4) who sell artifacts excavated |

پاسخ: گزینه «۱» من پیشنهاد می‌کنم که هیئت اعزامی باستان‌شناسی علمی و مقامات دولتی، مصنوعات به دست آمده از حفاری را در بازار آزاد به فروش برسانند.

توضیح گرامری: خب فعل گزاره مستقلمون *propose* هستش. بعد از این فعل *that* اومده پس یه گزاره اسمی داریم. گزاره اسمی باید فعل داشته باشه ولی تو صورت سؤال فعل دیگه‌ای نداریم؛ پس جای خالی فقط باید گزینه‌ای بیاد که فعل داره. با این توصیفات گزینه‌های (۳) و (۴) رد می‌شن. تو بخش فعل گفتیم فعلی که متعدیه حتماً باید با مفعول بیاد مگر اینکه مجهول باشه. *sell* تو گزینه‌ی (۲) متعدیه اما بعدش مفعول نیومده، پس این گزینه هم نادرسته.

Example 13: In his Physics, concerned with the philosophical question of the nature of motion as one variety of change. (دکتری ۹۶)

- | | |
|-------------------------------|---------------------------------|
| 1) Aristotle who was primary | 2) Aristotle was primarily |
| 3) as Aristotle whose primary | 4) that Aristotle was primarily |

پاسخ: گزینه «۲» ارسطو در فیزیک خود، عمدتاً به مسئله فلسفی ماهیت حرکت به عنوان یک نوع تغییر پرداخت.

توضیح گرامری: تنها فعل صورت سؤال فعل *concerned* هستش که شکل سوم فعل *concern* هست. پس گزینه‌ای باید انتخاب بشه که فعل کمکی *be* داره. ضمناً باید گزینه‌ی انتخاب شده طوری باشه که *was concerned* همچنان فعل گزاره مستقل بمونه. پس گزینه‌های (۱) و (۳) و (۴) هر سه تاشون نادرستن (اولی به خاطر *who*، سومی برای *as* و چهارمی برای *that*). ضمناً *Primary* صفتیه؛ خب! پس نمی‌تونه فعل *concern* رو توصیف کنه (علت دیگه واسه نادرست بودن گزینه‌های (۱) و (۳))

Example 14: An impressive set of studies demonstrates that cognitive development during the school years by complex and demanding work without close supervision and by high teacher expectations. (دکتری ۹۴)

- | | |
|----------------------|-------------------|
| 1) and has enhanced | 2) is enhanced |
| 3) which is enhanced | 4) to be enhanced |

پاسخ: گزینه «۲» مجموعه‌ای از مطالعات نشان می‌دهند که تکامل شناختی در طول مدرسه از طریق کار سخت و پیچیده بدون نظارت دقیق و از طریق انتظارات بالای معلم بهبود می‌یابد.

توضیح گرامری: *An impressive set of studies* فاعل جمله هستش. *demonstrates* فعل گزاره اصلیه که بعد از اون *that* استفاده شده. پس یه گزاره اسمی داریم که باید فعل مجزا داشته باشه. بعد از *that* جمله فعل نداره. پس باید گزینه‌ای رو انتخاب کنیم که فعل داشته باشه. با این حساب گزینه‌ی (۴) نادرسته چون *to be enhanced* مصدر مجهوله نه فعل. گزینه‌ی (۳) هم نادرسته چون *which* نشونه‌ی گزاره وصفیه؛ پس نه تنها مشکل صورت سؤال رو حل نمی‌کنه بلکه قوز بالا قوز می‌شه. تو گزینه‌ی (۱) هم *and* نادرسته.

تست‌های طبقه‌بندی شده فصل هشتم

1- known as Stonehenge has never been determined.

(سراسری ۹۱)

- | | |
|-------------------------------|------------------------------|
| 1) The stone circle | 2) That the stone circle |
| 3) Who built the stone circle | 4) There is the stone circle |

2- Novelist Jane Austen the first 26 years of her life in the village of Steventon, Hampshire.

(سراسری ۹۲)

- | | | | |
|----------|-----------|--------------|--------------|
| 1) lived | 2) living | 3) was lived | 4) who lived |
|----------|-----------|--------------|--------------|

3- people don't realize is that a chicken stands up to lay its eggs.

(سراسری ۹۱ و ۹۲)

- | | | | |
|--------------------|--------------|-----------------|---------|
| 1) It is that many | 2) What many | 3) Because many | 4) Many |
|--------------------|--------------|-----------------|---------|

4- President's doctor proposed that he a short rest after the assassination attempt.

(سراسری ۹۳)

- | | | | |
|---------|---------|--------------|---------------|
| 1) took | 2) take | 3) will take | 4) would take |
|---------|---------|--------------|---------------|

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده فصل هشتم

۱- گزینه «۳» اینکه چه کسی دایره سنگی معروف به «استون هنج» را به وجود آورد، هرگز شناسایی نشد.
توضیح گرامری: چون جمله رو به صورت «اینکه چه کسی» ترجمه کردیم، پس باید از *wh-clause* تو جایگاه فاعل استفاده کنیم.

۲- گزینه «۱» رمان‌نویس مشهور، جین آستن، ۲۶ سال نخست زندگی خود را در روستای استیونتون در ناحیه همپشایر زندگی کرد.
توضیح گرامری: جمله‌مون فعل نداره، پس گزینه‌ای رو انتخاب می‌کنیم که فعل داره (پس با گزینه‌های (۲) و (۴) کاری نداریم). ضمناً فعل *live* لازمه و مجهول نمیشه.

۳- گزینه «۲» آنچه بسیاری از مردم قادر به درک آن نیستند این است که مرغ‌ها برای تخم گذاشتن باید بایستند.
توضیح گرامری: یه گزاره اسمی با *wh* داریم که اول جمله در نقش فاعل استفاده شده. فعل گزاره اسمی مون *realize* و فعل گزاره مستقل *is* هستش.

۴- گزینه «۲» دکتر رئیس جمهور به او پیشنهاد کرد که پس از سوء قصد، اندکی استراحت کند.
توضیح گرامری: بعد از *propose* / *that clause* استفاده شده، پس فعل این کلاز باید ساده باشه (یعنی *take*).



مدرس‌ان شریف

فصل نهم

«جراند و مصدر و مصدر بدون to»

جراند

جراند که تو فارسی بهش اسم مصدر هم می‌گیم از ترکیب شکل ساده فعل به علاوه ing ساخته می‌شه. مثلاً:

smoke → smoking / play → playing

جایگاه جراند: از جراند تو جایگاه‌های مختلفی در جمله استفاده میشه که هر کدوم رو مفصل بررسی می‌کنیم:

۱- در جایگاه فاعل:

Smoking can cause cancer.

سیگار کشیدن باعث سرطان می‌شود.

Getting up early is difficult.

صبح بیدار شدن سخت است.

توضیح: خب تو مثال اولی، smoking جای فاعل اومده، فعل جمله هم cause هستش. تو دومی getting up جای فاعل اومده و is هم فعل جمله‌مونه. همون‌طور که می‌بینی جراند معمولاً به صورت «بن فعل + ن» ترجمه میشه. مثلاً کشتن، دیدن، بیدار شدن و ...



نکته آزمون: جراند به نوع اسم (واسه همین بهش اسم مصدر هم می‌گیم) و مثل اسم می‌تونه فاعل باشه. پس میتونه

صفت ملکی بگیره یا با ضمائر اشاره و ... به کار بره:

Her watering the plants everyday is not necessary.

آب دادن هر روز وی به گیاهان ضروری نیست.

Lina's trying to deceive me was futile.

این‌که لینا سعی کرد من را فریب دهد، بیهوده بود.

Example 1: Scientists about budget cuts and job insecurity is nothing new. (MBA - سراسری ۹۴)

- 1) complain 2) whose complaining 3) complaining 4) to be complaining

پاسخ: گزینه «۳» اعتراض کردن دانشمندان به کاهش بودجه و عدم امنیت شغلی، اتفاق جدیدی نیست.

توضیح گرامری: گفتیم هر جمله باید به گزاره مستقل داشته باشه و هر گزاره مستقل باید به فعل داشته باشه. خب! پس تو صورت سؤال باید دنبال فعل باشی. دیگه آفرین! فعل جمله is هستش، پس گزینه‌ی (۱) نادرسته. تو گزینه‌ی (۲)، whose نشونه گزاره وصفیه. هم گزاره وصفی و هم گزاره مستقل باید فعل خودشونو داشته باشن. خب! is که فعل گزاره مستقله اما گزاره وصفی فعل نداره؛ پس اینم درست نیست. پس گزینه‌ی (۳) می‌مونه. البته به شرطی صحیح که نویسنده این‌طوری می‌گفت:

Scientists' complaining about budget cuts and job insecurity is nothing new.

اگه این‌طوری می‌گفت می‌تونستیم بگیریم گزینه‌ی (۳) جراند که تو جایگاه فاعل اومده و فعل جمله هم is هستش. اگه علامت «'» رو نداریم، جمله‌مون این‌طوری میشه:

Scientists complaining ⇒ Scientists who complain...

که این به خاطر وجود فعل is نادرست میشه.

Example 2: is as simple as it looks.

(MBA - سراسری ۹۲)

- 1) Building adobe houses
- 2) Adobe houses building
- 3) Adobe houses which are built
- 4) Adobe houses built

✓ پاسخ: گزینه «۱» ساخت خانه‌های خشتی به همان سهولتی است که به نظر می‌رسد.

توضیح گرامری: فقط گزینه‌ی (۱) صحیح است. تو این مثال *building* جراند که تو جایگاه فاعل اومده و *is* هم فعل مونه.

۲- کاربرد جراند بعد از حرف اضافه: اگر خواستیم بعد از حرف اضافه فعل بیاریم، اون فعل باید به صورت جراند باشه:

Always check the oil before starting the car.

قبل از روشن کردن ماشین، همیشه روغن آن را چک کن.

They painted the house instead of going on holiday.

به جای رفتن به تعطیلات خانه را رنگ زدند.

His back injury may prevent him from playing in tomorrow's game

ممکن است جراحت پشتش مانع از این شود که وی در بازی فردا شرکت کند.

Example 3: Grosseteste and Roger Bacon, Aristotle's inductive - deductive pattern of scientific inquiry, also made original contributions to the problem of evaluating competing explanations.

(دکتری ۹۶)

- 1) additionally restated
- 2) in addition to restating
- 3) who additionally restating
- 4) restated in addition to

✓ پاسخ: گزینه «۲» گروسستست و راجر بیکن علاوه بر بیان الگوی استنتاجی - استقرایی ارسطو در مورد تحقیق علمی، کمک‌های بسیاری به مسئله ارزیابی توضیحات متضاد کردند.

توضیح گرامری: اول اینکه گزینه‌ی (۱) به دو دلیل نادرست است: یکی کاربرد *who* قبل از جای خالی و دوم اینکه ما تو این جمله، فعل گزاره مستقل رو داریم (یعنی *made*)، پس گزاره مستقل مون دیگه به فعل نیاز نداره. گزینه‌ی (۳) نادرست چون *who* نشونه‌ی گزاره‌ی وصفیه؛ پس *restating* نادرست و *restated* صحیح. پس فقط گزینه‌ی (۲) درست است که *in addition to* اینجا حرف اضافه است و *restating* هم به جراند بعد از حرف اضافه.



نکته آزمون: گفتیم بعد از حرف اضافه همیشه جراند میاد پس چرا تو جمله زیر اینطوری نیست؟

He used to smoke cigarettes.

تو این مثال اساساً اون *to* حرف اضافه نیست بلکه بخشی از *used to* هستش که تو قسمت زمان‌ها درموردش گفتیم که برای بین عادت‌های گذشته به کار می‌ره. یعنی *used to* اینجا فعل کمکیه و *smoke* هم فعل اصلی.

Example 4: Most Americans don't object them by their first names.

(MBA - سراسری ۹۰)

- 1) that I call
- 2) for calling
- 3) that I am call
- 4) to my calling

✓ پاسخ: گزینه «۴» اکثر آمریکایی‌ها به صدا زدن آن‌ها با اسم کوچکشان اعتراض نمی‌کنند.

توضیح گرامری: حرف اضافه فعل *object* (اعتراض کردن)، *to* هستش و بعد از حرف اضافه هم می‌تونیم از جراند استفاده کنیم، پس گزینه‌ی (۴) صحیح است. اینجا هم چون جراند اسم، قبلش از صفت ملکی استفاده شده.

۳- کاربرد جراند بعد از یه سری فعل: قبل‌تر گفتیم که جراند می‌تونه فاعل باشه. فاعل بودنش هم نیازمند هیچ شرط خاصی نیست و همیشه می‌تونه به عنوان فاعل بیاد. اما وقتی که بعد از یه سری فعل بیاد اون موقع جراند ما مفعول جمله میشه و مفعول بودنش نیازمند اینه که قبلش یه سری فعل خاص بیاد. اینو می‌گم که یه وقت فکر نکنین بعد از هر فعل متعدی میتونه جراند بیاد. نه این خبرا نیست! فقط بعد از افعال زیر می‌تونین از جراند استفاده کنین. (البته لیست این فعل‌ها خیلی بیشتر از این حرفاست و ما فقط مهماش رو آوردیم):



admit	پذیرفتن	mention	ذکر کردن
anticipate	انتظار داشتن	involve	شامل شدن
appreciate	قدردانی کردن	miss	از دست دادن
avoid	دوری کردن	postpone	به تعویق انداختن
hate	متنفر بودن	practice	تمرین کردن
consider	در نظر گرفتن	prevent	جلوگیری کردن
mind	شاک‌ی بودن	quit	دست کشیدن
delay	به تعویق انداختن	recall	به یاد آوردن
deny	انکار کردن	recommend	توصیه کردن
detest	متنفر بودن	resent	رنجیدن از
enjoy	لذت بردن	remember	به یاد آوردن
escape	دوری کردن	resist	مقاومت کردن
finish	تمام کردن	risk	ریسک کردن
imagine	تصور کردن	suggest	پیشنهاد کردن
keep (continue)	ادامه دادن		

او پذیرفت که داشت به من دروغ می‌گفت.
 ما نباید سخنرانی‌های دیگر را از دست بدهیم.
 او انکار کرد که پول را دزدیده است.
 از این که در این جا با شما هستم، لذت می‌برم.
 مهم نیست که اینجا مدتی منتظر بمانم.
 او تصمیم‌گیری نهایی را به تعویق انداخت.

۴- کاربرد جراند بعد از یه سری عبارات: علاوه بر افعالی که در بالا ذکر کردیم، یه سری عبارات هم هستن که بعدشون از جراند استفاده می‌شه. مثال:

look forward to	چشم به راه بودن	have a problem	مشکل داشتن
can't bear	تحمل کردن	never mind	لازم نیست
can't stand	تحمل کردن	waste time	وقت تلف کردن
have difficulty	مشکل داشتن	can't help	ناگزیر بودن
have a hard time	اوقات سختی داشتن	have trouble	دردسر داشتن، مشکل داشتن
it is no use	بی‌فایده بودن	have a good time	اوقات خوبی داشتن
feel like	دوست داشتن، مایل بودن	spend time	وقت گذراندن
be busy	مشغول بودن	to be worth	ارزش داشتن
insist on	اصرار ورزیدن		

I have been looking forward to **meeting** you. خیلی چشم به راه دیدار شما بوده‌ام.
 She is busy **making** a cake. او درگیر تهیه‌ی یک کیک است.
 We would never mind **waiting**. اهمیتی ندارد که منتظر بمانیم.
 We can't help **wondering** why she left. نمی‌توانیم از دلیل رفتن او تعجب نکنیم.
 It's no use **crying** over spilt milk. آب رفته به جوی باز نمی‌گردد. (ضرب‌المثل)
 This book is worth **reading**. این کتاب ارزش خواندن دارد.

Example 5: Most artists' choices indicate that the world of nature is ..., that they contain beautiful sights.

(MBA - سراسری ۸۷)

- 1) worth looking 2) worth to look at 3) worth looking at 4) worth to be looked

پاسخ: گزینه «۳» بیشتر انتخاب‌های هنرمندان حاکی از آن است که دنیای طبیعت ارزش نگرستن دارد، زیرا مناظر زیبایی را دربرمی‌گیرد.

توضیح گرامری: بعد از *be worth* از جراند استفاده می‌کنیم (پس‌گزینه‌های (۲) و (۴) می‌رن کنار). ضمناً نگاه کردن، نگرستن میشه *look at* پس (۱) هم درست نیست.



نکته آزمون: جراند مجهول هم داریم که به صورت زیر میاد:

being + PP

He was asking about a lot of personal things. I didn't like being asked about my private life.

او درباره‌ی مسائل شخصی بسیار سؤال می‌کرد. من سؤال کردن درباره‌ی زندگی شخصی‌ام را دوست نداشتم.

۵- کاربرد جراند به‌عنوان متمم یا کامل‌کننده جمله:

آخرین کاربرد جراند اینه که می‌تونه به‌عنوان متمم یا کامل‌کننده فاعل استفاده بشه:

My favorite activity is **reading**.

فعالیت مورد علاقه من خواندن است.

مصدر با to

go → to go

مصدر با to از ترکیب to و شکل مصدری فعل ساخته میشه. مثال:

جایگاه مصدر با to: مصدر با to تو جایگاه‌های مختلفی تو جمله به‌کار میره که اینارو به طور مفصل بررسی می‌کنیم:

۱- در جایگاه فاعل:

To get up early is difficult.

بیدار شدن در صبح سخت است.

توضیح: خب می‌بینیم که مصدر دقیقاً مثل جراند می‌تونه تو جایگاه فاعل بیاد. واسه همین توی این کاربردها، این دوتا با هم خیلی تفاوتی ندارن. پس دو تا جمله زیر هردوشون درستن و فرقی با هم ندارن:

To get up early is difficult. /// Getting up early is difficult.

۲- کاربرد مصدر بعد از یه سری فعل: دقیقاً مثل جراند که می‌تونست بعد از یه سری فعل خاص بیاد، مصدر هم می‌تونه بعد از یه سری فعل بیاد که مهم‌ترین هاشون اینا هستن:

agree	موافقت کردن	need	نیاز داشتن	fail	شکست خوردن
appear	به نظر رسیدن	offer	پیشنهاد دادن	forget	فراموش کردن
arrange	ترتیب دادن	plan	قصد داشتن	hope	امیدوار بودن
ask	خواستن	prepare	تهیه کردن	learn	یاد گرفتن
claim	ادعا کردن	pretend	وانمود کردن	mean	منظور داشتن، قصد داشتن
consent	رضایت دادن	promise	قول دادن	wait	منتظر ماندن
decide	تصمیم گرفتن	refuse	امتناع کردن	want	خواستن
demand	تقاضا کردن	seem	به نظر رسیدن	hesitate	درنگ کردن
deserve	سزاوار بودن	tend	تمایل داشتن	intend	قصد داشتن
manage	موفق شدن، توانستن	threaten	تهدید کردن		

When a recession occurs, and average incomes fall, the number of children enrolled in government-funded schools tends to fall.

زمانی که رکود اقتصادی به‌وجود می‌آید و درآمد متوسط کاهش می‌یابد، معمولاً تعداد بچه‌هایی که در مدارس دولتی درس می‌خوانند، کم می‌شود.

How old were you when you learned to drive?

زمانی که رانندگی را یاد گرفتی، چندساله بودی؟

حتی ممکنه بعد از فعل‌های بالا، اول مفعول بیاد بعدش مصدر:

I arranged for her to have violin lessons.

ترتیب این را دادم که در کلاس‌های ویولن شرکت کند.

شاید الان بپرسید از کجا بدوینیم که بعد از کدوم فعل باید جراند بیاد و بعد از کدوم فعل مصدر؟ قانون خاصی واسه این مسئله وجود نداره و فقط حفظیه ولی کلاً یادتون باشه که فعل‌هایی که بعدشون مصدر میاد خیلی بیشتر از فعل‌هایی که بعدشون جراند میاد.



Example 6: Almost everyone fails his driver's test on the first try.

(MBA - سراسری ۹۰)

- 1) to pass 2) passing 3) in passing 4) to have passed

پاسخ: گزینه «۱» تقریباً هرکس در آزمون رانندگی‌اش برای اولین بار رد می‌شود.

توضیح گرامری: بعد از fail می‌تونیم مصدر/استفاده کنیم، پس گزینه‌ی (۱) صحیح‌ه.

Example 7: Since many working people want, fast – food restaurants have become very popular.

(MBA - سراسری ۹۳)

- 1) to eat quickly and cheaply 2) eating quickly and cheaply
3) eat quickly and cheaply 4) quickly and cheaply eating

پاسخ: گزینه «۱» از آنجایی‌که بسیاری از مردم می‌خواهند غذای سریع و ارزان بخورند، رستوران‌های فست‌فود در میان مردم بسیار محبوب شده‌اند.

توضیح گرامری: پس از فعل "want" مصدر با to میاد. پس گزینه‌ی (۱) صحیح‌ه.

۳- کاربرد مصدر با to بعد از یه سری صفت:

خیلی وقت‌ها بعد از ترکیب فعل ربطی و صفت، مصدر میاد. مثلاً بعد از صفت‌های زیر:

pleased	خوشحال	careful	مراقب	reasonable	منطقی
surprised	متحیر، متعجب	likely	محتمل	easy	آسان
anxious	مشتاق	lucky	خوش‌شانس	impossible	غیرممکن
happy	خوشحال	shocked	شوکه‌زده	able	توانا
certain	مطمئن	stupid	احمق	ready	حاضر

Be careful not to wake up the children.

مراقب باش که بچه‌ها را بیدار نکنی.

She is anxious to go home.

برای رفتن به خانه اشتیاق دارد.

I was stupid to believe him.

احمق بودم که حرف او را باور کردم.

۴- کاربرد مصدر با to بعد از یه سری اسم:

بعد از یه سری اسم می‌تونیم از مصدر استفاده کنیم که مهم‌ترین‌هاشون همین مواردیه که در زیر می‌بینید. این مورد رو هم در نظر داشته باشید که بعد از افعال و صفت‌های مشتق از این اسم‌ها هم می‌تونیم مصدر بیاریم. مثلاً بعد از ability می‌تونیم مصدر بیاریم؛ بعد از able هم می‌تونیم یا بعد از decision و بعد از decide هم که ازش مشتق شده می‌تونیم مصدر بیاریم:

ability	توانایی	decision	تصمیم	willingness	اشتیاق	ambition	آرزو
capability	توانایی	failure	ناکامی	reluctance	بی‌میلی	way	راه
desire	میل	advice	نصیحت	responsibility	مسئولیت	effort	تلاش
determination	عزم	attempt	تلاش	promise	قول	goal	هدف

As a result of his **failure to pay the mortgage**, his house was foreclosed. به‌خاطر عدم پرداخت رهن خود، خانه‌اش مصادره شد.

All **attempts to control** inflation have failed. تمامی تلاش‌ها برای کنترل تورم با شکست روبه‌رو شده است.

نکات تکمیلی مصدر:

مصدر با to خیلی کاربردش از جراند بیشتره و تو جایگاه‌های دیگه‌ای هم می‌تونه بیاد که بعضاً آزمون سؤال اومده. مثل موارد زیر:

۱- بعد از کلمات پرسشی:

I don't know how to cook.

نمی‌دانم که چطور آشپزی کنم.

I can't decide whether to answer her letter.

نمی‌دانم که آیا به نامه‌اش پاسخ دهم یا نه.

Can you show me how to get to the station?

می‌شود به من نشان دهید که چطور به ایستگاه بروم؟

۲- بعد از اعداد ترتیبی مثل the first, the second, یا the last:

Who was the first person to climb Everest?

اولین فردی که از کوه اورست بالا رفت، چه کسی بود؟

۳- بعد از صفات عالی:

He is the oldest athlete ever to win an Olympic gold medal.

او پیرترین ورزشکاری است که تاکنون برنده مدال طلای المپیک شده است.

 Example 8: Most historians trace the beginning of the Internet to Sputnik, the first satellite.....

(دکتری ۹۵)

- 1) orbited the earth successfully 2) to successfully orbit the earth
3) which it successfully orbited the earth 4) the earth's being successfully orbited by it

☒ پاسخ: گزینه «۲» بیشتر مورخان آغاز اینترنت را به اساتینیک نسبت می‌دهند، یعنی اولین ماهوارهای که به‌طور موفقیت‌آمیز به دور زمین چرخید.

توضیح گرامر: خب بیاین گزیننه‌ها رو یکی یکی بررسی کنیم. گزیننه‌ی (۱) نادرسته چون باید بگه *orbiting* گزیننه‌ی (۲) درسته چون مصدر بعد از عدد ترتیبی، *the first* / ودمه. گزیننه‌ی (۳) و (۴) نادرسته چون *to* اضافه است.



تک آزمون: به کاربرد دیگهی مصدر تو الگوی زیر. این الگو کاربرد خیلی زیادی دارد:

مصدر با to + مفعول + for + صفت

It is impossible for the job to be finished in time.

غير ممكن؛ است كه كار به موقع تمام شود.

It is important for the meeting to start at 8.

مهم است که جلسه ساعت ۸ شروع شود.

معمولاً صفتهایی که می‌توانن تو این الگو بیان شامل **necessary, important, good, bad** و هستن.

اگه بخوایم مصدر با to رو منفی کنیم کافیه not رو قبل از to بیاریم:

Try not to be late.

سعی کن دیر نکنی۔

You were silly not to have locked your car.

احمق بودی که ماشینت را قفل نکردی.



نکته آزمون: گفتیم که بعد از حرف اضافه جراند میاد. واسه همین بعضی وقت‌ها طراحان سؤال میان بعد از 10 از جراند

استفاده می‌کنن. این فقط در صورتی درسته که to حرف اضافه باشه؛ اما اگه نشونه‌ی مصدر باشه دیگه اجازه ندارین بعدش جرائد بیارین.

It was so late, so we decided to take ~~(not-to-taking)~~ a taxi.

دیر وقت بود. بنابر این تصمیم گرفتیم تا کسی بگیریم. {بعد از decide مصدر با to میاد.}

خیلی، خواستون باشه، در موارد زیر 10 حرف اضافه؛ پس بعد از این‌ها همیشه جراند میاد:

be used to عادت داشتن in addition to علاوه بر

object to اعتراض کردن **look forward to** چشم‌انتظار بودن

adjust to عادت کر دینا **accustom to** عادت کر دینا

confess to اعتراف کردن

In addition to teaching, she works as a nurse.

علاوہ یہ تدریس، وی بہ عنوان، بہ ستار کار ہے، کند۔

I objected to having to rewrite the article

من مخالف نوشتن مجدد مقاله بودم.



انواع مصدر: خب! تابحال در این مورد صحبت کردیم که مصدر با to کجاها استفاده می‌شه و گفتیم بعد از یک سری فعل، اسم و صفت باید از مصدر استفاده کنیم. اما این‌که از چه نوع مصدری باید استفاده کنیم رو تو اینجا می‌خوایم در موردش توضیح بدیم. همی مثال‌هایی که تا الان بررسی کردیم، مصدر ساده بودن که تو این مواقع باید بعد از to مستقیماً از فعل ساده استفاده بشه. مصدرهای دیگه ازاین قرارن:

۱- **مصدر استمراری:** دلالت بر عملی می‌کنه که در حال حاضر رخ می‌ده:

فعل to be + ing

⇒

1. It is nice to be sitting here with you.
2. Martin seems to be enjoying his new job.

ترجمه ۱: نشستن کنار تو در اینجا لذت‌بخش است. ترجمه ۲: به نظر می‌رسد که مارتین از شغل جدیدش لذت می‌برد.

۲- **مصدر کامل:** دلالت بر عملی می‌کنه که تو گذشته رخ داده و تموم شده یا از گذشته شروع شده و هنوز ادامه داره:

شکل سوم فعل to have +

⇒

1. It is nice to have finished the work.
2. You seem to have lost weight.

ترجمه ۱: از اینکه کار تمام شده حس خوبی دارد. ترجمه ۲: به نظر می‌رسد که وزن کم کرده‌ای.

توضیح: نوی این دو مثال بالا، عمل اتمام کار و از دست دادن وزن هر دو در گذشته رخ داده و الان تموم شده. معمولاً در این جور موارد از یه قید گذشته هم استفاده میشه؛ اما نه همیشه.

۳- **مصدر مجهول:** لزوماً همیشه به مصدر معلوم نیاز نداریم. مثلاً «خورده شدن» مصدر مجهول «خورده» یا مثال‌های زیر رو ببینین:

شکل سوم فعل to be +

⇒

- There is a lot of work to be done.
- The carpet needs to be washed.

بهترین روش برای اینکه بدونیم از مصدر معلوم استفاده کنیم یا مجهول، اینه که جمله رو ترجمه کنیم. اگه مجبور بشیم جمله رو با شدن ترجمه کنیم، اون وقت باید از مصدر مجهول استفاده کنیم. مثلاً تو جمله‌ی اولی می‌گیم «کار زیادی وجود دارد که باید انجام شود» یا تو مثال دومی می‌گیم «قالی باید شسته شود».

توی دو الگوی زیر ابتدا از فعل مجهول و بعد از مصدر با to استفاده می‌شه:

to be + فعل مجهول + there

⇒

1. There is said to be plenty of oil off our own coast.
2. There is supposed to be a fall in house prices.

ترجمه ۱: گفته می‌شود که نفت زیادی در ساحل خودمان وجود دارد. ترجمه ۲: قرار است که قیمت مسکن کاهش یابد.

افعالی که تو ساختار بالا به‌عنوان فعل مجهول قرار می‌گیرن، شامل افعال think, suppose, know, fear, allege, believe و ... می‌شن.

مصدر با to + فعل مجهول + فاعل

⇒

1. He is believed to be the owner of the car.
2. Jane was said to be a spy in World War II.

ترجمه ۱: گمان می‌شود که او صاحب آن ماشین باشد. ترجمه ۲: گفته شده که جین، جاسوسی در جنگ جهانی دوم بود.

افعالی که تو ساختار بالا به‌عنوان فعل مجهول قرار می‌گیرن، شامل افعال know, say, allege, believe, consider و ... می‌شن.

Example 9: Women are thought to no official role in Roman army activities.

(دکتری ۹۱)

- 1) having had 2) have 3) have had 4) be having

پاسخ: گزینه «۳» عقیده بر این است که زن‌ها در فعالیت‌های ارتش روم نقش رسمی نداشته‌اند.

توضیح گرامری: خب فاعل ما women هستش و بعدش فعل مجهول are thought / آمده. پس بعدش (طبق الگوی بالا) باید مصدر بیاد. گفتیم to ساختار مصدر با to حرف اضافه نیست؛ پس بعدش نباید ing بیاد (علت نادرست بودن گزینه‌ی (۱)). گزینه‌ی (۲) مصدر ساده، گزینه‌ی (۳) مصدر کامل و گزینه‌ی (۴) مصدر استمراریه. حالا باید مفهوم جمله رو بررسی کنیم تا ببینیم از چه نوع مصدری باید استفاده کنیم. مفهوم جمله به زمان گذشته اشاره داره. یا به عبارتی به زمان امپراطوری روم ارتباط داره. پس چون رویداد تموم شده، باید از مصدر کامل استفاده کنیم.

 **Example 10:** Since around 50 percent of all stars their lives with masses greater than $1.4M_{\odot}$, we might expect that one out of every two stars would die as a supernova. (دکتری ۹۵)

- 1) are believed to begin 2) which are believed to begin
3) we believe they began 4) are believed in beginning

☒ پاسخ: گزینه «۱» چون باور بر این است که تقریباً ۵۰ درصد تمام ستاره‌ها حیات خود را با جرمی بیش از $۱/۴ M_{\odot}$ شروع کردند، انتظار می‌رود که از هر دو ستاره، یکی به‌عنوان سوپرنوا از بین برود.

توضیح گرامری: فاعل ما اینجا *50 percent of all stars* هستند. اگه گزینه‌ی (۱) روی انتخاب کنیم می‌تونیم بگیم بعد از فاعل از فعل مجهول استفاده شده و بعدش هم باید مصدر با *to* بیاد (طبق الگوی گفته شده). در گزینه‌ی (۲)، *which* نادرسته. تو گزینه‌ی (۳)، کاربرد *they* نادرسته چون به *50 percent of all stars* برمی‌گرده. گزینه‌ی (۴) نادرسته. چون *believe in* مجهول نم‌شه. پس گزینه (۱) صحیح‌ه.

مصدر بدون to

این ساختار خیلی راحت تر از دو تا ساختار دیگه است و اگه ازش سؤال بیاد و کسی نتونه جواب بده، یعنی واقعاً آزش ناراحت می‌شم. مصدر بدون to هیچی نیاز نداره، یعنی نه to می‌خواد نه ing، s سوم شخص و

کاربرد مصدر بدون to: مصدر بدون to جاهای مختلفی تو جمله به کار میره که به شرح زیرین:

۱- بعد از افعال کمکه، مخصوصاً افعال کمکه، وجهی:

I can go / write/ see ... → David cannot write.

۲- بعد از سه فعل **make**، **let** و **help** (البته ممکنه اول مفعول بیاد بعد مصدر بدون **to**)

I made them clean up their rooms.

من آنها را مجبور کردم تا اتاق‌هایشان را تمیز کنند.

They won't let us leave.

آنها اجازه نمی‌دهند برویم.

I helped the old woman (to) cross the street.

به پیرزن کمک کردم تا از خیابان رد شود.

توضیح: تقریباً مثال‌ها واضح و ولی دو تا نکته مهم در مورد این فعل‌ها وجود دارد که شاید به کم باعث سردرگمی بشه. اول اینکه بعد از *help* هم می‌تونیم از مصدر با *to* و هم از مصدر بدون *to* استفاده کنیم، واسه همین تو مثال سومی *to* رو داخل پرانتز گذاشتیم. دوم اینکه زمانی بعد *make* از مصدر بدون *to* استفاده میشه که به معنی مجبور کردن باشه و سوم همون‌طور که می‌بینین، بعد از هر سه فعل اول مفعول اومده بعدش مصدر. البته اگه دقت کنید شاید اونقدرها هم سردرگمی ایجاد نکنه!

 Example 11: In order to be allowed to enter the best center, the examiner made us our identification.

(MBA - سراسری، ۹۳)

- 1) showing 2) showed 3) show 4) to show

☒ پاسخ: گزینه «۳» برای اینکه به ما اجازه ورود به بهترین مرکز داده شود، بازرس از ما خواست تا کارت شناسایی خود را نشان دهیم.

توضیح گرامری: بعد از فعل *make* حالا تو هر فرمی که باشه (چه گذشته، چه حال، چه آینده) اول مفعول و بعد مصدر بدون *to* میاد. پس گزینه‌ی (۳) صحیحه. چون *made* تو حالت گذشته اومده و بعدش هم مفعول آوردیم پس بعد از اون مصدر بدون *to* میاد.

۳- بعد از افعال حسی مثل see, hear, smell, notice و ... (که اول مفعول میاد بعدش مصدر)

I saw the old woman cross the road.

دیدم که پیرزن از جاده عبور کرد.

توضیح: در مورد این فعل‌ها هم دو تا نکته وجود دارد. اول اینکه بعدشون می‌تونیم از جراند هم استفاده کنیم البته به کم معنی‌شون فرق می‌کنه:

I saw the old woman cross the road.

دیدم که پیرزن از جاده عبور کرد.

I saw the old woman crossing the road.

پیرزن را در حال عبور از جاده دیدم.

نکته دوم اینکه اگر این فعل‌ها به صورت مجهول به کار برن، فعل بعدشون باید مصدر یا to باشه:

Ali saw them play football. $\xrightarrow{\text{مجهول}}$ They were seen to play football.

آن‌ها دیده شدند که فوتبال بازی می‌کردند. علی، آن‌ها را دید که فوتبال بازی می‌کردند.



تست‌های طبقه‌بندی شده فصل نهم

1- Since Elizabeth Barrett Browning's father never approved of Robert Browning, the couple eloped to Italy where they lived and wrote. (MBA - سراسری ۹۰)

- 1) her to marry 2) she to marry 3) her marrying 4) she marrying

2- Looking beyond Earth, two planets show strong evidence environmental conditions suitable to originate life at some time in their history – Mars and Europa. (MBA - سراسری ۹۴)

- 1) which has 2) having 3) for having had 4) that they are

3- Research in the history of the family has progressed from the narrow view of the family as a household unit as a process over the entire lives of its members. (دکتری ۹۱)

- 1) to consider itself 2) of considering it such 3) to considering it 4) for considering such

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده فصل نهم

۱- گزینه «۳» از آن‌جا که پدر الیزابت بارت براونینگ هرگز با ازدواج او با روبرت براونینگ موافقت نکرد، این زوج به ایتالیا فرار کردند، جایی که آنها زندگی کردند و نوشتند.

توضیح گرامری: بعد از حرف اضافه of از جراند استفاده می‌کنیم (پس گزینه‌های (۱) و (۲) حذف می‌شوند) و گفتیم چون جراند اسم پس می‌تونیم قبل از اون از صفت ملکی، the و ... استفاده کنیم. تو گزینه‌ی (۳) her صفت ملکی و marrying هم جراند می‌باشد.

۲- گزینه «۳» به جز زمین، دو سیاره - مریخ و اروپا (یکی از اقمار مشتری) - شواهد محکمی مبنی بر داشتن شرایط زیستی مناسب جهت آغاز زندگی در تاریخ‌شان نشان می‌دهند.

توضیح گرامری: حرف اضافه evidence، for و of هستند و با توجه به اینکه بعد از همه‌ی حروف اضافه از جراند استفاده می‌شه، فقط گزینه (۳) صحیحه.

۳- گزینه «۳» تحقیق در زمینه‌ی تاریخ خانواده از نگاه محدود به آن به‌عنوان واحدی خانگی، تا جایی پیش رفته که اکنون به عنوان فرآیندی در طول کل زندگی اعضای خانواده به آن می‌نگرند.

توضیح گرامری: حرف اضافه from ... to رو یاد بگیرین که خیلی به کارتون میاد. این دو تا حرف اضافه معمولاً با هم استفاده میشن:

چگونه (با چه وسیله‌ای) از اینجا تا شهر کلچستر می‌روی؟ *How do you get from here to Colchester?*

خب حالا اگه صورت سؤال رو بخونید می‌بینید طراح از from استفاده کرده و چون جفت from حرف اضافه to هستش، گزینه‌های (۲) و (۴) رو حذف می‌کنیم. بعدش هم گفتیم بعد از حرف اضافه جراند میاد پس گزینه‌ی (۱) نادرسته و گزینه‌ی (۳) صحیحه:

...from the narrow view of the family as a household unit to considering it ...



مدرسین شریف

فصل دهم

«تطابق (Agreement)»

تطابق فاعل و فعل

بین فعل و فاعل باید تطابق وجود داشته باشد، یعنی فعل مفرد با فاعل مفرد و فعل جمع با فاعل جمع باید به کار بره. تو انگلیسی برای ساختن فعل مفرد کافیست به فعل S یا es اضافه کنیم و برای ساختن فعل جمع باید فعل رو همون طور که هست، به کار ببریم.

read —————> read (جمع) read —————> reads (مفرد)

جمع بودن و مفرد بودن فعل به حالت‌های مختلفی بستگی داره که اینارو بررسی می‌کنیم:

۱- تطابق بین فاعل سوم شخص مفرد و فعل:

تقریباً ساده‌ترین حالت تطابق همینیه. اگه فاعل جمله به صورت سوم شخص مفرد باشه یا به صورت ضمیر she, he و it و یا one به کار رفته باشه، فعل باید مفرد باشه:

He knows the answer. / The book contains 13 chapters.

حتماً یادتون هست که شکل مفرد فعل be همیشه is و شکل مفرد فعل have همیشه has:

He has two books. / The boy is at school.

توضیح: خب تو دومی book مفرده، پس contains صحیحه. تو اولی he مفرده پس knows صحیحه.

معمولاً این قانون تو جملات کوتاه زیاد مشکل‌آفرین نیست؛ اما تو جملات بلندتر می‌تونه یه کم سخت باشه:

Until the time of Cantor's work on set theory in the 1870s, **no serious mathematician** not even the giants in the field, such as Leonard Euler and Karl Gauss, **was / were** able to appreciate that infinity can be studied with rigorous precision.

تا قبل از پژوهش کانتور در مورد نظریه اعداد در دهه ۱۸۷۰، هیچ ریاضی‌دانی حتی کسانی که در ریاضیات غول بودند؛ مثل لئونارد اویلر و کارل گاوس هم قادر نبودند که بگویند می‌توان بی‌نهایت را با دقت زیاد بررسی کرد.

توضیح: شاید در نگاه اول بگیم were صحیحه چون Leonard Euler and Karl Gauss دو نفرن. اما خوب که بررسی می‌کنیم، می‌بینیم فاعل جمله، mathematician هستش؛ بنابراین فعل was صحیحه.

۲- تطابق بین فاعل جمع و فعل:

اگه فاعل جمله، جمع باشه مثلاً students یا به صورت ضمیر I, you, we و they باشه، فعل جمله باید جمع باشه:

They study a new book.

۳- اگر فاعل، عبارت اسمی و چندکلمه‌ای باشه، معمولاً اولین کلمه ملاک قرار می‌گیره.

The **price** of all these items **is** twenty dollars.

قیمت تمامی این کالاها بیست دلار می‌باشد.

The **characters** in this story **are** well developed.

شخصیت‌های این داستان خوب طراحی شده‌اند.

An **analysis** of sixteenth century probate inventories in the major English towns **shows** that even some artisans and yeomen owned silver spoons and cups.

تحلیل موجودی‌های انحصار وراثت قرن شانزدهم برخی از شهرهای اصلی انگلیسی نشان می‌دهد که حتی بعضی از صنعت‌گران و کشاورزان هم قاشق و فنجان نقره داشتند.

توضیح: تو مثال اولی price of all these items چندکلمه‌ایه، پس فقط اولین کلمه رو بررسی می‌کنیم، یعنی price که مفرده پس is صحیحه و الی‌آخر.



Example 1: Application software has been around for decades and allow the user to perform various tasks, such as document manipulation or modification of digital images.

(MBA - سراسری ۹۴)

پاسخ: گزینه «۲» نرم‌افزار کاربردی چندین دهه است که پا به عرصه گذاشته است و به کاربر اجازه می‌دهد فعالیت‌های مختلفی مانند کار بر روی اسناد یا اصلاح تصاویر دیجیتالی را انجام دهد.

توضیح گرامری: خبا application software فاعل جمله‌مونه که سوم شخص مفرد، پس به جای allow باید allows بیاید.

Example 2: Readers in the past seem to have been more patient than the readers of today. There were few diversions, and they had more time to read that seems to us now inordinate.

(MBA - سراسری ۹۵)

پاسخ: گزینه «۳» به نظر می‌رسد افراد کتاب‌خوان در گذشته صبورتر از افراد کتاب‌خوان کنونی بوده‌اند زیرا در گذشته، سرگرمی اندکی وجود داشت و آنها زمان بیشتری برای خواندن رمان‌هایی داشتند که طول آنها، اکنون برای ما مفرط به نظر می‌رسد.

توضیح گرامری: به بعد از جای خالی نگاه کنید. فعل seems رو داریم که اون S نشون‌دهنده مفرد بودن فعل هستش. پس گزینه‌ی (۱) می‌ره کنار چون novels جمع. گزینه‌ی (۴) هم که به لحاظ معنایی نادرسته. گزینه‌های (۲) و (۳) هر دو صحیحن هر چند گزینه‌ی (۳) متداول‌تره.

Example 3: One of the first extended studies of childhood narcissism suggest that heaping praise on your kids could make them more prone to being selfish and vain.

(MBA - سراسری ۹۵)

پاسخ: گزینه «۲» یکی از نخستین مطالعات گسترده در زمینه خودشیفتگی دوران کودکی اظهار می‌دارد که تعریف و تمجید زیاد از کودکان، بیشتر آنها را مستعد خودخواهی و خودبینی می‌کند.

توضیح گرامری: فاعل جمله چیست؟ One of the first extended studies of childhood narcissism که به فاعل چند کلمه‌ایه. پس اولین کلمه ملاک قرار می‌گیرد که one هستن. پس فعل جمله باید suggests باشه.

۴- اگر دو فاعل با کلمات زیر به هم متصل بشن، فعل از فاعل اول پیروی می‌کنه:

as well as و، همچنین accompanied by همراه با with با
along with همراه با together with همراه با

آقای جونز همراه با همسر و شش بچه‌اش به پاریس می‌رود.
Mr. Jones, along with his wife and six children, is going to Paris.
The weather, as well as economic conditions, is a consideration.
آب و هوا و شرایط اقتصادی مسئله‌ای است که باید بررسی شود.

توضیح: خب تو مثال اول Mr. Jones فاعل اوله و his wife and six children فاعل دوم. چون با along with به هم وصل شدن، فعل باید با فاعل اول یعنی Mr. Jones تطابق داشته باشه.

Example 4: Her uncle, along with her two cousins, demand that she stay in town one more day.

پاسخ: گزینه «۲» علاوه بر دو پسرعمویش، عمویش هم از او خواست که یک روز دیگر در شهر بماند.

توضیح گرامری: می‌بینید که فاعلمون دو بخشیه که با along with به هم متصل شدن. پس طبق اونچه که گفتیم فعل باید با فاعل اول تطابق داشته باشه که فاعل اول her uncle و مفرد، پس فعل هم باید demands باشه که مفرد.

۳- اگر فاعل به صورت جراند، مصدر با to و یا گزاره اسمی باشد، بر حسب اینکه چند تا جراند، چند تا مصدر و ... وجود دارد، فعل هم می‌تونه مفرد باشه و هم جمع.

To answer accurately is more important than to finish quickly.

That you don't go to school and that you are rude shock me.

توضیح: توالی فاعل مصدر با to هستش و چون یه دونه است از فاعل مفرد استفاده می‌کنیم، ولی تو دومی فاعل گزاره اسمیه و چون دو تا گزاره اسمی داریم، فعل باید جمع باشه.



نکته آزمون: اگر دو تا فاعل داشته باشیم که با and به هم وصل بشن، فعل همیشه باید جمع باشه ولی اگر با or به هم وصل

A and B are Friends.

بشن، بسته به اسم دوم فعل هم می‌تونه مفرد باشه و هم جمع.

The ranger or camper sees the bear.

بیابانگرد یا چادر نشین خرسی را می‌بیند.

۴- تطابق فعل و فاعلی که با either ...or... neither ...nor... not onlybut also... ساخته شده:

اگر فاعل با هر یک از سه عبارت بالا ساخته شده باشه، فعل بسته به فاعل دوم می‌تونه مفرد یا جمع باشه:

Not only Julie but also George wants to visit grandma.

نه تنها جولای بلکه جورج خواستار ملاقات با مادربزرگ است.

Neither our families nor our friends know that we are getting married.

نه خانواده‌های مان و نه دوستان مان نمی‌دانند که ما داریم ازدواج می‌کنیم.

Either a jacket or a sweater is all you need.

تمام آنچه که شما نیاز دارید یا یک ژاکت یا یک پولیور است.

توضیح: طبق توضیحات بالا، باید سراغ فاعل دوم ببریم، تو مثال اول George اسم سوم شخص مفرد، پس فعل باید wants باشه. تو دومی فاعل دوم our friends است پس فعل باید know باشه.

Example 5: Neither Ali nor his friends to the movies.

1) goes

2) go

3) is going

4) has gone

پاسخ: گزینه «۳» نه علی به سینما می‌رود نه دوستانش.

توضیح گرامری: چون فاعل دوم his friends جمعه، از فعل جمع استفاده می‌کنیم.

۵- تطابق فعل و فاعلی که با any every و no ساخته شده:

هر وقت کلمات حاوی any every some و no فاعل باشن، فعل همیشه باید مفرد باشه:

Somebody needs to talk to him.

باید کسی با او صحبت کند.

۶- تطابق فعل و فاعلی که همراه با خودش کمیت‌نما داره:

کمیت‌نماها رو یادتونه چی بودن؟ بله! درست‌ها کلماتی مثل all some another و ... معمولاً کمیت‌نما تأثیر زیادی بر فعل نداره. یعنی اگر فاعل ما با کمیت‌نما همراه باشه، به کمیت‌نما کاری نداشته باشیم و مستقیماً سراغ اسم بریم. اگر اسم مون مفرد و غیرقابل شمارش باشه، فعل هم باید مفرد باشه و اگر جمع بود، فعل هم باید جمع باشه:

All of the money was spent on decorations.

تمام پول صرف تزئینات شد.

Many students are waiting outside the building.

دانش‌آموزان بسیاری بیرون ساختمان منتظر هستند.

۷- تطابق فعل و فاعلی که همراه با خودش the number of یا a number of داره:

این دو تا عبارت از زمین تا آسمون با هم فرق دارن، هم به لحاظ کاربردی و هم به لحاظ معنایی. کاربردشون این طوره:

فعل مفرد + اسم قابل شمارش جمع + the number of

فعل جمع + اسم قابل شمارش جمع + a number of



توضیح: الگوها رو خوب بررسی کنین. می‌بینید که بعد از هر دو عبارت باید اسم قابل شمارش جمع بیاد ولی فعلشون با هم فرق می‌کنه؛ یعنی یکی باید مفرد باشه و یکی جمع. به این مورد خیلی حواستون باشه. حالا مثال‌های زیر رو هم ببینین تا تفاوت معنایی‌شون رو هم متوجه بشین:

A number of students are going on a strike in reaction to new educational policies.

در پاسخ به سیاست‌های جدید آموزشی شماری از دانش‌آموزان اعتصاب کرده‌اند.

The number of students in each class does not exceed twenty. تعداد دانش‌آموزان هر کلاس بیشتر از بیست دانش‌آموز نیست.

تطابق اسم و ضمیر

تطابق اسم و ضمیر هم به همون اندازه تطابق فاعل و فعل مهمه و می‌تونه از سؤالاتی طراحی بشه. یادتون باشه که ضمیر جمع باید جایگزین اسم جمع و ضمیر مفرد باید جایگزین اسم مفرد بشه. همین نکته که فکر می‌کنین خیلی تابلوه تا به حال چندین بار مورد سنجش قرار گرفته.

A student has to expect to work hard when he (or she) goes to college.

دانشجو باید انتظار داشته باشد که زمانی که به دانشگاه می‌رود سخت تلاش کند.

توضیح: تو این مثال *a student* مفرده؛ پس باید با ضمیر مفرد *he* یا *she* جایگزین بشه.

Many of those people live their lives in poverty.

بسیاری از آن افراد در فقر به سر می‌برند.

Music can inspire people with its beauty.

موسیقی می‌تواند با زیبایی‌اش، الهام‌بخش افراد باشد.

مباحث این بخش با مباحث تطابق فعل و فاعل یکیه و ما خیلی وارد جزئیاتش نمی‌شیم. مثلاً گفتیم فاعلی که با *every*, *no* و... ساخته میشه با فعل مفرد میاد. اینجا هم همین مسئله حاکمه و می‌تونیم بگیم فاعلی که با این کلمات ساخته میشه باید با ضمیر مفرد جایگزین بشه. یا مثلاً گفتیم اگه فاعل با *neither ... nor* و همراه باشه، فعل تابع فاعل دومه. خب! اینجا هم همین مسئله درسته؛ یعنی ضمیر تو چنین ساختارهایی می‌تونه با توجه به اسم دوم مفرد یا جمع باشه:

Every woman can find her place in the world

Neither the stars nor the moon shone its light on us.

توضیح: تو مثال اولی چون *woman* مفرده ضمیر هم باید مفرد باشه. تو مثال دومی از *neither ... nor* استفاده شده پس میریم سراغ فاعل دوم. چون فاعل *the moon* هستش، ضمیر باید مفرد باشه.

Example 6: Nearly a century ago, biologists found that if they separated an invertebrate animal embryo into two

1

2

parts at an early stage of their life, it would survive and develop as two normal embryos.

(MBA - سراسری ۹۴)

3

4

پاسخ: گزینه «۳» نزدیک به یک قرن پیش، زیست‌شناسان پی بردند که اگر آن‌ها یک جنین حیوان بی‌مهره را در همان مراحل ابتدایی حیاتش به دو قسمت تقسیم می‌کردند، آن حیوان زنده می‌ماند و به صورت دو جنین عادی رشد می‌کرد.

توضیح گرامری: اسم مفرد (*an invertebrate animal*) با ضمیر *its* می‌تونه جایگزین بشه نه *their* پس گزینه‌ی (۳) نادرسته.

تطابق زمان و زمان

منظور از تطابق زمان و زمان اینه که فعل‌های یه جمله باید به لحاظ زمانی با هم تطابق داشته باشن. مثلاً اگه یه جمله داشته باشیم که یه فعلش به زمان حال باشه و یه فعلش به زمان گذشته، اصطلاحاً می‌گیم اون جمله تطابق زمان و زمان نداره. مثال: **Ali studies hard when he was a student.**

توضیح: اگه خوب به این جمله دقت کنیم می‌بینیم که فعل *studies* به زمان حاله در حالی که *was* زمان گذشته هستش که این جوهری صحیح نیست، پس یا باید *studies* رو به *studied* تبدیل کنیم یا *was* رو به *is*.

Example 7: Before she died, the daughter of Andrew Jackson who lives in the family mansion used to take

1

2

3

4

tourists through her home.

(MBA - سراسری ۹۳)

پاسخ: گزینه «۳» پیش از اینکه او بمیرد، دختر اندرو جکسون که در عمارت خانوادگی بزرگی زندگی می‌کرد، توریست‌ها را به خانه‌اش برد.

توضیح گرامری: به افعال جمله دقت کنید. *Died* زمان گذشته، *lives* زمان حال و *used to* هم به زمان گذشته هستن. پس جمله ما تطابق زمان و زمان نداره و باید تو گزینه‌ی (۳)، *lives* رو به *lived* تغییر بدیم.



تست‌های طبقه‌بندی شده فصل دهم

🐞 1- Two of the players from the Yankees has been chosen to take part in the All Star game.

1

2

3

4

(MBA - سراسری ۹۳)

🐞 2- In contrast to traditional analyses of minority business, the sociological analysis contend that minority- business ownership is a group-level phenomenon, in that it is largely dependent upon social-group resources for its development.

1

2

3

4

(مدیریت شهری ۹۶)

🐞 3- Rheumatic fever occurs only when, in defending against streptococcal infection, also attack the cells of the heart and kidneys.

(MBA - سراسری ۹۶)

- 1) the antibodies that the body's immunological system produces
- 2) the body's immunological system produces antibodies
- 3) producing antibodies that the body's immunological system
- 4) the body produces antibodies for the immunological system which they

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده فصل دهم

۱- گزینه «۲» دو نفر از بازیکنان Yankees برای شرکت در بازی All Star انتخاب شده‌اند.

توضیح گرامری: فاعل جمله جمع (two) و فعلش هم باید جمع باشد، یعنی has باید به have تغییر کند.

۲- گزینه «۳» برعکس تحلیل‌های سنتی کسب‌وکار اقلیت، تحلیل جامعه‌شناختی بیان می‌کند که مالکیت کسب‌وکار اقلیت یک پدیده در سطح گروه است چرا که به منابع اجتماعی - گروهی برای تکامل خود بستگی دارد.

توضیح گرامری: the sociological analysis فاعله جمله و مفرده، پس فعل هم باید مفرد باشد یعنی contends

۳- گزینه «۱» تب روماتیسمی تنها زمانی رخ می‌دهد که پادتن‌هایی که سیستم ایمنی بدن تولید می‌کند، سلول‌های قلب و کلیه را مورد هجوم قرار می‌دهند.

توضیح گرامری: اول بیابین صورت سؤال رو تحلیل کنیم. Fever فاعله. occurs فعل اصلیه. بعدش از when استفاده شده، یعنی یه گزاره قیدی زمان داریم. فعل گزاره قیدی مون attack هستش؛ پس دیگه گزاره قیدی مون فعل نیاز نداره (علت نادرست بودن گزینه‌های (۲) و (۴)). گفتیم جراند به فعل مفرد نیاز داره اما تو گزینه‌ی (۳) producing که جراند به فعل جمع attack تطابق نداره، پس گزینه‌ی (۳) هم نادرسته.



مدرسین شریف

فصل یازدهم

«عبارات مقایسه‌ای (Comparative Clauses)»

تو هر زبانی به سری عبارت وجود دارد که از شون برای مقایسه استفاده می‌شه. مثلاً «بهتر از، برتر از»، «برخلاف، برعکس»، «مثل، شبیه به» و... این عبارت‌ها رو به شون عبارت مقایسه‌ای می‌گیم. تو انگلیسی، معمولاً از این عبارت‌ها می‌تونه به دلیل شباهتی که به هم دارن، سؤال طراحی بشه، پس حالا باید هر کدوم رو یکی یکی بررسی کنیم.

مورد اول: like و alike

تقریباً این دو تا واژه به جور ترجمه می‌شن ولی به لحاظ کاربردی از زمین تا آسمون با هم فرق دارن. واژه‌ی «like» همیشه قبل از اسم یا ضمیر میاد، ولی واژه‌ی «alike» صفت و هیچ وقت قبل از اسم نمیاد و همیشه بعد از افعال ربطی به کار میره. یعنی به صورت زیر:

alike + فعل + be + اسم + اسم

اسم + like + فعل + be + اسم

Ali is like his father.

علی شبیه پدرش است.

Ali and his father are alike.

علی و پدرش شبیه هستند.

Those two men are alike.

آن دو مرد شبیه هستند.

Example 1: Tropical cyclones, alike extratropical cyclones, which derive much of their energy from the jet

1

2

3

Stream originate far from the polar front.

(MBA - سراسری ۸۹)

4

✓ پاسخ: گزینه «۱» طوفان‌های گرمسیری شبیه طوفان‌های فراگرمسیری، که بخش اعظم انرژی خود را از تندباد به‌دست می‌آورند، از مکانی دور از جبهه جلویی قطبی ناشی می‌شوند.

توضیح گرامری: باید به جای alike بگه like چون alike قبل از اسم استفاده نمیشه.

مورد دوم: similar و similar to

این دو تا هم معنی مشابه اما کاربرد متفاوت دارن. «similar to» بین دو تا اسم میاد ولی «similar» بعد فعل be میاد. بنابراین داریم:

similar + فعل + be + اسم + اسم

اسم + similar to + فعل + be + اسم

His coat is similar to my coat.

کت او شبیه به کت من است.

His coat and mine are similar.

کت او و کت من به هم شبیه هستند.

البته ناگفته نمونه similar قبل از اسم هم می‌تونه بیاد:

He chose a similar group.

او گروه مشابهی را انتخاب کرد.

خطای منطقی: مبحثی که الان می‌خواهیم در موردش صحبت کنیم logic error (خطای منطقی) نام دارد که همیشه گفت مهمترین نکته این فصله. در هر عبارتی که نشود دهنده مقایسه باشد مثل as...as, er + than, صفت + than, more + like, unlike و حتی کلمات compared to یا in contrast to و غیره چیزی که خیلی باید بهش توجه کنیم اینه که نمی‌تونیم دو تا اسم رو که با هم به لحاظ منطقی قابل قیاس نیستن، با هم مقایسه کنیم. به عبارتی دیگه، اجازه نداریم رضا رو با حقوق علی مقایسه کنیم. بلکه باید رضا رو با علی و حقوق رضا رو با حقوق علی مقایسه کنیم تا مقایسه انجام شده به لحاظ منطقی قابل قبول باشه. خیلی ساده است‌ها ولی خیلی‌ها بهش توجه نمی‌کنن. به مثال انگلیسی زیر دقت کنید:

My car is better than the car of Ali.

توضیح: همون‌طور که می‌بینین، تو این مثال، مقایسه بین my car و the car of Ali انجام شده که به لحاظ منطقی قابل قبوله. اما مقایسه‌مون به اشکال داره اونم اینه که car دو بار تکرار شده. حالا برای اجتناب از تکرار، باید the car دوم رو با ضمیر مناسب جایگزین کنیم. خب! حالا اگه اسممون، مفرد باشه می‌تونیم از ضمیر that استفاده کنیم و اگه اسممون، جمع باشه، باید از those استفاده کنیم. می‌تونیم از 's هم به جای that و those استفاده کنیم. پس چون my car مفرده، می‌تونیم جمله بالا رو به یکی از صورت‌های زیر اصلاح کنیم:

My car is better than that of Ali. Or : My car is better than Ali's.

حالا هم مقایسه‌مون منطقیه و هم به جای تکرار اسم از ضمیر استفاده کردیم. مثال‌ها رو ببینید:

Incorrect : John's salary was much larger than Bob.

Correct : John's salary was much larger than Bob's.

Correct : John's salary was much larger than that of Bob.

حقوق جان نسبت به حقوق باب بسیار بیشتر بود.

Incorrect : Unlike Darwin's Theory, Einstein is much more difficult to understand.

Correct : Unlike Darwin's Theory, that of Einstein is much more difficult to understand.

Correct : Unlike Darwin's Theory, Einstein's is much more difficult to understand.

برخلاف نظریه داروین، نظریه انیشتین بسیار سخت است.

توضیح: تو مثال اولی که نادرسته، ما داریم به اشتباه حقوق جان رو با خود باب مقایسه می‌کنیم، ولی موارد اصلاح شده این خطا رو برطرف کردن. تو مثال دوم تو اولین جمله نظریه داروین با خود انیشتین مقایسه شده که اشتباهه در مثال‌های بعدیش این مورد برطرف شده.

تمرین:

حالا بیاین تو جمله‌های زیر اول از همه عبارت مقایسه‌ای رو مشخص کنیم و بعد ببینیم چه عبارتی با هم مقایسه شدن: (ما هم بعدش براتون توضیح می‌دیم تا اگه اشتباه کردین، متوجه بشین)

1. The salary of a bus driver is much higher than that of a teacher.

2. Like Bronte and Browning, James Joyce and Virginia Wolf are often subjected to the kind of veneration that blurs the distinction between the artist and the human being.

توضیح: خب تو مثال ۱ عبارت مقایسه‌ای higher than هستش و مقایسه بین salary of a bus driver و salary of a teacher صورت گرفته. تو مثال ۲، عبارت مقایسه‌ای like هستش و مقایسه بین Bronte and Browning و James Joyce and Virginia Wolf انجام شده.

Example 2: One study has found that subjects with shorter telomeres are more likely to develop cancers of the lungs and kidneys than

(MBA - سراسری ۹۴)

1) with longer telomeres

2) longer telomeres are

3) those with longer telomeres

4) ones with who have longer telomeres

☒ **پاسخ:** گزینه «۳» یک بررسی نشان داده است که افراد دارای تلومرهای کوتاه‌تر نسبت به آنهایی که دارای تلومرهای بلندتری هستند برای ابتلا به سرطان‌های شش و کلیه مستعدتر هستند.

توضیح گرامری: سؤال داره subjects with shorter telomeres رو با subjects with longer telomeres مقایسه می‌کنه. پس مقایسه باید منطقی باشه. یعنی اینطوری:

One study has found that subjects with shorter telomeres are more likely to develop cancers of the lungs and kidneys than subjects with longer telomeres.

خب! حالا subjects دوم رو حذف می‌کنیم و به جاش those میاریم:

One study has found that subjects with shorter telomeres are more likely to develop cancers of the lungs and kidneys than those with longer telomeres.

Example 3: This close connection between Polish Romanticism and Polish history became one of the defining qualities of the literature of Polish Romanticism period, differentiating it from other countries. (دکتری ۹۷)

- 1) those from 2) that of 3) that in the one from 4) those there are in

پاسخ: گزینه «۲» این ارتباط نزدیک و تنگاتنگ بین رمانتیسم لهستانی و تاریخچه لهستان به یکی از ویژگی‌های بارز ادبیات دوره رمانتیسم لهستانی تبدیل شده است که همین آن را از ادبیات دیگر کشورها متمایز می‌سازد.

توضیح گرامری: این به سؤالی که خیلی راحتیه. با توجه به مفهوم جمله می‌تونیم بفهمیم که نویسنده ادبیات دوره لهستان رو با ادبیات دیگر کشورها مقایسه می‌کنه. پس چون literature مفرده، به ضمیر مفرد that نیاز داریم نه those. (پس گزینه‌های (۱) و (۴) رد میشن). گزینه‌ی (۳) هم که کلاً هیچی.

Example 4: The high-protein eaters also had a cancer death rate four times (MBA - سراسری ۹۵)

- 1) greater than their low-protein peers 2) that of their low-protein peers
3) as much as their low-protein peers 4) their low-protein peers did

پاسخ: گزینه «۲» همچنین، نرخ مرگ‌ومیر از سرطان بین کسانی که مصرف پروتئین بالایی داشتند نسبت به کسانی که پروتئین کمتری مصرف می‌کردند، چهار برابر بود.

توضیح گرامری: نویسنده اینجا داره بین high-protein eaters و low-protein peers مقایسه انجام میده. پس مراقب باشین که مقایسه‌مون منطقی باشه. اصلش این طوری بوده:

The high-protein eaters also had a cancer death rate four times the cancer death rate of their low-protein peers.

خب چون cancer death rate مفرده اونو باید با that جایگزین کنیم:

The high-protein eaters also had a cancer death rate four times that of their low-protein peers.

این طوری هم صحیحه:

The high-protein eaters also had a cancer death rate four times their low-protein peers'.

Example 5: In Norway, however, where there has been a ban on tobacco advertising since 1975, smoking is at least do not ban such advertising. (MBA - سراسری ۹۵)

- 1) among teenagers as prevalent in countries as those that
2) so prevalent that it is among teenagers in countries
3) as prevalent among teenagers as it is in countries that
4) among teenagers so prevalent as in countries in which they

پاسخ: گزینه «۳» در نروژ، با وجود ممنوع بودن تبلیغات تنباکو از سال ۱۹۷۵، نرخ شیوع سیگار کشیدن بین نوجوانان در این کشور به اندازه نرخ سیگار کشیدن در کشورهایی است که چنین تبلیغاتی را ممنوع نمی‌کنند.

توضیح گرامری: بچه‌ها این تست به کم سخته. برای اینکه راحت‌تر به جواب برسیم، بیاین بیفتیم به جون جمله و اونو تحلیل کنیم. یادتون باشه برای اینکه تو تست‌های گرامر استاد بشین، باید بتونین جملات رو تحلیل کنین. خب از همون اول جمله شروع می‌کنیم. In Norway قید مکانه. however که کلاً حذفش کنین؛ بود و نبودش فرقی نداره. بعدش where اومده که این نشون میده به گزاره وصفی داریم. کلاً به‌عنوان به ترفند، هروقت دیدین به عبارت بین دو تا وی‌رگول اومده، اون رو حذفش کنین تا کارتون راحت‌تر بشه. پس تو این سؤال دو قسمت رو میشه حذف کرد. پس داریم:

In Norway, smoking is at least do not ban such advertising.

خب تا اینجا فاعل smoking شد و فعل اصلی هم is. هنوز هم تستمون همچنان سخته. پس بیاین رد گزینه انجام بدیم. گزینه‌ی (۴) حذفه چون so

prevalent as تو جمله منفی به کار میره، درحالی که جمله ما مثبتیه. خب حالا بریم دوباره سراغ جمله بالا. فعل اصلیمون is هستش. جلوتر که می‌ریم می‌بینیم به فعل دیگه هم داریم (یعنی ban). پس گزینه‌ای رو باید انتخاب کنیم که با فعل ban بتونه به گزاره وابسته بسازه. خب! تو گزینه‌های

(۱) و (۳)، that آخر گزینه می‌تونه نشونه‌ی گزاره وصفی باشه ولی گزینه‌ی (۲) این نشونه رو نداره (پس به (۲) هم کاری نداریم). حالا چون as...as

اومده باید مقایسه به‌لحاظ منطقی قابل قبول باشه، پس گزینه‌ی (۳) صحیحه: In Norway, smoking is at least as...as smoking is in...

smoking دوم رو حذف می‌کنیم و یا با that یا it جایگزین می‌کنیم.



تست‌های طبقه‌بندی‌شده فصل یازدهم

1- Iron came from West Asia, although its routes of diffusion were somewhat different from agriculture. (مدیریت شهری ۹۷)

- 1) it was in 2) that in 3) that of 4) those of

2- The Romans used central heating systems very much like (MBA - سراسری ۹۱)

- 1) today's do. 2) those they do.
3) the systems which are now. 4) those of today.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی‌شده فصل یازدهم

۱- گزینه «۴» آهن از غرب آسیا به دست آمد گرچه مسیر انتشار آن تا حدی متفاوت از مسیر انتشار کشاورزی بود.

توضیح گرامری: اصل جمله اینطوری بوده:

..... its routes of diffusion were somewhat different from the routes of agriculture.

خب چون که واژه routes دو بار تکرار شده، باید تو جایگاه دوم اون رو با ضمیر مناسب جایگزین کنیم و چون routes جمع، اون با those جایگزینش می‌کنیم:

..... its routes of diffusion were somewhat different from those of agriculture.

۲- گزینه «۴» رومی‌ها از سیستم‌های گرمایشی مرکزی‌ای استفاده می‌کردند که بسیار مشابه با سیستم‌های امروزی بودند.

توضیح گرامری: چون از واژه like استفاده کردیم باید مقایسمون به لحاظ منطقی قابل قبول باشه. پس اول جملمون این طوری بوده:

central heating systems of today. The Romans used central heating systems very much like

Central heating systems دوم رو حذف می‌کنیم و به جاش از those استفاده می‌کنیم.



مدرس‌ان شریف

فصل دوازدهم

«ساختار موازی»

یکی از نکات کاربردی و بسیار مهم زبان انگلیسی که خیلی هم مورد توجه طراحان سؤاله، ساختار موازیه. منظور از ساختار موازی اینه که بین اجزای جمله تعادل ساختاری برقرار بشه. به مثال فارسی زیر دقت کنید:

«ویتامین C در اثر حرارت، ذخیره‌شدن و یا زمانی که با هوا تماس برقرار می‌کند، از بین می‌رود». طبیعتاً شخصی که دستور زبان فارسی رو بلد باشه، چنین جمله‌ای رو نادرست می‌دونه و اینجوری استدلال می‌کنه که تو این مثال، واژه‌های حرارت «اسمه»، ذخیره شدن «مصدره» و زمانی که با هوا تماس برقرار می‌کند «گزاره قیدی». خیلی راحت می‌تونیم با رعایت ساختار موازی، این جمله رو به دو شکل زیر بازنویسی کنیم:

«ویتامین C در اثر حرارت، ذخیره‌سازی یا تماس با هوا از بین می‌رود» یا «ویتامین C زمانی که حرارت ببیند، زمانی که ذخیره شود یا زمانی که با هوا تماس برقرار کند، از بین می‌رود».

با این بازنویسی ساده، جمله نادرست بالا رو به دو جمله کاملاً صحیح با اجزای موازی تبدیل کردیم که تو اولی، تمام اجزای موازی به اسم و توی دومی، همه‌ی اجزا به گزاره قیدی تبدیل شدن. حالا برای اینکه بهتر متوجه بشین به مثال انگلیسی زیر دقت کنید:

Vitamin C is destroyed by heat, storage, or exposed to air.

این جمله نادرسته چون بین اجزای جمله، ساختار موازی رعایت نشده، heat و storage هر دو اسم هستن و exposed فعله. حالا ببینید چه جوری این جمله رو به شکل زیر تصحیح می‌کنیم و بین اجزای جمله تعادل برقرار می‌کنیم.

Vitamin C is destroyed by heat, storage, or exposure to air. ویتامین C در اثر حرارت، ذخیره‌سازی یا تماس با هوا از بین می‌رود.

خب! پس تا اینجا فهمیدیم که وقتی که چند ساختار به صورت یه توالی یا دنباله به کار می‌رون، همگی باید یه مقوله دستوری داشته باشن. مثلاً یا همگی اسم، یا همگی صفت یا همگی جمله و ... باشن که به این اصل، **ساختار موازی** می‌گن. مثال‌های زیر رو ببینید تا کاملاً مطلب دستتون بیاد:

1. There is evidence that vitamin C prevents heart disease, speeds wound healing, and helps gum disease.

شواهدی وجود دارد مبنی بر این که ویتامین C از بیماری قلبی جلوگیری می‌کند، التیام زخم را سرعت می‌بخشد و به بهبود بیماری لثه کمک می‌کند.

2. The Romans conquered, colonized, and governed much of the world.

رومی‌ها بیشتر جهان را فتح کردند، به استعمار خود درآوردند و به آن‌ها حکومت کردند.

3. He had finished the game, had taken a shower, and had eaten lunch by the time I got to house.

زمانی که من به خانه رسیدم، او بازی‌اش را تمام کرده بود، دوشش را گرفته بود و ناهارش را هم خورده بود.

4. Three young ladies were killed and were buried.

سه زن جوان کشته و دفن شدند.

5. They wanted to paint the living room, to lay a new carpet, and to buy a new sofa.

آنها می‌خواستند اتاق نشیمن را رنگ بزنند، یک قالی جدید پهن کنند و یک کاناپه جدید بخرند.

6. He likes swimming, dancing, and horseback riding.

او شنا، رقص و اسب‌سواری را دوست دارد.

همه‌ی این مثال‌هایی که گفتیم توشون ساختارهای موازی رعایت شده. تو مثال ۱، سه فعل prevents، speeds و helps هر سه تایشون به زمان حال ساده‌ان. تو مثال ۲، سه فعل conquered، colonized و governed هر سه تایشون گذشته ساده هستن. تو مثال ۳، swimming، dancing و riding

هر سه جرانندن. پس اگه فعل prevents تو مثال ۱ به صورت prevented یا prevention و ... به کار بره، ساختار موازی جمله به هم می‌ریزه.



نکته آزمون: یادتون باشه تو ساختارهایی که در یک توالی قرار دارن (البته تو توالی بیشتر از دو ساختار) ساختار اول، دوم و ... با ویرگول از هم جدا می‌شن و آخرین ساختار با ویرگول و **and** مثال:

The Romans conquered, colonized, and governed much of the world.

از این نکته، ساده رد نشین، چون بعضی مواقع، تستی به شما می‌دن که می‌تونین از همین راه بعضی از گزینه‌ها رو رد کنین.

Example 1: Three such functions of money are usually specified, corresponding to the three basic needs served by money – the need for medium of exchange, the need for a unit of account, and

(MBA - سراسری ۹۵)

1) need for a store of value

2) the need for a store of value

3) there is the need for a store of value

4) a store of value is also a need

پاسخ: گزینه «۲» سه کارکرد پول معمولاً مشخص شده که مطابق با سه نیاز اساسی است که با پول برآورده می‌شود: نیاز به واسطه تبادل، نیاز به واحد حساب و نیاز به ذخیره ارزش.

توضیح گرامری: تو این تست، ساختارهای موجود در توالی عبارت اسمی‌ان. پس، گزینه‌ی (۳) هیچی، ضمناً چون توالی ما با *the need for a* شروع شده، جای خالی رو فقط گزینه‌ای می‌تونه پر کنه که با *the need for a* شروع بشه.

Example 2: Kamal al-Mulk contributed a great deal to Iranian

(MBA - سراسری ۹۳)

1) as a painter teaching and lecturing

2) painting, as a teacher and lecture

3) painting, teaching, and lecturing

4) painting, a teaching, and a lecture

پاسخ: گزینه «۳» کمال الملک سهم عمده‌ای در نقاشی، تدریس و سخنوری ایرانی ایفا نمود.

توضیح گرامری: ساختارهای به دنبال باید موازی باشن. به گزینه‌ها نگاه کنین و ببینین ساختارهای کدام گزینه موازی‌ان. فقط گزینه‌ی (۳) این جوریه، چون *teaching painting* و *lecturing* به صورت جرانند. بقیه ساختارها همه شون یه ایرادی دارن.

Example 3: Yellowstone National Park's attractions include the famous Old Faithful geyser, vast forests, plentiful wildlife, and

(سراسری ۹۲)

1) campgrounds are maintained well

2) well-maintained campgrounds

3) campgrounds are well-maintained

4) maintains campgrounds well

پاسخ: گزینه «۲» جاذبه‌های پارک ملی یلواستون، شامل آبشار معروف الد فیثفول، جنگل‌های وسیع، حیات وحش متنوع و اردوگاه‌های محکم می‌باشد.

توضیح گرامری: قبل از جای خالی از *and* و قبل از اون هم از ترکیب اسم + صفت استفاده شده، پس جای خالی هم باید ترکیب صفت و اسم باشه. با این حساب فقط گزینه‌ی (۲) صحیحه.

پس همون‌طور که دیدیم، یه مورد از کاربرد ساختار موازی وقتی که چند ساختار در دنباله‌های چند جزئی قرار دارن. تو موارد زیر هم باید ساختارها موازی باشن:

الف) حروف ربط همپایه‌ساز: حروف ربط هم‌پایه‌ساز رو یادتون هست؟ گفتیم *and*, *but*, *or*, *yet*, *for* و *nor* حرف‌های هم‌پایه‌سازن. حالا هر موقع دو تا ساختار با این حروف (به خصوص *and*, *or*, *but* و *yet*) به هم متصل بشن، باید موازی باشن.

I enjoy the music of Iran and the art of Italy.

من از موسیقی ایران و هنر ایتالیا لذت می‌برم.

Vitamin supplements can be prepared naturally and synthetically.



مکمل‌های ویتامین را می‌توان به صورت طبیعی و مصنوعی تهیه کرد.

Large amounts of vitamin C can be bought in the form of crystals, or in the form of granules.

می‌توان مقادیر زیاد ویتامین C را به شکل بلور یا به شکل دانه خریداری کرد.

Children like going to the park and playing in there.

بچه‌ها رفتن به پارک و بازی کردن در آنجا را دوست دارند.

In Columbus' Day, people believed that the Earth was square and that a person could fall off the edges.

در روز کلمبوس، مردم معتقد بودند که زمین گرد است و اینکه فرد می‌تواند از لبه‌های آن سقوط کند.

That verb form is not active but passive.

شکل آن فعل معلوم نیست بلکه مجهول است.

He wanted to borrow a car or to rent one while his car was being repaired.

او می‌خواست زمانی که ماشینش در حال تعمیر است، ماشینی قرض بگیرد یا اجاره کند.

Example 4: Anthropologists assert that many of the early Native Americans who lived on the plains did

1

not engage in planting crops but to hunt, living primarily on buffalo meat.

(MBA - سراسری ۸۷)

2

3

4

☒ پاسخ: گزینه «۳» انسان‌شناس‌ها اظهار می‌کنند که بسیاری از آمریکایی‌های بومی اولیه که در دشت‌ها زندگی می‌کردند، کاشت و زراعت نمی‌کردند بلکه با شکار و بدو با گوشت بوفالو زندگی می‌کردند.

توضیح گرامری: ساختار قبل و بعد از *but* باید طبق ساختار موازی، یکسان باشد. گزینه‌ی (۳) باید به *in hunting* تغییر کند تا با *in planting* موازی باشد.

Example 5: The Chinese language is monosyllable and uninflectional. With a language so incapable of variation,

1

2

a literature cannot be produced which possesses the qualities we look for and admire in literary works.

3

4

☒ پاسخ: گزینه «۱» زبان چینی زبانی تک سیلابی و غیرصرفی است. در زبانی با چنین تنوع کمی، نمی‌توان ادبیاتی خلق کرد که شامل ویژگی‌هایی باشد که ما در آثار ادبی تحسین می‌کنیم و به دنبال آن هستیم.

توضیح گرامری: طبق ساختار موازی، دو ساختار که با حرف ربط همپایه‌ساز *and* به هم وصل می‌شوند، باید موازی باشند. تو این سؤال، *monosyllable* اسمه ولی *uninflectional* صفت. پس یکی از این دو تا باید شبیه یکی دیگه بشه تا ساختار موازی به هم نخوره. ضمناً بعد از فعل *is* هم که باید از صفت استفاده بشه، پس حتماً باید *monosyllable* تغییر کند و اگه صفت بشه با *uninflectional* موازی می‌شه. *monosyllabic* صحیح.

(ب) حروف ربط لازم و ملزوم: قبلاً در مورد حروف ربط لازم و ملزوم صحبت کردیم و گفتیم این حروف شامل این مواردند:

Both ... and, either ... or, neither nor, not only but also

ساختارهایی که با این حروف ربط به هم متصل می‌شوند، باید موازی باشند یا به عبارت ساده‌تر، اگه بعد از *not only* اسم بیاد بعد از *but also* هم باید اسم بیاد، اگه فعل بیاد بعد از *but also* هم فعل بیاد و ...

1. Both fruits and vegetables are rich sources of vitamin C.

هم میوه‌ها و هم سبزیجات منابع غنی ویتامین C هستند.

2. I can neither speak nor read French.

نه می‌توانم به زبان فرانسوی صحبت کنم، نه می‌توانم بخوانم.

3. They went either to the park or to the cinema.

آنها یا به پارک رفتند یا به سینما.

4. We were told to either reduce the staff or find new customers. or:

We were told either to reduce the staff or to find new customers.

به ما گفته شد یا پرسنل‌مان را کم کنیم، یا اینکه به دنبال مشتری‌های جدید باشیم.

5. The author not only wants fame but also wants money. (or The author wants not only fame but also money.)

نویسنده نه تنها جویای شهرت بلکه جویای پول هم هست.

همون‌طور که تو مثال ۱ می‌بینی، بعد از *both*، اسم جمع اومده، پس باید بعد از *and* هم اسم جمع بیاد. تو مثال ۲، بعد از *neither* فعل اومده پس باید

بعد از *nor* هم فعل بیاد و

به جملات درست و نادرست زیر توجه کنید تا این مبحث رو کاملاً یاد بگیرید:

Incorrect : This car is not only fast but also it is safe to drive.

Correct : This car is not only fast but also safe.

این ماشین نه تنها تندرو بلکه ایمن است.

Incorrect : The trip to the city is neither a long one nor expensive.

Correct : The trip to the city is neither long nor expensive.

سفر به این شهر نه طولانی و نه گران است.

Incorrect : Either you must stay home or go with us.

Correct : You must either stay home or go with us.

شما یا باید در خانه بمانید یا با ما بیایید.



نکته آزمون: ممکنه بگید ... or whether هم به حرف ربط لازم و ملزومه. خب چرا تو لیست بالا نیومده؟

برای اینکه که این حرف ربط از قاعده بالا مستثنی است.

We have to accept that they are part of our lives, whether we like it or not.

باید بپذیریم که آنها بخشی از زندگی ما هستند، چه دوست داشته باشیم، چه نه.

تو مثال بالا اونچه که بعد از whether اومده جمله و اونچه بعد از or اومده not هستش. ولی علی‌رغم موازی نبودن این دو ساختار، این جمله درسته.

Example 6: The study of parent-child interaction may involve videotaping the parent and child in their home either as they go about their daily routine or
(دکتری ۹۵)

- 1) the researcher gives to them as an activity which is to perform
- 2) the activity they perform given to them by the researcher
- 3) as they perform an activity given to them by the researcher
- 4) which the researcher gives them to perform as an activity

پاسخ: گزینه «۳» مطالعه‌ی تعامل والد- فرزند شامل تهیه‌ی نوار ویدئویی از والد و فرزند در منزل خودشان است چه مشغول انجام کارهای روزمره‌شان باشند چه فعالیتی را که محققان به آنها محول کرده‌اند انجام دهند.

توضیح گرامری: قبل از جای خالی از or و کمی قبل‌تر، از either استفاده شده. از اونجایی که بعد از or هیچی نداریم باید بعد از either رو بررسی کنیم. هر ساختاری که بعد از either شروع شده بوده بعد از or هم باید با همون ساختار باشه. بعد از either از as استفاده شده پس بعد از or هم باید از as استفاده بشه (یعنی گزینه‌ی (۳)).

(ج) همراه با ساختارهای مقایسه‌ای:

یکی دیگه از کاربردهای ساختار موازی، با ساختارهای مقایسه‌ای as...as و than هستش.

1. To be rich is better than to be poor.
ثروتمند بودن بهتر از فقیر بودن است.
2. Taking the bus can be as costly as taking a plane.
اتوبوس می‌تواند به اندازه هواپیما گران باشد.
3. What I am doing now is harder than what I used to do.

آنچه الان انجام می‌دهم نسبت به آنچه که در گذشته انجام می‌دادم سخت‌تر است.

همون‌طور که می‌بینید، تو مثال ۱، از than استفاده شده، پس to be rich باید با to be poor موازی باشه. در صورتی که to be poor رو به being poor تغییر بدیم، ساختار موازی جمله به هم می‌ریزه. تو مثال ۲، taking با taking موازیه.

Example 7: On an untimed test, to answer accurately is more important than

- 1) a quick finish
- 2) to finish quickly
- 3) finishing quickly
- 4) you finish quickly

پاسخ: گزینه «۲» در آزمونی که محدودیت زمانی ندارد، پاسخ دادن صحیح مهم‌تر از به پایان رساندن سریع است.

توضیح گرامری: تو ساختارهای مقایسه‌ای باید ساختار موازی رعایت بشه. to answer مصدر با to و than نشونه‌ی تفصیلی بوده؛ پس با finish که مصدر با to هستش، موازیه.

(د) در صورتی که دو ساختار با فعل be به هم متصل بشن، باید موازی باشن:

To learn is to understand the word. / What you see is what you get.**Example 8:** It has been said by a celebrated person that to meet F. Scott Fitzgerald is of a stupid old woman with whom someone has left a diamond. (MBA - سراسری ۹۵)

- 1) thinking 2) about thinking 3) thinks 4) to think

پاسخ: گزینه «۴» به گفته یک شخص مشهور، آشنایی با اف. اسکات فیتزجرالد مثل تصور پیرزن کندذهنی است که کسی الماسی را پیش وی جا گذاشته است.

توضیح گرامری: یکی از کاربردهای ساختارهای موازی زمانی که دو عبارت با فعل be به هم متصل شدن. مثال:

To acknowledge that one is an alcoholic is to take the first step to recovery.

تو تست هم to meet فقط با to think موازیه.

**نکته آزمون:** گفتیم که تو ساختارهای موجود تو به توالی یا دنباله یا ساختارهایی که با and, or و but به هم وصل می‌شن،

ساختارها باید موازی باشن. یا به عبارتی، به نقش گرامری داشته باشن. پس چرا جمله زیر صحیح؟

They wanted to paint the living room, lay a new carpet, and buy a new sofa.

برای پاسخگویی به این سؤال اون باید مبحث حذف به قرینه رو براتون بگیم. به مثال فارسی زیر توجه کنید:

«همه آنها خسته و راهی منزل شدند.» این جمله شکل کوتاه‌شده «همه آنها خسته شدند و راهی منزل شدند.» هستش که تو

عبارت اولی فعل «شدند» به قرینه حذف شدم. تو انگلیسی هم همین اصل صادق، پس جمله بالایی در ابتدا به شکل زیر بوده:

They wanted to paint the living room, to lay a new carpet, and to buy a new sofa.

مثال بیشتر:

He had finished the game, (had) taken a shower, and (had) eaten lunch by the time I got to house.In Columbus' Day, people believed that the earth was square and (that) a person could fall off the edges.

تو مثال اولی چون had توی had finished به کار رفته، می‌تونیم تو ساختارهای دوم به بعد اون رو به قرینه حذف کنیم چون متداول‌تره. همین حالت در مورد جمله دوم هم صدق می‌کنه. توجه داشته باشید که دستوردانان می‌گن بهتره حذف به قرینه انجام نشه تا ساختار موازی کاملاً معلوم باشه. پس اگه سؤالی دادن بهتره اول دنبال گزینه‌ای باشید که توش حذف به قرینه انجام نشده.

پس اونچه که تو این مبحث آموختیم اینه که حروف اضافه، افعال کمکی، حروف تعریف و علامت مصدر رو می‌تونیم به قرینه حذف کنیم. البته دقت کنید اگه تو ساختار دومی توالی حذف به قرینه انجام نشده باشه، حق ندارید تو ساختار سومی حذف به قرینه انجام بدین و یا برعکس اگه توی دومی حذف به قرینه انجام شده باشه، باید تو ساختار سوم هم حذف به قرینه انجام دهید. پس هر دو تا جمله زیر نادرستن.

Incorrect : They wanted to paint the living room, to lay a new carpet, and buy a new sofa.**Incorrect :** They wanted to paint the living room, lay a new carpet, and to buy a new sofa.

به مثال زیر هم دقت کنید:

Incorrect : Paula went to work, a restaurant, and to the movies.**Correct :** Paula went to work, a restaurant, and the movies.**Correct :** Paula went to work, to a restaurant, and to the movies.

پائولا به سر کار، رستوران و به سینما رفت.

مثال اولی غلطه، چون to work عبارت حرف اضافه هستش در حالی که در واژه restaurant to به قرینه حذف شده ولی تو

ساختار سومی، حذف به قرینه صورت نگرفته، پس این مثال نادرسته.

 **Example 9:** To impress a prospective employer, one should dress neatly, be prompt and displaying interest in the job.

☒ پاسخ: گزینه «۴» به‌منظور تحت تأثیر قرار دادن کارفرمای آینده‌نگر، شخص باید لباس‌های مرتب بپوشد، سر وقت حضور پیدا کند و به کار خود علاقه نشان دهد.

توضیح گرامری: شاید تو نگاه اول گزینه‌های (۳) و (۴) رو انتخاب کنی و بگی قبل از *dress* از فعل کمکی *should* استفاده شده، پس باید *be prompt* با *should* همراه باشه و *displaying* هم به صورت *should display* باشه. اما همون‌طور که گفتیم، می‌تونیم *should* رو به قرینه حذف کنیم. می‌تونیم بگیم تو گزینه‌ی (۳) *should* به قرینه حذف شده و کافیه تو گزینه‌ی (۴) *displaying* رو به *display* تبدیل کنیم.

تست‌های طبقه‌بندی شده فصل دوازدهم

🔍 **1- An interviewer can obtain a high response rate because people find it more difficult to turn down a personal request for an interview a written questionnaire.** (MBA - سراسری ۹۶)

- 1) than to throw away 2) to throw away than
3) than what they throw away as 4) rather than throwing away

 **2- To raise income, newspaper publishers must determine whether to increase the subscription price or advertising.**

- 1) if they should sell 2) to sell 3) selling 4) sold

 **3-** The triple function of Bodiam Castle's moat was to be defensive, decorative, and the impression of impregnability.

- 1) double 2) to double 3) for doubling 4) to be double

یاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی‌شده فصل دوازدهم

۱- گزینه «۱» یک مصاحبه‌کننده می‌تواند به سرعت پاسخ بالاتری دست یابد چرا که در نظر مردم، رد یک درخواست فردی برای مصاحبه بسیار سخت‌تر از رد یک پرسش‌نامه است.

توضیح گرامری: بکه، از موارد کاربرد ساختار موازی، در ساختارهای مقایسه‌ایه.

Incorrect: Getting up in the morning is harder than to go to bed at night.

Correct: **Getting up** in the morning is harder than **going** to bed at night.

حواستون باشه تو این تست، it که بعد از find استفاده شده هیچ نقشی نداره و مفعول واقعی ... to turn هستش.

۲- گزینه «۲» ناشران روزنامه به منظور افزایش درآمد می‌بایست تصمیم بگیرند یا بهای اشتراک مجله را افزایش دهند یا تبلیغات بیشتری بفروشند.

توضیح گرامری: قبل از جای خالی، از OR و کمی قبل تر، از مصدر با to استفاده شده. پس، باید بعد از OR هم از مصدر با to استفاده بشه.

۳- گزینه ۲» کارکرد سه‌گانه‌ی خندق «بودیام کسل» عبارت بود از کارکرد دفاعی، تزئینی و تأثیر مضاعف شکست‌ناپذیری.

توضیح گرامری: دو ساختار که با حرف ربط *and* به هم وصل شدن باید موازی باشند. چون قبل از *and* به صورت *to be defensive* هستش، بعد از اون هم باید به صورت *to double* باشه.
(*to be and ... to double*)



مدرس‌ان شریف

فصل سیزدهم

«وارونگی»

رسیدیم به مبحث وارونگی! این مبحث هم یکی دیگه از مباحث مهم کنکوره که به همون اندازه ساختار موازی اهمیت داره. خب! اول ببینیم وارونگی چی هست؟ برای همین اول باید ترتیب اصلی اجزای جمله تو انگلیسی رو بدونیم که به صورت زیر هستش:

مفعول (object) + فعل (verb) + فعل کمکی (auxiliary) + فاعل (subject)

ولی بعضی جاها، این ترتیب به هم ریخته و جای فعل کمکی و فاعل عوض شده که به این پدیده، وارونگی (inversion) می‌گن. ساده‌ترین شکل وارونگی، تو جمله‌های سؤالی رخ می‌ده:

حالت معمول: You are using a computer.

آیا از کامپیوتر استفاده می‌کنی؟ Are you using a computer? : وارونگی

دو نوع وارونگی داریم:

۱- وارونگی فاعل و فعل کمکی (که در این موارد، وارونگی معمولاً اجباریه)

۲- وارونگی فاعل و فعل (که در این موارد، وارونگی همیشه اجباری نیست)

وارونگی فاعل و فعل کمکی:

همون طور که از اسم اون مشخصه، تو این نوع وارونگی باید فعل کمکی (مثل do, does, can, should و ...) قبل از فاعل بیاد. این نوع وارونگی به دو صورت اعمال می‌شه:

۱- **فعل کمکی مشخصه:** در این مورد کافیه فعل کمکی رو به قبل از فاعل بیارید.

حالت معمول: I will never again write on the wall.

وارونگی: Never again will I write on the wall.

من هرگز دوباره روی دیوار چیزی نخواهم نوشت.

توضیح: تو این مثال، فعل کمکی will هستش و چون فعل کمکی مشخصه، کافیه جای اونو با فاعل عوض کنیم.

۲- **فعل کمکی مشخص نیست:** تو اینجا مواضع متناسب با زمان جمله، از فعل کمکی do, does, did استفاده می‌کنیم.

حالت معمول: The computer not only examines information but also performs logical operations.

وارونگی: Not only does the computer examine information but also it performs logical operations.

کامپیوتر نه تنها اطلاعات را بررسی می‌کند، بلکه عملیات منطقی نیز انجام می‌دهد.

توضیح: تو این مثال فعل کمکی مشخص نیست، اما چون فعل جمله examines هستش می‌تونیم از فعل کمکی متناسب با اون، یعنی does استفاده کنیم.

پس تا اینجا یاد گرفتیم وارونگی یعنی چی و اینکه وارونگی فعل کمکی و فاعل چه جور صورت می‌گیره. حالا باید ببینیم کجا وارونگی فعل کمکی و فاعل رخ می‌ده. تو موارد زیر:

الف - اگه جمله با یکی از لغات یا عبارات منفی‌کننده شروع بشه.

یه سری عبارت تو انگلیسی هستن که تو جملات مثبت میان ولی مفهوم جمله رو منفی می‌کنن. ما به این عبارات، عبارات منفی‌کننده می‌گیم. اگه جمله‌ای داشتیم که با این عبارات شروع می‌شد، فوراً باید وارونگی انجام بشه. بعضی از این عبارات شامل موارد زیرن:

۱- **کلماتی که با only و not شروع می‌شن** (کلمات زیر رو حفظ نکنین فقط قاعده‌شو یاد بگیرید و یه نگاه سریع به عبارات بندازین):

not, not once, not until, not before, not one, not often, not only, only, only after, only once, only then, only by chance, only with difficulty, only by luck, only in this way, only today, only yesterday, only on rare occasions.

او نه تنها سه بار دیر کرده است، بلکه کاری هم نکرده است. Not only has she been late three times, she has also done no work.
 در این شهر کوچک بسیار به ندرت تصادفی اتفاق می‌افتد. Only rarely does an accident happen in this small town.
 تنها زمانی که عذرخواهی کند با او دوباره صحبت خواهیم کرد. Only when she apologizes will I speak to her again.
 تا قرون وسطی، شیشه یکی از مواد اصلی بسیاری از سازه‌ها نشده بود. Not until the Middle Ages did glass become a major construction material.

Example 1: Not until Edward Jenner developed the first anti-smallpox serum in 1796 against this terrible disease. (MBA - سراسری ۹۲)

- 1) protection was
- 2) it was protected
- 3) protection was given
- 4) was there protection

پاسخ: گزینه «۴» تا پیش از آنکه ادوارد جنر، در سال ۱۷۹۶ نخستین سرم ضد آبله را کشف کند، هیچ محافظتی در مقابل این بیماری خطرناک وجود نداشت.

توضیح گرامری: خب فقط کافی‌ه اون *not until* رو اول جمله ببینین. پس باید وارونگی صورت بگیره که تو گزینه‌ی (۴) صورت گرفته. دقت کنین که اینجا *was* وارونه شده و فاعل هم *protection* هستش.

Example 2:, the design feature of 'massively multiplayer online role-playing' and 'action real time strategy' games also play an important role in developing communicative skills. (MBA - سراسری ۹۵)

- 1) Such games not provide only rich lexical environments
- 2) Rich lexical environments are not provided only such games
- 3) Not only do such games provide rich lexical environments
- 4) Such are games not only provided by rich lexical environments

پاسخ: گزینه «۳» بازی‌های «نقش‌آفرینی آنلاین چندنفره» و «استراتژی زمان حقیقی عمل» نه تنها محیط‌های واژگانی غنی‌ای فراهم می‌آورند بلکه دارای ویژگی‌های طراحی هستند که نقش مهمی در توسعه مهارت‌های ارتباطی ایفا می‌کنند.

توضیح گرامری: تست نسبتاً سختیه! کلاً تست‌هایی که با جای خالی شروع می‌شن تست‌های خیلی راحتی نیستن. خب تو ذهنتون داشته باشین که بعد از جای خالی ویرگول اومده. جلوتر که میریم کلمه *also* رو می‌بینیم. حالا می‌ریم سراغ گزینه‌ها تو گزینه‌ها کلمه *not only* رو می‌بینیم. پس می‌تونیم بگیریم تست ما داره از ساختار *(but) also ... not only* استفاده می‌کنه. گزینه‌های (۱) و (۲) بهشون کاری نداریم چون بین *not only* فاصله افتاده. تو گزینه‌ی (۳) *not only* اول جمله اومده پس باید ببینیم وارونگی صورت گرفته یا نه؟ بله صورت گرفته و جای *do* و *such games* عوض شده پس همین گزینه جوابه.

Example 3: with a light microscope, they also cannot be detected through their biological activity, except as it occurs in conjunction with other organisms. (MBA - سراسری ۹۴)

- 1) Not only are viruses too small to be seen
- 2) Viruses are too small not only for seeing
- 3) Not only viruses are too small to be seen
- 4) To be seen viruses are not only too small

پاسخ: گزینه «۱» ویروس‌ها نه تنها به‌خاطر کوچک بودن با میکروسکوپ نوری قابل مشاهده نیستند، بلکه آن‌ها را نمی‌توان از طریق فعالیت بیولوژیکی خود تشخیص داد، مگر وقتی که این فعالیت در مجاورت ریزموجودات دیگر اتفاق بیفتد.

توضیح گرامری: تو این سؤال هم جمله با جای خالی شروع شده. پس باید بریم ادامه جمله رو هم ببینیم. یه کم جلوتر که میریم از *also* استفاده شده، پس ساختار *but also ... not only* مد نظره. پس بریم گزینه‌ها رو هم ببینیم. *Not only* تو همه گزینه‌ها درست به‌کار رفته، پس باید روش‌های دیگه‌ای رو واسه رد گزینه امتحان کنیم. گزینه‌ی (۲) نادرسته چون بعد *too small* باید مصدر با *to* بیاد نه *for seeing* گزینه‌ی (۴) به این دلیل نادرسته که گفتیم *but also ... not only* نیازمند اینه که ساختارهامون با هم موازی باشن ولی نیستن. حالا دو تا گزینه داریم: (۱) و (۳). هر دو گزینه با *not only* شروع شدن، پس باید ببینیم آیا تو هر دو گزینه وارونگی رخ داده یا نه. تو گزینه‌ی (۱) رخ داده پس این گزینه صحیح‌ه اما تو گزینه‌ی (۳) نه این‌طور نیست.



۲- قیود و کلمات زیر:

علاوه بر کلماتی که با only و not شروع می‌شن، به سری کلمه دیگه هم داریم که تو گروه عبارات منفی کننده قرار می‌گیرن. هر گاه کلماتی که در زیر آوردیم شروع کننده به جمله بودن باید وارونگی صورت بگیره:

never, never before, never again, no longer, no sooner, on no account, under no circumstance, nowhere, at no time, by no means, seldom, barely, rarely, hardly.

Never have I seen such a film.

هرگز چنین فیلمی ندیده‌ام.

Under no circumstances are passengers permitted to open the doors. تحت هیچ شرایطی مسافران اجازه ندارند درها را باز کنند.

Example 4: returned to Earth than it seemed that women, too, had been smitten by an urge to fly.

- 1) The first intrepid male aviators safely and sooner 2) Safely and sooner had the first intrepid male aviators
3) Sooner than the first intrepid male aviators had safely 4) No sooner had the first intrepid male aviators safely

پاسخ: گزینه «۴» به محض اینکه اولین خلبانان مرد شجاع به سلامت به زمین بازگشتند، به نظر رسید زنان نیز برای پرواز کردن انگیزه پیدا کرده بودند.

توضیح گرامری: تو گزینه‌ی (۴)، *no sooner* شروع کننده جمله‌مونه. پس اگه وارونگی صورت گرفته باشه همین گزینه صحیحه. بده صورت گرفته و *had* اومده قبل از فاعل، یعنی قبل از *the first intrepid male aviators*

ب- وارونگی با so, nor و neither: یکی دیگه از کاربردهای وارونگی فعل کمکی و فاعل با کلمات *so*, *nor* و *neither* هستش. این سه تا کلمه به

معنی همچنین هستن، ولی به ذره با هم فرق دارن. واسه اینکه راحت‌تر اینا رو یاد بگیرین، بذارین به صورت الگو این سه تا رو بررسی کنیم:

فاعل + فعل کمکی مثبت + *so* + جمله مثبت

Mary can dance beautifully, and so can her sister.

مری می‌تواند به زیبایی برقصد. خواهرش هم می‌تواند به زیبایی برقصد.

A: I have lost their address. B: So have I.

A: من آدرس آنها را گم کرده‌ام. B: من هم.

He wants the best for his country, so did Hitler.

او بهترین چیزها را برای کشورش می‌خواهد. هیتلر هم همین‌طور بود.

توضیح: خب الگو واضحه. ولی بیاین مثال‌ها رو بررسی کنیم. تو مثال اولی، جمله قبل از *ویرگول* مثبت. پس بعد از *ویرگول* باید از *so* استفاده کنیم. اون *and* ی که اومده کاملاً اختیاریه و می‌تونه حذف شه. حالا باید وارونگی صورت بگیره. پس متناسب با فعل کمکی جمله اول، فعل کمکی جمله دوم رو هم می‌سازیم. چون فعل کمکی جمله اول *can* هستش، اون رو کپی می‌کنیم و میاریم بعد از *so* بعدش هم که وارونگی رخ میده. اما مثال سوم، تو این مثال جمله اول ما مثبت. بعدش *ویرگول* میاریم و چون جمله‌مون مثبت، *so* استفاده می‌کنیم. حالا باید فعل کمکی مون رو هم بسازیم. به جمله اول نگاه می‌کنیم، چون فعل جمله *wants* هستش، فعل کمکی باید به صورت *do* باشه. ولی چون قصد داریم در مورد گذشته صحبت کنیم *do* رو باید به *did* تبدیل کنیم.

Example 5: As temperatures rise,, suggesting climate change will lead to millions of extra offences in the coming decades.

(دکتری ۹۵)

- 1) and crimes rate do too 2) so do crime rates
3) crime rates do rise as well 4) as well as crime rate

پاسخ: گزینه «۲» با افزایش دما، نرخ جرم و جنایت افزایش می‌یابد که این حاکی از این است که تغییر اقلیم منجر به میلیون‌ها تخلف دیگر در دهه‌های آتی خواهد گردید.

توضیح گرامری: جمله اول ما مثبت. پس می‌تونیم با استفاده از *so* وارونگی انجام بدیم. فقط تو گزینه‌ی (۲) وارونگی صورت گرفته.

نوبتی هم باشد نوبت *nor* و *neither* هستش. این دو تا با هم خیلی تفاوتی ندارن و تو الگوی زیر میان:

فاعل + فعل کمکی مثبت + *neither / nor* + جمله منفی

1. I have never seen her since then, nor do I expect to see her again. از آن به بعد او را ندیده‌ام و انتظار هم ندارم که او را دوباره ببینم.

2. She has not finished the assignment yet, and neither have I. او تکالیفش را هنوز تمام نکرده و من نیز همین‌طور.

توضیح: تو مثال (۱) از *never* استفاده کردیم. پس جمله مفهوم منفی داره. حالا طبق الگوی بالا چون جمله اول ما منفیه، بعد *ویرگول* می‌تونیم از *nor* یا *neither* استفاده کنیم. بعدش هم که باید وارونگی صورت بگیره. تو مثال (۲) از *has not* استفاده کردیم، پس جمله اولمون منفیه و بعد از اون *neither* اومده و وارونگی صورت گرفته.

Example 6: Jung and Myers were not the first to observe personality types, about a typology of awareness. (دکتری ۹۶)

- 1) neither Jung was the first to write
2) nor was Jung the first to write
3) neither did Jung first write
4) nor Jung did first write

پاسخ: گزینه «۲» یانگ و مایرز اولین افرادی نبودند که مسئله شخصیت را مطرح کردند همچنین یانگ اولین نفری نبود که در مورد نوع‌شناسی آگاهی نوشت. **توضیح گرامری:** جمله اول ما منفیه. پس می‌تونیم بعد از ویرگول از *nor* یا *neither* استفاده کنیم و بعدش هم وارونگی انجام بدیم. هر چهار گزینه با *neither* و *nor* شروع شدن پس تا اینجا هر چهار گزینه قابل قبولن. حالا باید ببینیم آیا تو هر چهار گزینه وارونگی صورت گرفته یا نه. تو گزینه‌های (۱) و (۴) صورت نگرفته پس هر دو نادرستن. می‌مونه دو گزینه‌ی (۲) و (۳) که تو هر دو وارونگی صورت گرفته. یه بار دیگه به جمله اول نگاه می‌کنیم. گفته *were not the first to observe* خوب حالا باید جمله دوم ما هم همین‌طوری باشه تا ساختارمون موازی باشه. پس گزینه‌ی (۲) صحیحه.



نکته آزمون: می‌تونیم به جای استفاده از *neither* و یا *nor* از *either* استفاده کنیم ولی ساختارمون یه ذره باید تغییر کنه:

either + جمله منفی + جمله منفی

1. I haven't seen the movie and my brother hasn't either. من آن فیلم را ندیده‌ام و برادرم هم.
2. A: I can't swim. B: I can't either. - من نمی‌توانم شنا کنم. - من هم.
3. My roommate has not gone, and I have not either. هم‌اتاقی‌ام نرفته است و من نیز نرفته‌ام.
توضیح: تو مثال (۱) *haven't* تو جمله اول و *hasn't* تو جمله دوم منفی‌ان، پس از *either* استفاده می‌کنیم. تو مثال (۲)، *can't* تو جمله اول و دوم منفیه پس از *either* استفاده می‌شه. تو جمله سوم هم همین حالت صحیحه. حالا بیاین سه تا مثال بالا رو با *neither* و *nor* بنویسیم:

1. I haven't seen the movie, nor has my brother.
2. A: I can't swim. B: Nor can I.
3. My roommate has not gone, nor have I.

ج - وارونگی با ساختار *so + adjective / adverb + that*

نوع سوم وارونگی فعل کمکی و فاعل به ساختار بالا مرتبط میشه. یادتونه تو فصل صفت این ساختار رو بررسی کردیم. مثالشو ببینین:

Her business was so successful that Mary was able to retire at the age of 50.

کسب و کار مری آن‌قدر موفقیت‌آمیز بود که او توانست در سن ۵۰ سالگی بازنشسته شود.

خب حالا اگه تو همین مثال *so successful* رو بیاریم اول جمله وارونگی انجام شده:

So successful was her business that Mary was able to retire at the age of 50.

خب پس قاعده‌ی دستوریمون این شد که اگه *so adjective / adverb* اول جمله اومد باید وارونگی رخ بده.

د - زمانی که یک جمله شرطی با *should* ساخته شود.

بعضی وقت‌ها تو جملات شرطی به جای *if* از *should* استفاده میشه:

Should you need the information, it will be in the computer.

اگر به اطلاعات نیاز داشتی، آنها در کامپیوتر هستند.

Should you wish to use the internet, there is a code available.

اگر می‌خواهید از اینترنت استفاده کنید، کدی موجود است.

Example 7: to move from a project manager position to a senior project manager, it may be necessary for them to complete some form of project management certification. (دکتری - ۹۶)

- 1) Did a person want
2) Had a person wanted
3) Should a person want
4) A person who wants

پاسخ: گزینه «۳» اگر یک فرد بخواهد از موقعیت مدیر پروژه به موقعیت مدیر ارشد برسد، باید نوعی مدرک و گواهی مدیریت پروژه بگیرد. **توضیح گرامری:** گزینه‌ها رو بررسی می‌کنیم. تو گزینه‌ی (۱) چون *did* اول جمله اومده، جمله ما حالت سوالی گرفته. ولی چون تو صورت سؤال، علامت سؤال نداریم، گزینه‌ی (۱) نادرسته. گزینه‌ی (۲) نادرسته چون *had* اول جمله اومده، یعنی اینکه شرطی نوع سوم داریم. ولی این گزینه نادرسته چون جواب شرط به‌صورت *may be necessary* بیان شده. گزینه‌ی (۳) صحیحه. دقت کنین که *should* تو این طور موارد دقیقاً مثل *if* ترجمه میشه.



ه - بعد از as و than نیز وارونگی رخ می‌دهد که اینجا وارونگی معمولاً اجباری نیست:

as و than رو تو مبحث صفت بررسی کردیم. به مثال زیر دقت کنین:

City dwellers have a higher death rate than country people.

شهرنشینان نسبت به روستائیشان، نرخ مرگ‌ومیر بالاتری دارند.

بعدش تو مبحث گزاره قیدی مقایسه‌ای گفتیم که می‌تونیم اینطوری هم بگیم:

City dwellers have a higher death rate than country people do.

حالا اینجا می‌گیم می‌تونیم وارونگی هم انجام بدیم:

City dwellers have a higher death rate than do country people.

Research shows that parents watch more television than their children.

تحقیق نشان می‌دهد که والدین بیشتر از بچه‌هایشان تلویزیون تماشا می‌کنند.

Research shows that parents watch more television than their children do.

Research shows that parents watch more television than do their children.

گفتیم حتی با as نیز می‌تونیم وارونگی انجام بدیم:

He was very religious, as were his friends.

او مانند دوستانش بسیار مذهبی بود.

He was very religious, as his friends were.

The cake was excellent, as was the coffee.

کیک هم مثل قهوه عالی بود.

The cake was excellent, as the coffee was.

Example 8: The dominant salt in Death Valley is halite, or sodium chloride, but other salts, mostly carbonates and sulfates, also cause prying and wedging, (MBA - سراسری ۹۶)

1) and ordinary ice too

2) and ordinary ice does

3) as does ordinary ice

4) as well as ordinary ice

☒ پاسخ: گزینه «۳» رایج‌ترین نمک موجود دث ولی (دره مرگ)، هالیت یا سدیم کلرید است؛ اما نمک‌های دیگر مثل کربنات و سولفات هم باعث باز شدن و ترک می‌شوند همانطور که یخ معمولی می‌شود.

توضیح گرامری: معلومه دیگه! گزینه‌ی (۳) صحیح و به درستی وارونگی رخ داده.

وارونگی فعل و فاعل: قسمت وارونگی فاعل و فعل کمکی رو بررسی کردیم، حالا نوبت وارونگی فاعل و فعل میشه. همون‌طورکه از اسمش پیداست، تو این نوع وارونگی باید فعل جمله به قبل از فاعل بیاد، البته به شرطی که فعل جمله لازم باشه و نه متعدی و دقت داشته باشید که وارونگی تو این موارد همیشه اجباری نیست. این نوع وارونگی در شرایط زیر اتفاق می‌افته:

بعد از قیود مکان و کلمات زیر (خصوصاً زمانی که ابتدای جمله قرار می‌گیرن):

in the corner of, in front of, under, at the, in, on, among, of, there, here, along, away ...

معمولاً قید مکان آخر جمله میاد. مثال:

I sat on a sofa.

من روی کاناپه نشستم.

On a sofa sat I.

حالا اگه قید مکان (اینجا on a sofa) اول جمله بیاد، فوراً وارونگی انجام بدین.

A mat was under the entrance door. حالت معمول

Under the entrance door was a mat. وارونگی

یک فرش کوچک زیر در ورودی بود.

One of the biggest men I have ever seen was lying under a tree. حالت معمول

Under a tree was lying one of the biggest men I have ever seen. وارونگی

در زیر درخت یکی از بزرگ‌ترین مردانی که من تا به حال دیده‌ام، دراز کشیده بود.

My parents were among those invited. حالت معمول

Among those invited were my parents. وارونگی

والدین من از جمله افراد دعوت شده، بودند.

A table was in the middle of the room on which stood a lamp. حالت معمول

In the middle of the room was a table on which stood a lamp. وارونگی

در وسط خانه‌ام میزی قرار داشت که بر روی آن چراغی قرار گرفته بود.

Example 9: Most of these towns boasted at least one major flat-topped mound on which

(MBA - سراسری ۹۶)

- 1) stood a temple that contained a sacred flame
- 2) a sacred flame in a temple contained and stood
- 3) a temple stood that contained a sacred flame
- 4) there stood a temple with a sacred flame that contained it



پاسخ: گزینه «۱» بیشتر این شهرها حداقل یک پشته و تپه مسطح داشتند که بر روی آن، معبدی با شعله مقدس قرار داشت.

توضیح گرامری: خب گزینه‌ها رو یکی یکی بررسی می‌کنیم، ببینیم کدام جوابه اینجا باید وارونگی فاعل و فعل انجام بشه. پس گزینه‌ی (۱) صحیحه (اصلاً *on which stood/ sat* رو حفظ کنین. الگوی خوبیه). گزینه‌ی (۲) به این دلیل نادرسته که فعل *contain* به معنی حاوی ... بودن، متعدیه، اما بعد از این فعل هیچ مفعولی نیومده. گزینه‌ی (۳) به این دلیل نادرسته که *temple* در اینجا مرجعه و *that contained* گزاره وصفیه. ولی اینجا بین این دو تا فاصله افتاده که این نادرسته.

تست‌های طبقه‌بندی شده فصل سیزدهم

1- Only after I signed the agreement that they had deceived me.

(مدیریت شهری ۹۷)

- 1) I realized
- 2) did I realize
- 3) I would realize
- 4) that I realized

2- the image of patriarchy as violence practiced by men and by male-dominated organizations

against women.

(دکتری ۹۲)

- 1) Central to this analysis is
- 2) Central is the analysis of
- 3) This analysis is central of
- 4) There is central analysis that

3- Deep in the Rio Bec area of Mexico's Yucatan Peninsula

(MBA - سراسری ۹۱)

- 1) a 1,250-year-old pyramid lie
- 2) lies a 1,250-year-old pyramid
- 3) is a 1,250-year-old pyramid lying
- 4) does a 1,250-year-old pyramid lie

4- Not until a monkey is several years old to exhibit signs of independence from its mother.

(MBA - سراسری ۸۷ و ۹۰)

- 1) it begins
- 2) and begin
- 3) beginning
- 4) does it begin

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده فصل سیزدهم

۱- گزینه «۲» تنها بعد از امضا کردن قرارداد، متوجه شدم که من را فریب داده‌اند.

توضیح گرامری: چون جمله ما با *only after* شروع شده، باید وارونگی صورت بگیره. فقط تو گزینه (۲) وارونگی داریم.

۲- گزینه «۱» در مرکز این بررسی تصویری از مردسالاری به عنوان خشونت اعمال شده توسط مردان و ارگان‌های مردسالار بر علیه زنان قرار گرفته است.

توضیح گرامری: هر گاه به صفت شروع کننده به جمله باشه، وارونگی صورت میگیره. پس (۱) صحیحه.

۳- گزینه «۲» در اعماق ناحیه ریوبک در شبه جزیره یوکاتان مکزیک یک هرم ۱۲۵۰ ساله وجود دارد.

توضیح گرامری: هر وقت به صفت اول به جمله بیاد، وارونگی صورت میگیره اونم وارونگی فعل و فاعل. پس گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) نادرستن.

۴- گزینه «۴» تا زمانی که میمون چند ساله نشود، بروز علائم استقلال از مادرش را آغاز نمی‌کند.

توضیح گرامری: *not until* اول جمله اومده، پس باید وارونگی انجام بشه. پس فقط (۴) صحیحه.



مدرسین شریف

فصل چهاردهم

« نکات تکمیلی (Complementary Points) »

نکات تکمیلی رو هم بگیریم و بحث رو تموم کنیم. تو زبان انگلیسی یه سری کلمه هستن که خیلی شبیه به همن ولی به لحاظ کاربردی کاملاً با هم متفاوتن. طراحان سؤال هم میدونن که این کلمات به خاطر شباهت باعث سردرگمی داوطلبان میشه و میان تو سؤالات بعضاً جای این کلمات رو با هم عوض می‌کنن. ما هم تو این بخش می‌خوایم این کلمات رو به شما بگیریم تا اگه سؤالی در این مورد دادن حال طراحان رو بگیریم.

۱- percent و percentage: هر دوتاشون به معنی درصد هستن؛ اما به لحاظ کاربردی با هم فرق دارن. percent همیشه با عدد میاد ولی percentage هیچ وقت با عدد نمیاد. مثلاً اگه بخوایم بگیریم ۱۰ درصد، می‌گیریم 10 percent نه 10 percentage.

15 percent of the population voted.

A high percentage of students.

Example 1: From 1965 to 1988, spending on food in the United States climbed 46 percent. But over that same period, spending on food to be consumed at home-purchased mainly from supermarkets-grew

(MBA - سراسری ۹۶)

1) up to as many as only 20 in percentage

2) only 20 in percentage terms

3) by only 20 percent

4) for as many as 20 percentage

☒ پاسخ: گزینه «۳» از سال ۱۹۶۵ تا سال ۱۹۸۸، مخارج مرتبط با غذا در ایالات متحده، ۴۶ درصد افزایش یافت. اما در همین دوره، مخارج مرتبط با غذای مصرف شده در خانه (که عمدتاً از سوپرمارکت خریداری می‌شد) تنها ۲۰ درصد افزایش یافت.

توضیح گرامری: گفتیم percentage با عدد نمیاد. پس گزینه‌های (۱) و (۲) و (۴) همگی نادرستن.

۲- lie و lay

فعل lie (به معنی دراز کشیدن، افتاده بودن) لازمه و بعدش نباید مفعول بیاد، پس مجهول هم نمیشه:

John lies on his bed for a few minutes after lunch.

جان پس از صرف ناهار به مدت چند دقیقه روی تختش دراز می‌کشد.

این فعل یکی از بی‌قاعدترین فعل‌های انگلیسیه، چون تو هر زمانی (tense) که استفاده بشه شکلش عوض میشه. واسه همین که خیلی مورد توجه طراح سؤالات هستش. حالت‌های مختلفش رو با چند مثال ببینید: حتماً اشکال مختلفش رو حفظ کنید:

lie — ساده → Don't lie in the sun.

جلوی آفتاب دراز نکش.

lay — گذشته → Mary lay on the sofa all yesterday.

مری تمام بعداز ظهر دیروز را بر روی کاناپه دراز کشید.

lain — شکل سوم → The watch had lain unnoticed for several days before I found it.

ساعت، قبل از این که من پیدایش کنم، چندین روز بدون این که کسی متوجه بشود، روی زمین افتاده بود.

lying — شکل استمراری → A man was lying injured in the street after the accident

مردی پس از تصادف، مجروح در خیابان افتاده بود.

فعل lay (به معنی قرار دادن، گذاشتن، دراز کردن، تخم گذاشتن) متعدیه و پس باید بعدش مفعول بیاد و مجهول هم میشه. این فعل هم دقیقاً مثل فعل lie بی‌قاعده است. حالت‌های ساده، گذشته، استمراری ... این فعل به شرح زیرن:

lay — ساده → Don't lay your hand on my shoulder.

دستت را روی شانه من نگذار.

laid — گذشته → Mary laid her son on his bed.

مری پسرش را بر روی تختش دراز کرد.

laid — شکل سوم → The hen has laid six eggs this week.

این مرغ این هفته شش تخم گذاشته است.



Example 2: One type of Australian frog lies up to 25 eggs at a time and then swallows them for protection.

4

1

2

3

(MBA - سراسری ۸۹)

✓ پاسخ: گزینه «۱» یک نوع قورباغه استرالیایی بیش از ۲۵ تخم در هر نوبت می‌گذارد و بعد برای محافظت، آن‌ها را قورت می‌دهد.

توضیح گرامری: 25 eggs تو صورت سؤال مفعوله، پس باید قبلش به فعل متعدی بیاد. اما *lies* تو گزینه (۱) فعل لازمه پس باید اونو به *lays* تبدیل کنیم.

۳- rise و raise

فعل **rise** (به معنی بالا آمدن، افزایش یافتن) لازمه و مفعول نمی‌خورد. اشکال مختلف این فعل به صورت زیر:

rise — ساده → The temperature rises this afternoon. دما این بعد از ظهر افزایش می‌یابد.

rose — گذشته → The sun rose at seven yesterday. دیروز خورشید در ساعت هفت طلوع کرد.

risen — شکل سوم → Prices have risen recently. اخیراً قیمت‌ها افزایش یافته‌اند.

rising — شکل استمراری → The baby's temperature is rising. دمای بدن بچه رو به افزایش است.

فعل **raise** (به معنی بالا بردن، افزایش دادن، مطرح کردن، پرورش دادن) متعدیه و به مفعول نیاز داره. شکل‌های مختلفش در زیر اومده:

raise — ساده → If you have any question, please raise your hand. اگر سؤالی دارید لطفاً دست خود را بالا کنید.

raised — گذشته و شکل سوم → He raised my children. او بچه‌های من را پرورش داد.

raising — شکل استمراری → The new book is raising many interesting questions. این کتاب جدید سؤال‌های جالب زیادی مطرح می‌کند.



Example 3: The value of the dollar declines as the rate of inflation raises

(MBA - سراسری ۹۳)

1

2

3

4

✓ پاسخ: گزینه «۴» ارزش دلار در پی افزایش نرخ تورم کاهش می‌یابد.

توضیح گرامری: بعد از *"raises"* مفعول نیومده پس به جاش باید از *"rises"* استفاده کنیم.

۴- it's و its

its صفت ملکی مفرده و بعدش باید همیشه جراند یا اسم بیاد:

The tree lost its leaves when the wheather became cold. زمانی که هوا سرد شد، درخت برگ‌های خود را از دست داد.

it's شکل مخفف It is هستش و بعدش اسم یا صفت میاد:

It's a nice day. روز خوبی است.



Example 4: As science gets closer to the intersection of biology and creativity, we consider to be the essential qualities that make art unique.

(دکتری ۹۲)

1) its worth to ponder what

2) its worth is to ponder that

3) it's worth pondering what

4) it's worthy pondering that

✓ پاسخ: گزینه «۳» هم‌زمان با این که علم به تلاقی زیست‌شناختی و خلاقیت نزدیک‌تر می‌شود، تفکر درباره‌ی این که چه شاخص‌هایی هنر را منحصر به فرد می‌کنند ارزشمند است.

توضیح گرامری: اول جمله از *as* به عنوان به حرف ربط وابسته‌ساز استفاده شده. بعدش به جمله داریم و بعدش هم *as* می‌شن. پس جای خالی باید با فاعل شروع

شه. تو دو تا گزینه اول *its* صفت ملکیه پس بعدش باید اسم بیاد، ولی *worth* که اسم نیست، صفته (پس گزینه‌های (۱) و (۲) رد می‌شن). ضمناً گفتیم بعد از

be worth جراند میاد پس گزینه‌ی (۳) صحیح و گزینه‌ی (۴) نادرسته.

توجه: *worth* و *worthy* هر دو شون صفتن ولی بعد از *worth* جراند و بعد از *worthy* حرف اضافه *of* میاد.

۵- کاربرد as بعد از افعال زیر: افعالی که به معنی «در نظر گرفتن، نگرستن و ...» هستن کاربرد تقریباً یکسانی دارن. یعنی بعد از این فعل‌ها اول مفعول میاد و به دنبال اون as و یا as being به کار میره. یه سری از این فعل‌ها رو در زیر می‌تونید ببینید:

see	دیدن	view	در نظر گرفتن	identify	شناسایی کردن	accept	پذیرفتن
describe	توصیف کردن	regard	نگریستن	perceive	درک کردن	judge	قضاوت کردن

I see you **as** a kind person.

من شما را فردی مهربان می‌بینم.

His mother **regards** him **as** a genius.

مادرش او را نابغه قلمداد می‌کند.

حتی اگه این فعل‌ها تو جملات مجهول هم بیان، باز هم بعدشون as یا as being میاد:

The aircraft were **identified as** American.

هواپیماها آمریکایی بودند.

After the operation her condition was **described as being** normal.

بعد از عمل وضعیت او عادی توصیف شد.



نکته آزمون: افعال **consider** و **deem** از این قاعده مستثنی هستن و به **as** نیاز ندارن:

The problem is considered serious.

مشکل جدی است.

Example 5: A new sensibility, which viewed animals and wild nature and preserved, replaced the old adversarial relationship. (دکتری ۹۵)

- 1) being respected 2) respected 3) to be respected things 4) as things to be respected

پاسخ: گزینه «۴» مفهوم حساسیت جدید در رابطه با احترام به حیوانات و حفظ طبیعت وحشی جایگزین روابط خصمانه پیشین شده است.

توضیح گرامری: خب جمله رو که بررسی می‌کنیم فعل **view** رو می‌بینیم. ضمناً **animals and wild nature** هم که بعدش اومده نقش مفعول رو داره، پس بعدش باید **as** بیاد. فقط گزینه‌ی (۴) **as** داره، پس همین گزینه صحیحه.

۶- number و amount: از **amount** قبل از اسامی غیرقابل شمارش و از **number** قبل از اسامی قابل شمارش استفاده میشه:

He has a large amount of money.

پول زیادی دارد.

He has a large number of children.

بچه‌های زیادی دارد.

۷- اعداد اصلی و اعداد ترتیبی: اعداد یک، دو، سه ... تو فارسی و one, two, three تو انگلیسی تو دسته اعداد اصلی قرار می‌گیرن و اعداد اولین، دومین ... یا first, second تو دسته اعداد ترتیبی هستن. خب حالا الگوی زیر رو ببینین:

اسم + عدد ترتیبی + the

عدد اصلی + اسم

We left before the beginning of act three.

We left before the beginning of the third act.

ما قبل از شروع پرده‌ی سوم تئاتر، سالن را ترک کردیم.

توضیح: همون‌طور که تو مثال‌های بالا می‌بینین، عدد ترتیبی همیشه باید با **the** بیاد، ولی عدد اصلی با **the** نمیاد. اینو هم دقت کنید که تو مثال اولی که ما به عدد اصلی داریم، اول اسم اومده، بعدش عدد ولی تو دومی اول **the** بعد عدد ترتیبی و بعدش هم اسم اومده.

Example 6: Flight nineteen from Shiraz and Mashhad is now arriving at (MBA - سراسری ۹۳)

- 1) gate two 2) the gate two 3) the two gate 4) second gate

پاسخ: گزینه «۱» پرواز شماره‌ی نوزده شیراز و مشهد هم اکنون به سکوی دو رسید.

توضیح گرامری: تو گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) عدد **two** عدد اصلی و تو گزینه‌ی (۴) عدد **second** عدد ترتیبیه. **two gate** نادرسته و **two gates** درسته (پس (۳) رو می‌ذاریم کنار). گزینه‌ی (۴) هم نادرسته چون **the second gate** درسته. گزینه‌ی (۲) هم نادرسته چون **gate two** درسته.



۸- بیان هدف در زبان انگلیسی: بیان هدف خیلی قاعده مهمیه و سؤالات زیادی ازش اومده. پس خوب حواستون رو جمع کنید و یادش بگیرید. یادتونه تو بخش‌های قبلی یه بحث داشتیم به اسم گزاره قیدی هدف؟ این طوری بود:

He is studying hard so that he can pass his exams.

او به سختی مطالعه می‌کند تا بتواند در امتحاناتش قبول شود.

توضیح: گفتیم تو مثال‌های این طوری، *so that* حرف ربط وابسته‌سازه که اومده دو تا جمله ساده رو به هم وصل کرده. دقت کنین می‌گیم جمله؛ یعنی هر کدوم باید یه فاعل و یه فعل داشته باشه. خب حالا واسه چی به *so that* می‌گیم حرف ربط وابسته‌ساز هدف؟ چون داره هدف رو نشون میده؛ یعنی به این صورت: چرا او به سختی مطالعه می‌کند؟ تا بتواند در امتحاناتش قبول شود.

He borrowed the money so that he could finish his education.

او مقداری پول قرض کرد تا بتواند تحصیلاتش را تمام کند.

حتی گفتیم به جای *so that* می‌تونیم از *in order that* هم استفاده کنیم.

حالا اینجا ما قصد داریم یه راه دیگه واسه بیان هدف رو به شما معرفی کنیم. اونم استفاده از ساختار زیر:

شکل ساده فعل + to

The police have taken new security measures to control the situation.

پلیس برای کنترل وضعیت، اقدامات امنیتی جدیدی اتخاذ کرده است.

توضیح: اول اینکه بهتره بدونین این *to* با اون *to* که تو بحث مصدر خوندیم فرق داره، یه وقت اینا رو با هم قاتی نکنین. دوم، می‌بینین که بعد از *to* باید از شکل ساده فعل استفاده بشه و سوم این که خیلی راحت می‌تونیم بفهمیم جمله ما داره هدف رو نشون میده یعنی به این صورت: پلیس چرا اقدامات امنیتی جدیدی اتخاذ کرده است؟ تا وضعیت را کنترل کند.

Example 7: The tiger heard the splashing, rolled into ambush position, and crouched down in the grass...

(MBA - سراسری ۹۱)

1) to ready itself for the attack.

2) to ready itself and attacked.

3) made itself ready for the attack.

4) readied itself for the attack.

☒ پاسخ: گزینه «۱» ببر صدای آب را شنید، به درون کمین‌گاهش خزید و در علفزار پنهان شد تا خودش را برای حمله آماده کند.

توضیح گرامری: خب چرا ببر خودش رو تو علفزار پنهان کرد؟ تا واسه حمله آماده بشه.

پس براین اساس می‌تونیم بگیم تو اینجا بیان هدف مد نظره. با این حساب به گزینه‌های (۳) و (۴) کاری نداریم. بعدش هم فعل *attack* که آخر گزینه‌ی (۲) اومده متعدیه، پس بعدش باید مفعول بیاد ولی نیومده. پس فقط گزینه‌ی (۱) صحیحه.

تو همه‌ی مثال‌هایی که تا الان با *to + verb* آوردیم، آخر جمله اومده بود. ولی لزوماً همیشه آخر جمله نمیداد، می‌تونه اول جمله یا حتی مستقیماً بعد از فاعل هم بیاد. مثال:

To develop more accurate population forecasts, demographers would have to know a great deal more than they do now about the social and economic determinants of fertility.

جمعیت‌شناسان برای پیش‌بینی دقیق‌تر جمعیت، باید آگاهی خود را درخصوص عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر باروری نسبت به قبل بیشتر کنند.

Demographers, to develop more accurate population forecasts, would have to know a great deal more than they do now about the social and economic determinants of fertility.

حتی می‌تونیم به جای *to* از *in order to* یا *so as to* هم استفاده کنیم:

He got up early in order to have time to pack.

او صبح زود بیدار شد تا برای جمع کردن وسایلش زمان داشته باشد.

Example 8: The glow from an actual black hole is too faint to see, so , physicists have built artificial black holes using quantum mechanical fluids.

(MBA - سراسری ۹۴)

1) they look for evidence

2) evidence to look for

3) evidence is looked for when

4) to look for evidence

☒ پاسخ: گزینه «۴» درخشش ناشی از یک سیاه چاله واقعی آن‌قدر ناچیز است که قابل رؤیت نیست. از این‌رو، فیزیک‌دانان جهت جستجوی شواهد،

با استفاده از سیالات مکانیکی کوانتومی، سیاه‌چاله‌های مصنوعی را ایجاد کرده‌اند.

توضیح گرامری: خب چرا فیزیکدان‌ها سیاه چاله مصنوعی ساختن؟ تا به دنبال شواهد باشن. پس بیان هدف مد نظره؛ پس گزینه‌ی (۴) صحیحه.



۹- بیان سن و سال در انگلیسی: برای بیان سن تو انگلیسی از سه ساختار استفاده می‌شود:

I am 30./ My brother is 30.

be + number - ۱

I am 30 years old. / My father is 60 years old.

be + number + years old - ۲

He is 30 years of age. / She is 16 years of age.

be + number + years of age - ۳

Example 9: Homing pigeons are placed in a training program from about the time they are

(MBA - سراسری ۹۴)

1) twenty-eight days of age

2) twenty-eight days aged

3) aging twenty-eight days

4) as old as are twenty-eight days

✓ پاسخ: گزینه «۱» کبوتران نامه‌بر تقریباً از موقعی که ۲۸ روز سن دارند، تحت آموزش قرار می‌گیرند.

توضیح گرامری: گزینه‌ی (۱) از الگوی سوم استفاده کرده و صحیح‌ه.

تست‌های طبقه‌بندی‌شده فصل چهاردهم

1- In contrast to instinct theories, social learning theories view aggression

(مدیریت شهری ۹۷)

1) behavior as to learn

2) to learn behavior

3) for behavior learned

4) as a learned behavior

2- People are eager to accept incontrovertible what is as printed, assuming quite without foundation

1

2

that anything printed has bona fide antecedents.

3

4

(MBA - سراسری ۹۵)

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی‌شده فصل چهاردهم

۱- گزینه «۴» برعکس تئوری‌های غریزه، تئوری‌های یادگیری اجتماعی، تهاجم و خشونت را نوعی رفتار آموخته شده می‌بینند.

توضیح گرامری: خب فعل‌هایی که به معنی در نظر گرفتن، پنداشتن و مواردی از این قبیل هستن همشون کاربرد مشابهی دارند؛ یعنی به صورت زیر:

View / regard sth as sth

The law should be viewed as a way of meeting certain social goals.

طبق الگوی بالا، بعد این فعلا باید اول مفعول بیاد بعدش as و ادامه جمله. با این حساب فقط (۴) صحیح‌ه چون داریم:

... view aggression as a learned

۲- گزینه «۱» مردم به پذیرش بی‌چون و چرای چیزی که چاپ شده مشتاق‌اند و کاملاً بی‌اساس فرض می‌کنند که هر آنچه که چاپ‌شده است،

سوابق درستی دارد.

Accept/view sth as sth

توضیح گرامری: کاربرد view, regard, accept و ... به شرح مقابل است:

بنابراین باید گزینه (۱)، به accept what is printed as incontrovertible تغییر کنه.